روز عرفه، روز نیایش، و عید سعید قربان، موعد و میعاد سبز سر سپردن در مسلخ عشق، هنگامهٔ تسلیم و رضا در ساحت مشیّت حضرت دوست، لحظهٔ به تماشا نشستن اوج و اعتلای بندگی و دلدادگی، بر همهٔ مسلمانان مبارک باد

وزیر اقتصاد: پس از رفع تحریم‌ها ارز را تک نرخی خواهیم کرد

* کاهش درآمدهای نفتی، بودجه کشور را زیر فشار قرار داده است
* نرخ ارز مبادله ای و آزاد فاصله محدودی دارد و نزدیک به ارز تک نرخی است

صفحه ۴

اطلاعات

سازمان ملل: ۴۰۰ کودک در حملات وحشیانه ائتلاف عربی به یمن کشته شده‌اند

* در حملات ائتلاف عربی به یمن، ۶۰۰ کودک نیز زخمی شده‌اند
* وزارت بهداشت یمن: در ۴ روز اخیر ۲۳۶ نفر در حملات وحشیانه ائتلاف عربی کشته شدند

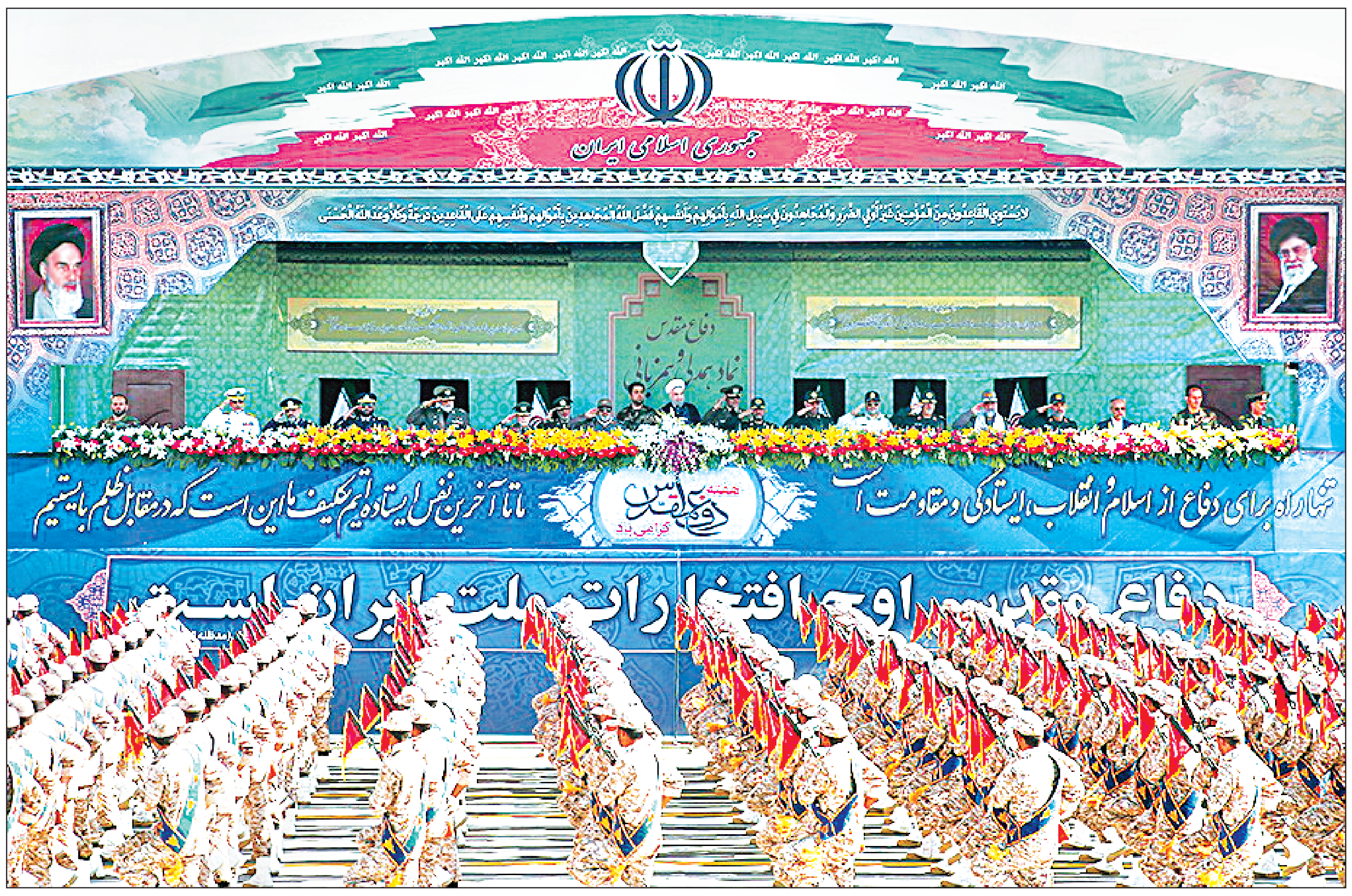
صفحه ۱۶

چهارشنبه یکم مهر ۱۳۹۴ – ۹ ذیحجه ۱۴۳۶ – ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۵ – سال نودم – شماره ۲۶۲۶۱ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

رئیس جمهوری در رژه آغاز دفاع مقدس:

ایران بزرگترین و قوی ترین نیروی نظامی ضد تروریستی منطقه را دارد

* با عبور از تمامی مشکلات، ایرانی آبادتر خواهیم ساخت
* دفاع مقدس، ملت ایران را به یک ملت منسجم و مقاوم در برابر متجاوزان و بیگانگان تبدیل کرد
* ما به ارتش، سپاه، بسیج و نیروی انتظامی و ملت بزرگ و رهبر شجاع خود افتخار می‌کنیم
* ما ملتی منسجم هستیم و دست در دست هم، از تمامی مشکلات عبور می‌کنیم و ایرانی آبادتر و سرزنده‌تر خواهیم ساخت
* قصد تجاوز به هیچ کشوری را نداریم، اما به خوبی از سرزمین و کشور خود دفاع خواهیم کرد
* ملت‌های منطقه می‌دانند فقط نیروهای مسلح ایران هستند که می‌توانند تروریست‌ها را قلع و قمع کنند
* این ملت، رهبری با درایت و شجاع و دولتی برآمده از آراء خود ملت و دیپلمات‌هایی کارکشته، خلاق و با شهامت دارد که می‌توانند در برابر ۶ قدرت بزرگ دنیا پای میز مذاکره بنشینند و از تمامی حقوق ملت به خوبی دفاع کنند



دکتر روحانی در مراسم افتتاح بزرگترین خط مترو خاورمیانه:

نباید جلب رضایت مردم را فقط برای کسب آراء بخواهیم

* ما یک بار «در جنگ» و یک بار «بر جنگ» پیروز شدیم
* دولت در توسعه مترو کلانشهرها از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند
* قالیباف: اگر اعتبارات فاینانس تزریق شود، ظرفیت مترو را در شش ماهه نخست سال ۹۶ به ۱۰ میلیون نفر می‌رسانیم

صفحه ۲

جایزه بزرگ صلح به حسن روحانی تعلق گرفت

* سومین جشنواره «هنر برای صلح» با اهدای چهار نشان صلح به ۴ شخصیت فرهنگی سیاسی و اجتماعی پایان یافت
* نشان عالی صلح به جلال ستاری، اسطوره‌شناس، علیرضا مشایخی، آهنگساز پیشکسوت، سعیده قدس نویسنده و نیکوکار و دکتر حسن روحانی برای گسترش فرهنگ گفتگو اعطا شد

اختتامیه سومین جشنواره «هنر برای صلح» با اهدای چهار نشان صلح به چهار شخصیت فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی به کار خود پایان داد.

به گزارش هنرآنلاین، آیین اختتامیه سومین جشنواره بزرگ «هنر برای صلح»، عصر دوشنبه ۳۰ شهریور در سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران برگزار شد.

در این مراسم علی مرادخانی در سخنانی درباره صلح گفت: برگزاری چنین نمایشگاهی کار دشواری است زیرا مورد داوری قرار می گیرد و درون هریک از بخش‌های آن باید نکته‌ای مفید وجود داشته باشد. این روزها صحبت کردن از صلح آسان است و هر کسی امکان این کار را دارد اما آنچه امروز بشر در همه جای دنیا به آن نیاز دارد اندیشیدن و کار کردن درباره صلح است.

وی ادامه داد: هنر بخشی از آرزوی انسان را در دنیایی متفاوت تجلی می‌بخشد و در حقیقت بخشی از آن چیزی است که بشر همیشه به دنبال آن می گردد. فرهنگسرای نیاوران در برگزاری این جشنواره خوب عمل کرده است و چنین رویکردی باید در برنامه‌های ما وجود داشته باشد و همواره برای پرداختن به آن همت گماریم.

بقیه در صفحه ۳

مولاوردی: شأن حجاب را تا حد کمربند ایمنی پایین نیاورید

* معاون رئیس جمهوری در امور زنان: نباید اشتباهات گذشته را تکرار کنیم و با جریمه نقدی بخواهیم حجاب و عفاف را ترویج کنیم
* طرح صیانت از عفاف و حجاب بدون پشتوانه تحقیقاتی است

صفحه ۲

آمانو: در پرونده هسته‌ای ایران پیشرفت فراوان به دست آمده است

* مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: در هفته‌های آینده طبق نقشه راه، با ایران گفتگو خواهیم داشت
* به نمایندگان دولت ایران اجازه داده شد تا برخی کارهای مربوط به راستی آزمایی را برای آژانس برعهده بگیرند
* راستی آزمایی در مورد پارچین، به روش‌هایی که با استانداردهای پادمان هماهنگ است، انجام شد

صفحه ۲

محک

یک بار دیگر سوریه موضوع روز!

صفحه ۲

یادداشت

شیوه مدیریتی شهید بابایی

مهدی نوروزی

صفحه ۳



گزارش

درسی به نام آموزش‌های ترافیکی در مدارس

صفحه ۵



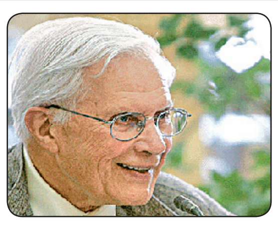
ایران شناسی

اندرزنامه‌های کهن ایرانی

پروفسور هانری فوشه کور

ترجمه محمد علی امیرمعزی

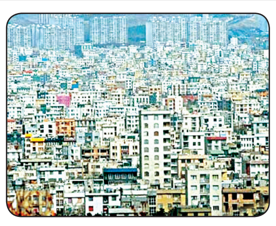
صفحه ۶



اقتصادی

بازار مسکن در انتظار خانه های خالی

صفحه ۷





ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

محک
خوش بود گر محک تجربه آید بمیان
ابوالقاسم قاسم‌زاده

یک‌بار دیگر سوریه موضوع روز!

دیدار سیاسی جان‌کری وزیر خارجه آمریکا از انگلیس و گفتار او در کنار وزیر خارجه انگلیس درباره سوریه در صدر اخبار رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته است.

وزیر خارجه آمریکا گفت، همه ما می‌دانیم که بحران در سوریه راه‌حل نظامی ندارد و باید برای انجام راه‌حل سیاسی بر اساس مذاکره تلاش کنیم. ایران و روسیه باید اسد و دولت سوریه را به میز مذاکره بخوانند. سرنگونی بشاراسد آن‌هم به‌صورت فوری دیگر در دستور کار آمریکا قرار ندارد، هرچند در پایان اجرایی راه‌حل سیاسی و در مسیر نهایی می‌تواند چنین امری تحقق یابد.

این گفته‌های وزیر خارجه آمریکا را اغلب محافل سیاسی و رسانه‌های غربی، تغییر استراتژی سیاسی دولت اوباما درباره سوریه که در گذشته اصرار می‌کرد بدون کنار گذاشتن اسد، هیچ راه‌حلی برای پایان بخشیدن به بحران سوریه متصور نیست، دانستند. در اغلب رسانه‌ها تحلیلگران سیاسی آن را عقب‌نشینی از مواضع گذشته آمریکا درباره سوریه خوانده‌اند. مواضع جدید آمریکا در زمانی اعلام شد که در هفته‌های اخیر، اخبار حمایت‌های نظامی مسکو از بشاراسد انتشار یافت. پوتین گفت، نخواهد گذاشت تا با سقوط دولت رسمی سوریه، فاجعه بزرگ‌تری در این کشور شکل بگیرد و برای بسیاری از کشورها در خاورمیانه رقم زده شود. خط هوایی نظامی مسکو دمشق فعال و خبر ساز شد. چندبار دو وزیر خارجه آمریکا و روسیه به‌صورت تلفنی با یکدیگر گفتگو کردند و سرانجام وزراء دفاع دو کشور برای بررسی چنین شرایطی با یکدیگر دیدار و گفتگو داشتند. «پوتین» معتقد است که دولت آمریکا بر اساس برداشت‌های غلط با حمایت همراهان خود در بحران سوریه، نه‌تنها جنگ را ادامه‌دار کرده‌اند، بلکه به تروریسم وسعت تشکیلاتی برای افزایش بحران در سوریه بخشیده‌اند.

روسیه همچون آمریکا بر این باور است که بحران سوریه راه‌حل نظامی ندارد و باید با پذیرش طرح‌های سیاسی در مسیر مذاکره برای پایان بخشیدن به بحران تلاش و اقدام کرد.

دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص بعد از توافق هسته‌ای، درباره بحران‌ها در خاورمیانه و علی‌الخصوص در سوریه فعال شده است. ایران در مرحله شعار یافتن راه حل سیاسی برای سوریه نمانده است و طرح چهار ماده‌ای صلح را به آمریکا، روسیه و طرف‌های درگیر در جنگ سوریه پیشنهاد داده است. سیاست تهران و مسکو درباره بشاراسد و دولت رسمی سوریه مشترک است و قاطعانه سیاست تغییر رژیم کاخ سفید آنهم از طریق جنگ و یا مشروط‌سازی هرگونه مذاکره به برکناری اسد را رد می‌کنند. تهران و مسکو کپی‌سازی تغییر رژیم در عراق از سوی آمریکا برای سوریه را غیر قابل قبول و فاجعه‌بار می‌دانند.

اکنون جان‌کری وزیر خارجه آمریکا در انگلیس اعلام کرده است، چنین شرطی را دیگر دولت آمریکا در دستور کار خود ندارد و نمی‌خواهد اسد فوری و قبل از هرگونه مذاکره سیاسی سرنگون گردد. با این اعلام نظر جدید آمریکا، به‌نظر می‌رسد سه کشور ایران، روسیه و آمریکا وارد فاز هماهنگی سیاسی درباره بحران سوریه شده‌اند. پرسش این است که آیا چنین اشتراک مواضعی، جواب اجرایی برای کلید خوردن راه‌حل سیاسی خواهد داد؟ و یا چند هفته دیگر، شاهد چرخش گسترده‌تر جنگ در سوریه خواهیم شد؟

واقعیت این است که زنگ خطر فاجعه جنگ در سوریه بعد از گذشت بیش از چهارسال به دیوار شهرهای اروپایی رسیده است. اروپا نمی‌داند با امواج انسانی آوارگان جنگی از سوریه که آنها را «پناه‌جویان» می‌خواند، چه کند! بعد از چهارسال، بیش از دویست‌هزار نفر کشته و از هر دو نفر یکنفر آواره جنگی از شهروندان سوریه، تخریب کامل زیرساخت‌های این کشور و ویرانی فاجعه‌بار، حاصل جنگ سوریه شده است. انواع و اقسام گروه‌های تکفیری و تروریست با نام‌ها و نشان‌های گوناگون از امتداد این جنگ سربرآورده‌اند و همه را تهدید به مرگ می‌کنند. مراکز امنیتی کشورهای اروپایی می‌گویند، بیش از ۵ هزار نفر از جوانان اروپایی جذب تشکیلات تروریستی داعش شده‌اند! و هنوز به‌طور دقیق نمی‌دانند چه تعداد دیگری از طریق ترکیه راهی سوریه و قرار گرفتن در تشکل‌های تروریستی می‌شوند. در آمریکا چند بار مسئولین امنیتی هشدار داده‌اند که داعش در این کشور اقدام به سازمان‌دهی ارتش مخفی تروریستی کرده است.

این اخبار و نشانه‌های دیگر گویای عبور سونامی بحران تروریسم از خاورمیانه به غرب (اروپا و آمریکا) است و تا دیرتر نشده باید چاره‌اندیشی کنند. دولت روسیه اطلاع می‌دهد که بیش از ۴ هزار نفر از مخالفان دولت و از منطقه قفقاز شمالی، جذب تشکیلات داعش شده‌اند. از سوی دیگر در مسکو، واشنگتن و تهران این باور مشترک وجود دارد که با سقوط فوری بشار اسد، آنهم از طریق جنگ، انتقام‌گیری فاجعه‌باری تا حد نسل‌کشی، مشابه آنچه که در بوسنی گذشت، رخ خواهد داد. این داده‌ها از بحران سوریه در حالی که جنگ را در این کشور پیچیده کرده است، دورنمای فاجعه‌بارتری را برای قدرت‌های بین‌المللی ترسیم می‌کند و همه را وا داشته تا به دنبال یافتن راه حل سیاسی برای بحران سوریه باشند. جنگ سوریه دیوار بی‌اعتمادی مسکو و واشنگتن را بلندتر کرده و اتحادیه اروپا نیز در منجلاب این بحران و بی‌اعتمادی گرفتار شده است.

بی‌اعتمادی طرفین درگیر در جنگ سوریه از داخل و خارج چنان است که هنوز روزنه امید به آینده و پایان جنگ بسیار ضعیف است و بدبینی دستیابی به صلح همچنان ادامه دارد.

رئیس جمهوری:ایران بزرگترین و قوی ترین نیروی نظامی ضدتروریستی منطقه را دارد

رئیس جمهوری در مراسم رژه نیروهای مسلح در آغاز هفته دفاع مقدس، با تاکید بر این که دفاع مقدس، ملت ساز بود گفت: دفاع مقدس ملت ایران را به یک ملت منسجم و مقاوم در برابر متجاوزان و بیگانگان تبدیل کرد.ما به ارتش، سپاه، بسیج و نیروی انتظامی‌و ملت بزرگ و رهبر شجاع خود افتخار می‌کنیم. ما ملتی منسجم هستیم و دست در دست هم، از تمامی‌مشکلات عبور می‌کنیم و ایرانی آبادتر و سرزنده تر خواهیم ساخت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در این مراسم که دیروز در جوار مرقد حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی‌برگزار شد، با اشاره به این که پرافتخارترین دفاع ایرانیان از سرزمین خود در دفاع مقدس ۸ ساله تحقق یافت، اظهارداشت:قصدتجاوزبه هیچ کشوری رانداریم،امابه خوبی ازسرزمین وکشورخوددفاع خواهیم کرد.

رئیس جمهوری با اشاره به این که نیروهای مسلح ما مظلومانه از کشور دفاع کردند، گفت: این فرماندهی کل نیروهای‌مسلح‌جمهوری‌اسلامی‌ایران است که همه ما به درایت، شجاعت و ایمانش افتخار می‌کنیم و این فرماندهی و این ایمان،میهن دوستی و ملت بزرگ و پرافتخار، توانست دفاعی را بیافرینند که به حق دفاع مقدس شد.

روحانی همچنین بر ضرورت مبارزه با تروریسم در منطقه اشاره کرد و افزود: امروز نیروهای مسلح ایران بزرگترین و قدرتمندترین نیروهای منطقه در برابر تروریسم هستند.

رئیس دولت تدبیر و امید گفت: ایران همان گونه که به درخواست برخی کشورها، آنان را درمبارزه با تروریسم یاری کرد، اگر خدای ناکرده در کشورهای دیگری هم تروریست‌ها بخواهند جولان دهند، به آنها در برابر تروریست‌ها کمک خواهد کرد و ملت‌های منطقه می‌دانند که نمی‌توانند در مبارزه با تروریسم به غربی‌ها امیدی داشته باشند و فقط نیروهای مسلح ایران هستند که می‌توانند تروریست‌ها را قلع و قمع کنند.

رئیس جمهوری ۳۱ شهریور هر سال را پس از سال ۱۳۵۹ همواره روزی پرافتخار برای نیروهای مسلح و ملت ایران معرفی کرد و گفت: بیگانگان فکر می‌کردند در شرایط آغاز انقلاب اسلامی‌که از دید آنها مصادف با تضعیف حاکمیت،حکومت ونیروهای مسلح ایران بود، می‌توانند رویاهایی را که از سال‌ها پیش در ذهن می‌پروراندند، محقق کنند

رئیس دولت یازدهم افزود: ملت ایران به رغم تمامی‌دشواری‌ها، در سایه انقلاب زنده‌تر و آماده‌تر از هر زمان دیگری بود و با تحمیل جنگ، این ملت سرزنده‌تر از قبل هم شد.

رئیس شورای عالی امنیت ملی با بیان این که دفاع مقدس ۸ ساله تاریخ‌ساز شد و برای همه درس آموز بود، گفت: جنگ تحمیلی به رغم تمامی‌مشکلات و خسارت‌هایش، آثار گرانبهایی هم داشت و نخستین آثارش این بود که دفاع مقدس برای ما ملت ساز شد و ملت ایران در جریان این دفاع مقدس تبدیل به ملتی منسجم، مقاوم و قوی در برابر متجاوزان و بیگانگان شد.

رئیس جمهوری ادامه داد: برخی فکر می‌کردند فقط باید با سرنیزه ملت سازی کرد و برای این طرز تفکر خود از تاریخ مثال می‌آوردند، اما دردوران پس ازانقلاب اسلامی، دیدیم قدرت بزرگی که توانست ملتی متحد و منسجم بسازد، ایستادگی، مقاومت و دفاع در برابر متجاوزان بود و در دفاع مقدس شاهد بودیم که تمامی‌اقوام و مذاهب یکپارچه و در کنار هم و در صفی واحد، در برابر دشمن ایستادگی کردند.

روحانی گفت: ارتش میهنی ملی، اسلامی‌و مکتبی که در منطقه بی‌نظیر است و سپاه پرافتخاری که از دل انقلاب و مردم مؤمن این سرزمین سر برآورد، مایه افتخار این کشور هستند.

جوانان برومند و انقلابی این سرزمین بدون آن که دوره‌های پرطمطراق نظامی‌را گذرانده باشند، با ایمان و ابتکار، به مراتب بهتر و بالاتر از کسانی حماسه آفریدند که سالیان دراز دوره‌های متعدد نظامی‌را گذرانده بودند.

وی اظهار داشت: دشمنی که در ماه نخست تجاوز پیشروی‌هایی داشت، با سد محکمی‌از مدافعان ایرانی مواجه شد که پس از همان ماه نخستین عملیات تهاجمی‌را طراحی کرده و به قلب دشمن تاختند و در همان سال نخست دفاع مقدس،نخستین حمله بزرگ را در عمل به فرمان امام راحل به اجرا درآورده و حصر آبادان را شکستند این ایمان قوی بود که همت‌ها، خرازی‌ها، باکری‌ها، زین‌الدین‌ها، صیادها، بابایی‌ها، ستاری‌ها و شیرودی‌ها ساخت.

روحانی گفت: ملتی بزرگ که نیروهای مسلح، مؤمن، باکفایت، دلیر و یکپارچه در کنار خود دارد، ملتی منسجم، مقتدر و مقاوم در برابر فشارها و تحریم‌هاست. این ملت، رهبری با درایت و شجاع و دولتی برآمده از آراء خود ملت و دیپلمات‌هایی کارکشته، خلاق و باشهامت دارد که می‌توانند در برابر ۶ قدرت بزرگ دنیا پای میز مذاکره بنشینند و از تمامی‌حقوق ملت به خوبی دفاع کنند.

رئیس جمهوری با اشاره به موضوع هسته ای ایران گفت: ملت ایران در سایه وحدت و انسجام و تحت راهبری رهبری بزرگ و شجاع و با تکیه بر ایستادگی خود توانست در حالی که ۶ قدرت بزرگ اصرار داشتند که در تمامی‌ایران بیش از ۱۰۰ سانتریفیوژ فعال نباشد، امروز ۶۰ برابر آن یعنی بیش از ۶۰۰۰ سانتریفیوژ فعال داشته باشد و در حالی که دشمنان می‌گفتند در فردو نباید حتی یک سانتریفیوژ باقی بماند،امروز ۱۰۰۰ برابر آن تعداد سانتریفیوژ در فردو باقی می‌ماند و باز هم در حالی که ۶ قدرت بزرگ می‌گفتند که رآکتور آب سنگین اراک باید برچیده شود، امروز موافقت کردند تا با مشارکت خودشان رآکتوری مدرنتر در اراک ساخته شود و این توفیقات فقط در سایه ملتی بزرگ، نیروهای مسلح قوی، دیپلمات‌های خلاق و لایق و هدایت‌های رهبر با درایت انقلاب اسلامی‌حاصل شد.

در پایان سخنرانی رئیس جمهوری، یگان‌های مختلف نیروهای سه‌گانه ارتش، سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی‌از برابر جایگاه و در حضور دکتر روحانی رژه رفتند.

نباید جلب رضایت مردم را فقط برای کسب آراء بخواهیم

رئیس‌جمهوری از آلودگی هوا، آب و خاک به عنوان یکی از منکرات بسیار خطرناک یاد کرد و گفت: یکی از معروف‌ها، سالم سازی هوا و محیط زیست است و مترو نقش عمده‌ای در حفاظت از محیط زیست دارد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در مراسم بهره برداری از نیمه شمالی



خط ۳ متروی تهران، با بیان این که تلاش برای جلب رضایت و خوشحالی مردم، ادای دین به انقلاب است و موجب رضایت خداوند می‌شود، تاکید کرد: باید دست به دست هم، مترو را در کلان شهرهای کشور توسعه بدهیم و دولت دراین زمینه، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند.

وی افزود: از جمله سریعترین، باصرفه ترین و عادلانه ترین راه برای حمل و نقل شهری در کلان شهرها، مترو و توسعه آن از اهمیت بسزایی برخوردار است.

رئیس‌جمهوری با تقدیر از کارگران، مهندسان و دست‌اندرکاران‌این پروژه، گفت: مترو فقط حمل و نقل نیست، بلکه صنعت، تکنولوژی و اشتغال به دنبال دارد و مصمم هستیم آن را توسعه دهیم. باید دست به دست هم مترو را در کلانشهرها توسعه دهیم.

روحانی در ادامه به تاریخچه ساخت مترو در کشورمان اشاره کرد و اظهار داشت: موضوع ساخت مترو در تهران از دوران مجلس دوم در سال ۶۳ آغاز شد، در آن زمان به عنوان نماینده تهران در جلسات تصمیم‌گیری درباره ساخت مترو در تهران حضور داشتم و آن را پیگیری می‌کردیم و امروز گام‌های بسیار خوبی دراین بخش برداشته شده است.

رئیس‌جمهوری یادآور شد: مترو مسیری درست و پایدار برای حمل و نقل محسوب می‌شود، البته‌این بدان معنا نیست که روی سطح زمین در حوزه حمل و نقل اقداماتی اساسی انجام نگیرد.

روحانی نقش مترو در کاهش آلودگی هوا را حائز اهمیت دانست و اظهارداشت: امروز یکی از معضلات بسیار بزرگ کشورمان مسأله آلودگی محیط زیست است که در این میان مترو نقش عمده‌ای در حفاظت از محیط زیست دارد.

رئیس‌جمهوری گفت: می‌توان از ظرفیت مترو برای ترویج سبک زندگی سالم استفاده کرد و همه دستگاه‌ها باید دراین زمینه همکاری و تلاش کنند ضمن‌این که‌ایستگاه‌های مترو هم باید معرف‌معماری‌ایرانی – اسلامی‌باشندوایستگاه‌های مختلف را می‌توان بااین نوع معماری تزئین کرد. همچنین بایدکتابخوانی در قطارهای مترو ترویج شود.

رئیس‌جمهوری همچنین با تاکید براین که باید تلاش کنیم همواره در فعالیت‌های خود رضایت مردم را جلب کنیم، افزود: در غرب رضایت مردم برای قدرت یافتن افراد است، آنها می‌گویند مردم را راضی کنیم که هنگام انتخابات به ما رای بدهند اما در اسلام گرچه اشکال ندارد و حرام نیست، اما ما رضایت مردم را آن هم نه به خاطر جلب آرای آنها می‌خواهیم، چرا که رضایت مردم موجب رضایت خدا است و چنانچه آنها را خوشحال کنیم خالق آنها را خوشحال کرده‌ایم.

روحانی سپس به تجربیات متخصصان کشورمان در بخش مترو اشاره کرد و گفت: امروز می‌توانیم صادرات خدمات فنی و مهندسی در زمینه اجرای پروژه مترو داشته باشیم واین کار شدنی است چرا که ملت بزرگ‌ایران در همه صحنه‌ها با ایستادگی و مقاومت خود حماسه‌های بزرگی آفریده است.

رئیس‌جمهوری همچنین در بخشی از صحبت‌های خود با انتقاد از تراکم فروشی در پایتخت، اظهار داشت: چنانچه مقداری‌این مسأله مراعات شود، شهری تمیز و زیباتر خواهیم داشت.

حق خود را گرفتیم

رئیس‌جمهوری دربخش دیگری از سخنانش، به موضوع توافق هسته‌ای و کار بزرگی که به‌این واسطه انجام شده است اشاره کرد و اظهار داشت: ما در جریان جلسات و مذاکرات با ۱+۵،حق خود را گرفتیم و بی‌تردید مذاکرات هسته‌ای کشورمان از مذاکرات افتخارآمیز تاریخ‌ایران است و امروز در دنیا حتی یک کشور هم وجود ندارد که بتواند ادعا کند دراین مذاکرات‌ایران با قوت حضور پیدا نکرده است.

رئیس‌جمهوری گفت: نخستین قطعنامه‌های سازمان ملل در ۷۰ سال پیش درباره‌ایران بود و در آن بر خروج نیروهای خارجی درایران تأکید شده بود و امسال در هفتادمین سال تاسیس سازمان ملل هم قطعنامه نسبتاً خوب ۲۲۳۱ برای‌ایران صادر و به واسطه آن ۶ قطعنامه ظالمانه قبلی لغو شد، نکته اساسی‌این است که دراین قطعنامه، همه حقوق هسته‌ای و حق غنی‌سازی ملت‌ایران به رسمیت شناخته شد

روحانی با بیان‌این که دولت خود را نماینده و خادم مردم می‌داند، تاکید کرد: دولت هر چه دارد بخاطر آراء و پشتیبانی‌های مردم است و ملت بزرگ‌ایران بودند که باایستادگی و مقاومت خود توانستند دراین مذاکرات نظرات خود را با منطق و استدلال به کرسی بنشانند.

رئیس‌جمهوری با بیان‌این که ما یکبار «در جنگ» و یک بار «بر جنگ» پیروز شدیم، اظهار داشت: در دوران دفاع مقدس در جنگ پیروز و در مذاکرات بر جنگ پیروز شدیم و جلوی روندی را که ادامه آن به جنگ می‌انجامید، گرفتیم.

روحانی همچنین در حاشیه‌این مراسم که با حضور دکتر نهاوندیان رئیس دفتر رئیس‌جمهوری، رحمانی فضلی وزیر کشور و حجت الاسلام والمسلمین پورمحمدی‌وزیر دادگستری‌وهمچنین چمران رئیس شورای شهر تهران و جمعی از اعضای این شورا از جمله مسجد جامعی، دانشور، حقانی، برگزار شد، با اشاره به اهمیت مترو در بهبود حمل و نقل در کلانشهرها، گفت: خیابان‌ها و بزرگراه‌های تهران گنجایش محدودی دارند و مترو سریع‌ترین و بهترین مسیر برای رسیدن به مقصد است.

دولت مترو را سریع‌ترین و بهترین مسیر حمل و نقل در تهران می‌داند و مصمم است آن را توسعه دهد.

رئیس‌جمهوری در پایان مراسم، مسیرایستگاه قائم تا نوبنیاد را با مترو طی کرد و هنگام خروج ازایستگاه نوبنیاد، با استقبال گرم و پرشور مردم مواجه شد.

پول،مترو را نمی‌سازد

دکتر محمدباقر قالیباف شهردار تهران هم در این مراسم با تشکر از کارگران، مهندسان و طراحان مترو،گفت: پول، مترو و تونل نمی‌سازد بلکه عشق و غیرت زمینه‌ساز ساخت مترو است.

وی در ادامه با بیان‌این که در کشورهای غربی مردم فقط ۳۰ درصد هزینه‌های حمل و نقل را پرداخت می‌کنند و مابقی را دولت و شهرداری‌ها بر عهده دارند، افزود: حمل و نقل عمومی‌فقط رفت‌وآمد نیست؛ بلکه موجب آسایش، حفظ محیط زیست و علاوه برایجاد آسایش روانی در زمان بحران، بهترین مکان برای پناه‌گیری است.

شهردار تهران با بیان‌این که شهرداری تهران توسعه حمل و نقل عمومی‌را در اولویت خود قرار داده است، تاکید کرد: حداکثر ۶۲ درصد از بودجه توسعه‌ای مترو متمرکز بر توسعه حمل و نقل است و ما قول می‌دهیم اگر یک همراهی خوبی باشد، بتوانیم حمل و نقل عمومی‌را بیش از گذشته توسعه دهیم.

قالیباف با بیان‌این که در بودجه سال ۹۳، ۲۷۰ میلیارد تومان برای شهرداری تهران اعتبار در نظر گرفته شد که فقط ۱۰۹ میلیارد تومان آن پرداخت شد، یادآور شد:این در حالی است که ساخت یک کیلومتر مترو ۱۵۰میلیارد تومان هزینه دارد، اما مشکلات دولت را درک می‌کنیم و نمی‌خواهیم دولت را تحت فشار قرار دهیم هرچند که به ما گفته‌اند که از دولت مطالبه‌گری کنید اما مطالبه هم باید منطق داشته باشد و ما نیز مشکلات دولت را درک می‌کنیم.

وی خطاب به رئیس‌جمهوری با بیان‌این که مترو تهران را بدون کسر بودجه و استفاده از اعتبار پروژه‌ای دیگر پیش بردیم، افزود: برای حل مشکلات توسعه حمل و نقل تهران رایزنی‌هایی را با وزرا انجام داده‌ایم و انصافا وزیر نفت هم کمک‌های خوبی به ما داشته‌اند اما در اکنون‌این اتفاق نیازمند تصمیم‌گیری شخص شما دارد و قول می‌دهم اگر اعتبارات فاینانس تزریق شود، ظرفیت مترو را در شش ماهه نخست سال ۹۶ به ۱۰ میلیون نفر برسانیم.

شهردار تهران با بیان‌این که اگر دولت به هر دلیلی و خدای ناکرده موفق نشود، مردم، انقلاب و خود دولت آسیب می‌بینند، یادآور شد: شهرداری تهران با همه وجود برای موفقیت دولت تلاش می‌کند و در کنار دولت است.

بنا به این گزارش، با افتتاح نیمه شمالی خط سه مترو تهران به طول ۱۸ کیلومتر(حدفاصل ایستگاه شهید بهشتی تا ایستگاه مترو قائم در شمال شرقی تهران)، طولانی ترین خط مترو خاورمیانه به طول ۳۷ کیلومتر تکمیل شد.

این خط از ابتدای خیابان آیت‌الله شهید سعیدی آغاز می‌شود و با صرف هزینه ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومانی، به سرانجام رسیده است.

آمانو: در پرونده هسته‌ای ایران پیشرفت فراوان به دست آمده است

یوکیا آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی(IAEA) با انتشار بیانیه‌ای، تاکید کرد که در اجرای نقشه راه برای حل و فصل مسائل باقی مانده از برنامه هسته‌ای‌ایران، پیشرفتی چشمگیر به دست آمده است.

وی با اشاره به‌این که به شورای حکام درباره سفر اخیرش به‌ایران گزارش داده ا ست افزود: من به شورای حکام گفتم که پیشرفت‌های فراوانی در اجرای نقشه راه به دست آمده است.همچنین گزارشی از بازدیدم از بخشی از پارچین دادم که بارها گفته بودم برای شفاف سازی مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای‌ایران ضروری است.

«واریورانتا» معاون مدیرکل (آژانس) و من، روز یکشنبه به آن بخش رفتیم.این نخستین باری بوده است که آژانس ازاین بخش بازدید به عمل آورد. ما وارد ساختمانی شدیم که آژانس پیش ازاین، تنها از طریق تصاویر ماهواره‌ای، آن را رصد می‌کرد.

اکنون کارشناسان ما، اطلاعات یادشده را تجزیه و تحلیل خواهند کرد و ما در هفته‌های آینده، طبق نقشه راه، باایران بحث و گفتگو خواهیم داشت.

امانوافزود:پیش از بازدید ما، برخی فعالیت‌های پادمان، از جمله نمونه برداری از محیط توسط IAEA در محل انجام شده بود. نمونه برداری، فرآیندی پیچیده است. با تجربه‌ای که آژانس به دست آورده است، به نمایندگان دولت‌ایران اجازه داده شد تا برخی کارهای مربوط به راستی آزمایی برای آژانس برعهده بگیرند.این اقدام به شیوه‌ای انجام شده است که خللی در فرآیند راستی آزمایی به وجود نیاید.

آژانس می‌تواند درستی فرآیند نمونه برداری‌ها و نمونه‌هایی که از مناطق دلخواه آژانس در پارچین برداشته شده است را تائید کند.

تائید نمونه‌ها از طریق روش‌های اصولی در راستی آزمایی انجام شده است.این فرآیند، زیر نظر و با مسئولیت ما انجام شد. نمونه‌های برداشت شده، به «وین» آورده شد و قرار است توسط کارشناسان آژانس بررسی شود.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت:اجرای نقشه راه، به نقطه‌ای مهم رسیده است. راستی آزمایی در مورد پارچین، به روش‌هایی که با استانداردهای پادمان هماهنگ است، انجام شد.

همه اطلاعات به دست آمده، اکنون در آژانس در دست بررسی است. هرچند، کارهای زیادی در هفته‌های آینده باقی است. اجرای کامل نقشه راه، چنان که در پیوست گزارش نوامبر ۲۰۱۱ من نیز قید شده، برای شفاف سازی در زمینه همه مسائل مهم گذشته و حال برنامه‌های هسته‌ای ایران، ضروری است.

پیام آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی به حجاج بیت‌الله الحرام

آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی در پیامی به حجاج بیت‌الله الحرام گفتند: حج فرصت مغتنمی برای خودسازی معنوی است و حاجیان در این سفر معنوی باید یک تعامل متقابلی با خداوند داشته باشند.

به گزارش ایسنا، در پیام این مرجع تقلید آمده است: «وظیفه همه به ویژه عالمان و روحانیون، بالاخص مسئولان بعثه این است که بکوشند تعامل متقابل عبد و مولا را در مساله حج و عمره پیاده کنند. ما باید در این سمت و سو حرکت کنیم، با خدا معامله کنیم و تعامل متقابل «ضِیف» و «میزبان» را داشته باشیم.

این مرجع تقلید بااشاره به این که رسالتی که به عهده حاجیان و معتمران است که ان‌شاءالله با حج مقبول، عمره مقبول، زیارت مقبول و دعای مستجاب برگردند تحکیم پیوند بین آنها وخلیل‌خداست،افزودند:درسرزمین وحی سفره وحی و نبوّت و رسالت و ولایت و امامت گسترده است، میهمانان این سرزمین غذای وحدانیت و احدیت، از یک سو، بهره وری از وحی، نبوّت، رسالت، خلافت و امامت از سوی دیگررا می‌چشند و بهره وری دارند، اگر کسی اهل «رجال» و «ضامر» نبود، باید به این وصف بیاید، چون «درکوی اوَ شکسته دلی می‌خرند و بس». سرّاین‌که خدای سبحان از این گروه دعوت کرده، برای آن است که می‌خواهد دعوت میهمانان خود را هم پاسخ بدهد؛ یک تعامل و تقابلی بین این دعوت‌هاست.

دراین پیام همچنین آمده است: اگرکسی ابراهیمی شد، در فضای زیست خودش باید کعبه بسازد، مسجد و مَعبد و مَطاف و قبله بسازد و خودش هم قبله و مَطاف و مَعبد شود، تا از دیدن او از سیره او از سنّت او و از سَریرت او عدّه‌ای بهره عبادی ببرند، تا بشود پیرو خلیل حق و در تمام این کارها براساس وحدانیت و احدیت خدا بیندیشد، نه غیرآن.

آیت الله العظمی جوادی آملی درادامه پیام با تاکید براین که وجود مبارک ابراهیم که براساس (مِلَّةَ أَبِیکُمْ إِبْراهِیمَ) پدر ماست و همه ما را به مهمانی دعوت کرده است،تَصریح شده است: بنابراین حجی که زائران و معتمران دارند، به لطف الهی حجی مقبول خواهد بود، لکن همان کسی که این مَطاف و این قبله و این مَعبد را بنا کرد، ذاتِ اقدس الهی به او فرمود که صریحا اعلام بکن: (لَنْ ینالَ اللهَ لُحُومُها وَ لا دماؤُها وَ لکِنْ ینالُهُ التَّقْوی مِنْکُمْ)؛ عملِ ظاهر، آن قربانی، آن گوشت، آن خون یا آن سنگ و مانند آن که «رمی جمره» می‌شود، این‌ها یک واجباتی است که بر همه ما لازم است تا انجام بدهیم، ما هم «سمعاً» و «طاعتاً» انجام داده و انجام می‌دهیم؛ اما اساس کار این است که فرمود روح این عبادت به خدا می‌رسد! روح عبادت اشتیاق به وحدانیت و احدیت اوست، اولا؛ احیای نبوّت و وحی و رسالت و امامت و خلافت و اهل بیتی بودن است، ثانیا، (فَجَعَلَهُمْ جُذاذاً إِلاَّ کَبِیراً لَهُمْ)، ثالثاً، تا جهان جهان مَهد و اَمن شود.

دیدار فرزند علامه امینی با آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی

در آستانه عید سعید غدیر خم، فرزند علامه امینی صاحب کتاب گرانسنگ «الغدیر» و مسئول کتابخانه بزرگ امام امیرالمومنین(ع) نجف اشرف با حضور در بیت مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، با ایشان دیدار کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام شیخ احمد امینی با ابراز مسرت از ملاقات مرجع ولایی و شیفته اهل بیت(ع) گزارشی از چاپ و نشر کتاب و آثار علامه امینی و همچنین فعالیت‌های کتابخانه و احداث دارالتحقیقات در نجف اشرف ارائه کرد.

این مرجع تقلید با تشکر از وی، شخصیت علامه امینی را فردی شیفته ولایت دانستند و افزودند: آن بزرگوار شیفته ولایت و عاشق امیرالمومنین علی(ع) بود و عمر شریف خود را در ترویج و نشر ولایت آن حضرت گذراندند.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی در ادامه با اشاره به سابقه رفاقت با علامه افزودند: یک بار که قرار شد از کربلای معلی به نجف اشرف بروم، ایشان هم در آن سفر بودند؛ در بین راه به من فرمودند: بسیار دوست دارم کتاب «فتح‌الملک العلی بصحهٔ باب مدینهٔ العلم علیّ» را حفظ داشته باشم؛ چرا که کتابی بسیار پرمحتوا و عالی است، ولی تاکنون موفق نشده‌ام.

حقیر وقتی جزئیاتی از کتاب را برای ایشان گفتم و این که از نظر رجالی بسیار مهم است. مرحوم علامه با تعجب پرسیدند شما مگر کتاب را دیده‌اید؟ عرض کردم، بله؛ این کتاب را قبلاً کامل و با دقت خوانده‌ام، کتابی مهم از یکی از علمای بزرگ اهل سنت است که مخصوصاً از نظر بحث رجالی بسیار اهمیت دارد.

اظهار تاسف دکتر روحانی از عملکرد جامعه بین‌المللی درباره بحران یمن

سرویس سیاسی – اجتماعی: رئیس جمهوری اسلامی‌ایران با اشاره به پیوندهای مشترک دینی، تاریخی و همسایگی دو ملت ایران و عمان، تاکید کرد: جمهوری اسلامی‌ایران درباره توسعه و تحکیم همکاری‌ها، اولویت ویژه‌ای برای همسایگان خود به ویژه عمان قائل است.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی در گفتگوی تلفنی با "قابوس بن سعید" سلطان کشور پادشاهی عمان، با تبریک عید سعید قربان، به جایگاه ممتاز عمان در عرصه همکاری‌های منطقه‌ای اشاره کرد و گفت: جمهوری اسلامی‌ایران علاقه مند است به ویژه در دوره پساتحریم، روابط خود را با کشور دوست و برادر عمان در بخش‌های مختلف به ویژه تجاری و اقتصادی تحکیم بخشد.

رئیس جمهوری با قدردانی از نقش سازنده عمان در منطقه، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای برای پایان دادن به بحران‌های منطقه را ضروری دانست و اظهارداشت: همکاری‌های منطقه‌ای تهران – مسقط به ویژه برای بازگشت صلح و ثبات به منطقه بسیار موثر و مهم است.

دکتر روحانی همچنین با تقدیر از مواضع منطقه‌ای عمان به ویژه در حوزه بحران یمن و ارسال کمک‌های انساندوستانه برای مردم این کشور، اظهار امیدواری کرد با کمک عمان صلح و ثبات بار دیگر به یمن بازگردد و مردم این کشور بتوانند در آرامش زندگی کنند.

رئیس جمهوری همچنین با انتقاد شدید از حمله هوایی نیروهای مهاجم به مردم بیگناه و زیربناهای یمن به ویژه اماکن دیپلماتیک افزود: از این که نیروهای مهاجم به یمن به هیچ یک از مقررات و عرف بین‌المللی توجه ندارند، نگران هستیم و این اقدامات به ویژه حمله به اماکن دیپلماتیک به عنوان اقدامی‌ناصحیح و غیرانسانی باید شدیدا محکوم شود.

دکتر روحانی ابراز امیدواری کرد که با تلاش‌های عمان و به ویژه شخص سلطان قابوس و سایر کشورهای صلح دوست، به مناسبت عید سعید قربان هر چه سریعتر آتش بس در یمن با هدف کمک رسانی به مردم مظلوم این کشور برقرار شود.

وی افزود: وضع انسانی در یمن از سطح فاجعه معمولی بالاتر رفته است و ما بسیار متاسف هستیم که جامعه بین‌المللی نسبت به آتش بس در این کشور و اقدامات انسان دوستانه اقدام جدی به عمل نمی‌آورد.

سلطان کشور پادشاهی عمان هم در تماس تلفنی خود، با تبریک عید سعید قربان و موفقیت مذاکرات هسته‌ای گفت: عمان امیدوار است که در دوران پسا تحریم سطح همکاری‌های خود را با جمهوری اسلامی‌ایران بیش از پیش گسترش دهد.

سلطان عمان در ادامه با تاکید بر تداوم رایزنی‌های کشورش برای برقراری صلح و ثبات در یمن، تاکید کرد: دیپلماسی پیوسته بهترین راه برای حل مشکلات به ویژه در منطقه است و ما به کمک‌های انساندوستانه خود به مردم یمن ادامه می‌دهیم و معتقدیم مشکل یمن باید از طریق میز مذاکره و با حضور گروه‌های یمنی حل شود.

وی به حمله هوایی نیروهای مهاجم به اماکن دیپلماتیک در یمن اشاره کرد و گفت: مسقط این حملات را به شدت محکوم می‌کند و خواهان توقف سریع این گونه رفتارها است.

اعلام فراخوان پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز

عضو هیات مدیره خانه سینما و دبیر پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز گفت:این جشنواره ۲۴ تا ۳۱ اردیبهشت ۹۵ در تهران و مراکز استان‌ها برگزار می‌شود.

به گزارش مهر، فرهاد توحیدی در نشست خبری اعلام فراخوان ملی و بین‌المللی و جزئیات پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز که روز سه شنبه در محل سازمان حفاظت محیط زیست برگزار شد، گفت:این جشنواره ۲۴ تا ۳۱ اردیبهشت ۹۵ در تهران و مراکز استان‌ها برگزار می‌شود.

عضو هیات مدیره خانه سینما خاطرنشان ساخت: وظیفه اصلی در حفاظت از محیط زیست بر عهده خود مردم است و همین موضوع یعنی نقش مردم در جلوگیری یا رفع بحران‌های زیست محیطی یکی از رویکردهای پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز بحران آب است، با توجه به‌اینکه‌ایران در اقلیم خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد.

عضو هیات مدیره خانه سینما با مرور برخی از بحران‌های محیط زیستی‌ایران در شرایط کنونی، گفت: به طور مثال برداشت بی‌رویه آب از منابع زیرزمینی و مدیریت غلط منابع و مصارف آب به نقطه‌ای رسیده که بیش از ۵۰۰ شهر کشور درگیر تنش آبی هستند و سفره‌های آب زیرزمینی آنچنان خالی شده‌اند که دشت‌های کشور را دچار فرونشست کرده‌اند. دبیر پنجمین جشنواره فیلم سبز اعلام کرد: شرکت کنندگان دراین جشنواره در شش زمینه فیلم داستانی بلند بیش از ۵۰ دقیقه، فیلم داستانی کوتاه کمتر از ۳۰ دقیقه، مستند بلند ۳۰ دقیقه‌ای، مستند کمتر از ۳۰ دقیقه، همچنین آثار پویانمایی و انیمیشن و آثار مردمی‌به رقابت می‌پردازند.

وی افزود: مردم برای ارسال آثار خود به جشنواره می‌توانند با استفاده از وسایل رایج تصویربرداری از جمله موبایل دراین جشنواره حضور پیدا کنند.

توحیدی اعلام کرد: فراخوان‌این جشنواره در سایت جشنواره به آدرس www.iigff.org قابل دسترسی است و ۱۷ دی ماه سال ۹۴ آخرین مهلت ارائه آثار به جشنواره است. توحیدی با ابراز تاسف از عدم دسترسی به اطلاعات کامل چهار دوره گذشته جشنواره ، گفت: به رغم‌این اتفاق ناخوشایند تلاش شد از طریق‌ایجاد ارتباط با دبیران و شرکت کنندگان دوره‌های گذشته بخشی ازاطلاعات، مجدداً گردآوری و در دسترس قرار گیرد.

مهدی توحیدپور دبیر اجرای پنجمین جشنواره فیلم سبز نیز در ادامه با اعلام‌این خبر که ستاد استانی‌این جشنواره تا کنون در استان‌های گلستان، مازندران، گیلان، جزیره قشم، سیستان و بلوچستان و اصفهان فعال شده است، گفت: در حال جذب اسپانسر برای برگزاری‌این جشنواره هستیم. توحیدپور در ادامه از برگزاری کارگاه‌های تخصصی محیط زیست به ویژه در بخش هنرهای تجسمی‌شامل عکاسی، گرافیک، نقاشی، هنرهای مجسمه سازی با استفاده از موارد دور ریز و بازیافتی خبر داد.

مولاوردی: شأن حجاب را تا حد کمربند ایمنی پایین نیاورید

سرویس سیاسی – اجتماعی: معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده با تاکید بر موضوع تعمیق باورهای دینی و مذهبی جوانان و نوجوانان گفت: اقدامات سلبی در بحث عفاف و حجاب راه چاره نیست.

به گزارش‌ایرنا، شهیندخت مولاوردی با تاکید براین که اگر باورها و اعتقادات جوانان عمیق نباشد، هرگز نمی‌توان با توسل به شیوه جریمه و مجازات به نتیجه مورد نظر دست یافت، گفت: یک رویکرد در بحث گسترش فرهنگ عفاف و حجاب‌این است که باید با منع، مجازات، جریمه و محدودیت به هدف رسید در حالی که رویکرد دیگر براین باور است که در بحث همه پدیده‌های اجتماعی نظیر حجاب باید اقدامات‌ایجابی در دستور کار قرار گیرد.

وی با تاکید بر لزوم بررسی‌های لازم درباره طرح صیانت از عفاف و حجاب افزود:این طرح هنوز به تصویب نرسیده و حتی اخیرا رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس هم نظر مخالف ارائه کرده و گفته است به اندازه کافی قانون دراین باره وجود دارد.

معاون رئیس‌جمهوری خاطرنشان کرد: بارها براین مساله تاکید کرده‌ام که موضوع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و تعمیق باورهای دینی بیش از آنکه نیاز به بنیاد، ساختار و قانون داشته باشد، نیازمند رفتار و برخورد صحیح و بررسی عملکردی است که تاکنون در قبال آن داشته‌ایم.

مولاوردی با تاکید بر اهمیت تجربیات از عملکرد گذشته دراین حوزه، افزود: نباید اشتباهات را تکرارکرد و سطح‌این باور دینی را تا حدجریمه‌نبستن کمربندایمنی پایین آورد زیرا به طور قطع پاسخ مناسب را دریافت نخواهیم کرد. وی با تاکید براین که طرح صیانت از عفاف و حجاب بدون پشتوانه تحقیقاتی و بررسی‌های کارشناسی است؛ ابراز امیدواری کرد که مجلس تصمیم درستی دراین باره داشته باشد و راهکار موثری برای تعمیق باورهای دینی و مذهبی جوانان و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب ارائه کند که‌این مساله دارای ابعاد مختلفی از جمله تقدم عفاف بر حجاب و شامل شدن همه انسان‌ها در موضوع عفاف و حجاب است.

رونمایی از نخستین فناوری ایرانی کک نفتی

رونمایی از اولین فناوری ایرانی کک نفتی و افتتاح واحد نیمه صنعتی در پژوهشگاه صنعت نفت با حضور مهدی کرباسیان معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت انجام شد.

به گزارش ایرنا، این فناوری ایرانی کک نفتی با سرمایه گذاری ۳ میلیارد تومانی ظرف مدت ۳۸ ماه تکمیل شده و به عنوان اصلی ترین خوراک آلومینیوم و فولاد مورد مصرف قرار می گیرد.در حال حاضر برای واردات کک نفتی سالانه ۷۰ تا یک ۱۰۰ میلیون دلار هزینه می‌شود.

قرار است پس از اجرایی شدن واحد نیمه‌صنعتی، شکل صنعتی آن هم به اجرا گذاشته شود که سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران(ایمیدرو) با پژوهشگاه صنعت نفت همکاری دارد.

پژوهشگاه صنعت نفت نقش طراحی پایلوت نیمه‌صنعتی این پروژه را به انجام رساند و این همکاری تا مرحله تولید صنعتی ادامه خواهد داشت.

اخبار کوتاه

اقامه نمازعید سعید قربان به امامت آیت الله خاتمی

نمازعید سعید قربان فردابه امامت آیت الله سید احمد خاتمی‌دردانشگاه تهران اقامه می‌شود.

به گزارش روابط عمومی‌و امور بین الملل ستاد برگزاری نماز جمعه تهران، مراسم نمازعید قربان با تلاوت قرآن مجید راس ساعت ۷صبح آغاز می‌شود و تا ساعت ۸ ادامه خواهد داشت.

همچنین دراین مراسم حجت الاسلام و المسلمین سید غدیرهاشمی‌خطبه خوانی غدیر را دنبال خواهد کرد و سید اسدالله عرب سرخی هم مولود خوانی نمازعید را برعهده خواهند داشت.

دهم ذیحجه الحرام مصادف با روز عید سعید قربان است.

همچنین نماز عبادی سیاسی جمعه این هفته تهران هم به امامت آیت‌الله امامی‌کاشانی اقامه می‌شود.

دراین مراسم که از ساعت ۱۰ و ۵۰ دقیقه دردانشگاه تهران آغاز می‌شود، دکتر مهدی خلج رئیس سازمان دامپزشکی کشورپیش از خطبه‌های نماز درباره رهاوردهای دامپزشکی درعرصه اقتصاد ملی، تجارت بین الملل و بهداشت عمومی‌و سلامت سخنرانی خواهد کرد.

عیادت نماینده یادگارگرامی امام از مرتضی طلایی

محمدرضا رحمانی به نمایندگی از یادگار گرامی امام خمینی از مرتضی طلایی عضو شورای اسلامی شهر تهران عیادت کرد.

به گزارش جماران، آقای محمدرضا رحمانی از طرف حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی به‌عیادت مرتضی طلایی رفت و سلامتی وی را از خداوند خواستار شد. طلایی چند روزی است به دلیل مصدومیت ناشی از آتش‌سوزی منزل، در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری است.

لاریجانی: زمینه سرمایه گذاری در کشورباید فراهم شود

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: وحدت داشتن در درون کشور امرمهمی است ازاین رو باید مراقب‌این وحدت باشیم تا افرادی نفوذ نکنند.

به گزارش‌ایرنا، علی لاریجانی دیروزدرجمع کارکنان بسیجی مجلس شورای اسلامی گفت: هفته دفاع مقدس فرصتی است که ما حادثه مهمی را که در تاریخ‌ایران اتفاق افتاده بود را دوباره بازگو کنیم.

وی درادامه بر سخنان رهبری مبنی برمراقبت از نفوذ دشمن به کشور به ویژه در موضوع توافق هسته‌ای تاکید کرد وافزود:وحدت داشتن در درون کشورامرمهمی است، باید مراقب باشیم افرادی نفوذ نکنند، زمانی که از چنین رهبر فرزانه‌ای برخوردار هستیم باید به نظرایشان نگاه کنیم.

رئیس مجلس با تاکید براین‌که باید در کشور فضای تولیدایجاد کنیم گفت: لباس جهاد امروز ما در تولیداتمان است و باید زمینه سرمایه گذاری در کشور فراهم شود.

لاریجانی در پایان به کارکنان بسیجی مجلس قول داد که اردوی راهیان نورآنان برگزار شود.

تمبر طلای تمثال بنیانگذار انقلاب امروز رونمایی می‌شود

همزمان با اول مهر سالروز تولد حضرت امام خمینی(ره) از تمبر طلای مزین به تمثال بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی رونمایی می‌شود.

به گزارش مهر، شرکت پست در اقدامی نوین، انتشار تمبر آلیاژ فلزی طلا و نقره مزین به تمثال بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی(ره) را با عنوان «سلام بر روح خدا» کلید زد که از این تمبر امروز رونمایی می‌شود.

مراسم رونمایی از تمبر طلای مزین به تمثال حضرت امام، در مرقد مطهر امام خمینی (ره) با حضور حجت الاسلام سیدحسن خمینی، وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت پست برگزار می‌شود.

تبدیل تمبر کاغذی به تمبر فلزی در راستای توسعه فرهنگ تمبر و تمبرشناسی، حفظ و انتقال میراث غنی فرهنگی کشورمان و گسترش خدمات نوآورانه و ماندگاری تمبر صورت گرفته است.

نشست نمایندگان حامی‌برجام درمجلس

نماینده مردم اردبیل در مجلس شورای اسلامی‌از تشکیل نشستی با حضور نمایندگان حامی‌برجام در خانه ملت برای مقابله با سنگ اندازی برخی از نمایندگان تندرو مقابل اجرای برجام خبر داد.

کمال الدین پیرموذن دیروز در گفتگو با ایرنا گفت: جمعی از نمایندگان حامی‌برجام صبح دیروز و پیش از برگزاری جلسه علنی در محل کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات نشستی برگزار کردند.

وی ادامه داد: شرکت کنندگان دراین نشست بر آن هستند تا به هر طریق ممکن از سنگ اندازی تندروهای مجلس که بیشترین اعضای کمیسیون ویژه برجام را تشکیل می‌دهند با تبادل نظر و انتخاب طریق، مقابله با آنان و کمک موثر به دولت بر آمده از اراده ملت بر حُسن اجرای سریع مفاد برجام تلاش کنند. این نماینده شرکت کننده در جلسه حامیان برجام تصریح کرد: واقعیت امراین است که در روزهای آتی مجلس، شاهد مقابله جریان خاصی با برجام خواهیم بود و از سوی دیگر مقابله موافقان و مخالفان برجام به صورت سخت و شفاف در مجلس رخ خواهد داد.

کمیسیون ویژه بررسی برجام مجلس از ۱۵ عضو بیش از یک ماه پیش در خانه ملت تشکیل شده است که وظیفه بررسی توافق هسته‌ای را برعهده دارد.

تشکیل ستاد پیگیری برجام در وزارت خارجه

ستاد پیگیری برجام به دستور دکتر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه، در وزارت امور خارجه تشکیل شد.

به گزارش اداره کل دیپلماسی رسانه‌ای وزارت امور خارجه، ظریف همچنین در حکمی، سید عباس عراقچی معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت متبوع را با حفظ سمت به عنوان رئیس ستاد پیگیری برجام منصوب کرد.

پاسخ وزیر کشور به سؤال مجلس درباره تخلفات موتورسواران

سرویس پارلمانی: سؤال مجتبی رحماندوست، نماینده تهران، از عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور، در مورد عدم برخورد قاطع پلیس با تخلفات موتور سواران و سلب آرامش‌روانی و سلامتی مردم توسط آنان، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح و پاسخ وزیر قانع کننده اعلام شد.

پس از طرح سوال آقای رحماندوست و توضیحات وزیر کشور، سؤال کننده قانع شد و آنگاه محمدرضا باهنر، نایب رئیس مجلس به عنوان رئیس جلسه از دولت خواست که اگر برای ساماندهی موتورسیکلت‌ها لایحه‌ای دارد، آن را به مجلس ارائه دهد.

در ادامه این جلسه، سؤال فاطمه آلیا، نماینده تهران ـ از علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در مورد علت اجرا نشدن برنامه جامع حمایت دولت از معلولان و بی‌توجهی به این گروه از افراد جامعه، مطرح شد و در پی رأی منفی نمایندگان به پاسخ مطرح شده، علی ربیعی برای دومین بار از مجلس کارت «زرد» گرفت.

سرمایه‌گذاری ۲۶۲۰ میلیارد ریالی بنیاد برکت در امور مدرسه‌سازی

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور با اشاره به برنامه ساخت ۷۳۰ مدرسه با ۳۶۵۰ کلاس درس از سوی بنیاد برکت وابسته به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) در سراسر کشور گفت: اعتبار در نظر گرفته شده توسط این بنیاد برای ساخت مدارس بالغ بر ۲۶۲۰ میلیارد ریال است.

به گزارش بنیاد برکت، مرتضی رئیسی در گفتگو با خبرنگاران با تاکید بر این که بنیاد برکت از سال ۱۳۸۷ تاکنون ۵۶۰ فضای آموزشی را با ۲۷۵۰ کلاس به بهره‌برداری رسانده و تحویل آموزش و پرورش داده است، یادآور شد: ساخت ۷۳۰ مدرسه از سال ۸۷ تاکنون آغاز شده که از این تعداد ۴۲۰ مدرسه با ۱۹۰۶ کلاس درس تا قبل از شهریور امسال به بهره‌برداری رسیده و ۱۴۰ مدرسه با ۸۴۴ کلاس هم در آستانه سال تحصیلی جدید افتتاح شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

رئیسی، احداث مدارس در مناطق محروم کشور و روستاها، مکان‌یابی مناسب، رعایت آخرین استانداردها، دقت در کیفیت و نظارت بر ساخت آن‌ها را از ویژگی‌های این مدارس بیان کرد.

وی ساخت حداقل ۱۰۰۰ مدرسه دیگر را از برنامه‌های بنیاد برکت دانست و گفت: ۱۷۰ فضای آموزشی به‌طور نیمه‌تمام در کشور وجود دارد که امیدواریم با تامین منابع مالی و کمک بنیاد برکت این مدارس هر چه زودتر به بهره‌برداری برسد.

ابلاغ مصوبه دولت درباره فهرست تکمیلی ممنوعیت خرید کالاهای خارجی

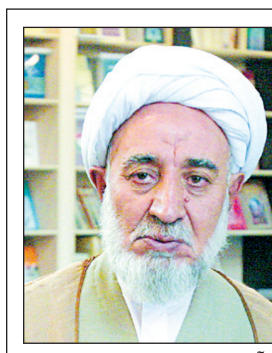
سرویس سیاسی – اجتماعی: اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری مصوبه هیأت وزیران درباره فهرست تکمیلی ممنوعیت خرید کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی را برای اجرا ابلاغ کرد.

پیش از این، براساس تصمیم هیأت وزیران در جلسه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۳ خرید کالاهای خارجی (اعم از کالاهای ساخته شده، قطعات، ملزومات، تجهیزات و غیره تحت هر عنوان) دارای تولید مشابه داخلی توسط دستگاه های دولتی ممنوع شده بود.

در همین راستا هیأت وزیران در جلسه ۱۱ مرداد امسال مواردی را به فهرست ممنوعیت خرید کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی اضافه کرد.

ماه دلدارها

استقبال از غزل استاد علّامه فقید سید محمدحسین طباطبایی «قدّس سرّه»



آیت‌الله علی کاظمی اردبیلی

«همی گویم و گفته‌ام بارها
بُوَد کیش من مهر دلدارها»:

ز عشق رخ ماه دلدارها
شکسته است سرو و سپیدارها
بزرگان به اخلاص سر سوده‌اند
به خاک ره نازنین یارها
بسا سرفرازان که جان داده‌اند
به راه محبّت سر دارها
نخفتند شب تا سحر نیم دم
ز عشق رخ دوست بیدارها
کند جلوه اندر دل بی دلان
شب و روز زیبنده رخسارها
که مست است و هشیار از من مپرس
در اینجا چو مستند هشیارها
ز عشق است اندر جهان هرچه هست
از او هست رونق به بازارها
محبّت شود ریشهٔ کار اگر
نیفتد خلل هیچ در کارها
دل آویخته از دو زلف نگار
به صد شوق خیل گرفتارها
خدایا در رحمتت را مبند
که بسته است بالجمله دربارها
تو شاداب فرما گل و گل رخان
بیفزای رونق به گلزارها
روان نیست بر ما کند امر و نهی
به جای گل و گل‌رخان خارها
خدایا عنایت بکن تا شود
مهذّب به هر جای، رفتارها
مده فرصتی بر یکی عنکبوت
تَنَد تا که در راه‌ها تارها
پریشان بُوَد دل مرا هر زمان
ز اندوه جمع دل افکارها
دل و دامن کاظمی پاک کن
خدایا تو از عیب‌ها عارها
بنه دست او را ز راه کرم
به دست شریف سزاوارها

۹۴/۶/۲

ماه گرفتگی ۶ مهر در ایران مشاهده می‌شود

شورای مرکز تقویم مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: پدیده ماه گرفتگی کلی دوشنبه ۶ مهر ۹۴ در ایران اتفاق می‌افتد.

روابط عمومی موسسهٔ ژئوفیزیک با اعلام این خبر افزود: ورود لبه ماه به سایهٔ زمین در ساعت ۴ و ۳۷ دقیقه بامداد دوشنبه ۶ مهر ۱۳۹۴، رخ می‌دهد. در ساعت ۵ و ۴۱ دقیقه، سایهٔ زمین تمام قرص ماه را می‌پوشاند و ماه گرفتگی کلی آغاز می‌شود.

در ساعت ۶ و ۵۳ دقیقه ماه گرفتگی کلی تمام شده و ماه شروع به خروج از سایه(باز شدن) می‌کند. پایان ماه گرفتگی در ساعت ۷ و ۵۷ دقیقه اتفاق می‌افتد. این ماه گرفتگی در سراسر ایران قابل رؤیت است اما پایان گرفتگی در هیچ نقطه‌ای از ایران دیده نمی‌شود. همچنین در مناطق شرقی ایران، قبل از آغاز گرفتگی کلی، ماه غروب می‌کند.

این گرفتگی غیر از شرق آسیا و بخش‌هایی از آسیای میانه، اقیانوسیه و بخش کوچکی از آلاسکا در تمام دنیا قابل رؤیت است.

جایزه بزرگ صلح به حسن روحانی تعلق گرفت

بقیه از صفحه اول

معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین اظهار کرد: هنر آرمان‌هایی را برای جامعه به بار می‌آورد و از این منظر هنر متعهد دستاوردهای بسیاری برای جامعه دارد که از میان آن‌ها می توان به کاهش مشکلات و اضطراب‌های جامعه اشاره کرد. رسالتی که دوستان ما در این زمینه بر دوش دارند رسالت مقدسی است و ما امیدواریم بتوانیم کمک کنیم تا این دوستان در استمرار مسیری که در پیش گرفته‌اند موفق باشند.

همچنین عباس سجادی نیز در این مراسم پشت تریبون رفت و در سخنان کوتاهی گفت: از همه کسانی که در برگزاری این جشنواره به ما کمک کردند از جمله هنرمندانی که آثاری را برای این جشنواره خلق کرده یا در اختیار ما قرار دادند، تشکر می‌کنم و امیدوارم همانطور که آقای رییس جمهوری جهان عاری از خشونت را آرزو کردند با آنچه در شرایط پساتحریم به وجود آمده است شاهد اتفاق‌های خوبی در کشور باشیم.

فریدون فربد دبیر این جشنواره نیز در سخنانی اظهار کرد: شاکریم که با گذشت سه دوره از جشنواره «هنر برای صلح» توانسته‌ایم هرسال بخش بزرگ تری از هنرمندان را با این جشنواره همراه ساخته و یک صدا، نوای هنرمندان ایران را به گوش جهان برسانیم.

جشنواره «هنر برای صلح» که در دوره نخست با نمایش آثار ۷۰ هنرمند کار خود را آغاز کرد در دوره دوم شاهد حضور یکصد هنرمند و در دوره سوم در فرهنگسرای نیاوران میزبان ۱۷۰ هنرمند بودیم. در این جشنواره بخشی از آثار برای نخستین بار به نمایش گذاشته شده است تا در نهایت عواید فروش همه آثار به فعالیت‌های بشردوستانه اختصاص خواهد یافت.

وی ادامه داد: در این جشنواره ۶۰ اثر نقاشی، ۴۲ عکس، ۲۴ مجسمه و چیدمان، ۳۷ پوستر و اثر گرافیکی به نمایش درآمد. همچنین ۱۲ اثر از نقاشی کودکان با همکاری موسسه محک، انجمن حمایت از حقوق کودکان و پیش دبستانی ویستا و در بخش موسیقی ۷ مجوز اجرا دریافت کردیم که متاسفانه این اجراها برگزار نشد.

در پایان این مراسم چهار نشان عالی صلح به جلال ستاری اسطوره‌شناس و اندیشمند معاصر برای تلاش برای اعتلای فرهنگ، علیرضا مشایخی آهنگساز پیشکسوت برای تلاش برای اعتلای موسیقی، سعیده قدس نویسنده و نیکوکار، برای تلاش برای فعالیت خیرخواهانه و در نهایت به حسن روحانی رئیس جمهوری ایران برای گسترش فرهنگ گفت‌وگو اهدا شد.

نشان ویژه رییس جمهور به زودی به دست ایشان خواهد رسید.



نشان عالی صلح به استاد علیرضا مشایخی آهنگساز پیشکسوت اهدا شد

این مراسم،با حضور علی مرادخانی معاون هنری وزیر ارشاد، مجید ملانوروزی مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی، علی ترابی مدیر انجمن موسیقی، علیرضا مشایخی پیشکسوت هنر موسیقی، عباس سجادی مدیر فرهنگسرای نیاوران، محمد درویش مدیر کل مشارکت مردمی سازمان محیط زیست، سعیده قدس بنیان گذار موسسه محک، حجت الاسلام محمدعلی زم ریاست شورای سیاست‌گذاری جشنواره «هنر برای صلح» ، فریدون فربد دبیر جشنواره «هنر برای صلح» ، بابک توتونچی دبیرکل سازمان غیردولتی مکتب حرمت حیات و جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان برگزار شد.

همچنین پیش از آغاز مراسم، بزرگمهر حسین‌پور هنرمند معاصر در گالری فرهنگسرای نیاوران اثر جدید خود «هاشور» را که باهمکاری ۲۰۰۰ مخاطب شکل گرفته بود ، تکمیل کرد.

علی جنتی به تماشای تئاتر مهرجویی نشست



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به تماشای تئاتر «غرب واقعی» داریوش مهرجویی نشست.

به گزارش ایسنا، علی جنتی و هیات همراه، شامگاه ۳۰ شهریور از مجتمع سینمایی «کوروش» بازدید کرد و به تماشای تئاتر داریوش مهرجویی نشست. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از تماشای تئاتر «غرب واقعی»، نشست صمیمانه‌ای با داریوش مهرجویی داشت و از فعالیت‌های هنری او قدردانی کرد.

همچنین مراسم جشن امضای تمام آثار مکتوب مهرجویی به همت نشر «چشمه» در فروشگاه این ناشر در مجتمع کورش، با حضور علاقه‌مندان این هنرمند و نویسنده شامگاه گذشته برگزار شد. داریوش مهرجویی به تازگی نمایش «غرب واقعی» را بر اساس نمایشنامه‌ای از سام شپارد، در سالن تئاتر پردیس کورش به صحنه برده است. اجرای این نمایش از ۲۲ شهریور آغاز شده و تا ۲۲ مهرماه نیز ادامه خواهد داشت.

در این نمایش که هر روز ساعت ۱۹ در سالن البرز مجموعه فرهنگی کورش به صحنه می‌رود، امین حیایی، محمدرضا خلج، جمال مرتضوی و جمیله فردین به ایفای نقش می‌پردازند.

حضور چشمگیر سینماگران ایرانی در دومین جشنواره فیلم راه ابریشم

فوژو ، چین – خبرنگار اعزامی روزنامه اطلاعات : مراسم افتتاحیه دومین جشنواره فیلم راه ابریشم ، بعد از ظهر دیروز با حضور سینماگرانی از ایران و ۴۰ کشور در فوژوی چین برگزار شد .

در این مراسم عده ای از مسئولان فرهنگی چین به همراه نماینده سینمای هند که جشنواره امسال بخش ویژه خود را به سینمای این کشور اختصاص داده است،سخنرانی کردند.

دبیر جشنواره فیلم راه ابریشم با تاکید بر اهمیت ارتباط فرهنگی کشورهای آسیایی ، نقش سینما را در ایجاد هر چه بهتر این ارتباط یاد آور شد و افزود: کشورهای آسیایی می توانند با تقویت سینمای ملی و بومی خود زمینه ساز غنای فرهنگی مردم هنر دوست آسیا باشند.

نماینده سینمای هند نیز در این مراسم در سخنانی برنامه های هند برای تولید مشترک فیلم با چین و دیگر کشورهای آسیایی را برشمرد و با تاکید بر نقش دو کشور چین و هند در ارتقای سینمای آسیا به ویژه در عرصه اقتصادی و کمک به چرخه تولید در کشور های آسیایی تصریح کرد: سینمای هند و چین با صد ها میلیون تماشاگر سینما می توانند نقش موثری در ارتقای تولید فیلم در آسیا داشته باشند.

از سینمای ایران فائزه عزیز خانی کارگردان فیلم روز مبادا همراه با تهیه کننده و بازیگر فیلم ،ابوالحسنی تهیه کننده فیلم تهران ۱۵۰۰ و بابک کریمی بازیگر و کارگردان سینمای ایران در جشنواره حضور دارند.

مراسم افتتاحیه جشنواره که در قدیمی ترین نقطه شهر فوژو و در خیابانی که بیشتر یاد آور لاله زار تهران قدیم بود، برگزار شد .به مناسبت برگزاری جشنواره سالن سینمای مدرنی در این خیابان افتتاح شده است.

جشنواره فیلم راه ابریشم تا یکشنبه آینده در فوژو چین ادامه خواهد داشت.

رونمایی از مجموعه آثار رسول صدرعاملی

*** ایوبی: باید به سینمای ایران برای وجود چنین چهره های بزرگی تبریک گفت**

سرویس فرهنگی، هنری: مراسم رونمایی از مجموعه آثار رسول صدرعاملی، کارگردان سینما، عصر دوشنبه ۳۰ شهریور ماه برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در آغاز این مراسم حسین مسافر آستانه، مدیرعامل موسسه رسانه‌های تصویری، تهیه مجموعه آثار سینمایی کارگردانان ایرانی را در راستای کمک به سینمای کشور توصیف کرد و گفت : "من از آقای صدر عاملی برای جمع آوری و در اختیار گذاشتن این آثار تشکر می کنم. ". در ادامه این مراسم، هوشنگ گلمکانی، منتقد سینما و سردبیر مجله «فیلم» نیز در سخنانی گفت: "صدرعاملی یک فیلمساز حرفه‌ای است که قبل از تولید فیلم کارش شروع می‌شود و تا بایگانی کردن آن ادامه می‌یابد. او هرگز به کم قانع نبوده و نهایت تلاش خود را در ساخت فیلم و نگارش فیلمنامه به کار برده است".

کیومرث پور احمد نیز از دیگر هنرمندانی بود که در این مراسم درباره رسول صدر عاملی به ذکر خاطره پرداخت و گفت : "تنها یک نفر در مجموعه عکس های خود مربوط به نوفل لوشاتو را در اروپا به نمایش بگذارد و وی به راحتی حاضر شد این مجموعه عکس ها را در اختیار ما قرار دهد تا نمایش داده شود".

در پایان این مراسم رسول صدر عاملی درباره انتشار مجموعه آثار خود گفت: فیلم‌سازی را از سال ۵۸ شروع کردم، در حالی که نه وزارتخانه‌ای بود و نه بنیاد فارابی و تنها با گرفتن یک اجازه نامه از مرحوم مهندس بازرگان شروع به ساخت اولین فیلمم کردم که اولین فیلم دفاع مقدس نیز به حساب می‌آید.

صدرعاملی گفت : "سال ۶۱ وقتی فیلم رهایی را می ساختم برادرم شهید شده بود؛ رفتم که محل شهادتش را ببینم و با علی مزینانی به این محل رفتیم و فیلم فتح بستان در همین بازدید در قالب مستند ساخته شد".

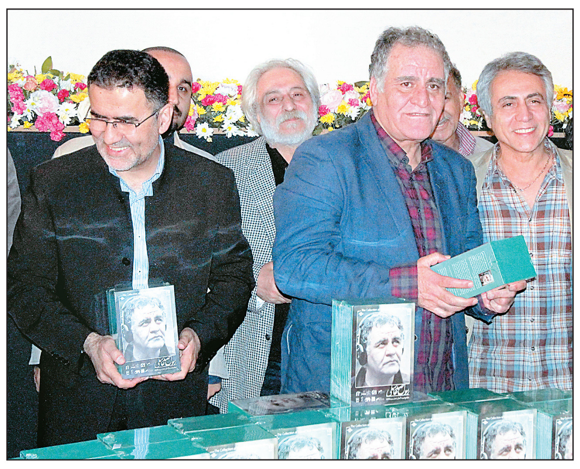
این کارگردان سینمای ایران درباره سینمای امروز ایران نیز گفت: "اتفاق خوبی که در سینمای ما افتاده تاسیس گروه هنر و تجربه است اما باید حواس‌مان باشد که اصل سینمای ما این نیست. سینما بدنه ایران وجود دارد که فیلم نوجوانان درباره دخترها ساخته و او کسی جز رسول صدر عاملی نیست".

در ادامه مراسم رونمایی از مجموعه آثار رسول صدرعاملی، حجت‌الله ایوبی، رییس سازمان سینمایی کشور، با اشاره به این نکته که اکنون که کارهای صدرعاملی را تنها در یک بسته می‌بینیم اما این نشان دهنده این است که این بسته برخلاف ظاهر کوچکش محتوای بسیاری دارد گفت : جوانان ما باید بدانند که برای این کارها چه خون دلها که خورده نشد و ما باید به سینمای ایران بابت وجود این چهره‌های بزرگ تبریک بگوییم".

ایوبی با اشاره به آشنایی قبلی خود و رسول صدرعاملی در سال‌های دور به خصوص زمانی که در فرانسه بود، خاطرنشان کرد: قرار بود نمایشگاهی از آثار ژورنالیست ها برگزار شود و من از صدرعاملی درخواست کردم و فیلم‌سازان آن باید کار کنند و در کنارش فیلم‌سازان هنری و مستقل نیز به فعالیت بپردازند".

صدرعاملی افزود: "امروز یک طرف سینمای ما فیلم «محمد رسول‌الله» است و سمت دیگر آن فیلمی مانند «پرویز»، حال باید پرسید سینمای بدنه کجاست؟ بدنه اصلی سینما، فیلم را برای مخاطب می‌سازد در حالی که امروز هم فیلم‌سازان ما و هم مسئولان مخاطب را فراموش کرده‌اند و امیدوارم در آینده تجدیدنظری در رویکردهای سینمایی ما اتفاق بیفتد و جذابیت به سینمای ما برگردد".

لازم به ذکر است، در این مراسم اعلام شد که با درجه یک هنری رسول صدر عاملی نیز موافقت شده و حکم وی پس از امضای وزیر ارشاد به این کارگردان اهدا می شود. نشان درجه یک هنری معادل دکتری محسوب می شود.



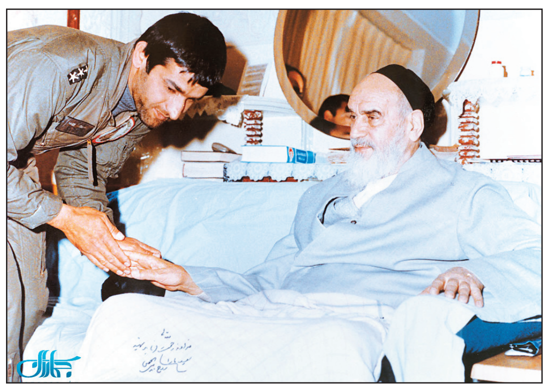
عکس از سعید نیک نژاد

یادداشت

به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد شهادت سرلشکر بابایی در عید قربان

شیوه مدیریتی شهید بابایی

مهدی نوروزی



عید قربان امسال مصادف است با بیست و هشتمین سالگرد شهادت سرلشکر خلبان عباس بابایی. گذشت زمان نه فقط هیچ‌گونه گرد فراموشی بر پیکر این مجسمه تقوا ننشانده است، بلکه تداوم تابش نور حقیقت، ابعاد جدیدی را از شخصیت کم نظیر وی روشن ساخته است. به رغم چنین واقعیتی، هنوز شناخت ایشان نیاز به مطالعه و بررسی دارد. محققان اذعان دارند که بعضی از شخصیت‌ها از زمان خود جلوتر هستند و افکار و اندیشه آنها برای مردم معاصر خود قابل درک و فهم نیستند. باید نسلی یا نسل‌هایی بگذرد تا رفته‌رفته با تکامل فکری و تعالی روحی انسانها، زمینهٔ شناخت شخصیت آنها فراهم گردد. شهید بزرگوار ما ازجمله چنین شخصیت‌هایی است.

پایگاهی که مسئولیت فرماندهی آن را در تیر ماه سال ۱۳۶۰ به عهده ایشان می‌گذارند، دارای پیشرفته ترین هواپیماها (اف ـ ۱۴) و از نظر فنی پیچیده ترین دستگاهها بود. شروع جنگ نه فقط هواپیماها را با مشکل کمبود قطعات فنی مواجه کرده بود بلکه مدیریت با روشهای سابق (روشهای شاهنشاهی) را با مشکلات عدیده‌ای روبه رو ساخته بود. عباس بابایی جوان که درجه سروانی‌اش بااعطای دو درجه موقت به سرهنگ دومی ارتقا یافته بود با تکیه به اعتقادات خود و با ایمان به بینش جدیدی که انقلاب اسلامی برایش به ارمغان آورده بود، مدیریت جدیدی را اعمال می‌کند که نه تنها از نظر عملیات، پایگاه توانمندتر می‌شود بلکه مشکلات پایگاه نیز به مرور زمان مرتفع می گردد. برای روشن شدن مطلب دو مورد از دهها مورد شیوهٔ مدیریتی ایشان یادآوری می‌شود: وقتی از مرحوم سرهنگ هوشیار (معاون عملیات وقت نیروی هوایی) در مورد کیفیت آمادگی پایگاه‌های شکاری سؤال می‌شود، ایشان در پاسخ می‌گوید: «من اطلاع ندارم که در پایگاه هشتم شکاری چه مدیریتی حاکم است اما هر موقع از عباس، هواپیما درخواست می‌کنم، هواپیماها سر موقع در محل مورد نظر حاضر هستند! در صورتی که دیگر پایگاه‌ها به این صورت نیستند. سایر پایگاهها حداقل با ده دقیقه یا یک ربع تأخیر هواپیما می‌فرستند!»

کمبود بودجه تأسیسات پایگاه سبب شده بود لایروبی مخزن آب پایگاه به تأخیر افتاده و کارکنان پایگاه از آلودگی آب آشامیدنی شکایت داشته باشند. به دستور فرمانده جدید پایگاه سرهنگ بابایی تعدادی از سربازها مأمور لایروبی مخزن آب می‌شوند. سربازها که در فضای نیمه تاریک مشغول تمیز کردن مخزن آب بودند، متوجه می‌شوند فرمانده پایگاه نیز نیمه لخت، همانند دیگر سربازها مشغول لایروبی مخزن آب هستند! چنین رفتاری چنان تأثیری روی کارکنان پایگاه می‌گذارد که عده‌ای از کارکنان به کمک سربازان می‌شتابند!

پیشگامی ایشان در انجام پروازهای عملیاتی و اجرای پروژه‌های ابداعی از یک سو و رفتارهای متواضعانه‌اش در برخورد با قشرهای مختلف کارکنان و تلاش‌های مداوم وی در حل مشکلات پایگاه و مقدم شمردن رفع مشکلات کارکنان بر حل مشکلات خود و... از سوی دیگر، از سرهنگ بابایی جوان، یک اسوه و الگو ساخته بود. اسوه و الگویی که به سادگی قابل پیروی نبود! هیچ فرمانده و مدیری حاضر نبود با خالی کردن منزل خلبانی فرماندهی پایگاه و اسکان در منزل درجه داری، خود را در سطح زندگی پایین ترین قشر قرار دهد! او با این حرکات و رفتارها نشان می‌داد، تعالیم اسلامی قابل اجرا، مشکل گشا و نجاتبخش هستند.

بقیه در صفحه ۴

راه‌اندازی ۲ فاز جدید پارس جنوبی توسط رئیس جمهور،بزودی

پارسال با بهره برداری از طرح توسعه فاز ۱۲ و بخش‌هایی از فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی در مجموع بیش از ۱۰۰ میلیون متر مکعب به ظرفیت تولید گاز ایران افزوده شد.

معاون وزیر نفت با اشاره به راه اندازی و آغاز تولید گاز در هفت فاز جدید پارس‌جنوبی در سال‌جاری، اعلام کرد: امسال ۱۰۰ میلیون متر مکعب دیگر به ظرفیت تولید روزانه گاز ایران افزوده می‌شود.

رکن الدین جوادی در گفتگو با مهر با اعلام اینکه برای سال‌جاری هم افتتاح چهار فاز جدید پارس جنوبی در دستور کار قرار گرفته است، تصریح کرد: هم اکنون فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی آماده افتتاح است و تمامی مراحل ساختمان، نصب و راه اندازی تاسیسات ساحلی و فراساحلی این پروژه مشترک گازی به پایان رسیده است.

وی با تاکید بر اینکه پیش بینی می شود مهر سال‌جاری این دو فاز گاز توسط رئیس جمهوری افتتاح رسمی شود، اظهار داشت: هدف از طرح توسعه فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی تولید روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی است.

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با یادآوری اینکه پس از فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی تا بهمن سال جاری هم طرح توسعه فاز ۱۷ و ۱۸ این میدان مشترک گازی به طور رسمی در مدار بهره برداری قرار می گیرد، تاکید کرد: علاوه بر این تا پایان سال‌جاری یک ردیف تولید گاز در طرح توسعه فاز ۱۹، ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی هم راه اندازی خواهد شد.

وی با بیان اینکه در مجموع در سال‌جاری حدود ۱۰۰ میلیون متر مکعب دیگر به ظرفیت تولید روزانه گاز کشور افزوده می شود، خاطرنشان کرد: پیش‌بینی می شود تا دو سال آینده پرونده توسعه اکثر فازهای در دست اجرای پارس جنوبی بسته شود.

اجرای طرح عرضه گازوئیل به ازای پیمایش خودروهای عمومی از امروز

اجرای طرح عرضه گازوئیل به ازای پیمایش از صبح امروز به طور کامل آغاز شد.

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران گفت: از ابتدای مهر نیمی از سهمیه ماهانه گازوئیل را به صورت اعتباری در کارت سوخت خودروهای عمومی شارژ می کنیم و نیمی دیگر بر اساس اطلاعات بارنامه واریز می شود، تا بدین ترتیب خللی در حمل و نقل عمومی بار و مسافر ایجاد نشود.

سیدناصر سجادی در گفتگو با ایرنا در مورد اجرای طرح اختصاص سهمیه گازوئیل به ازای پیمایش، اظهار داشت: حدود ۸۰۰ هزار خودرو دیزلی در کشور تردد دارند که حدود ۳۰۰ هزار خودرو برون شهری دارای بارنامه و صورت مسافر هستند که قرار است براساس اطلاعات مربوط به بارنامه و صورت مسافر برای آنها سوخت اختصاص پیدا کند.

وی ادامه داد: وزارت راه و شهرسازی اطلاعات مربوط به تردد این خودروها را از طریق بارنامه و صورت مسافر جمع بندی و به شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی گزارش می دهد تا سهمیه سوخت آنها تعیین و واریز شود.

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران در باره خودروهای دیزلی داخل شهری و فاقد بارنامه گفت: سهمیه ثابت گازوئیل این خودروها هم براساس جداولی که تعیین شده اختصاص پیدا می کند.

وی در مورد میزان مصرف گازوئیل اظهار داشت: در پنج ماهه نخست امسال به طور متوسط روزانه ۴۴ میلیون لیتر گازوئیل در بخش حمل و نقل مصرف شده است.

سجادی خاطرنشان کرد: در حال حاضر همه خودروهای دیزلی به یک میزان سهمیه گازوئیل دریافت می کنند که حتی برخی از آنها فعالیتی در حمل و نقل عمومی ندارند.

وزیر اقتصاد: پس از رفع تحریم‌ها ارز را تک نرخی خواهیم کرد

تنگناهای مالی که ناشی از کاهش شدید درآمدهای نفتی از نیمه دوم سال ۹۳ بود، بودجه کشور را در شرایط انقباضی قرار داده است، اما دولت قصد دارد با اتخاذ تدابیری در نیمه دوم امسال شرایط رشد بیشتر اقتصادی و خروج کامل از رکود را فراهم کند.

وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان این مطلب از مقید بودن دولت برای کنترل نرخ تورم خبر داد و گفت: دولت همچنان خود را مقید به کنترل نرخ تورم در سطح کنونی می داند، اما اولویت اصلی آن در نیمه دوم سال جدید اتخاذ تدابیری در جهت تسریع و فرآیند خروج کامل اقتصاد کشور از رکود است.

به گزارش شبکه اخبار اقتصادی و دارایی (شادا)، علی طیب نیا طی سخنانی در جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی که در محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران برگزار شد، افزود: در حال حاضر به دلیل شرایط تحریم و انتظار بازار برای رفع آن در شرایط خاصی قرار داریم، اما در آینده نزدیک و پس از رفع تحریم‌ها،دولت قطعا سیاست ارز تک نرخی را اجرا خواهد کرد.

وی خاطرنشان کرد: در حال حاضر هم فاصله نرخ ارز مبادله ای و آزاد فاصله محدودی است، به طوری که در وضع فعلی هم بازار در وضع نزدیک به تک نرخی قرار دارد و تفاوت موجود بیشتر به خاطر کیفیت ارز مبادله‌ای و آزاد است.

وزیر اقتصاد افزود: تلقی ما از نرخ مناسب ارز نرخی است که متناسب با توانایی و ظرفیت بنگاههای تولیدی برای واردات کالاهای واسطه ای و محصولات تولیدی باشد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود از تنگناهای مالی که بودجه کشور را به شدت تحت تاثیر قرار داده، خبر داد و افزود: این تنگناهای مالی که ناشی از کاهش شدید درآمدهای نفتی از نیمه دوم سال ۹۳ بود، بودجه کشور را در شرایط انقباضی قرار داده است، اما دولت قصد دارد با اتخاذ تدابیری در نیمه دوم امسال شرایط رشد بیشتر اقتصادی و خروج کامل از رکود را فراهم کند.طیب نیا اجرای هرچه سریعتر قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر مصوب مجلس را از جمله الزامات دولت برای خروج سریع از شرایط فعلی عنوان کرد که البته اجرای برخی مفاد آن نیاز به احکام بودجه ای دارد.

همچنین قائم مقام بانک مرکزی با تأکید براینکه در جلسه شورای پول و اعتبار طرح افزایش تسهیلات خرید خودرو و کالا خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت، گفت: کاهش نرخ سود در این جلسه مطرح نمی شود.



به گزارش تسنیم،اکبر کمیجانی در حاشیه این نشست در جمع خبرنگاران درباره تسهیلات بانکی برای خرید کالاهای بادوام داخلی اظهار داشت: بانک مرکزی برای تقویت بخش تقاضا در راستای تقویت تولید، برنامه هایی دارد و در این راستا گزارشی برای ارائه به شورای پول و اعتبار در حال تهیه است. هدف در این طرح این است که با استفاده از ابزار خرید دین بتوان زمینه پرداخت تسهیلات خرید کالاهای بادوام صنعتی از جمله خودرو و لوازم خانگی را فراهم کرد.

وی با بیان اینکه این بانک امیدوار است این طرح خارج از نوبت در جلسه شورای پول و اعتبار قرار گیرد، تصریح کرد: بنا نیست در قالب سیاست تقویت تقاضا، نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی کاهش یابد.

قائم مقام بانک مرکزی درباره دلایل افزایش نرخ ارز در روزهای اخیر گفت: افزایش تقاضا در ماه پایانی تابستان، تقاضای ارز حجاج و کاهش درآمدهای نفتی، سه عامل افزایش مقطعی نرخ ارز بود و شایعه دست‌کاری نرخ ارز برای تامین یارانه نقدی صحیح نیست.

وی همچنین در پاسخ به سئوالی درباره عدم رعایت نرخ‌های سود سپرده و تسهیلات در بانک‌ها گفت: چنین گزارشاتی به بانک مرکزی هم رسیده است که گاه نرخ سود برخی بانک‌ها از نرخ مصوب شورای پول و اعتبار تخطی می کند که در این رابطه گزارش‌هایی در بانک مرکزی در حال تهیه است.کمیجانی ادامه داد: بخش نظارت بانک مرکزی مرتب به بانک‌ها مراجعه می‌کند و گزارشی در این زمینه تهیه شده است که به شورای پول و اعتبار ارائه خواهد شد. انتظار داریم بانک‌ها براساس مصوبه شورا عمل کنند، ضمن اینکه اقدامات برخی بانک‌ها و موسسات پسندیده نیست و باید مصوبه شورا اولویت قرار گیرد و هدف ما هم این است که بانک‌ها در این مسیر حرکت کنند.

وی در ارتباط با اتمام مهلت صرافی‌ها برای دریافت مجوز گفت: اگرچه صرافی‌ها برای ارائه اسناد و دریافت مجوز نیاز به زمان دارند، اما تمدید دوباره مهلت برای این کار به تعاملات آنها با بانک مرکزی بستگی دارد. به هرحال، تلاش بانک مرکزی همچنان بر این است که صرافی‌ها برای تکمیل مدارک و طی مراحل دریافت مجوز مراجعه کنند.

قائم مقام بانک مرکزی درباره اعطای مجوز به موسسه مالی ثامن، گفت: تیم حسابرسی در حال بررسی اسناد و مدارک این موسسه است.از سوی دیگر رئیس اتاق بازرگانی ایران هم از ارائه ۱۱پیشنهاد بخش خصوصی به دولت در جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی خبر داد و گفت: یکی از موارد مهم این جلسه تخصیص ۲۰۰ میلیون یورو برای صادرات خدمات فنی و مهندسی بود که این مبلغ در دو قسط ۱۰۰ میلیون یورویی برای صادرات خدمات فنی و مهندسی اختصاص یافته است.

محسن جلال پور در نشست خبری حاشیه این شورا افزود: در این جلسه همچنین توسعه خدمات بانکی از جمله افزایش اعتبارات و تسهیلات، تسهیل در نقل و انتقال ارز، توسعه فعالیت بانک ها در مرزها و گشایش اعتبارات اسنادی مورد بررسی قرار گرفت.

وی اظهار داشت: پوشش بیمه‌ای صادرات، توسعه زیرساخت های حمل ونقلی و ترانزیتی، بهبود امکانات زیرساختی در پایانه های مرزی، از سرگیری اعطای جوایز صادرات و ایجاد مشوق صادراتی، تثبیت مقررات صادرات و واردات بین دو کشور(ایران و عراق) و اطلاع رسانی به موقع بخشنامه ها و دستورالعمل ها از دیگر موارد مطرح شده بود.

رئیس اتاق بازرگانی ایران رفع محدودیت تردد برای بازرگانان ایرانی ازسوی اقلیم کردستان و صدور روادید بلندمدت برای بازرگانان ایران را از دیگر موارد مورد بررسی در شورا عنوان کرد و گفت: احداث مراکز تجاری ایرانی در عراق و اقلیم کردستان و توسعه بازارچه های مرزی، مناطق آزاد تجاری و برگزاری نمایشگاه های تخصصی از پیشنهادات برخی اعضای شورا بود.

وی گفت: توجه به استانداردسازی کالاها و تسهیل امور صادراتی در مورد کالاهای دارای نشان استاندارد، توافق بر سر تعمیم تعرفه های ترجیحی ایران با عراق به اقلیم کردستان به ویژه بعد از افزایش تعرفه های وارداتی از سوی عراق و همچنین ایجاد امکان حمل یکسره کالا از مبدأ تا مقصد سه پیشنهاد دیگر مطرح در این جلسه بود.

جلال پوربا اشاره به برخی نگرانی ها از کاهش شدید نرخ ارز بعد از اجرای برجام، گفت: همانطور که در برنامه پنجم توسعه هم مورد توجه قرار گرفته، نرخ ارز باید به گونه ای باشد که امکان رقابت کالاهای صادراتی با کالاهای خارجی وجود داشته باشد، به همین دلیل نرخ ارز متناسب با تورم تعیین می شود.وی افزود: افت قیمت یا افزایش شدید نرخ ارز در برنامه دولت نیست و صادرکنندگان و واردکنندگان در روزهای بعد از اجرای توافق نوسان شدیدی در بازار نخواهند داشت.

مشاور عالی اتاق بازرگانی تهران هم با بیان این که هنوز تحریمی لغو نشده که قیمت ها در داخل کشور کاهش یابد، گفت: یک بانک انگلیسی برای باز کردن حساب برای چند ایرانی جریمه شد.ابراهیم بهادرانی در گفتگو با فارس درباره علت تغییر نکردن شرایط به این نکته اشاره کرد که به نتیجه رسیدن توافق و امضای آن به این مفهوم نیست که همه چیز یک شبه تغییر کند، چرا که هنوز اتفاقی نیفتاده است و تازه قرار است تحریم‌ها در یک فرآیند زمانی از ابتدای سال ۲۰۱۶ میلادی و تقریبا دی به مرور برداشته شود که مهمترین آن تحریم‌های بانکی است.وی تصریح کرد: یگانه اتفاقی که افتاده، امید به آینده در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور است، اما واقعیت این است که ما هنوز حتی نمی‌توانیم گشایش اعتبار اسنادی انجام دهیم و تحریم‌های بیمه‌ای و حمل و نقل هم برداشته نشده است.

به گفته مشاور عالی اتاق بازرگانی تهران ،این امری طبیعی است که با برقراری ارتباطات بانکی هزینه جابه‌جایی پول کمتر شود، چرا که اکنون در دوران تحریم همین مسئله خود مفسده‌ای را از طریق واسطه‌ها و صرافی‌ها در قیمت تمام شده ایجاد کرده است.

وی با بیان اینکه در دوران تحریم بسیاری از کشورها در بخش‌های تکنولوژی با ما همکاری نمی‌کردند، خاطر نشان کرد: مجبور بودیم از طریق واسطه نیازهای این عرصه را تامین کنیم که تا ۲۵ درصد هزینه به ما تحمیل می‌شد که انتظار می‌رود پس از تحریم این هزینه برداشته شده و قیمت تمام شده به همین نسبت پایین بیاید، اما این مسئله یک شبه اتفاق نمی‌افتد.

بهادرانی این را هم گفت که قبلاً خرید از طریق اعتبارات بانکی و یوزانس یک ساله با طرف خارجی و با نرخ سود سالانه ۴ تا ۸ درصد انجام می‌شد، اما اکنون باید تسهیلات را از بانک‌های داخلی با نرخ سود ۲۰ درصد بگیریم که روی قیمت‌ها تاثیرگذار است.وی اضافه کرد: قبلا برای خرید کالا با گشایش اعتبار اسنادی ۱۰ درصد مبلغ را باید پرداخت می‌کردیم، اما اکنون تولید کننده برای واردات مواد اولیه باید ۱۱۰ تا ۱۳۰ درصد پول را نزد بانک پرداخت کند که ممکن است تا شش ماه این پول بماند که خود رقم قابل توجهی را به وارد کننده تحمیل می‌کند.

مشاور عالی اتاق بازرگانی تهران در مورد کاهش نیافتن قیمت خودرو و امکان سرمایه‌گذاری مشترک خودروسازان داخلی با طرف خارجی گفت: اگر قرار باشد انحصار صنعت خودرو در دست همین دو خودروساز قرار گیرد، مطمئناً در قیمت و کیفیت تغییر چندانی اتفاق نمی‌افتد، ولی اگر شرکت‌های خارجی با تکنولوژی جدید وارد سرمایه‌گذاری مشترک شوند، طبیعتا به دلیل تولید بیشتر و صادرات، قیمت هم کاهش خواهد یافت.

وی افزود: تا وقتی که با تعرفه بالا اجازه ورود خودرو نمی‌دهیم نهایتا خودروساز یک مقدار اندکی قیمت‌ها را تعدیل می‌کند. اما نباید این را فراموش کرد که اکنون به دلیل تعداد محدود تولید خودرو قیمت تمام شده بالا می رود که با دنیا قابل رقابت نیست، در حالی که می‌توان با مشارکت در بازارهای صادراتی، خاورمیانه و آسیای میانه را در حوزه خودرو زیر پوشش قرار داد.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۴۵/۵۸ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۴۸/۰۹ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۴۳/۸۱ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۱۲۶/۹۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۱۲۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۱۲۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۴۶۴۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۵۵۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۷۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۳۱۰۷ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۹۹۵/۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۴۱۸ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۳۵۵/۲ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۸۵۲ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۶۴۸/۹ تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۵۲۷۵ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۸۱۵/ ۸ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۳۸ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

توزیع اسکناس نو به مناسبت اعیاد قربان و غدیر

به مناسبت اعیاد مبارک و فرخنده قربان و غدیر خم اسکناس نو ۵هزار ریالی و انواع مسکوک نیکل در شعب منتخب بانک های عامل توزیع می شود.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، این بانک از طریق شعب منتخب بانک های ملی، صادرات، ملت، رفاه کارگران، پست بانک و کارآفرین نسبت به توزیع اسکناس نو ۵۰۰۰ ریالی و انواع مسکوک نیکل در استان تهران اقدام می کند.

معارفه دبیر جدید شورای عالی فضای مجازی

مراسم معارفه ابوالحسن فیروزآبادی دبیر جدید شورای عالی فضای مجازی با حضور سه وزیر در مراسمی به میزبانی وزارت ارتباطات برگزارشد.

به گزارش فارس، در این مراسم وزیر اطلاعات، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی و وزیر ارتباطات به همراه نهاوندیان رئیس دفتر رئیس جمهوری و ابوترابی فرد نایب رئیس مجلس حضور داشتند.

اعلام اخطار به ۴۰۰ گودبرداری پرخطر در تهران

سازمان نظام مهندسی استان تهران از ابتدای امسال تا پایان شهریور به حدود ۴۰۰ گودبرداری در جهت ایمن‌سازی ساختمان ها اخطار داد و از پیشرفت کار تا زمان ایمن‌سازی آنها جلوگیری به عمل آمد.

سعید غفرانی رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران در گفتگو با تسنیم بااشاره به این‌که این سازمان بازرسی‌های مستمری را از گودبرداری‌های پرخطر دارد، افزود: در حد بضاعتی که داریم گودبرداری‌ها را کنترل و بازرسی می‌کنیم و این رویه برای گودهای پرخطر با دقت فراوانی انجام می‌شود.

بررسی زمینه های گسترش همکاری های اقتصادی تهران و پکن

در دیدار فرستاده ویژه دولت و رئیس کمیسیون مدیریت و نظارت دارایی شورای دولتی چین با وزیر اقتصاد کشورمان، برنامه‌ریزی برای راه های جدید گسترش همکاری های اقتصادی بویژه زمینه های سرمایه گذاری و تامین منابع مالی مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش شبکه اخبار اقتصادی و دارایی (شادا)، علی طیب نیا در این دیدار با اشاره به نقش مثبت چین در مذاکرات هسته ای و دستیابی به شرایط خاص برای توسعه همکاری ها، خطاب به طرف چینی گفت: سفر جنابعالی و حضور مدیران شرکت های بزرگ چین نشانه ای از علاقه مندی دوطرف برای توسعه همکاری های تجاری و اقتصادی است.

وی روابط ایران و چین را سازنده، استراتژیک و راهبردی دانست و با بیان اینکه ما در آستانه شرایط متفاوتی هستیم، تصریح کرد: تحریم ها و محدودیت هایی که در روابط اقتصادی و تجاری کشورمان وجود داشت در آینده نزدیک حذف خواهد شد و ما وارد فاز جدیدی از نوع همکاری های سرمایه گذاری با چین خواهیم شد.

وزیر اقتصاد کشورمان از طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم به عنوان ابتکار ارزشمند رئیس جمهوری چین نام برد و گفت: علاقه مندیم مطالعات دقیق تری در این زمینه انجام و نسبت به تهیه و تدارک تفاهم نامه های لازم در این حوزه اقدام کنیم. وی درباره توسعه حمل و نقل ریلی، پروژه قطار سریع السیر اصفهان– تهران، پروژه برقی کردن قطار تهران–مشهد، توسعه بندر چابهار و اتصال این بندر به بندرهای آسیای مرکزی توسط راه آهن را از جمله علاقه مندی های دوکشور برای سرمایه گذاری توسط چین عنوان کرد.

در ادامه این دیدار ،فرستاده ویژه دولت و رئیس کمیسیون مدیریت و نظارت دارایی شورای دولتی چین هدف از سفر خود را نشان دادن عزم جدی دولت این کشور برای گسترش روابط اقتصادی در دوران پساتحریم اعلام کرد و گفت: چین در دوران تحریم در کنار ایران بوده لذا در شرایط جدید آماده توسعه این روابط است.

وی ساخت و ساز مشترک در مورد کمربند اقتصادی جاده ابریشم، ساخت و ساز های زیربنایی، سرمایه گذاری در حوزه توسعه پروژه های حمل و نقل ریلی ایران، پروژه بندر چابهار، همکاری در حوزه انرژی، تجارت نفت خام، صنایع بالادستی نفت و گاز، کشاورزی و شیلات و همکاری های دفاعی را از جمله پروژه های مهم برای سرمایه گذاری توسط دولت جمهوری خلق چین بیان کرد.

خبر دیگری حاکیست قرارداد جدید برقی بین جمهوری اسلامی ایران و چین به منظور تامین فاینانس، کالا و تجهیزات و اجرای پروژه‌های جدید صنعت برق و انرژی امضا شد.به گزارش مهر، قرارداد جدید برقی بین جمهوری اسلامی ایران و چین دیروز به منظور اجرای پروژه‌های مشترک در صنایع برق و انرژی و توسعه همکاری‌های دوجانبه در دوران پساتحریم امضا شد.

بر این اساس این قرارداد بین ژئوژیانگ مدیرعامل شاندونگ چین و بهمن صالحی مدیرعامل صانیر ایران امضا شد و قرار است به زودی با برگزاری نشست‌هایی مشترک، جزئیات اجرای طرح‌های برقی در خاک دو کشور یا کشورهای ثالث برگزار شود.بر اساس این قرارداد، شرکت شاندونگ چین باید فاینانس طرح‌های جدید برقی ایران را تامین کند؛ ضمن آنکه تامین کالا و تجهیزات صنعت برق به صورت انحصاری در ۱۵ کشور آسیایی و آفریقایی از سوی شرکت چینی به شرکت ایرانی تبدیل شد.

با اجرای این قرارداد جدید، شرکت چینی متعهد است که کالا و تجهیزات مورد نیاز به منظور اجرای طرح‌های برق و انرژی را در ۱۵ کشور جهان همچون سنگال، اتیوپی، ترکمنستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، عراق و اقلیم کردستان عراق، سوریه، یمن، پاکستان، سریلانکا و افغانستان به صورت انحصاری در اختیار شرکت صانیر قرار دهد.شرکت شاندونگ چین یکی از بزرگترین شرکت‌های سازنده تجهیزات و کالاهای برقی در چین و حتی جهان بوده، کالاهای ساخت این شرکت به کشورهای مختلف آمریکای شمالی و جنوبی، اتحادیه اروپا، آسیا و آفریقا صادر می‌شود. همچنین شرکت صانیر ایران و شاندونگ چین برای اجرای طرح‌های برقی به صورت EPC در ایران و سایر کشورهای جهان در دوران پسا تحریم به توافق نهایی دست یافته‌اند.

از سوی دیگر، تفاهمنامه همکاری توسعه صنایع دریایی و همچنین تاسیسات دریایی میان ایران و چین توسط وزیر صنعت، معدن و تجارت و طرف چینی منعقد شد.

به گزارش ایرنا، محمدرضا نعمت زاده در مراسم انعقاد تفاهمنامه همکاری سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با شرکت مهندسی چاینا هاربر با اشاره به روابط مناسب ایران و چین گفت: سیاست دولت ایران گسترش مناسبات در تمام زمینه ها و به خصوص در بخش اقتصادی است.

وی اظهار داشت: این موافقتنامه درخصوص توسعه صنایع دریایی کشور است و اولویت ایران برای همکاری های آینده، توسعه سرمایه گذاری و همکاری مشترک است.

وزیر صنعت اظهار امیدواری کرد این تفاهم و توافق زمینه سرمایه گذاری طرف چینی را فراهم کند و ایران به مرکز صنعتی و تعمیر شناورهای منطقه تبدیل شود.وی اظهار امیدواری کرد: این تفاهمنامه آغاز مناسبی برای سفر رییس جمهور چین به ایران باشد.

در ادامه این جلسه، لی یو چی تائو رئیس هیات مدیره شرکت مهندسی چاینا هاربر اظهار امیدواری کرد: این همکاری زمینه ایجاد مرکز تعمیرات و ساخت شناور در منطقه خلیج فارس را فراهم کند.

وزیر بهداشت :کمپانی‌های بزرگ داروسازی در ایران سرمایه گذاری می کنند

وزیر بهداشت ضمن تاکید بر تغییر شکل مسیر واردات دارو به ایران و همچنین واردات به شرط انتقال دانش فنی گفت: تا پایان امسال چندین کمپانی بزرگ دارویی جهت سرمایه گذاری در بازار بزرگ ایران فعال خواهند شد.

به گزارش ایسنا، دکتر سید حسن هاشمی در مراسم امضای تفاهم نامه ساخت کارخانه داروسازی در ایران با شرکت نووو نوردیسک دانمارک گفت: دیابت بیماری است مهلک که در ایران حدود پنج میلیون نفر مبتلا به دیابت قطعی داریم و حداقل پنج میلیون نفر نیز استعداد ابتلا به این بیماری را دارند.

وزیر بهداشت ادامه داد: به جای آنکه درب‌های کشور برای واردات باز شود باید شکل واردات تغییر کند، به نحوی که صرفا به داروهایی اجازه ورود می‌دهیم که پس از مدتی دانش فنی ساخت دارو را به کشور منتقل کنند؛ به این ترتیب در جهت خلق ثروت برای ایران تلاش خواهد شد.وی ادامه داد: حدود ۱۵ کشور همسایه ایران و همچنین آفریقا، می توانند مورد هدف کمپانی‌هایی باشند که علاقمند به سرمایه گذاری در ایران هستند. البته این علاوه بر منطقه آسیا و کشورهای مجاور ایران است.وی افزود: تا پایان امسال نیز چندین کمپانی بزرگ دارویی برای سرمایه گذاری در ایران فعال خواهند شد. در مورد شرکت نووو نوردیسک نیز امیدواریم هر دو طرف این تفاهم نامه به تعهدات خود متعهد باشند و در کوتاه ترین زمان ممکن شاهد بهره برداری از این شرکت دانمارکی در کشور باشیم و بتوانیم در کمتر از یک دهه بازارهای منطقه را در اختیار بگیریم.

عذرخواهی از مردم بابت تاخیر پرواز هواپیما

مدیرعامل شرکت هواپیمایی ایران ایرتور از مردم بابت تاخیرهای پروازی این شرکت عذرخواهی کرد.

به گزارش ایرنا، احمد خلیلی افزود: به اطلاع می رسانم که طی هفته گذشته بروز برخی تأخیرات و مشکلات ناخواسته در پروازهای ایران ایرتور موجب شرمندگی اینجانب و کارکنان خدوم و زحمتکش این شرکت شد.وی ادامه داد: آنچه موجب ایجاد این مشکلات شد،فقط و فقط تأکید ما بر رعایت اصل ایمنی پرواز و سلامت مسافران کشور بوده است، زیرا انجام پروازی ایمن برای ما و همه کارکنان این صنعت از اهم امور و حتی از حیثیت‌مان ارجح تر است.

اولویت های تامین منابع مالی طرح های پتروشیمی اعلام شد



مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی اولویت های تامین منابع مالی طرح های این صنعت را تشریح کرد

وی با بیان اینکه در حال حاضر اولویت ما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، گفت: از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم، امنیت بیشتری برای کشور ما فراهم می شود. زیرا معمولا کشورهایی که در سایر مناطق سرمایه گذاری می‌کنند برای حفظ سرمایه خود با ملاحظه تر رفتار می کنند. عباس شعری مقدم در گفتگو با ایرنا با تشریح سرمایه‌گذاری خارجی در طرح های پتروشیمی، اظهار داشت: اولویت بعدی ما مشارکت ایرانی ها با خارجی ها است که براساس آن لازم است که شرکت های خارجی علاقه مند به سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی با شرکت های ایرانی، طرح‌های مشترکی را اجرا کنند که سابقه اینگونه همکاری‌ها در گذشته وجود داشته است.

وی شیوه سوم تامین منابع مالی طرح های پتروشیمی را فاینانس اعلام کرد و گفت: هرچند از طریق فاینانس می توان منابع ارزی مورد نیاز را تامین کرد، اما برای اجرای آن دشواری هایی مانند تضمین ها وجود دارد که باید در مورد آن راهکار لازم اتخاذ شود.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی یادآور شد: شرکت ملی صنایع پتروشیمی در گذشته حدود ۵۰ شرکت تولیدی را در اختیار داشت و محموله هایی را که به خارج از کشور صادر می کرد، ده ها میلیون دلار ارزش داشت که این مساله اعتبار فراوانی برای آن ایجاد کرده بود و موسسات خارجی به راحتی و فقط با یک امضا وام می دادند، اما این وضع پس از واگذاری شرکت ها تغییر کرده است.

وی گفت: البته به دلیل اینکه پتروشیمی در زمان تحریم خوش حساب بوده و بدهی خود را به موقع پرداخت کرده است، موسسات مالی هنوز برای این شرکت اعتبار قائل هستند و حاضر به پرداخت وام به شرکت های ایرانی براساس تضمین شرکت ملی صنایع پتروشیمی هستند.

نامبرده اظهار امیدواری کرد که هلدینگ های بوجود آمده مثل خلیج فارس و تاپیکو ، نفت و گاز پارسیان و شستا بتوانندبا اتحاد و همبستگی نقش گذشته شرکت ملی صنایع پتروشیمی را در این دوران احیاء کنند.

وی گفت: تشکیل صندوق ارزی توسعه صنعت پتروشیمی هم راهکار دیگری است که درصدد ایجاد آن هستیم

شعری مقدم استفاده از منابع صندوق توسعه ملی را به عنوان آخرین گزینه تامین منابع مالی طرح های پتروشیمی معرفی کرد و گفت: ما باید تلاش کنیم که منابع صندوق توسعه ملی را صرف کارهای مهم تر کنیم.

وی با اشاره به سابقه سرمایه گذاری مستقیم شرکت‌های خارجی درصنعت پتروشیمی ایران، گفت: در ابتدای تشکیل شرکت ملی صنایع پتروشیمی در سال ۱۳۴۳، چند سرمایه گذاری مستقیم توسط آمریکایی ها انجام شد که براساس آن واحدهای پتروشیمی آبادان، رازی و خارگ احداث شدند. سپس ژاپنی ها آمدند و به صورت مشارکت ۵۰ – ۵۰ بزرگترین مجتمع پتروشیمی جهان را در بندر امام با عنوان ایران – ژاپن بنیان گذاری کردند.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی افزود: از آن زمان به بعد و تا تاسیس مشارکت آریاساسول در دولت اصلاحات، اتفاق جدیدی رخ نداد تا اینکه در طول دولت اصلاحات، شرکت ساسول آفریقای جنوبی اجرای پروژه مجتمع پلیمر آریاساسول را بصورت مشارکت ۵۰–۵۰ با ایران پذیرفت که مشارکت موفقی بود.

وی ادامه داد: البته مشارکت های دیگری با سعودی ها و تایلندی ها داشتیم که در این حد موفق نبودند.

دلایل گسترش زمینخواری در منطقه حیران

گزارشی که از منطقه حیران ارایه شده این است که از ۱۶۰ هکتار محدوده فقط شش هکتار مسکونی است که البته این شش هکتار هم برای روستاییان است.

پیروز حناچی دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری در گفتگو با مهر با بیان اینکه اتفاقی که افتاده این است که ساخت و سازها با طرح هادی روستایی مطابقتی ندارد و تخلفات هم داخل محدوده طرح هادی روستایی حیران و خارج از این محدوده انجام شده است، افزود: به نظر می‌رسد که این تخلفات در زمان وقوع کنترل نشده و همین موضوع باعث گسترش زمین خواری در این منطقه شده است.

وی با تاکید بر اینکه مردم عادی برای زمین خواری ریسک نمی‌کنند، چون احتمال برخوردهای دولتی را می‌دهند، افزود: اما وقتی عده‌ای با پشتوانه، زمین خواری‌های گسترده را انجام می‌دهند، مردم عادی هم وارد می‌شوند.دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری با اعلام اینکه باید موارد غیرقانونی در این منطقه تخریب شود، گفت:البته دستگاه مسئول تخریب کننده شورای عالی نیست و اینکار باید از سوی دهیاری‌ها، شهرداری‌ها و سازمان امور اراضی انجام گیرد در واقع، داخل حریم به دهیاری‌ها و شهرداری‌ها و خارج از حریم به سازمان امور اراضی مرتبط است.وی افزود :براساس قانون، سازمان امور اراضی می‌تواند بدون طرح شکایت در دادگاه‌ها با حضور دادستان اقدام به تخریب بناها کرده و سپس به مراجع قانونی مراجعه کند.

قیمت سوخت سی.ان.جی ۱۰۰ تومان افزایش یافت

با پایان دوره مصوبه هیات وزیران مبنی بر عرضه ۵۰۰ تومانی سی ان جی، این سوخت پاک از ساعت ۱۲ دیشب با نرخ مصوب ۶۰۰ تومان عرضه شد.

به گزارش ایرنا، در پی مصوبه دولت مبنی بر کاهش نرخ سی ان جی از ۶۰۰ به ۵۰۰ تومان (در هر کیلوگرم) این سوخت پاک از ساعت شش صبح یکم تیر امسال با نرخ ۵۰۰ تومان در جایگاههای سراسر کشور عرضه شد.

هیات وزیران ۳۱ خرداد امسال در نشستی قیمت فروش هر کیلوگرم گازطبیعی فشرده (تحویلی به مصرف کنندگان)را از تاریخ ابلاغ مصوبه تا پایان تابستان از ۶۰۰ به ۵۰۰ تومان کاهش داد.

اما با پایان این زمان، مدیر طرح احداث جایگاههای سی ان جی از بازگشت قیمت ها به ۶۰۰ تومان خبر داده و خاطرنشان کرد: با توجه به مصوبه ۳۱ خرداد هیات وزیران مبنی بر کاهش ۱۰۰ تومانی سی ان جی و اجرای این مصوبه از آغاز تابستان، هر کیلوگرم سی ان جی با نرخ ۵۰۰ تومان عرضه شد.

امیر وکیل زاده درباره تغییر نمایشگرهای مربوط به نرخ ۶۰۰ تومانی سی ان جی در جایگاههای سوخت گفت:این کار در کوتاهترین زمان ممکن انجام شد.بررسی وضع ناوگان سی ان جی کشور نشان می دهد که جایگاه ها توان عرضه روزانه ۳۴ میلیون مترمکعب سی ان جی را دارا هستند، اما به دلایل مختلف، تاکنون از ۱۸ تا ۱۹ میلیون مترمکعب از این ظرفیت مورد استفاده قرار می گرفته است.

شروط سه گانه ایران برای همکاری با خودروسازان خارجی

رضایت مردم شرط اول در تولید و فروش هر خودرویی است و البته باید توجه داشت که کیفیت هم امری نسبی است. اما بنا داریم برای خودروهایی که در آینده با شراکت با خارجی‌ها تولید خواهد شد، این شرایط را لحاظ کنیم.

معاون وزیر صنعت با تاکید بر اینکه به لغو تحریم‌ها خوشبین هستیم، از شروط سه گانه ایران برای همکاری با خودروسازان خارجی خبر داد.

به گزارش مهر، محسن صالحی‌نیا در جمع خبرنگاران در پاسخ به سئوالی مبنی بر سپردن مجدد بازار خودرو ایران به رنو گفت: تولید انبوه خودرو رنو در ایران براساس قرارداد یک سال‌ونیم قبل این شرکت فرانسوی با گروه خودروسازی سایپا صورت می گیرد و در قراردادهای میان‌مدت و بلندمدت آتی قرار است شرایط سه‌گانه وزارت صنعت برای خودروسازان خارجی لحاظ شود. وی افزود: پلتفرم به روز به لحاظ استاندارد، ایمنی و کیفیت، محدوده قیمتی و کیفی و خدمات پس از فروش سه پارامتر لازم برای انعقاد قرارداد جدید با خارجی‌ها است.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: ظرفیت و قابلیت خوبی در کشور برای تولید خودرو وجود دارد که منجر به رتبه مناسبی در سطح جهان شده است، به نحوی که براساس آخرین آمارها، ایران شانزدهمین تولیدکننده خودرو در دنیا است. البته قرار است برای سال ۲۰۱۶ ارزیابی جدیدی را برای اعلام رتبه جهانی تولید خودرو در ایران اعلام کنند.

وی افزود: براساس اهداف توسعه صنعتی، ایران قرار است رتبه یازدهم تولید خودرو در جهان را به دست آورد که امیدواریم با توجه به ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و ارزش افزوده بخش خودرو بتوانیم به این رتبه دست یابیم.

به گفته صالحی‌نیا، مقدمات همکاری با شرکت‌های خودروساز دنیا فراهم و روزها و ساعت‌های بسیاری برای تدوین مبانی و نحوه انعقاد قرارداد با خارجی‌ها کار انجام شده است و بر این اساس بنا داریم در قالب قراردادهای میان‌مدت و بلندمدت با استفاده از ظرفیت‌های طراحی محصول و نوآوری کار را پیش بریم.

وی تصریح کرد: عوامل تولید هستند که قیمت را تعیین می‌کنند و هیچ بنگاهی نمی‌تواند خارج از ضوابط تعیین قیمت کند،ضمن اینکه سطح قیمت خودرو بر اساس سطح قیمت نهاده‌ها و ملزومات تولید تعیین می‌شود.

معاون وزیر صنعت در پاسخ به سئوالی مبنی بر آغاز تولید انبوه خودرو ساندرو با ۳۴ درصد داخلی‌سازی، خاطرنشان کرد: در گزارشی که از سوی پارس‌خودرو به وزارت صنعت، معدن و تجارت ارائه شده بود، ۳۵ درصد داخلی‌سازی این خودرو عنوان شده بود، در حالی که هم‌اکنون نماینده شرکت رنو اعلام کرده که این خودرو با ۳۴ درصد داخلی‌سازی تولید انبوه می‌شود. البته ظرف دو ماه آینده قرار است داخلی‌سازی این خودرو به ۴۱ درصد رسیده و ظرف مدت یک سال داخلی‌سازی به بالای ۶۵ درصد برسد.

شیوه مدیریتی شهید بابایی

بقیه از صفحه ۳

فرمایش حضرت امام صادق (علیه السلام) که می‌فرمودند: «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم مردم را نه با حرف بلکه با عمل دعوت به دینداری بکنید»، در اصل یک نسخه برای درمان دردهای گسترده و پیچیده جامعه هست! مگر می‌شود در کاخ نشست و مردم را دعوت به کوخ نشینی کرد؟! مگر می‌شود سر سفره‌های رنگین با طعام‌های متنوع نشست و مردم را دعوت به امساک و قناعت نمود؟! مگر می‌شود غرق در تنعم بود و مردم را به ساده زیستی دعوت کرد؟! موعظه‌های این چنینی، هیچ‌گونه اثری در مخاطبان نمی گذارند!

نه روش رهبری و مدیریت حضرت امام(ره) و نه روش رهبری و مدیریت مقام معظم رهبری (دام ظله) و نه روش مدیریت شهدایی چون عباس بابایی چنان بوده که دیگران را به اموری دعوت کنند و خود عامل به آنها نباشند. در مأموریت‌های برون مرزی خطرناک، شهید بابایی خط‌شکن بود. وقتی ترمز هواپیماهای اف–۱۴ مشکل پیدا می‌کنند و با تدبیر ایشان متخصصان هواپیما با کمک دانشگاهیان موفق به ساخت ترمزها می‌شوند، خود شهید بابایی اولین پرواز اف–۱۴ مجهز به ترمزهای ساخت داخل را انجام می‌دهد! در زندگی خصوصی نیز با ساده‌زیستی، دیگران را به تحمل مشکلات زندگی و صبر در برابر کمبودها دعوت می‌کرد. چنان دعوتی قلباً و روحاً مورد پذیرش قرار می‌گرفت و مصداقی می‌شد برای فرمایش حضرت امام صادق(علیه السلام): کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم.[1]

رهبری پیامبرگونه حضرت امام(ره) و پیروی مخلصانه شاگردان آن بزرگوار و جانفشانی رهروانی چون شهید بابایی، کشور جمهوری اسلامی را به درجه‌ای از ثبات و امنیت و قدرت رسانده که دشمنان قسم خورده‌اش نمی‌توانند نقش‌آفرینی آن را در منطقه و جهان منکر شوند. بدون شک جوشش و جریان خون شهید بابایی‌هاست که در لبنان،سوریه،عراق،بحرین،یمن و...نهال‌هایی را به بار می‌نشاند که همچون کوهی استوار در برابر زیاده خواهی‌های استکبار جهانی قد علم می‌کنند.

سلطه صهیونیسم جهانی بر رسانه‌های تصویری، گفتاری و نوشتاری جهان مانع از آن شده تا منتی که جمهوری اسلامی بر اغلب کشورها و مردم جهان دارد، آشکار گردد. به برکت پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تشکیل دولت جمهوری اسلامی بود که با زیر سؤال رفتن ایده‌های کمونیستی، اتحاد جماهیر شوروی از هم فروپاشید و کشورهای زیادی که به بلوک شرق وابسته بودند، استقلال یافتند. آیا نباید این کشورها نسبت به کشور جمهوری اسلامی احساس دین بکنند؟ آیا نباید کشور آلمان دو تکه (شرقی و غربی) که با فرو ریختن دیوار بزرگ برلین یکپارچه شد، نسبت به جمهوری اسلامی احساس دین کند؟ آیا نباید پیروان ادیان آسمانی که با پیروزی انقلاب اسلامی، اعتبار و حیثیت پیدا کردند مدیون جمهوری اسلامی باشند؟ دینی که از صفحه اجتماع کنار زده شده بود و با پیروزی انقلاب اسلامی، معنا و مفهوم یافته است نباید مدیون جمهوری اسلامی باشد؟در چهره مجاهدان حزب‌الله لبنان و مبارزان کمیته‌های یمن می‌توان پرتوی از انواری را مشاهده کرد که در چهره درخشان شهیدانی چون عباس بابایی نورافشانی می‌کرد.این موضوع اگرچه از دیدهٔ دوستان غافل پنهان است اما در جلوی چشمان از حدقه درآمدهٔ دشمنان اسلام به وضوح خودنمایی می‌کند. بمباران‌های وحشیانهٔ مردم بی دفاع، محاصره شده و مظلوم یمن بدون دلیل نیست!

ای عزیز

عباس عزیز! وقتی در اعتراض به اطرافیان که اصرار داشتند لباس نو به تن کنی،گفتی: «تا این دختران دهاتی پابرهنه، کفش نداشته باشند ما مسئولین حق پوشیدن لباس نو را نداریم!» آن آوای ملکوتی ات در کهکشانها پیچید و به گوش نوجوانان و جوانانی رسید که پابرهنه با استکبار جهانی می‌جنگند!

عباس عزیز! وقتی وجدانت با سکونت در منازل سازمانی ویلایی آرام نداشت و با سکونت در منازل حقیر از بار غم بی خانمانها می‌کاستی، اکنون تصویر دوست‌داشتنی و دلنشینت بر دلهای آوارگان فلسطینی جا خوش کرده تا از همان کلبه‌های محقر و ویران گشته از ستم دشمن،دست از مقاومت و مبارزه برندارند!

عباس عزیز!روحیهٔ بسیجی تودرآن لباس سادهٔ بسیجی ات،درشخصیت‌های برادران بسیجی سوریه و عراقی آنچنان حلول کرده که در برابر فشارهای روزافزون اتحاد نا مقدس قدرت‌های استکباری و ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌های مکه نشین، چون کوهی استوار ایستاده اند!

عباس عزیز! وقتی روزه می‌گرفتی و ساعت‌ها از آسمان جمهوری اسلامی پاسداری می‌کردی، روشی را ابداع و القا کردی که نسل امروز توانستند در سخت‌ترین شرایط محاصره اقتصادی کشور در برابر مستکبران ایستادگی کرده و زانو خم نکنند و آنها را که به این شیوه‌های ظالمانه جهت تسلیم ملت شهید پرور ایران دلخوش کرده بودند، به یأس و عجز و عقب نشینی وادارند!

عباس عزیز! به رغم تهاجم همه جانبه شیطان بزرگ و هم‌پیمانانش هنوز بر سر شعارهای انقلاب اسلامی ایستاده‌ایم، رهبر عزیز انقلاب بر حفظ عزت و حرمت و سربلندی ملت مسلمان و مقاوم ایران اصرار می‌ورزند و در طول این مدت نگذاشته‌اند ارزش‌های انقلاب و رهنمودهای حضرت امام(ره) کمرنگ شوند.

از شما شهید بزرگوار که در زمره «فَالمُدَبِّرات امرا»[2] هستید، تقاضا داریم به اذن پروردگار راه پیروزی بر کفار و منافقین و گسترش انقلاب اسلامی را برایمان تسهیل فرمایید که سخت نیازمند دعای خیر و مساعدت شما هستیم.

روحت شاد و راهت پر رهرو باد.

پی‌نوشت:

۱ـ اصول کافی شیخ کلینی، ج دوم، ص ۷۸

۲ـ قرآن، سوره النازعات، آیهٔ ۵

مذاکرات ایران و فرانسه برای پرتاب ماهواره ملی

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با بیان اینکه در روابط با کشورهای اروپایی به دنبال لحاظ کردن منافع ملی خود هستیم، گفت: برقراری روابط عادلانه و منصفانه اصل تمام مذاکرات ایران با کشورهای خارجی است.

محمود واعظی در دیدار با وزیر تجارت خارجی فرانسه با بیان آنکه در دوران جدید روابط ایران با سایر کشورها یک طرفه نخواهد بود، افزود: در همکاری های متقابل امتیازات خود را لحاظ کرده و به دنبال حفظ منافع ملی خود هستیم.

وی مذاکرات صورت گرفته با وزیر تجارت خارجی فرانسه را مذاکره بر روی پروژه های بزرگی مانند ساخت و پرتاب ماهواره ملی دانست و اظهار داشت: این نوع مذاکرات به خودی خود زمانی طولانی تا حصول نتیجه به خود اختصاص می دهند و بنابراین نباید انتظار داشت این نوع مذاکرات در کوتاه مدت نتیجه ای در برداشته باشد.

وزیر ارتباطات با اشاره به اینکه هنوز در برقراری روابط ایران با سایر کشورها اتفاق خاصی رخ نداده است، تاکید کرد: رفت و آمد هیات ها، شخصیت ها و مقام های بلند پایه اروپایی به کشور تنها ایجاد شرایط برای پس از فروپاشی تحریم هاست و آن هنگام گام های برداشته شده به مرحله اجرا خواهد رسید.

به گفته وی، مردم ایران از اواخر اسفند سال جاری و اوایل فروردین سال آینده و با عادی شدن روابط پولی و بانکی و فروش نفت تاثیر این مذاکرات را در زندگی خود لمس خواهند کرد.

واعظی با اشاره به روابط خوبی که از گذشته بین ایران و فرانسه بوده و اینکه این کشور در زمینه تجهیزات مخابراتی و فضایی جزو تولیدکنندگان خوب این تجهیزات است، گفت: در شرایط جدید برای بهره مندی از تکنولوژی های روز قدرت انتخاب ما بیش از گذشته است و دست به انتخاب خواهیم زد.

وی تاکید کرد: امروز تصمیم سیاسی کشور آغاز سرفصلی جدید در روابط با این کشور است که دو طرف به دنبال حفظ منافع یکدیگر خواهند بود.

گفتنی است، وزیران کشاورزی و مشاور در امور بازرگانی خارجی و جهانگردی فرانسه به همراه هیاتی ۱۵۰ نفره از صاحبان شرکت ها و صنایع بزرگ این کشور برای دیدار با مقام های ایرانی در تهران حضور دارند.

بانک‌پاسارگاد دانش‌آموختگان برتر مبتلا به هموفیلی را مورد تشویق قرار داد

بانک‌پاسارگاد همچون سال‌های گذشته اقدام به تشویق دانش‌آموختگان برتر مبتلا به بیماری هموفیلی کرد.

به‌گزارش روابط‌عمومی بانک‌پاسارگاد، این بانک همچون سال‌های گذشته دانش‌آموختگان برتر مبتلا به هموفیلی را در مقاطع تحصیلی ابتدایی تا دانشگاه، تشویق کرده و مورد حمایت خود قرار داد.

بر اساس این خبر در سال جاری، ۴۹۲ دانش‌آموخته که متشکل از ۲۸۱ نفر در مقطع ابتدایی، ۶۰ نفر در مقطع راهنمایی، ۷۸ نفر در مقطع دبیرستان و ۷۳ نفر در مقطع دانشگاه هستند، مورد تشویق بانک‌پاسارگاد قرار گرفتند. بانک‌پاسارگاد این اقدام را از سال ۱۳۸۵ آغاز کرده و تاکنون ۲هزار و ۹۸۶ دانش‌آموخته مبتلا به هموفیلی را تشویق و مبالغی به حساب این عزیزان واریز کرده‌است.

گفتنی است بانک پاسارگاد در جهت ایفای رسالت‌های اجتماعی خود، اقدامات انسان‌دوستانه دیگری مانند کمک به آزادی زندانیان با جرایم غیرعمد، کمک به زلزله‌زدگان، کمک به ایتام و روشندلان، اهداء خون توسط سرمایه‌انسانی بانک، کمک به بنیادهای خیریه و ... را در کارنامه خود به ثبت رسانده‌است.

ضرورت آموزش‌های ترافیکی به دانش‌آموزان از نخستین روزهای سال جدید تحصیلی

درسی به نام آموزش‌های ترافیکی در مدارس



یکی از دلایل حوادث رانندگی برای کودکان ونوجوانان، نبود اطلاعات و مهارت‌های لازم آنان در مورد مقابله با حوادث یاد شده است و از اینرو گنجاندن آموزش‌های ایمنی ترافیک به عنوان بخشی از برنامه‌های آموزشی مدارس، یکی از موثرترین راه‌های فراهم آوردن چنین دانشی برای دانش‌آموزان، محسوب می‌شود و براین اساس، آموزش نکات مربوط به ترافیک، یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها به شمار می‌آید. تحقیقات نشان داده است که آموزش ترافیکی دانش‌آموزان در صورت همراه بودن با تمرین قوانین و مقررات آن، بسیار موثرتر واقع می‌شود که البته برای دستیابی به نتایج بهتر، این برنامه باید با انجام سایر امورمربوط به ایمنی ترافیک نظیر آموزش رانندگان، ساخت محل‌های ویژه رفت و آمد عابران پیاده و نظارت وکنترل ورعایت رفتارهای ایمن در رانندگی، مورد توجه قرار گیرد. آموزش‌های ترافیکی در برگیرنده برنامه‌ای است که به کودکان می‌آموزد تا کاربرانی با رفتارهای ایمن‌ترباشند.

آموزش بانمایش‌های عروسکی

سرهنگ عین‌الله جهانی ـ معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیکی پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: اعتقاد داریم آموزش در سنین پایین براساس نظریه استادان و روان‌شناسان به مثابه حکاکی برروی سنگ است و نیز آموزش باید دائمی باشد. درخصوص آموزش به کودکان هم باید گفت که به دلیل اینکه از ضمیری روشن و چشم و گوشی بینا وشنوا برخوردارند، مطلب را سریع‌تر می‌گیرند و در ذهن‌هایشان، ماندگاری همیشگی دارد. البته اگر خلاف آموزشی را ببینند، می‌تواند آنان را دچار تضاد کند. مثلا اگر به کودکان‌مان آموزش بدهیم که به هنگام رانندگی نباید با تلفن همراه صحبت کنند، چرا که موجب حواس پرتی می‌شود و تخلف است، اما بزرگترها در حال رانندگی با تلفن همراه صحبت کنند، این امر سبب می‌شود که کودکان هم نسبت به قوانین و مقررات رانندگی و ترافیک بی‌تفاوت و سهل انگار بار بیایند.وی با تأکید بر این‌که باید نظم و انضباط ترافیکی و اجتماعی از ۴ سالگی به کودکان آموزش داده شود، می‌افزاید: در همکاری که با سازمان بهزیستی کشور داریم، گروه‌های آموزشی در قالب تئاتر عروسکی به همراه افسر کارشناس درمهد کودک‌ها حضور می‌یابند که ابتدا مطالب و موضوع‌های نظم و انضباط ترافیکی به زبان ساده توسط افسر کارشناس بیان می‌شود و سپس گروه‌های نمایش با توجه به جذابیت‌های بصری و همخوانی کودکان با شخصیت‌های عروسکی، مفاهیم ترافیکی را در سطح ذهنی آنان به نمایش درمی آورند.

بیان قوانین به زبان ساده

سرهنگ جهانی، هدف از آموزش‌های ترافیکی به شیوه نمایشی را نهادینه کردن نظم و انضباط اجتماعی در کودکان عنوان و اضافه می‌کند: یاد دادن قوانین به زبان ساده به کودکان، مثلا رفت و آمد در بین خطوط، گذر عابر پیاده، دلیل خط کشی خیابان‌ها، استفاده از پل‌های هوایی، بستن کمربند ایمنی، مفاهیم رنگ‌ها درچراغ راهنمایی و رانندگی، نحوه نشستن به داخل خودرو، نشستن در صندلی عقب برای کودکان زیر ۱۲ سال و بستن کمربند ایمنی، بیرون نیاوردن سرو دست و پا از داخل پنجره خودرو، پرت نکردن آشغال از خودرو به بیرون و مقرراتی از این طیف به کودکان آموزش داده می‌شود.

معاون اجتماعی پلیس راهور ناجا می‌افزاید: در مدارس ابتدایی، نکات ایمنی تردد آموزش داده می‌شود و در مقاطع بالاتر که شامل پلیس یاران جوان می‌شود، بحث‌های آموزشی، سطح بالاتری دارند. در این مقطع، کارشناسان پلیس مواردی درباره فاصله بین خودروها وتردد با موتورسیکلت و ضوابط آن، استفاده از کلاه ایمنی، و این که چه کسانی و درچه سنی اجازه رانندگی دارند، مسائل فنی و آلایندگی خودروها، معاینه فنی، کنترل خودرو در موقعیت‌های بحرانی، استفاده از چراغ‌های راهنما و بوق، گردش به راست و چپ و برخی از دیگر مقررات را آموزش می‌دهند.

وی تاکید می‌کند: همیاران جوان پلیس وظایفی را برعهده دارند، که از جمله به کنترل بستن کمربند ایمنی توسط سرنشینان صندلی‌های عقب و جلو خودروها می‌توان اشاره کرد که در صورت عدم نبستن کمربند، آنان موظف هستند محترمانه این موضوع را یاد آور شوند.

سرهنگ جهانی تذکر عدم استفاده از تلفن همراه به هنگام رانندگی با توجه به اینکه درصد زیادی از سوانح رانندگی در کشور به دلیل صحبت کردن و یا فرستادن پیامک به هنگام رانندگی روی می‌دهد، را دیگر وظیفه همیاران جوان پلیس می‌داند و می‌گوید: تذکر به رانندگان در مورد سرعت مجاز با مشاهده تابلوهای موجود در سطح معابر و جاده‌ها، می‌تواند عاملی برای کاهش حوادث رانندگی باشد.

رفتار مؤدبانه همیاران جوان پلیس

معاون فرهنگ ترافیکی پلیس راهور ناجا اضافه می‌کند: همیاران جوان یاد می‌گیرند که خط ممتد در خیابان مانند دیوار است و سبقت غیر مجاز در آن ممنوع است و درخصوص مشاهده تخلفی این چنینی، می‌توانند آن را مؤدبانه به راننده تذکر دهند.

وی اظهار می‌دارد: در آموزش همیاران جوان پلیس، تاکید داریم که آنان در تذکرات خود حتماً رفتاری محترمانه داشته باشند، زیرا اثر گذاری موردی که در حال گوشزد کردن آن هستند، بیشتر خواهد بود.

سرهنگ جهانی رعایت حقوق عابران در گذرگاه‌های عابر پیاده را از دیگر موارد عنوان می‌کند که همیاران جوان پلیس می‌توانند درخصوص آن به شهروندان تذکر بدهند. سروصدا نکردن در خودرو توسط سرنشینان آن به دلیل اینکه ممکن است حواس راننده را پرت کنند، از موارد دیگری است که همیاران جوان پلیس، مکلف به تذکر آن هستند.

معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیکی پلیس راهور ناجا همچنین می‌گوید: آموزش‌های ساده و تخصصی به دانش‌آموزان تا مقاطع بالا می‌تواند چشم‌اندازی از رانندگی بهتر در آینده پیش روی جامعه قرار دهد. زیرا کودکان احترام گذاشتن و رعایت حقوق دیگران و قوانین را بهتر می‌آموزند که در این میان پلیس راهور ناجا انتظار دارد مسئولان آموزش و پرورش برنامه نظم و انضباط ترافیکی و آموزش مقررات راهنمایی و رانندگی به دانش‌آموزان را پر اهمیت ببینند و آن را در کتاب‌های درسی بگنجانند. همان‌طور که مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموز آموزش می‌دهند، مهارت‌های رانندگی را هم باید به آنان از زمانی که ضمیرشان آمادگی دارد، باید به آنان آموزش داده شود.

سرمایه‌گذاری برای آینده

سرهنگ جهانی تاکید می‌کند: مهارت‌های رانندگی و قوانین راهنمایی و رانندگی از جمله مهم‌ترین مهارت‌ها و قوانین اجتماعی در هر جامعه است و شاید به دلیل بی‌توجهی ما به آموزش این مهارت‌ها و یادگیری قوانین آن، نتیجه‌اش ۱۷هزار کشته در سال باشد.

وی بابیان اینکه آموزش‌های ترافیکی به نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است، می‌افزاید: اگر از همین حالا با گنجاندن این آموزش‌ها در کتاب‌های درسی و دانشگاهی گامی به سوی کاستن از تلفات جاده‌ای برداریم، در چشم‌اندازی ۱۰ تا ۲۰ ساله ثمرات آن را خواهیم دید.

وی تاکید می‌کند: راهنمایی ورانندگی نیروی انتظامی این توان و آمادگی را دارد که در صورت گنجاندن دروسی درباره نظم وانضباط اجتماعی، کنترل ترافیک، آموزش و لزوم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، کارشناسانی را دراختیار آموزش و پرورش قرار دهد تا آموزش‌های مورد نظر را به دانش‌آموزان منتقل کنند.

آموزش آئین‌نامه رانندگی در کلاس‌های درس

معاون اجتماعی پلیس راهور پیشنهادی دارد و می‌گوید: مسئولان وزارت آموزش و پرورش می‌توانند قوانین و آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی را به عنوان درس در کتاب‌ها قرار دهند این امر پایه‌ای برای دریافت گواهینامه‌های رانندگی باشد. یعنی دانش‌آموزانی که دراین دروس نمره قبولی بگیرند، می‌توانند بدون حضور درآموزشگاه‌های رانندگی، در آزمون شهری شرکت وگواهینامه دریافت کنند.

به نظر می‌رسد آموزش کلاسی آئین نامه یاد شده به دانش‌آموزان، آن هم توسط کارشناسان پلیس راهور می‌تواند پایه گذار علمی‌تر شدن آموزش‌ها و یادگیری قوانین راهنمایی و رانندگی باشد.

برگزاری مانورهای ترافیکی در مدارس

دکتر مهدی علی اکبرزاده ـ مدیر کل فرهنگی وهنری، اردوها و فضاهای پرورشی وزارت آموزش و پرورش در مورد گنجاندن قوانین راهنمایی ورانندگی در کتاب‌های درسی به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی تالیف کتب درسی مطالبی به صورت مستقیم و غیر مستقیم درخصوص نظم و انضباط اجتماعی و ترافیکی و قوانین در کتاب‌ها گنجانده و حتی موضوع ایمنی حمل و نقل هم مورد توجه قرارگرفته‌است.

وی درباره آموزش ترافیکی به دانش‌آموزان می‌افزاید: دانش‌آموزان ابتدایی معمولاً علاقه‌مندند در کنار پلیس در ساماندهی‌های شهری دخالت کنند و به همین دلیل باهمکاری پلیس راهور درمدارس و مربیان پرورشی به عنوان فعالیت‌های پرورشی، دانش‌آموزان درگیر مسائل نظم و انضباط ترافیکی می‌شوند.

دکتر علی اکبرزاده اضافه می‌کند: هر سال شعاری در خصوص موضوع‌های ترافیکی و نظم بخشی به آن با همکاری پلیس راهور ناجا طرح می‌شود که این شعار پایه‌ای برای آموزش دانش‌آموزان در طول سال می‌شود و آنها نیز مطالبی را که یاد می‌گیرند، می‌توانند به والدین و یا سایر شهروندان و از جمله رانندگان منتقل کنند. وی می‌افزاید: معمولاً دانش آموزان در طول سال در ۲ مانور نظم و انضباط ترافیکی شرکت می‌کنند. یکی از آنها در مهر ماه و همزمان با آغاز سال تحصیلی است که دانش‌آموزان در کنار پلیس، برای ساماندهی ترافیک شهر حاضر می‌شوند و دیگری در اسفند ماه و همزمان با سفرهای نوروزی است که از دانش‌آموزان می‌خواهیم در طول این سفرها مراقب رانندگی والدین خود باشند و به آنها تذکرات لازم را بدهند.

دکتر اکبرزاده به آموزش ترافیکی در اردوهای آموزشی در طول تابستان هم اشاره می‌کند و می‌گوید: در اردوها، جشنواره‌های فرهنگی و هنری و شورای دانش‌آموزی، کارشناسان پلیس راهور و حتی کارشناسانی از وزارت راه و وشهرسازی به آموزش مفاهیم ترافیکی و ایمنی به دانش‌آموزان می‌پردازند. وی اضافه می‌کند: امسال اردوی ویژه‌ای در شهریورماه برای دانش آموزان برگزیده برگزار شده که مختص آموزش موضوع‌های ترافیکی بوده است. این دانش آموزان سفیرانی هستند که می‌توانند پیشاهنگان ایمنی در حمل و نقل باشند و آموزش‌های خود را به سایر دانش‌آموزان هم منتقل کنند. وی درباره اینکه چه تعداد همیار پلیس در آموزش و پرورش فعالیت دارند، می‌گوید: همه دانش آموزان همیار پلیس هستند و در طول سال نیز براساس تفاهم‌نامه با پلیس، کارشناسان راهنمایی و رانندگی در مدارس آموزش های ترافیکی را به دانش آموزان ارائه می‌دهند.

کاهش رفتارهای پرخطر

حسین جانعلی‌پور ـ کارشناس ارشد روان‌شناسی هم معتقد است: آموزش‌های ترافیکی به کودکان چه درمحیط خانه و چه مدرسه، سبب ارتقای توانایی‌های آنان و کاهش آمار تصادفات می‌شود و رفتارهای پرخطرشان را کاهش می‌دهد.

این روان‌شناس کودک ادامه می‌دهد: هنگامی که آموزش‌ها در قالب بازی و به‌صورت نوعی مسئولیت پذیری به آنها داده شود، نه فقط از این کار لذت می‌برند، بلکه به آسانی آن را می‌آموزند. والدین می‌توانند آموزش قوانین را در منزل از حدود ۴ سالگی کودکان‌شان شروع کنند. آموزش قوانین ترافیکی باید بیشتر از سوی خود والدین انجام شود، تا اینکه توقع داشته باشیم در مدرسه آموزش داده شود. به عنوان نمونه زمانی که بچه‌ها را به خیابان می‌برید، درباره چراغ راهنمایی، قوانین توقف، ایست و عابر پیاده با آنها صحبت کنید. والدین باید از نظر رعایت قوانین از جمله چراغ راهنما، عابر پیاده و بستن کمربند ایمنی، خودشان الگوی فرزندان‌شان‌باشند.

آموزش‌های ایمنی ترافیک بایداز طریق برنامه‌های ملی که در سطح محلی به اجرا در می‌آیند، به بهترین شکل ارتقا یابند. اما اینکه این آموزش‌ها باید چگونه برنامه‌ریزی شود، باید گفت برای کودکان تا ۴ سال به دلیل اینکه در این سن برای اینکه مسئول حفظ ایمنی خود باشند بسیار کوچک هستند، باید به آنها موارد زیر آموزش داده شود:

– دست کودکان بزرگتر از خود یا افراد بزرگسال را در نزدیکی خیابان بگیرند.

– فقط در پیاده رو راه بروند.

– در مکان‌های ایمن (دور از خیابان) وجلوی چشم بزرگسالان بازی کنند.

– یک سری لغات واصطلاحات ساده مربوط به ایمنی ترافیک را یاد بگیرند.

– تشخیص دهند که خیابان قبل از هرچیز، محل ترافیک است و نه عبور رهگذران.

– تشخیص دهند که خیابان‌ها خطرناک‌هستند.

– بدانند قبل عبور از خیابان باید بایستند و به چپ و راست بنگرند.

– بدانند که کودکان توسط رانندگان، همیشه قابل دیده شدن نیستند

– بدانند که ممکن است به طور غیر منتظره با خودروها مواجه شوند.

– قبل از هر موضوعی نحوه استفاده از خط کشی‌های عابر پیاده را یاد بگیرند.

– از ایمن‌ترین محل عبور از خیابان در نزدیکی خانه شان آگاه باشند.

***سرهنگ عین‌الله جهانی ـ معاون اجتماعی پلیس راهور ناجا: آموزش نکات ترافیکی به کودکان به دلیل اینکه از ضمیری روشن و چشم و گوشی بینا و شنوا برخوردارند، مطلب را سریع‌تر می‌گیرند و در ذهن‌هایشان ماندگاری همیشگی دارد، مثمرثمرتر است**

***گروه‌های آموزشی در قالب تئاتر عروسکی به همراه افسر کارشناس در مهدهای کودک حضور می‌یابند و ابتدا مطالب به زبان ساده توسط کارشناس بیان می‌شود و سپس گروه‌های نمایش با شخصیت‌های عروسکی مفاهیم ترافیکی را به نمایش در می‌آورند**

***راهنمایی و رانندگی ناجا این توان و آمادگی را دارد که در صورت گنجاندن درسی درباره نظم و انضباط اجتماعی، کنترل ترافیک، آموزش و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، کارشناسانی را در اختیار آموزش و پرورش قرار دهد تا این آموزش‌ها را به دانش آموزان منتقل کنند**

آموزش کودکان ۵تا۷ساله

به کودکان ۵ تا ۷ ساله معمولاً مسئولیت بیشتری برای حفظ ایمنی شان داده می‌شود. نکات زیر باید به آنها آموزش داده شود:

– بهتر است کودکان در کنار خیابان‌های شلوغ تنهانباشند.

– دایره لغات ایمنی ترافیک آنها وسعت داده شود.

– افرادی را در عبور از خیابان به آنها کمک می کنند، تشخیص دهند و جستجوکنند.

– بدانند چگونه و کجا می‌توانند به طور ایمن بازی کنند.

– جهت ترافیک را با دیدن و شنیدن، تشخیص دهند.

– قبل از عبور از خیابان، کجا بایستند و گوش دهند و کوتاه‌ترین فاصله را برای رد شدن مستقیم از خیابان‌هاانتخاب کنند.

– در صورت امکان، از خط کشی‌های عابرپیاده علامت‌گذاری شده استفاده کنند.

– چگونه ازچراغ‌های راهنمایی (با یا بدون خط کشی‌های عابر پیاده علامتگذاری شده) استفاده کنند.

– شیوه رفت و آمد ایمن به مدرسه را بدانند.

– آگاهی از خطرات دیده نشدن یا ندیدن سایر عوامل ترافیکی، به دلیل وجود خودروهای عظیم الجثه.

– درک مشکلات ایجاد شده توسط سایرکاربران راه واهمیت دیده شدن در همه شرایط آب و هوایی.

– آگاهی از این موضوع که تصادف می‌تواند منجر به جرح و مرگ شود.

– آگاهی از این موضوع که گاهی در تصادفات، افراد پیاده مقصرند.

کودکان ۸تا۱۲ساله

از کودکان ۸تا۱۲ ساله انتظار می‌رود توانایی رویارویی با خطرهای ترافیک را به تنهایی داشته باشند. آنها باید نکات زیر را یاد بگیرند:

– مکان‌های ایمن برای بازی کردن را تشخیص دهند و آن‌ها را به کودکان کوچکتر توصیه کنند.

– نیاز به دیده شدن در نزدیکی و داخل ترافیک را درک کنند و در مورد خطرات خودروهای بزرگ و نحوه عبور از خیابان‌ها، آگاه باشند.

– مفهوم چراغ‌های راهنمایی، تابلوهای مسیر، خط کشی‌ها و علاماتی که رانندگان و پلیس می‌دهند، را درک کنند.

– مفهوم سرعت‌های متغیر را با مشاهده ترافیک، درک کنند.

– بدانند که چگونه و چه وقت در یک موقعیت ضروری درخواست کمک کنند.

– درک اینکه باید از کدامیک از تابلوهای مسیر پیروی کنند، کدامیک هشدار دهنده و کدامیک آگاهی دهنده‌هستند.

– مفاهیم قابلیت دیده شدن، وضوح، هوای متغیر،کنترل خودرو و ترمز گرفتن را درک کنند.

– از اینکه کاربران راه قوانین ترافیکی را همیشه رعایت نمی‌کنند، آگاه شوند.

– نیازهای گروه‌های خاص مانند افراد خردسال ، پیر و ناتوان را درک کنند.

– نتایج سریع و بلند مدت تصادفات را درک کنند.

– از اهمیت وجود خیابان‌های امن در نزدیکی مدرسه در زمان تغییر مدرسه‌شان، آگاه باشند.

– الگوی خوبی برای سایر بچه‌ها باشند.

نوجوانان ۱۲تا۱۶ساله

با نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، بیشتر به عنوان بزرگسالان کوچک رفتار می‌شود، آنان باید یاد بگیرند‌که:

– خودشان به خوبی و در ایمنی کامل، با وسایط حمل و نقل عمومی،سفرهای درون شهری راانجام دهند.

– چگونه در خیابان دوچرخه سواری کنند.

– با مقررات عبور ومرور در بزرگراه‌ها آشنا باشند.

– دلایل تصادفات و چگونگی ایفای نقش در کاهش خطرات رابدانند.

– با دیدن ترافیک، قادر به تشخیص سرعت‌ها و فواصل خودروها باشند.

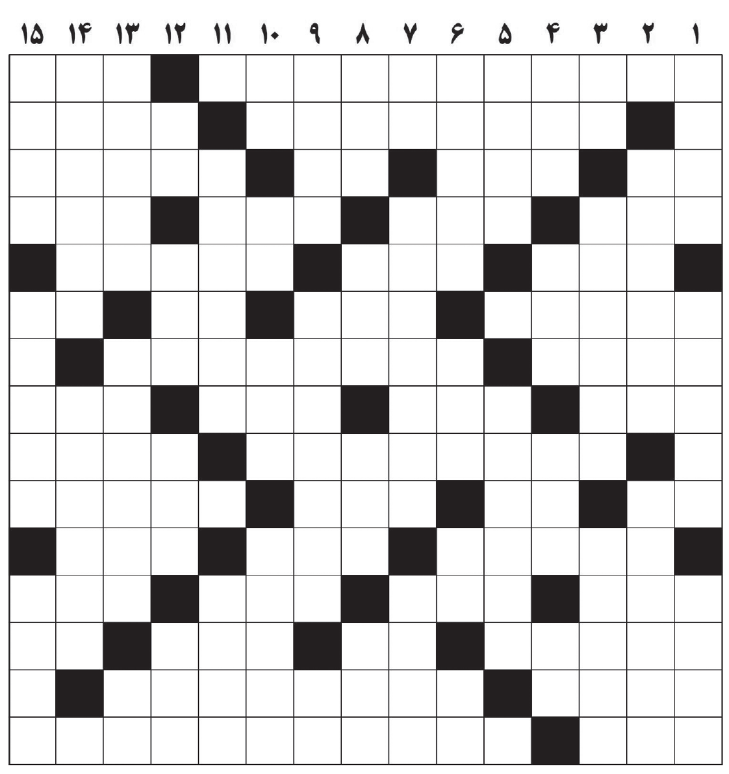
– با قوانین و مقررات مهم و مسئولیت‌های یک کاربر راه در مقابل سایرین، آشناباشند.

– اصول ساده کمک‌های اولیه رابدانند.

فاطمه‌یارمحمدی

جدول ۲۲۶۵۳

طراح: غلامحسین باغبان



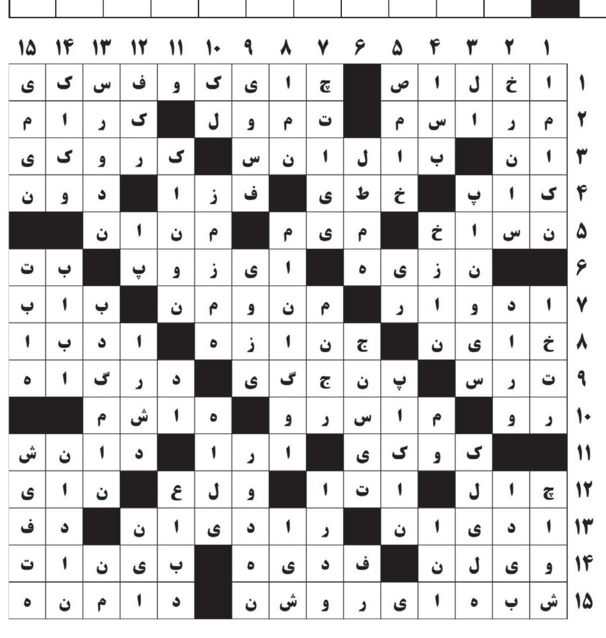
افقی:

۱-اسکلت-گرم و سوزان
۲-خسران-شش ضلعی
۳-زمینه موسیقی-بازگشت-ردیف قالیبافی-جانشینی
۴-خیلی کم-سقف خانه-پاداش عمل-شریعت
۵-دستور-اسباب منزل-نام دخترانه
۶-پایه ها-نرمی و نازک دلی-بله ژرمن ها-تفاوت از زمین.... آسمان!
۷-میز کوچک کنار مبل-حکیم و شاعر ایرانی مولف سفر نامه و زاد المسافرین
۸-زمستان-از نزولات جوی-مقام برنزی در ورزش-پژواک صدا
۹-روش و عمل ریاضت برای رسیدن به مقامات معنوی-درس مذهبی
۱۰-مرکز فراری-ضمیر جمع-نخست-غذای تبریزی
۱۱-نشان دهنده راه-نظرات-خزنده خوش خط و خال
۱۲-از حروف الفبا-یاری-پارسایی-آرامش در.... خداوند است
۱۳-در آن هنگام-پوستین-غلط گیر اداری-تنها
۱۴-رشته باریک-نوعی دفاع روانی
۱۵-از شهر های آلمان-مایه کوبی

عمودی:

۱-گیرنده امواج-ده یک چیزی-نظیر
۲-تمرین-گوسفند استرالیایی
۳-پایان نامه-در یک کلاس-همه افراد
۴-نیکوکار-همنشین برهمن-کشور عدن-مخفف اگر
۵-ضروری-خاندان ایرانی مقتدر در دربار خلفای عباسی
۶-نعمت دادن-نهی از رفتن-حرف لاتین-پسوند برخی آش ها
۷-منقار کوتاه-مار گیر-جوش چرکی
۸-دفعه-کمبود-پرچم-شهر زادگاه مهدی اخوان ثالث
۹-مادر حضرت مهدی (عج)-اثری از غلامحسین ساعدی-ساز شاکی
۱۰-ماه سرد-بدنیا آوردن-حیوان حرام گوشت-کسانی که در رشته هایی از دانش و فن تبحر دارند
۱۱-اصول عقاید زمان حکومت هیتلر در آلمان-پایتخت بنگلادش
۱۲-ام الخبائث-بازیکن هم تیمی-ثانی-خسیس
۱۳-رشک بری، حسد-اینترنت بی سیم-تکرار حرف آخر
۱۴-از رشته های دانشگاهی-قرارداد ساختمانی
۱۵-روییدن-مواد خوشبو کننده مواد غذایی-مغازه

حل جدول ۲۲۶۵۲



آشنایی با ایران‌شناسان

هرمان اته

عبدالمحمد روح‌بخشیان



اته، نفر بالایی

کارل هرمان اِته،[1] ایران‌شناس آلمانی. در ۱۳ فوریه ۱۸۴۴ در شهر اشترالزوند، واقع در ایالت مکلنبورگ آلمان متولد شد و در ۷ ژوئن ۱۹۱۷ در اثنای جنگ جهانی اول و در ایامی که هنوز ایران‌شناسی انگلستان امیدهای بسیار به او داشت، در شهر بریستول درگذشت.

اته پس از تحصیلات مقدماتی، در ۱۸۶۲ وارد دانشگاه گرایفسوالد شد و در رشته ادبیات کهن و فلسفه تحصیل کرد. سال بعد، وارد دانشگاه لایپزیگ شد و زیر نظر هانریش فلایشر[2] ـ شاگرد برجسته سیلوستر دوساسی ـ به تحصیل در رشته زبان‌شناسی و مطالعه شرقی پرداخت. فلایشر که اساساً متخصص در ادبیات عربی بود، با زبان فارسی هم آشنایی داشت و تتبعاتی که مرتبط با این زبان و دیگر زبانهای سامی بود، عرضه کرده بود. اته در ۱۸۶۵ با ارائه رساله دکتری «شبستان خیال، فصل اول درباره ایمان و اسلام»، از فتّاحی نیشابوری که در ۱۸۶۸ انتشار یافت، از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و پس از آن اجازه یافت که در مقام استاد خصوصی به تدریس بپردازد. فتّاحی نیشابوری از شاعران و نویسندگان معروف قرن نهم قمری معاصر شاهرخ تیموری (۷۷۹ـ۸۵۰ق) بود و ظاهراً انگلیسی‌ها از اوایل قرن نوزدهم به ترجمه بعضی از آثار او پرداخته بودند.

در همین ایام، شاگردان فلایشر جشن‌نامه‌ای برای او تدارک دیدند که اته، به همراه هارتویگ درنبورگ و دیگران، با شرکت در آن، دین خود را نسبت به او ادا کردند. اته در ایام اقامت در لایپزیگ، به ترجمه آثارالبلاد (۱۸۶۸) زکریّا قزوینی که خاورشناسان او را پلینی[3] قرون وسطی خوانده‌اند و نیز به چاپ مطالعات شرق‌شناسی (۱۸۷۰)، که در آن مباحثی از انوار سهیلی، صوفی‌گری و تعزیه ارائه شده بود، همت گماشت. او که در مونیخ هم به تحصیل و تکمیل فارسی، عربی، ترکی و سُریانی پرداخته بود، بخشی از اسکندرنامه (۱۸۷۱) نظامی را ترجمه و تفسیر کرد و تتبعات جدیدی تحت عنوان فردوسی شاعر (۱۸۷۲) و اشعار کسایی (۱۸۷۴)، و نیز ترجمه‌ای از رباعیات ابوسعید ابوالخیر (۱۸۷۵) منتشر ساخت.

در سال ۱۸۷۲ مونیخ را ترک گفت و به انگلستان رفت تا به مطالعه نسخه‌های خطی فارسی و عربی و ترکی کتابخانه بادلیان آکسفرد بپردازد. او زمانی آلمانی را ترک کرد که صدراعظم آن، اوتّو بیسمارک قبلاً (۱۸ ژانویه ۱۸۷۱) سند تأسیس امپراتوری آلمان را امضا کرده و درصدد بود دست به اصلاحات عمیقی در کشور بزند؛ اما بعدها در سالهای بین ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۶، او سعی کرد که شغل مناسبی در کشورش پیدا کند، امری که حاکی از علاقه او به بازگشت به وطن بود.

با این همه، در کتابخانه بادلیان به عنوان دستیار کتابدار مشغول به کار شد. اقامتش در این کشور مصادف با اقدام مسئولان آن برای فهرست‌نویسی نسخ شرقی و جستجو برای یافتن خبرگان کاردان بود. قبلاً نیز شارل ریو[4] و ادوارد زاخائو[5] برای این کار دعوت به همکاری شده بودند. در سال ۱۸۷۵ اته به استادی زبانهای شرقی در دانشگاه ابریستویث در ویلز، منصوب شد و ظاهراً از همان ابتدا ادوارد ادواردز[6] انگلیسی که بعدها در فهرست‌نویسی نسخ شرقی نام‌آور شد، زیر نظر او به فراگیری زبانهای عبری، عربی، سُریانی و سنسکریت پرداخت و برجسته‌ترین شاگرد او شد.

از همین ایام، اته تدریس و تحقیق و فهرست‌نویسی را با هم به پیش برد و حاصل تحقیقاتش را در آلمان و انگلستان و گاه در اتریش منتشر کرد؛ بازتاب سریع آنها در دیگر مراکز خاورشناسی اروپا حاکی از توجه بسیار خاورشناسان این مراکز به این تحقیقات بود. او ابوعلی‌سینا را از منظر شعر و شاعری معرفی کرد، در حالی که تا آن زمان، غرب از او صرفاً به عنوان یک پزشک بزرگ یاد می‌کرد. به‌علاوه به اسلاف و معاصران رودکی نظری عالمانه افکند؛ زندگی، افکار، اشعار و به‌ویژه قصاید ناصرخسرو را بررسی کرد و به بررسی اثر منسوب به فردوسی، یوسف و زلیخا، پرداخت، اثری که چندی بعد، از آن شاعر دیگری دانسته شد.

مضامینی که اته برای تحقیقاتش انتخاب می‌کرد بکر و صرفا ادبی بود، مانند شعر درباری و رمانتیک ایران (۱۸۸۷) و شعر عرفانی و آموزشی و تغزّلی و نوشته‌های متأخر ایرانیان (۱۸۸۸). به عقیده کلمان هوار، جیمز دارمستتر برای نوشتن اثر معروف خود، «مبادی شعر فارسی» از آثار اته استفاده کرده است. در هر حال همین مجموعه عظیم تحقیقات ایرانی بود که ویلهم گایگر[7] ـ ایران‌شناس بزرگ آلمانی ـ و همکارانش را متوجه او کرد و آنها از او برای تألیف اثر وزین «مبانی فقه‌اللغه ایرانی» (۱۸۹۵ـ۱۹۰۴) دعوت به همکاری کردند، و او در مجلد دوم آن، ادبیات فارسی جدید را منتشر کرد، اثری که ارزش آن از دید ادوارد براون به دور نماند. ترجمه این اثر در سال ۱۳۳۷ش، با عنوان «تاریخ ادبیات فارسی» به اهتمام صادق رضازاده شفق، شهرت و اعتبار او را در ایران تثبیت کرد و مباحثاتی در پی آورد. اته با نوشتن چندین فهرست اشتهار بسیار در نزد فهرست‌نویسان و مأخذشناسان جهان خاورشناسی کسب کرد. زاخائو که برای تدوین فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ترکی، هندی و پشتو در کتابخانه بادلیان (۱۸۸۹)، به کار پرداخته بود، به سبب تعهداتی که در حین این کار پذیرفت، از ادامه آن بازماند و اته آن را به اتمام رساند و سپس به تدوین فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ایندیا آفیس (۱۹۰۳) و نیز فهرست نسخه‌های خطی شرقی، فارسی، عربی و هندی کتابخانه ملی ویلز (۱۹۱۶) پرداخت. او برای ششمین کنگره خاورشناسان که در سال ۱۸۸۳ در لیدن برگزار شد، تتبعاتی در باب ناصرخسرو و ترجمه‌های ترکی کلیله و دمنه ارائه کرد.

آغاز جنگ جهانی اول مشکلات بسیار برای او که ممتحن رسمی مدرسه مطالعات شرقی آکسفورد هم بود، به بار آورد؛ زیرا جو ضد آلمانی در انگلستان به قدری آزاردهنده بود که او ناگزیر با همسر انگلیسی خود، آن کشور را ترک گفت؛ اتفاقی نظیر آنچه برای ژول‌مول و همسر انگلیسی‌اش در پاریس روی داد. نام اته به سبب تألیف کتاب مهم او، تاریخ ادبیات فارسی، و نیز به سبب تدوین فهرست‌های متعدد همواره در تاریخ خاورشناسی اروپا زنده خواهد ماند. تحقیقات او همچنان مورد مداقه و بحث است.

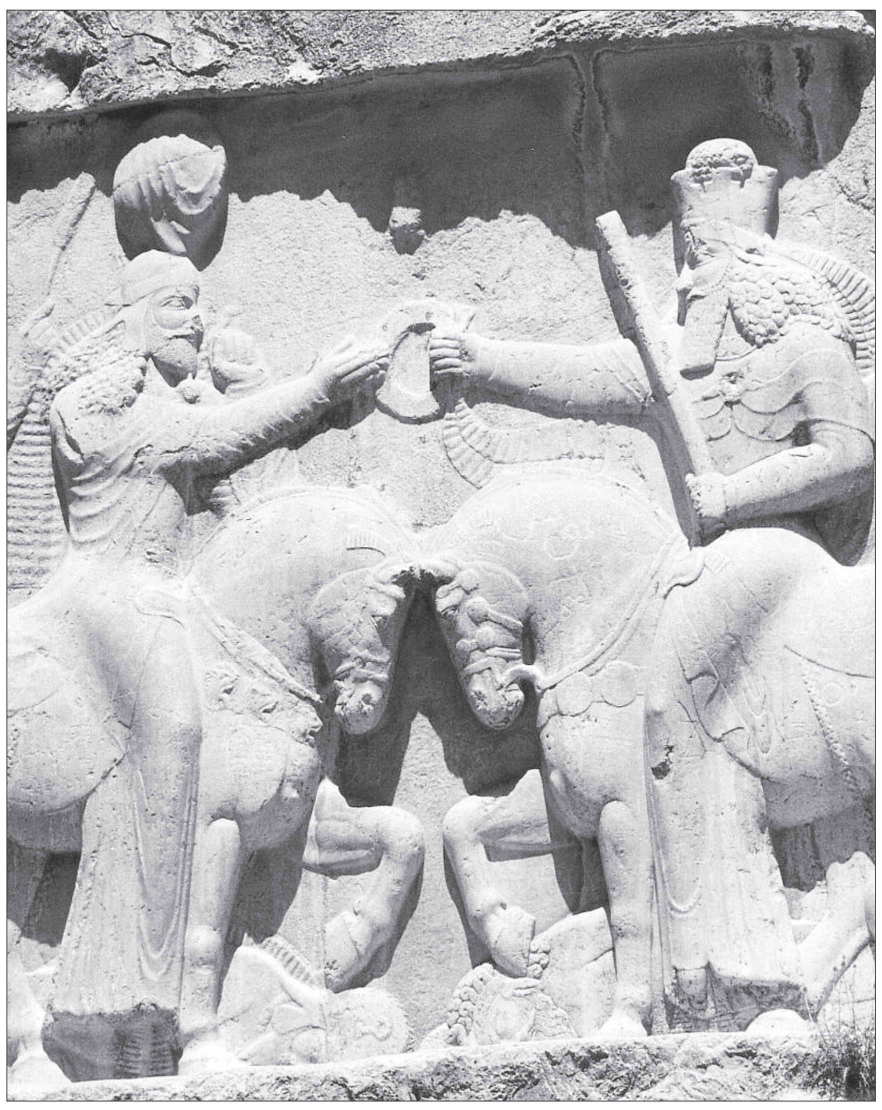
* دانشنامه زبان و ادب فارسی (با تلخیص)

پی‌نوشتها:

1. Carl Hermann Ethé//2. Fleischer//3. Pliny//4. Rieu//5. Sachau//6. Edward Edwards//7. Neupersische literature

اندرزنامه‌های کهن ایرانی

پروفسور هانری فوشه کور   ترجمه محمد علی امیرمعزی   بخش اول



اشاره: در متون کهن فارسی و عربی از اندرزنامه‌های ایرانی متعددی یاد شده است که یکی از آنها اندرزهای اردشیر است. آنچه در پی می‌آید، بخشی تلخیص‌شده از کتاب اخلاقیات (نشر دانشگاهی) است که ذیل مقوله اندرز اردشیر، مطالب زیر را آورده است.

با سنجش اندرزهایی که در متون عربی تحت نام اردشیر آورده شده‌اند، نمی‌توان به اهمیت آنها در شکل‌گیری اندیشه اخلاقی و سیاسی در سده‌های اول اسلام پی برد. اکنون دلایل بسیار در دست است مبنی بر اینکه این اندرزها از مجموعه‌های دوره ساسانی برگرفته شده‌اند، مجموعه‌هایی که شامل اصول اعتقادی استوار بوده و خیلی زود از پهلوی به عربی ترجمه شده‌اند.

شخصیت اردشیر

شخصیت اردشیر در ادبیات از دو جهت بنیانگذار جلوه می‌کند: نخست بنیانگذار وحدت دوبارهٔ ایران پس از تقسیم کشور به دست اسکندر؛ دوم بنیانگذار قواعد رفتاری برای تنظیم و تدبیر جامعه‌ای یکپارچه. ادبیات در مورد اردشیر دو نوع متن به دست ما رسانده است: اول متون توصیفی و داستانی در مورد «تاریخ» اردشیر؛ و دیگر متون اخلاقی و سیاسی شامل اندرزهای اردشیر. هسته اولیهٔ این متون باید متعلق به دوره ساسانی باشد و شاید حتی اجزای نخستین آنها به دوره اردشیر بازگردد. کاتبان و پادشاهان نسل به نسل و رفته‌رفته این متون را بازسای و تکمیل کرده‌اند. ادبیات مربوط به اردشیر ثمره روایتهایی است که تا اوایل دوره اسلامی متداول بوده‌اند.

در بررسی «تاریخ» اردشیر برای پی‌بردن به یک مطلب بوده است: چرا وی در ادبیات اندرزگو و یا الهام‌بخش احکام و قواعد (مثلاً در نامهٔ تنسر) معرفی شده است؟ اردشیر از آنجا که از سه خصلت اساسی سنتی برخوردار است، نمونهٔ پادشاهی برگزیده شده است: تبار والا، رفتار نمونه و دانش‌پروری.

طبری و دینوری نسب اردشیر را به بهمن پسر اسفندیار رسانیده‌اند. از نظر فردوسی، اردشیر از نسب داراست، اما به هر حال همه جا نیای وی گشتاسب ـ حامی زرتشت ـ قلمداد شده است. «کارنامه اردشیر» که متن پهلوی آن به دست ما رسیده، داستان پادشاهی است که عکس کار اسکندر را در ایران انجام داده است. بنابر توصیه ارسطو، اسکندر ایران را به ولایات مساوی و رقیب تقسیم کرد و این تفرقه، از ایران کشوری ناتوان و زیردست یونان ساخت. کارنامه اردشیر با توصیف یک امپراتوری از هم پاشیده آغاز می‌شود و سپس حکایت یکپارچه کردن کشور به دست اردشیر و استقرار سلسله‌ای استوار به وسیله او و فرزند و نوه‌اش در پی می‌آید. می‌دانیم که فردوسی نسخه کاملتری از کارنامه اردشیر در اختیار داشت. او در به نظم کشیدن آن ترجمه‌ای تقریباً تحت اللفظی از پهلوی ارائه داده است و جنبه توصیفی و راویانه او اغلب گسترده‌تر از متن اصلی است.[1] خطابه تاجگذاری اردشیر پرداخته خود فردوسی است (شاهنامه، بیت ۵ تا۱۱). از سوی دیگر در مورد توجه اردشیر به دانش، ابن‌ندیم سنت ایرانی را ادامه داده و از وی به عنوان گردآورندهٔ همه کتب علمی پراکنده، پس از آمدن یونانیان یاد کرده است(فهرست، ص۵۷۵، ۷۳۸ و ۷۴۱).

به این ترتیب «کارنامهٔ» اردشیر حتی اگر ربط مستقیمی هم با اخلاقیات نداشته باشد، تصویر اندرزگویی این پادشاه را توجیه می‌کند.[2] به علاوه طبق سنت ایرانی، وزیر مشاور خردمندی در کنار اردشیر قرا داده شده است. در متن پهلوی، موبد بزرگ نقشی به‌سزا ایفا می‌کند؛ زیرا اوست که شهبانوی باردار را از خطر خشم پادشاه می‌رهاند.[3] فردوسی که موبد بزرگ را مدیر دربار (کدخدای) و وزیر ایران (دستور ایران) نامیده است، این حکایت را با اندکی تغییر بازگو کرده است: گران‌خوار دستور، پس از نجات ملکه و فرزندش شاپور، نزد شاه مقامی والا می‌یابد و نام وی را در کنار نام اردشیر بر سکه می‌زنند. در سنت عربی‌زبان، نام این دستور، ابَرسام یا سام[4] آمده است و برخی از محققان درباره

***اسکندر ایران را به ولایات مساوی و رقیب تقسیم کرد و این تفرقه، از ایران کشوری ناتوان و زیردست ساخت. کارنامه اردشیر با توصیف کشوری از هم پاشیده آغاز می‌شود و سپس حکایت یکپارچه کردن آن به دست اردشیر و استقرار سلسله‌ای استوار می‌آید**

یکی انگاشتن او با تنسر به بحث پرداخته‌اند. به هر حال چنان که گفته شد، اردشیر به علت دارا بودن سه خصلت فردی و بهره‌گیری از وزیری دانا، فرمانروای نمونه تلقی شده است و به همین دلیل در جامعه ساسانی همچون نویسنده متون حکمی به حساب آمده است.

متونی که به نام و اعتبار اردشیر نوشته شده‌اند

به گفته نویسندهٔ «فارسنامه»، کتابی شامل رفتارهای عادلانه و مواضع سیاسی اردشیر در اواخر قرن پنجم‌ق/یازدهم‌م موجود بود که مورد استفاده شاهان قرار می‌گرفت. این کتاب علاوه بر وصایا و اندرزهایی است که به نام اردشیر در نسخه‌های متعدد آمده. پس در قرن‌پنجم، متونی به نام اردشیر وجود داشت و اگر مقصود نوشته‌هایی غیر از نوشته‌های عربی باشد، باید گفت که غیر از روایتهای فردوسی و نامه تنسر، متن فارسی دیگری در دست نیست؛ ولی مقصود مؤلف فارسنامه قطعاً این دو متن نیست. در متون کهن فارسی برخی از سخنان اردشیر حفظ شده‌اند، اما حجم این مطالب با آنچه در ادبیات عرب نقل شده، قابل مقایسه نیست. در اینجا به استثنای فردوسی و ابن اسفندیار، ادبیات فارسی در پی جمع‌آوری و نقل منابع کهن برنیامده، بلکه تنها اندیشه‌هایی از آنها برگرفته و در خود ادغام کرده است.

فردوسی سه متن منسوب به اردشیر را با ترتیب ساختگی سنت پیش از خود، در شاهنامه آورده است: مجموعه‌ای از قواعد (آیین) که پادشاه برای حکومت بر رعایای خویش وضع کرده بوده است. خطبه‌ای اخلاقی که اردشیر پس از پیروزی، در برابر بزرگان کشوری ایراد کرده و بالاخره آخرین وصایای او و قبل از مرگ به فرزندش (عهد)؛ یعنی به طور کلی حکمت پادشاه در آغاز، میانه و پایان حکومتش. همین ترتیب ساختگی متون در نهایه‌الارب (منسوب به اصمعی، متنی عربی متعلق به یک قرن پیش از فردوسی) نیز آمده است.

با این همه عهد اردشیر موجود در نهایه‌الارب با متن فردوسی کاملاً تفاوت دارد و دو عهد مختلف‌اند. به این متون یعنی آیین و خطبه و دو عهد، دو متن دیگر را نیز باید افزود: یک عهد کهن دیگر و «نامه تنسر به گشنسب». این دو متن آخر قطعاً با یکدیگر مرتبط بوده‌اند و محتوای بسیاری از فصول آنها در متون ذکر شده به چشم می‌خورد؛ اما پیداست که نه فردوسی و نه مأخذ او هیچ یک از این دو متن خبر نداشته است. طبقه‌بندی زمانی این متون که هر یک نشانه شاخه‌های سنتهای مشابه اما متفاوت است، ناممکن می‌نماید.

عهد اردشیر

متن عربی این عهد که قطعاً اصل ساسانی داشته است، به وسیله م.گرینیساکی (در سال ۱۹۶۶) و نیز احسان عباس (۱۹۶۷) به طبع رسیده است. متن عربی مصحح احسان عباس بر اساس نسخه‌ای خطی مورخ ۵۸۴ق/۱۱۱۸م است و برگرفته از کتابی است که تألیف آن نمی‌تواند دیرتر از اوایل قرن چهارم/دهم باشد. مصحح بندهای این نسخه خوانا را به‌خوبی بازشناخته و آن را به ۳۶ بند تقسیم کرده است. هر بند محتوای مستقل دارد و با اصطلاح «اعلم...» (بدان‌که) آغاز شده است. متن عربی بدون شک متعلق به قدیم است؛ زیرا که از قول نهایه‌الارب پیداست که گزیده‌هایی از آن در قرن سوم/ نهم استنساخ دست به دست می‌شده است. صورت فشرده دیگری از آن عهد در نسخه‌ای خطی مورخ ۷۱۰ق/۱۳۱۰م شناخته شده است. ابن‌ندیم همچون فردوسی، مخاطب این وصیت‌نامه را پسر اردشیر پنداشته است؛ اما وصیت‌نامهٔ اردشیر به فرزندش شاپور با «عهد» فرق دارد. «عهد» خطابه‌ای است از شاه برای تمامی جانشینانش و با اینکه حاوی نصایح اخلاقی خطاب به شاه است، نمی‌توان آن را «نصیحة‌الملوک» تلقی کرد. این متن پیش از هر چیز مجموعه‌ای است از بنیادی‌ترین قواعد یک حکومت درست، و پیداست که این قواعد نتیجه تفکر در تاریخ ساسانی بوده است. با اینکه متن متعلق به اواخر دوره ساسانی است، قواعد را در آن به گونه‌ای جلوه داده‌اند که گویی بنیانگذار سلسله آنها را وضع کرده است. این امر سبب تقویت جنبه تربیتی و قدرت‌گذاری در حافظه‌ها می‌شده است.

«عهد» بدون در پیش گرفتن ترتیبی خاص، به شش موضوع پرداخته است: رابطه میان ملک و دین، جانشینی پادشاه، قواعد رفتاری شخص پادشاه، روابط شاه با اطرافیانش، تقسیم جامعه به چهار طبقه و بالاخره رفتار شاه با مردم. بند۳۶ به طور کلی شامل یک پیشگویی است: هزار سال دیگر، پندهای شاه فراموش می‌شوند و دوره مصیبت آغاز خواهد شد.

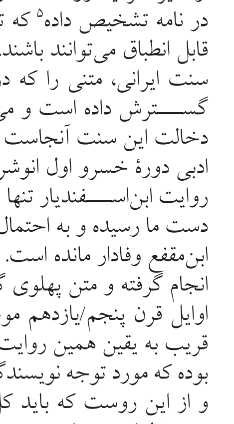
در نهایه‌الارب فشرده‌ای از این عهد آورده شده و تنها به ۱۸ بند آن اکتفا شده است و البته آن هم همواره به صورت کامل نقل نشده است. جالب اینجاست که نهایه‌الارب سه موضوع از شش موضوع «عهد» را حذف کرده است: جانشین پادشاه، طبقه‌بندی چهارگانه اجتماعی، رفتار شاه با مردم و پیداست که مؤلفش به انتخابی آگاهانه دست زده است.

عهد اردشیر متنی بسیار پخته و دارای مصطلحات دقیق است و از این دقت پیداست که از پشتوانهٔ یک هنر جاافتاده بهره‌مند شده است. ادبیات فارسی نکات بسیاری از این متن برگرفته و به نحوه‌های گوناگون بسط داده، اما همچون نهایه‌الارب مسائل حساسی همچون پادشاه و یا طبقه‌بندی اجتماعی را (لااقل آن‌گونه که در عهد آمده) کنار نهاده است. اما موضوعات دیگر عهد جزو مضامین اصلی متداول در زمینه‌های اخلاقی و سیاسی شده‌اند.

نامه تنسر

این سند مشهور، در روایت فارسی آن یعنی نوشته ابن اسفندیار به دست ما رسیده است. محمد بن حسن بن اسفندیار در سال ۶۰۶ق/۱۲۱۰م پس از بازگشت از بغداد به سرزمین زادگاه خود، از مرگ رستم ـ آخرین پادشاه باوندیان مازندران ـ آگاه می‌شود و سپس به کتابخانه مدرسه‌ای که نیای رستم ساخته بود، راه می‌یابد و به کمک اسناد این کتابخانه، «تاریخ طبرستان» خویش را که ناتمام مانده است، تألیف می‌کند. قسمت اول این کتاب که در ۶۱۳ق/۱۲۱۶م پایان گرفته، دو نوشته از او نقل کرده است: یکی مکاتبات اسکندر و ارسطو و دیگری نامه تنسر به گشنسب (در متن جشنسف آمده است). ابن اسفندیار این متون عربی را اتفاقاً در خوارزم یافته بود (گویا در سال ۶۱۲/۱۲۱۵م)؛ اما تنها ترجمه فارسی خویش را برجا گذاشته است. مجاورت این دو متن، مجموعه دوگانهٔ جالبی به دست داده است: اولی در مورد تجزیه ایران به دست اسکندر و دومی در مورد یکپارچه شدن آن به دست اردشیر است.

دارمستتر در سال ۱۸۹۴م/۱۳۱۲ق نامه تنسر را مستقلاً تصحیح و به فرانسوی ترجمه کرد. ملاحظات این دانشمند در مقدمه این متن به ارزش خود باقی است. شناخت او از تنسر (شخصیت مذهبی دربار اردشیر) مرهون دو نویسندهٔ قرن سوم ق/ نهم، یکی پهلوی‌نویس و دیگری عربی‌نویس بوده است: اولی نویسنده کتاب



سوم دینکرت است که تنسر را «هیربد هیربدان» اردشیر معرفی کرده و او را به دستور شاه‌گردآورنده و تکمیل کننده اوستای پراکنده «پس از حمله اسکندر گجسته» دانسته است. دومی مسعودی است که تنسر را شاهزاده‌ای گوشه‌گیر و زاهدمنش و مشاور اردشیر شناسانده و وی را مؤلف «رساله‌های شایسته در نحوه‌های گوناگون ملکداری و دینداری» دانسته و از نامه او به پادشاه طبرستان صریحاً نام برده و قسمت پایانی آن را نقل کرده است.

پی‌بردن به دو مطلب در روایت ابن‌اسفندیار کار دشواری نیست: نخست اینکه متن با محیط اسلامی تطبیق داده شده، و دیگر آنکه حاوی چند بی‌نظمی زمانی است که به نظر تنی چند از محققان (مثل مارکوآرت، کریستن سن و مینوی) نشانهٔ آن است که این نامه در زمان خسرو اول نگاشته شده است. مری بویس با پذیرفتن عقیدهٔ دارمستتر، در مورد واقعیت تاریخی شخصیت تنسر (پیشوای مذهبی قدرتمند در زمان اردشیر) تردید روا نداشته و علاوه بر این، نکاتی چند در نامه تشخیص داده[5] که تنها با دورهٔ سلطنت اردشیر قابل انطباق می‌توانند باشند. بنابراین چنین پیداست که سنت ایرانی، متنی را که در اصالت آن تردید نیست، گسترش داده است و می‌توان گفت که آشکارترین دخالت این سنت آنجاست که مسائل بزرگ تاریخی و ادبی دورهٔ خسرو اول انوشروان را منعکس کرده است. روایت ابن‌اسفندیار تنها متنی است که از این نامه به دست ما رسیده و به احتمال قوی به روایت منسوب به ابن‌مقفع وفادار مانده است. این ترجمهٔ عربی از پهلوی انجام گرفته و متن پهلوی گویا تا زمان بیرونی یعنی تا اوایل قرن پنجم/یازدهم موجود بوده است. به احتمال قریب به یقین همین روایت ایرانی ـ اسلامی نامهٔ تنسر بوده که مورد توجه نویسندگان دورهٔ اسلامی قرار گرفته و از این روست که باید کل آن، بدون در نظر گرفتن عمر قطعات مختلف، مورد بررسی قرار گیرد.

ادامه دارد

***عهد اردشیر متنی بسیار پخته و دارای مصطلحات دقیق است و پیداست که از پشتوانهٔ یک هنر جاافتاده بهره‌مند شده و مجموعه‌ای است از بنیادی‌ترین قواعد یک حکومت درست که نتیجهٔ تفکر در تاریخ بوده و متعلق به اواخر دوره ساسانی است**

پی‌نوشتها:

۱ـ از اطلاعاتی که ابن ندیم داده است (فهرست، ص۲۶۰ و ۷۱۸ و ۷۱۹) پیداست که زندگینامه اردشیر خیلی زود از پهلوی به عربی برگردانده شد. این برگردان قطعاً به همان گستردگی روایت اصلی بوده و تا دوره فردوسی رسیده بوده است.

۲ـ در متن پهلوی (فره‌وشی، ص۱۰تا۱۳) چنین آمده است که از مهمترین هدفهای تربیت (فرهنگ)، آموزش هنرهای دبیری و اسب‌سواری است. در روایت فردوسی نکته اخلاقی پراهمیتی نهفته است: روحیه انتقامجویی (کین) علیه میراث اسکندر نقطه آغاز کار اردشیر بوده است (شاهنامه، اردشیر، بیت ۳۴۷).

۳ـ این حکایت از داستان تولد کوروش گرفته شده است (هرودوت، تاریخ، کتاب یکم، ص۱۰۸ تا ۱۱۸).

۴ـ مثلاً در نهایه الارب و در اخبار الطوال. بنابر گفته نویسنده مجمل‌التواریخ: «در زمان اردشیر بابکان، سام‌بن راجع، مردی کارآمد، دستور و سرکردهٔ موبدان بود. حکمای بسیار نزد وی گرد می‌آمدند؛ زیرا که وی طالب دانش بود، از آن جمله هرمزآفرید، بدروز، برجمهر و ایزدداد بودند. اینان همگی کتب گوناگون در دانش تألیف کرده بودند که بسیاری از آنها به عربی ترجمه و شرح شده است.»(ص۹۴)

۵ـ خاموش کردن آتشکده‌های شاهی، بازسازی کشور، محکوم کردن تصمیمات اردشیر.

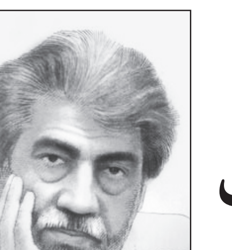
نیکی و بدی

عضدالدوله دیلمی: اگر نیک باشیم و با بندگان خدای نیکویی کنیم تا جهان و مردم خشنود باشند، از ما نیکی یاد کنند و به قیامت رستگاری یابیم و در بهشت رویم. و گر بد باشیم و با خلق بدی کنیم، تا قیامت نام ما به زشتی برند و هر که از ما یاد کند، بر ما لعنت کند و جای ما دوزخ بود.

سیاست‌نامه

شعری برای جنگ

دکتر قیصر امین پور



می‌خواستم
شعری برای جنگ بگویم
دیدم نمی‌شود
دیگر قلم زبان دلم نیست
گفتم:
باید زمین گذاشت قلمها را
دیگر سلاح سرد سخن کارساز
نیست
باید سلاح تیزتری برداشت
باید برای جنگ
از لوله تفنگ بخوانم
ـ با واژه فشنگ ـ
می خواستم
شعری برای جنگ بگویم
شعری برای شهر خودم، دزفول
دیدم که لفظ ناخوش موشک
را
باید به کار برد
اما
موشک
زیبایی کلام مرا می‌کاست
گفتم که بیت ناقص شعرم
از خانه‌های شهر که بهتر نیست
بگذار شعر من هم
چون خانه‌های خاکی مردم
خرد و خراب باشد و خون‌آلود
باید که شعر خاکی و خونین
گفت
باید که شعر خشم بگویم
شعر فصیح فریاد
ـ هر چند ناتمام ـ
گفتم:
در شهر ما
دیوارها دوباره پر از عکس
لاله‌هاست
اینجا
وضعیت خطر گذرا نیست
آژیر قرمز است که می‌نالد
تنها میان ساکت شبها
بر خواب ناتمام جسدها
خفاشهای وحشی دشمن
حتی ز نور روزنه بیزارند
باید تمام پنجره‌ها را
با پرده‌های کور بپوشانیم
اینجا
دیوار هم
هر شام خامشانه به خود
گفته‌ایم:
امشب
در خانه‌های خاکی خواب‌آلود
جیغ کدام مادر بیدار است
که در گلو نیامده می‌خشکد؟
اینجا
گاهی سر بریده مردی را
تنها
باید ز بام دور بیاریم
تا در میان گور بخوابانیم
یا سنگ و خاک و آهن خونین
را
وقتی به چنگ و ناخن خود
می‌کنیم
در زیر خاک گل‌شده می‌بینیم:
زن روی چرخ کوچک خیاطی
خاموش مانده است
اینجا سپور هر صبح
خاکستر عزیز کسی را
همراه می‌برد
اینجا برای ماندن
حتی هوا کم است
اینجا خبر همیشه فراوان است
اخبار بارهای گل و سنگ
بر قلبهای کوچک
در گورهای تنگ
اما
من از درون سینه خبر دارم
از خانه‌های خونین
از قصه عروسک خون‌آلود
از انفجار مغز سری کوچک
بر بالشی که مملو رؤیاهاست
ـ رؤیای کودکانه شیرین ـ
از آن شب سیاه
آن شب که در غبار
مردی به روی جوی خیابان
خم بود
با چشمهای سرخ و هراسان
دنبال دست دیگر خود می‌گشت
باور کنید
من با دو چشم مات خودم
دیدم
که کودکی ز ترس خطر تند
می‌دوید
اما سری نداشت



دیگر پناه پشت کسی نیست
کاین گور دیگری است که
استاده است
در انتظار شب
دیگر ستارگان را
حتی
هیچ اعتماد نیست
شاید ستاره‌ها
شبگردهای دشمن ما باشند
اینجا
حتی
از انفجار ماه تعجب نمی‌کنند
اینجا
تنها ستارگان
از برجهای فاصله می‌بینند
که شب
چقدر موقع منفوری است
اما اگر ستاره زبان می‌داشت
چه شعرها که از بد شب
می‌گفت
گویاتر از زبان من گنگ
آری
شب موقع بدی است
هر شب تمام ما
با چشمهای زلزده می‌بینیم
عفریت مرگ را
کابوس آشنای شب کودکان
شهر
هر شب لباس واقعه می‌پوشد
اینجا
هر شام خامشانه به خود
گفته‌ایم:
شاید
این شام، شام آخر ما باشد
اینجا
لختی دگر به روی زمین غلتید
و ساعتی دگر
مردی خمیده‌پشت و شتابان
سر را به ترک‌بند دوچرخه
سوی مزار کودک خود می‌برد
چیزی درون سینه او کم بود...
اما
این شانه‌های گرد گرفته
چه ساده و صبور
وقت وقوع فاجعه می‌لرزند
اینان
هر چند
بشکسته زانوان و کمرهاشان
استاده‌اند فاتح و نستوه
ـ بی هیچ خان و مان ـ
در گوششان کلام امام است
ـ فتوای استقامت و ایثار ـ
بر دوششان درفش قیام است
باری،
این حرفهای داغ دلم را
دیوار هم توان شنیدن نداشته
است
آیا تو را توان شنیدن هست؟
دیوار!
دیوار سرد سنگی سیّار!
آیا رواست مرده بمانی
در بند آنکه زنده بمانی؟
نه!
باید گلوی مادر خود را
از بانگ رود رود بسوزانیم
تا بانگ رود رود نخشکیده
است
باید سلاح تیزتری برداشت
دیگر سلاح سرد سخن کارساز
نیست...

تخت‌بلقیس و تخت تاقدیس

محمد بهمنی قاجار   بخش دوم و پایانی



اشاره: از جمله آثار مهم غرب ایران، محوطه باستانی تخت‌سلیمان یا همان شهر «شیز» در آذربایجان است که بناهای تاریخی گوناگونی در آن قرار دارد و معروف‌ترینش «آتشکده آذرگشسب» است. در کنار آن «کوه زندان» و «تخت تاقدیس» نیز هست و نوشتار حاضر به بررسی «تخت تاقدیس» پرداخته است.

***

پوپ[11] نیز در کتاب معماری ایران به تخت تاقدیس اشاره می‌کند و می‌نویسد: «تخت تاقدس بر بالای کوه مقدس[12] در نقطه اتصال آسمان و زمین در شمال‌غربی ایران ساخته شده‌بود. بنابر مشهور، زادگاه زرتشت در اینجا بود و مقدس‌ترین زیارتگاه در دوره ساسانی به شمار می‌رفت، هرچند تخت تاقدیس تنها چند سالی وجود داشت؛ یعنی در سال ۶۱۸م به دست خسرو پرویز ساخته شد و در سال ۶۲۸م هراکلیوس امپراتور روم آن را ویران ساخت؛[13] اما این بنا یکی از مشهورترین بناهای تاریخی بود. تخت تاقدیس به خاطر هزینه گزاف و تجهیزات افسانه‌ای و اشراف چشمگیرش بر دامنه‌ها و جایگاه موقتی بخشی از صلیب مقدس، توجه سراسر جهان را از ایرلند تا دهلی به خود جلب کرد.»[14] این صلیب را فرخان یارمُیوزان ـ سردار بزرگ ایرانی ـ در سال ۶۱۴م در هنگام فتح بیت‌المقدس به دست آورد و به حضور خسرو فرستاد.»[15]

«از ادبیات عامیانه اروپای مرکزی، ادبیات و قصه‌های سده‌های میانه، نقاشیها، پرده‌ها، نشانها و آثار مفرغی پیداست که احتمالاً تخت تاقدیس، منشأ و الهام‌بخش اولیه داستان جام مقدس[16] بوده است. این تخت به‌ویژه برای معماری ایران درخور توجه است؛ چون به بهترین صورتی اصول کهن ایرانی را در مورد وظیفه تخت سلطنت به عنوان واسطه میان آسمان و زمین بیان کرده است. این وظیفه در اینجا هم مانند تخت جمشید با جادویی همدلانه نمایش داده شده است. ساختمان و اجزای آن با چنان درست‌نمایی شبهه ناپذیری گنبد آسمان را نمایش می‌داد که رسیدن پاسخ مساعد از آسمان را ناگزیر می‌نمود!

ساختمان که ظاهراً کوشک عظیمی بوده، در بسیاری از آثار عربی، فارسی و بیزانسی توصیف شده؛ از جمله فردوسی در شاهنامه تصویری تا حدی تخیلی از آن عرضه کرده است که شکوهش باور نکردنی است. این کاخ را از چوبهای گرانبهای سرو و ساج ساخته و با طلای فراوان پوشانده بودند. نرده‌ها و پلکانهایش هم طلاپوش بود و در همه جا تنها میخهای سیمین و زرین به کار رفته بود. گنبدی که آسمان را نمایش می‌داد، لاجورد و فیروزه بر آن نشانده بودند و پوشیده از ستارگانی بود از جواهرات، یاقوتهایی که در جدولهای نجومی طلائی قرار داده بودند و ماه و خورشید را از نقره و طلا ساخته بودند، معبد داخلی را پرده‌ای زردوزی با نقش ستارگان می‌آراست. بزرگانی که در مراسم این منطقه غالباً سرد شرکت می‌کردند و با مجمعه‌های زرین و سیمین گرم می‌شدند، در رواقها با پرده‌هایی از پوست سمور و سگ آبی از باد محفوظ می‌ماندند. هزینه افسانه‌ای این ساختمان (مانند طاق کسری) معرّف بخشی از ثروت فراوان مملکت بود. هزینه آن را شورائی از بزرگان کشور تأمین کرده بود؛ زیرا احساس می‌کرد ملت به آن نیاز دارد. تمام بنا بر روی چرخهایی قرار گرفته بود، طوری که می‌شد آن را درست در جهت آسمان چرخان حرکت داد و بدین ترتیب تأثیر دعا را بیشتر کرد. جالب‌تر از این، تعبیه دستگاههایی برای ایجاد طوفان کاذب، رعد و برق و باران بود تا آسمانها را به بارندگی واقعی برای رویاندن زمین و رونق بخشیدن به زندگی تشویق کنند. اینکه این نقطه مقدسی بود که در آن تحت رهبری شاه، زمین و آسمان توانسته همکاری کنند و اینکه مرکز روحانی امپراتوری بود، به‌ویژه از این طریق نشان داده می‌شد که شاه فردای روز تاجگذاری‌اش در تیسفون، با پای پیاده روانه سفر دور و دراز به تخت‌سلیمان (آذرگشسب) می‌باشد تا مراسم جلوس خود را کامل بسازد.

توصیف‌هایی که برخی از آنها گزارش شاهدان عینی است و کسانی که در سپاه هراکلیوس بودند، اظهار کرده‌اند، تصویر خاصی از ساختمان تاقدیس به دست نمی‌دهد، بلکه انگیزه‌هایی را که موجب ساختن آن شده، معلوم می‌سازد. بار دیگر با یک اعتقاد شاهان ایران به کاری حیرت‌انگیز روبرو می‌شویم که بسی فراتر از تأمین آسایش و راحتی آنان بود؛ بنابراین تخت تاقدیس ادامه برنامه عبادتی بود که قرنها پیش در تخت جمشید ارائه شد؛ به مانند آنچه در چهارتاق یا آتشکده نوبهار[17] ارائه شد.»[18]

تخت تاقدیس طبق آنچه در روایات ملی آمده، یادگاری از پیروزی ایرانیان بر ضحاک است که به فرمان فریدون ساخته شد و در زمانهای بعد هر یک از شاهان ایران در تکمیلش کوشیدند که در ابیات شاهنامه این موارد را دیدیم.

تطبیق پژوهشهای باستان‌شناسی با روایات ملی

همان‌طور که یادآوری شد، یکی از آثار باستانی در نزدیکی تخت‌سلیمان، آثار به جای مانده در محلی به نام «تخت‌بلقیس» است. در اینجا باتوجه به آنچه در روایات ملی (از جمله شاهنامه) در مورد تخت تاقدیس آمده، مقایسه‌ای در مورد وجوه مشترک آثار به جای مانده از بنای تخت‌بلقیس که با کاوشهای باستان‌شناسی یافته شده است با آنچه در نوشته‌های تاریخی و همچنین شاهنامه در مورد بنائی به نام تخت تاقدیس آمده، حائز اهمیت می‌باشد.

نخستین وجه مشترک در این مورد، شکل تخت بودن «تخت‌بلقیس» است که طبق آنچه در کاوشهای باستان‌شناسی به دست آمده، تخت‌بلقیس آثار بازمانده از یک بنای باستانی است و علت نامگذاری این بنا به تخت‌بلقیس، این است که آنچه از آن باقی مانده، تداعی‌کننده شکل یک تخت است. در این مورد، الیزابت ناومان (باستان‌شناس آلمانی) از جمله کسانی است که به این شباهت اشاره کرده است.[19]

و اما نظر مورخان و ایران‌شناسان: از جمله دانشمندانی که به تخت تاقدیس به عنوان یک بنای بزرگ و عظیم اشاره نموده، پروفسور پوپ است که می‌گوید: «تخت تاقدیس بنائی است که به صورت قلعه‌ای شبیه تخت بوده است.»[20] هرتسفلد نیز اشاره می‌کند که «بنای تاقدیس از سکویی در زیر و سقفی شبیه تخت بر فراز آن که در این سقف، تصویر پادشاه و خورشید و ماه منقوش شده بوده، تشکیل شده است»؛[21] یعنی در واقع همان بنایی که فردوسی از آن به عنوان تخت یاد کرده است. پوپ نیز بر بنای تخت تاقدیس که به صورت تختی بوده، تأکید نموده و از چوبهای گرانبها و طلاها و گوهرهایی که در آن به کار رفته، یاد می‌کند و در واقع آنچه را فردوسی در مورد گوهرها و طلاهای به کار رفته در تخت تاقدیس به نظم آورده، پوپ تکرار می‌کند و می‌نویسد: «ساختمان تخت تاقدیس که ظاهراً کوشک عظیمی بوده، در بسیاری از آثار عربی، فارسی و بیزانسی توصیف شده. این کاخ را از چوبهای گرانبهای سرو و ساج و با طلا فراوان پوشانده بودند.» وی همچنین در هنگامی که به تخریب تاقدیس به دست امپراتور روم اشاره می‌کند، بر اینکه تاقدیس بنائی باشکوه به شکل تخت و یا در واقع تختگاهی بوده که خسروپرویز در تکمیل و ساخت آن کوشیده، تأکید کرده و می‌نویسد: «این بنا یکی از مشهورترین بناهای تاریخی بود.»[22]

پس از بررسی اولین وجه مشترک تخت‌بلقیس و تخت تاقدیس (از جهت اینکه هر دو نشانه‌های یک بنای عظیم تخت شکل را دارند)، به وجه مَشترک دیگری می‌رسیم و آن، قرار داشتن هر دو تخت در ارتفاعات است. همان‌طور که آمد، استحکامات تخت‌بلقیس در ۷/۵ کیلومتری شمال تخت‌سلیمان قرار دارد؛ یعنی در بخش کوهستانی منطقه و ارتفاعات تخت‌سلیمان، میان دو قله عمود بر هم و در کوه بلقیس.[23] «کوه بلقیس نیز در پانزده‌کیلومتری شمال چشمه تخت‌سلیمان و در ارتفاع ۳۳۳۲ متری قرار دارد و نشانه‌های یک دژ کهن را نشان می‌دهد.»[24] و گفتیم که محل تخت‌بلقیس بر روی قله جنوبی است و سردی هوا در این منطقه کوهستانی طوری است که در ماه مرداد نیز لکه‌هایی از برف هنوز دیده می‌شود و این می‌رساند که این بنا در محل سردی در ارتفاعات قرار داشته است.[25] با توجه به این نکته، به نظر می‌رسد که: «تخت‌بلقیس قرارگاهی جهت محافظت از تأسیسات تخت‌سلیمان بوده است.»[26]

پوپ در مورد محل ساختن تخت تاقدیس می‌گوید: «تخت تاقدیس بر بالای کوه مقدس در نقطه اتصال بین آسمان و زمین در شمال باختری ایران ساخته شده بود» و اضافه می‌کند: «تخت تاقدیس اشراف چشمگیری بر دامنه‌ها داشته است و به بهترین صورتی اصول کهن ایرانی را در مورد وظیفه تخت سلطنت به عنوان واسطه میان آسمان و زمین بیان کرده است، این وظیفه در اینجا هم مانند تخت جمشید...» مقایسه تخت تاقدیس با تخت جمشید خود نشان از بنائی عظیم دارد که بر بلندای کوه ساخته شده است.

ضمناً باید توجه نمود که گفته‌های کارشناسان و باستان‌شناسان آلمانی که در مورد وجود برف در ماه مرداد در ارتفاعات تخت‌بلقیس اشاره داشته‌اند نیز با گفته‌های مورخان در مورد سرمای محل بنای تخت‌تاقدیس مطابقت دارد. پوپ در این مورد می‌نویسد: «بزرگانی که در مراسم این منطقه غالباً سرد شرکت می‌کردند، با مجمرهای زرین و سیمین گرم می‌شدند و در رواقها با پرده‌هایی از پوست سمور و سگ آبی از باد محفوظ می‌ماندند.»[27]

باتوجه به مواردی که گفته شد، یکی بودن محل بنای تخت تاقدیس با آنچه به نام تخت‌بلقیس کشف گردیده، مورد تأکید می‌باشد؛ اما نکته مهم دیگر که در گفته‌های پوپ قابل تعمق است ساخت تخت‌تاقدیس به وسیله خسروپرویز است که در واقع روایات ملی و گفته شاهنامه را تأیید می‌کند که خسروپرویز مجدداً تخت باستانی ایران را احیا کرد و دوباره آن را ساخت.

نتیجه‌گیری

با بررسی و مطالعه تخت تاقدیس و آنچه به صورت مطالعه تطبیقی در مورد این اثر باستانی ارائه گردید، اهمیت توجه به این بنا و ادامه مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی در مورد آن باتوجه به اسناد و مدارک تاریخی و براساس روایات ملی و مذهبی بیشتر احساس می‌گردد. بدیهی است با گشوده‌شدن زوایای ناپیدا از طرف محققان تاریخ، کاوشگران بیشتری جلب بازدید و کاوش از این بنا تاریخی خواهند شد.

پی‌نوشتها:

۱۱ـ پوپ(آرتور، آپهم پوپ) از تخت تا قدیس به عنوان بنا یاد می‌کند. بنائی که به صورت قلعه‌ای شبیه تخت بود. رن،ک: آ،پوپ، کتاب معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار چاپ سوم۱۳۷۳، انتشارات فرهنگان، ص۷۴،۷۵.

۱۲ـ آثار به جا مانده از تخت‌بلقیس در روی کوه بلقیس در ارتفاع ۳۳۳۲متری قرار دارد.

۱۳ـ مورخان تاریخ تصرف و غارت آذرگشسب در شهر شز را در بین سالهای ۶۲۴ تا ۶۲۸م نوشته‌اند.

۱۴ـ پوپ، همان، ص۷۴ و ۷۵.

۱۵ـ غلامحسین مقتدر، پیشین، ص۱۵۴ تا ۱۶۴ و به نقل از بختورتاش، نشان رازآمیز، تهران، ۱۳۷۱، ص۱۶ به نقل از تاریخ طبری، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲، ج۲، ص۷۳۴.

۱۶ـ «طبق روایات مسیحی جام مقدس، جامی بوده که عیسی مسیح در شام آخر از آن نوشیده است. و گفته‌اند این جام نیروئی اعجازآمیز داشته، بر نیروهای معنوی مسلط می‌شود و آنها را به اهلشان انتقال می‌دهد. هانری کربن جام مقدس و خوَرنه (نور جلال) در سنت زردشتی بنا به تفسیر سهروردی را متناظر با هم و منطبق بر هم می‌داند، خورنه(فرّه) موهبتی است که دارنده‌اش را صلابت، جذابیت، همت و قداست و به طور کلی حکمت در ساحت عمل و نظر می‌بخشد و کیخسرو (که نام خسروانیون یا همان حکیمان اشراقی از نام او گرفته شده است) از جمله کسانی است که از این موهبت برخوردار گشت. (رک: فصل چهارم کتاب اسلام ایرانی، ترجمه انشاءالله رحمتی)

۱۷ـ آتشکده نوبهار در بلخ باستان و در دوران گشتاسب بنا شد و براساس روایات مذهبی، زرتشت در آن به عبادت می‌پرداخت و در همانجا به دست تورانیان کشته شد. ایرانیان طبق یک رسم کهن همواره یک بار در سال در آن گرد می‌آمدند. اکنون نیز در این شهر در مزار شریف همان آیین در عید نوروز همه ساله برپا می‌شود.

۱۸ـ اظهارات آقای حیدری مسئول سایت تخت‌سلیمان در تاریخ ۸۵/۵/۲۳ به این جانب.

۱۹ـ پوپ، پیشین، ص۷۴ و ۷۵.

۲۰ـ هانزفون در اوستن و رودلف ناومان، پیشین، ص۲۶.

۲۱ـ پوپ، پیشین، ص۷۴ و ۷۵.

۲۲ـ کریستین سن، پیشین، ص۳۲۸ و ۳۲۹.

۲۳ـ پوپ، پیشین، ص۷۴ و ۷۵.

۲۴ـ فرامرز نجدسمیعی، پیشین، ص۷۱۲.

۲۵ـ علیرضا بابائی، محمدرضا امینی، چشمه‌های تخت‌سلیمان، (پدیده‌ای بی‌مانند در ایران) روزنامه ایران شماره ۳۷۰۲، ۸۶/۵/۱۳، صفحه ۱۱ (صفحه ایران زمین) برگرفته از سازمان زمین‌شناسی کشور.

۲۶ـ هنزفون در اوستن و رودلف ناومان، پیشین، ص۲۶.

۲۷ـ همان، ص۷۴ و ۷۵.

بازار مسکن در انتظار خانه های خالی

چندصد هزار خانه ای که مالکان به ویژه انبوه سازان در تهران و دیگر شهرها به امید افزایش قیمت خالی گذاشته اند موجب بر هم خوردن تعادل در فرایند عرضه و تقاضای مسکن و رکود این بخش شده است؛ چالشی که دولت با راهکار وضع مالیات بر خانه های خالی به دنبال رفع آن است .

چندی پیش وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد ۴۰۰ هزار خانه خالی در شهر تهران وجود دارد که هدف از ساخت آن تجارت و نه تامین محل سکونت مردم بوده است. از این رو، سیاست دولت وضع قانون مالیات بر خانه های خالی با هدف عرضه این خانه های ذخیره شده به بازار مسکن است و دولت مالیات را ابزاری برای جلوگیری از احتکار واحدهای مسکونی می داند.

***برآوردها نشان می دهد بیش از ۱/۴ میلیون خانه خالی در کشور وجود دارد که ۴۰۰ هزار واحد آن در شهر تهران است. همچنین آمارهای رسمی می گوید یک سوم جمعیت کشور صاحب خانه نیستند و بازار مسکن نیاز به عرضه سالانه ۱/۵ میلیون مسکن برای متقاضیان واقعی دارد**

در فرایند بر هم خوردن عرضه و تقاضا در بازار مسکن، در دهه ۶۰ بود که با افزایش جمعیت، کشور در آستانه کمبود واحد مسکونی قرار گرفت. یک دهه بعد چرخه عرضه از میزان تقاضا جاماند و تقاضای مازاد باعث افزایش قیمت شد؛ افزایشی که از میانه های دهه ۸۰ آشکارتر شد و در سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ با جهشی خیره کننده به اوج رسید و قیمت ملک (زمین و آپارتمان های تجاری و مسکونی) در بازار به رقم‌هایی نجومی رسید.

ارزش افزوده ایجاد شده در صنعت ساختمان، سرمایه های کلانی را وارد بازار مسکن کرد .به طوری که انبوه سازی بخش مسکن برای مدت ها رقیبی نداشت و سرمایه‌های بازارهای موازی مانند ارز و طلا هم به سمت ساختمان سازی سرازیر شد.

طبق گفته کارشناسان، سودهای غیر متعارف در این بازار در مقطع زمانی نیمه دوم دهه ۸۰ به ۳۰۰ درصد هم رسیده بود و انبوه سازان حتی به سود ۱۵۰ درصد هم رضایت نمی دادند. با افزایش تقاضا میزان ساخت وساز هم افزایش یافت تا اینکه بازار پس از افزایش قیمت بی‌سابقه مصالح ساختمانی، کاهش توان خرید مردم، ایجاد رکود در اقتصاد کلان و عقب نشینی تقاضا به رکودی عمیق برخورد.

با عمیق تر شدن رکود، کاهش پنج درصدی قیمت ها و خروج حباب از این بازار، خانه های ساخته شده برای عرضه در دوره رونق، دوباره ذخیره شد. انبوه سازان مدعی هستند در یک سال گذشته در حالی که قیمت خانه کاهش داشته، هزینه‌های ساخت بالا رفته و در این شرایط فروش صرفه اقتصادی ندارد .

در شرایطی که سیاست وزارت راه و شهرسازی ثبات قیمت ها در بازار مسکن است، برخی فعالان این حوزه می گویند افزایش قیمت خانه در دوره رونق هم کم تر از نرخ تورم عمومی خواهد بود.

آمار و برآوردها نشان می دهد بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار خانه خالی در کشورمان وجود دارد که ۴۰۰ هزار واحد آن در شهر تهران است. همچنین، آمارهای رسمی می‌گوید یک سوم جمعیت کشورمان صاحب خانه نیستند و بازار مسکن نیاز به عرضه سالانه یک و نیم میلیون مسکن برای متقاضیان واقعی دارد. با توجه به وضع موجود، عرضه خانه های ذخیره شده می تواند تا حدی نیازهای متقاضیان را تامین کند، اما مشکل اینجا است که در این وضع انبوه سازان حاضر به عرضه نیستند. برای رفع این مشکل و مبارزه با احتکار مسکن، دولت ابزار مالیات را در دست دارد، به طوری که از این پس صاحبان خانه های خالی باید مالیات بپردازند و این مالیات به طور تصاعدی هم افزایش می یابد.

در برخی از کشورها مالیات خانه‌های خالی آنچنان بالا است که حتی اگر اجاره صرفه اقتصادی نداشته باشد هم مالک عرضه خانه را به خالی ماندن آن ترجیح می دهد. راهکار مالیاتی برای اینکه مسکن به کالای سرمایه ای تبدیل نشود در کشورهایی مانند انگلیس بسیار سختگیرانه است. به طوری که در این کشور اگر کسی خانه دوم داشته باشد و آن خانه هم خالی باشد، دولت می تواند تا ۲۰۰ درصد از ارزش خانه از او مالیات بگیرد.

به نظر می رسد استفاده از چنین الگویی سبب طرح راهکار وضع مالیات بر خانه های خالی شده است. در طرف دیگر، اما انبوه‌سازانی قرار دارند که مدعی هستند وضع مالیات برای وادار کردن مالک به عرضه مسکن با شعار اقتصاد آزاد دولت تضاد دارد.

باید خاطرنشان کرد: مسکن در بیشتر کشورها کالایی اجتماعی به شمار می رود. اما در ایران به دلیل ارزش افزوده ای که در پی سیاست های غلط و فعالیت گسترده دلالان به وجود آمده، به کالای سرمایه ای تبدیل شده است، به طوری که طبق گفته مدیر کل اداره راه و شهرسازی استان تهران، خانه در کلانشهر تهران گران تر از اروپا است.

***مسکن در بیشتر کشورها کالایی اجتماعی به شمار می‌رود. اما در ایران به دلیل ارزش افزوده ای که در پی سیاست های غلط و فعالیت گسترده دلالان به وجود آمده، به کالای سرمایه ای تبدیل شده ، به طوری که گفته می شود خانه در کلانشهر تهران گران تر از اروپا است**



سیاست اصلی دولت بر این پایه است که مسکن کالای مصرفی باشد و نه ابزاری برای سرمایه گذاری. در مقابل، وجود بیش از یک و نیم میلیون خانه خالی نشان می دهد این میزان و حجم از واحد های مسکونی برای سرمایه گذاری ساخته شده است و مالکان در شرایط رکود قصد فروش ندارند. البته انبوه سازان می گویند این میزان واحد مسکونی به دلیل نبود تقاضا در بازار خالی مانده است و ربطی به احتکار ندارد.حسن محتشم رئیس انجمن صنفی کارفرمایی انبوه‌سازان مسکن و ساختمان با بیان اینکه شمار خانه های خالی در حال کاهش است، می گوید: با توجه به سیاست های دولت و البته شرایط حاضر در بازار مسکن و همانگونه که معاون وزیر راه و شهرسازی اعلام کرده میزان خانه های خالی در تهران از ۴۰۰ هزار واحد به ۲۵۰ هزار واحد رسیده است.

وی تاکید کرد:به طور قطع اقتصاد آزاد این اجازه را به سرمایه‌گذاران می دهد در هر بخشی وارد فعالیت اقتصادی شوند و از سود اقتصادی آن بخش استفاده کنند. بنابر این، سرمایه گذار این اختیار را دارد که در هر بخشی که منافع بیشتری دارد، وارد شود و در قانون هم ساخت و ساز به قصد تجارت منع نشده است. طبیعی است که انبوه سازان به دنبال سود در حوزه کاری خود باشند. شغل انبوه سازان سرمایه گذاری در بخش مسکن است و افزایش ساخت و ساز هم سیاستی است که دولت آن را دنبال می کند. در حال حاضر بازار مسکن با کمبود تولید مواجه است و معتقدم این تعداد واحد به دلیل نبود توان مالی مردم خالی مانده است.

رئیس انجمن صنفی کارفرمایی انبوه سازان مسکن و ساختمان می‌افزاید: در اقتصاد آزاد، ساز وکار بازار و سیستم عرضه و تقاضا نرخ گذار است و با توجه به اینکه چرخه اقتصادی کند و گردش نقدینگی بسیار ضعیف است و رکود در برخی از صنایع از بین نرفته، هنوز امکان خرید در مردم به وجود نیامده و نبود تقاضا رکود در بازار مسکن را به دنبال داشته است.

در این میان به باور کارشناسان، اصلی ترین عامل گرانی هر کالایی از جمله مسکن نبود توازن در فرایند عرضه و تقاضا است. در این ارتباط، سیاست های دولت های پیشین که مسکن مهر از برجسته ترین آن طی سال های اخیر به شمار می رود، نتوانست نیاز قشرهای مختلف را برطرف سازد و با وجود سرمایه‌گذاری کلان دولت، طرح‌هایی

***براساس قانون مالیات بر خانه های خالی، اگر ملکی از سال دوم خالی باشد، مالک باید ۵۰ درصد مالیات مشخص شده را بپردازد. این میزان در سال سوم معادل ۱۰۰ درصد و در سال چهارم برابر ۱۵۰ درصد مالیات اجاره خواهد بود**

از این دست با ناکامی رو به رو و در نهایت منجر به افزایش نرخ تورم در کشور شد.

در این شرایط، بسیاری از کارشناسان و مسئولان معتقدند به غیر از واحدهای تجملی و گران قیمت که حاصل ورود بانک ها به حوزه ساختمان سازی است، چندصد هزار خانه خالی می تواند توازن را به بازار برگرداند. البته همچنان که پیشتر گفتیم، موضوع این است که مالکان حاضر به عرضه این واحدها در دوره رکود نیستند؛ پدیده ای که زیر عنوان احتکار مسکن از آن یاد می شود.

حامد مظاهریان معاون امور مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی چندی پیش درباره پدیده احتکار مسکن در دوره رکود گفته بود یکی از راهکارهای عرضه خانه‌های خالی به بازار، اعمال مالیات است. اما تاکنون سازمان امور مالیاتی ابزاری در جهت شناسایی خانه های خالی برای گرفتن مالیات طراحی نکرده است.

به گفته مظاهریان، بحث احتکار را باید از راه نظام مالیاتی کنترل کرد و در همه دنیا هم موضوع احتکار را از این راه کنترل می کنند. سازندگان در یک سال گذشته از حداکثر فرصت رکود در بازار استفاده کرده اند و کمتر وارد خرید و فروش شدند. البته با آرامشی که امسال برای بازار مسکن پیش بینی می شود، خانه های انباشته شده به مرور وارد بازار می شود.

در این پیوند، مصطفی قلی خسروی کارشناس بازار مسکن می‌گوید: احتکار مسکن به طور مصنوعی کاهش تولید را به دنبال دارد. هر چند ساخت و ساز انجام می شود، اما وقتی این تولیدها به بازار عرضه نشود، کاهش عرضه در مقابل افزایش تقاضا منجر به گرانی مسکن خواهد شد.

وی با تاکید بر تاثیر جدی موضوع احتکار بر افزایش دوره رکود و افزایش ناگهانی قیمت ها در دوره رونق می گوید: سیاست های مالیاتی هر چند می تواند ابزار خوبی برای عرضه واحدهای مسکن خالی باشد، اما در عمل به درستی اجرایی نمی‌شود و مالکان هم به خوبی راه های دور زدن قانون مالیات را فراگرفته اند.از سوی دیگر محتشم رئیس انجمن صنفی کارفرمایی انبوه سازان مسکن و ساختمان با بیان اینکه مالیات به طور موقت می تواند خانه‌های خالی را وارد بازار اجاره کند، اظهار می دارد: به طور قطع گرفتن مالیات درمان احتکار نیست. شاید خانه های خالی از سکنه به واسطه اعمال مالیات وارد بازار اجاره شود، اما ورود سرمایه گذاران به بازار اجاره در میان مدت باعث کاهش تولید و در نهایت باعث افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن می شود.

وی با تاکید بر اینکه ورود دستوری به بازار نتیجه ای نمی دهد، می گوید: دولت اگر قدرت خرید را افزایش می داد با روش منطقی تری به اهداف خود می رسید. از سوی دیگر باید گفت دولت نمی تواند کاهش قیمت نفت و پیامدهای تحریم در اقتصاد را با گرفتن مالیات جبران کند. براساس قانون مالیات بر خانه های خالی، اگر ملکی از سال دوم خالی باشد، مالک باید ۵۰ درصد مالیات مشخص شده را بپردازد. این میزان در سال سوم معادل ۱۰۰ درصد و در سال چهارم برابر ۱۵۰ درصد مالیات اجاره خواهد بود.

همچنین در زمینه تعیین ارزش معامله های ملکی و مالیات بندی، بازنگری هایی صورت گرفته به شکلی که این مالیات پس از ۱۰ سال به ۲۰ درصد میانگین قیمت روز املاک می رسد. همچنین اگر کسی ساخت و ساز داشته باشد، درآمد آن مشمول مالیات می شود.

در حال حاضر سرمایه عظیمی در خانه های خالی پنهان شده است و عامل احتکار می تواند ضمن بی‌پاسخ گذاشتن نیاز متقاضیان مسکن تهدیدی برای ثبات ایجاد شده در بازار این کالای مهم باشد؛ چرا که با کاهش عرضه و افزایش میزان تقاضا، تعادل باز هم به زیان خریداران بر هم می‌خورد و این روند به افزایش قیمت‌ها دامن می زند.

مزیتی به نام یارانه

شکل گیری برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در کشورها بیش ازهر زمان دیگر، در نیمه دوم قرن بیستم صورت گرفت. در تداوم این شکل گیری، نظام‌های اقتصادی مختلف کم و بیش پذیرفتند که لازم است دولت در جهت تلاش برای کاهش بحران‌ها، نقش ارشادی یا به طور کلی نقش داشته باشد. روشن است که همراه با تعیین چنین نقشی برای دولت باید ابزارهایی معرفی و در اختیار آن قرار می‌گرفت. در این‌باره، مالیات‌های غیرمستقیم و یارانه‌ها در ردیف عمده‌ترین ابزارهای در اختیار دولت منظور شدند. چنانکه در زمان حاضر در بهنگام‌ترین منابع و توصیه‌های بین‌المللی هم این ابزارها با نام‌های جدید مالیات بر محصول (taxes on products) و یارانه‌های بر محصول (subsidies on products) معرفی شده‌اند.

اکنون در شرایطی که این همه هیاهو درباره یارانه‌ها بوجود آمده است، می‌توان به این سوال توجه کرد که چرا تصمیم‌گرفته شد یارانه‌ها به خانوارها پرداخت شوند؟ به طول کلی، یارانه یعنی مالیات منفی بر محصول یا مالیات غیرمستقیم منفی که فقط برای پرداخت به تولید کننده مطرح شده است.

از سوی دیگر آگاهی داریم که دولت‌ها در کشورهای مختلف برنامه‌هایی برای حمایت مالی گروه‌های ویژه و خانوارهای آسیب‌پذیر در نظر گرفته‌اند و دولت‌ها طبق چنین برنامه‌هایی یا بدست آوردن آگاهی‌ها، به خانوارها و گروههای مصرف کننده نیازمند مبالغی را به صورت انتقالی و به بیان دیگر به صورت بلاعوض پرداخت می‌کنند.

اگر چه بلبرینگ با توجه به تعاریف استاندارد و بین‌المللی به چنین پرداخت‌هایی یارانه گفته نمی‌شود. این قبیل پرداخت‌ها به مزایای اجتماعی یا منافع اجتماعی (social benefits) معروف هستند. در کشور ما نمونه‌هایی از این گونه پرداخت‌ها شامل طرح شهید رجایی برای کمک به کشاورزان سالمند یا از کار افتاده، پرداخت به خانواده‌های نیازمند شهدا و جانبازان و غیره هم وجود دارند. در اینجا به این مطلب توجه می‌کنیم که نظام استاندارد و جامع بین‌المللی برای تهیه حساب‌های اقتصادی در یک کشور در زمان حاضر، حاصل مطالعات و تجربیات دقیق نهادهای معتبر جهانی است. این نهادها شامل صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، بانک جهانی، سازمان ملل متحد و کمیسیون اروپا (EuropeanCommission) می‌شوند.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران هم این نظام را کاملاً می‌شناسند و حساب‌های اقتصادی کشور را با تکیه بر مفاهیم توصیه شده نظام مزبور تهیه می‌کنند. در نظام یاد شده به طور روشن بیان شده است که یارانه‌ها مبالغ بلاعوضی هستند که واحدهای دولتی به واحدهای تولید کننده در ارتباط با تولید، فروش یا واردات کالاها و خدمات پرداخت می‌کنند. نظام مزبور به طور مشخص بیان می‌کند که یارانه‌ها به مصرف کنندگان نهایی قابل پرداخت نیستند. آن دسته از مبالغ انتقالی یا بلاعوضی که دولت مستقیماً به خانوارها به عنوان واحدهای مصرف کننده نهایی پرداخت می‌کند با نام مزایای اجتماعی منظور می‌شوند. معتبرترین و سنجیده‌ترین توصیه‌های بین‌الملل، یارانه‌ها را مانند انواع مالیات‌های غیرمستقیم، به عنوان ابزارهایی اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت با هدف تلاش برای تعدیل قیمت‌های بازاری با توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر معرفی کرده‌اند. دولت در یک کشور با در نظر گرفتن شرایط نظام اقتصادی در هر زمان و با اشراف به کالاها و خدمات مختلف، نسبت به میزان اهمیت و ضرورت آنها برای گروه‌های متفاوت تصمیم می‌گیرد که در ارتباط با تولید یا فروش چه محصولاتی به تولید کنندگان آنها یارانه پرداخت کند و به تولید یا فروش چه کالاها و خدماتی یارانه پرداخت نکند. همچنین دولت از جانب دیگر هم تصمیم می‌گیرد که از تولید یا فروش چه محصولاتی از تولیدکنندگان یا فروشندگان آنها مالیات غیرمستقیم دریافت کند. به عنوان مثال نهاد دولت در یک کشور طبق سیاستی که دنبال می‌کند باید تصمیم گیرد که آیا در مورد تولید شیر یا دارو یارانه پرداخت کند و بدین وسیله قیمت بازاری آنها را برای اقشار آسیب‌پذیر کاهش دهد یا خیر. از سوی دیگر هم دولت باید تصمیم بگیرد که آیا از تولید، فروش یا واردات کالاهایی چون اتومبیل یا سیگار، مالیات‌های غیرمستقیم بیشتری دریافت کند و یا نه و بدین وسیله موجب بالا رفتن قیمت بازاری آنها شود یا خیر.

اکنون با در نظر گرفتن موارد یاد شده باید گفت چه بسا بهتر باشد که دولت به عوض این همه زمان، هزینه و نیرویی که برای مسأله یارانه‌ها صرف می‌کند، اصلاً مسأله‌ای بدین شکل را رها سازد و در برنامه‌ای جدا همراه با آرامش و فرصت زیادتر، خانوارهای آسیب‌پذیر مشابه با طرح شهید رجایی را شناسایی و به آنها مزایای اجتماعی پرداخت کند.

در این‌باره مطلب مهم دیگر این است که در شرایط موجود کشور، بسیار بجا خواه بود که دول به عوض زمان و نیروی درگیر در مسأله یارانه‌ها به تلاش‌های خود برای اصلاح اساسی نظام مالیاتی و شناسایی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مالیاتی در کشور ادامه دهد.

فریدون رسته ـ کارشناس حساب‌های اقتصادی و مدرس دانشگاه



بازار سهام نگران آینده سرب و روی

صنعت سرب و روی در حالی حدود ۲ درصد از ارزش بازار سهام را به خود اختصاص داده که نایب رئیس انجمن صنایع و معادن سرب و روی ایران نسبت به احتمال تعطیلی واحدهای ذوب روی کشور به مسئولین وزارت صنعت معدن و تجارت هشدار داد.

به گزارش موج، علی وثیقی مطلق که در جمع رسانه های خبری سخن می گفت، با اعلام این مطلب افزود: شرکت تهیه و تولید مواد معدنی طی چند سال اخیر بدون در نظر گرفتن هشدارهای متمادی این انجمن در رابطه با قیمت بالا، کیفیت پایین و نحوه توزیع ماده معدنی انگوران به واحدهای ذوب روی کشور به راه خود ادامه داده و در حال حاضر با افت فاحش قیمت های جهانی، کند شدن اقتصاد چین و رکود بازار داخلی واحدهای تولید کننده روی و صنایع جانبی در شرف ورشکستگی قرار گرفته اند و شرکت های این صنعت در بازار سرمایه هم اوضاع خوبی ندارند و دو سوم از ارزش خود را در بورس از دست داده اند.

نایب رئیس انجمن صنایع و معادن سرب و روی کشور با بیان این مطلب که در هیچ کجای دنیا هیچ واحد تولید کننده روی، ماده معدنی مصرفی درکارخانجات داخلی ما را مصرف نمی کند، افزود: در دنیا کارخانجات تولیدی بعنوان خوراک ورودی از کنسانتره با عیار حداقل ۵۵درصد استفاده می کنند، آن هم با آنالیز مشخص و فرمول قیمت‌گذاری مورد توافق طرفین، در حالی که در داخل کشور واحدهای داخلی به دلایل مختلف، ناچار به استفاده از ماده معدنی تحویلی شرکت تهیه و تولید می باشند؛ شرکت تهیه و تولید با اشراف به این موضوع و در کنار آن سکوت ایمیدرو و وزارتخانه هر آنچه را که می خواهد به شرکت‌های بخش خصوصی سرب و روی تحمیل نموده است.

وی ادامه داد: در صورت اعتراض واحدهای مربوطه، شرکت تهیه وتولید مواد معدنی فورا با تهدید عنوان می کند که اگر می خواهید ما مزایده می گذاریم، وارد میدان می شود.وی ادامه داد: این روش، روش عادلانه و صحیحی نیست، سالهاست حلقه را بر ما تنگتر و تنگتر می کنند، ظرف چند سال اخیر از یک طرف با تحریم ها و تبعات آن مبارزه کردیم، از طرف دیگر با فشارهایی که در تامین مواد اولیه بر ما وارد شد، اما؛ دیگر امکان بقا نمانده، از یک طرف قیمت های جهانی افت شدید کرده و از طرف دیگر بازارهای جهانی دچار رکود گردیده است.

نایب رئیس انجمن صنعت سرب و روی افزود: ولی دریغ از کمی همدلی و همدردی وزارت صنعت معدن و تجارت، گویی چشم و گوش خود را کاملا به این موضوع بسته و حکم اعدام صنعت روی کشور را صادر نموده و یا برنامه های دیگری دارند که ما اطلاع نداریم.

مطلق افزود: صنعت سرب و روی کشور یکی از صنایع پر افتخار ایران اسلامی است این صنعت علیرغم تمامی تلاش رقبای خارجی برای نداشتن دسترسی تولید کنندگان داخلی به فناوری های روز، با تلاش فعالان این صنعت توانسته در منطقه به عنوان یکی از بازیگران مهم مطرح شود.

وثیقی مطلق اظهار داشت: کشور ما دارای ذخایر خدادادی سرب و روی بوده و معادنی چون انگوران و مهدی آباد جزو نعمات خاص خداوند متعال به این کشور می باشند ولیکن متاسفانه طی سال های اخیر نسبت به عملیاتی کردن و استخراج معدن مهدی آباد کوتاهی بسیار صورت گرفته و طی این مدت بهترین استخراج از این معدن، استخراج شایعات مختلف در رابطه با واگذاری و یا عملیاتی نمودن آن توسط اشخاص و یا کشورهای مختلف بوده است.

نایب رئیس انجمن صنایع و معدن سرب و روی ایران از تعدیل منفی هر چه سریعتر قیمت ماده معدنی انگوران، فروش ماده معدنی بر اساس فلز محتوا و ارائه ماده معدنی بر اساس استاندارد مشخص به عنوان پیشنهادات خود در جهت بهبود وضع حاضر و حمایت از صنعت سرب و روی نام برد.وی همچنین خواستار فروش مدت دار ماده معدنی و تسهیل در پرداخت برای واحدهای تولید کننده و عملیاتی نمودن هر چه سریعتر معادنی چون مهدی آباد و دیگر معادن سرب و روی کشور توسط شرکت تهیه و تولید و ایمیدرو شد.

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۴/۶/۳۱)

مجموع حجم معاملات	۱/۰۶۷ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۸۵۳/۴۱۷ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۲۶/۹۳۷ معامله
ارزش بازار	۲/۶۳۳/۷۰۲ میلیارد ریال

محصولات کشاورزی ۹ استان در بورس کالا

محصولات کشاورزی استان های گرگان، گلستان، کرمانشاه، خوزستان، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد و کرمان در بورس کالای ایران عرضه شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل شرکت بورس کالای ایران، یکهزار تن گندم دوروم فارس، یکهزار تن گندم دوروم خوزستان، یکهزار تن گندم دوروم کهگیلویه و بویراحمد و یکهزار تن گندم دوروم کرمان راهی تالار محصولات کشاورزی شدهمچنین، ۲۱۰ تن برنج گرگان، ۴۰ تن برنج گلستان، ۲۵۰ تن ذرت دانه ای کرمانشاه به همراه ۵۰۰ تن شکرسفید شرکت کشت و صنعت دهخدای خوزستان و ۲۰۰ تن شکرسفید کارخانه قند جوین خراسان رضوی روی تابلوی عرضه رفت.

۵۰ تن روغن خام آفتابگردان اوکراین و ۵۰ تن روغن خام سویای آرژانتین در تالار محصولات کشاورزی عرضه شد.

تالار فرآورده های نفتی و پتروشیمی شاهد عرضه ۴۹ هزار تن قیر شرکت نفت پاسارگاد، ۳۰ هزار و ۱۰۰تن انواع قیر شرکت نفت جی و دو هزار تن قیر ۶۰۷۰ شرکت نگین فخر آذربایجان بود علاوه بر این، ۱۱ هزارتن وکیوم باتوم، ۶۱۱۷ تن انواع مواد پلیمری و ۲۷۰۰ تن گوگرد کلوخه روانه تالار مذکور شد.

نشست مدیران بورس ایران و سرمایه گذاران فرانسوی

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادارمیزبان‌وزیران‌کشاورزی،مشاوران امور بازرگانی خارجی و جهانگردی فرانسه به همراه هیاتی ۱۵۰ نفره از صاحبان شرکت ها و صنایع بزرگ این کشور در هتل اسپیناس بود.

گردهمایی مشترک بازار سرمایه ایران و فعالان اقتصادی فرانسه با سخنرانی دکتر محمد فطانت رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار به طور رسمی آغاز شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه(سنا)، دکتر محمد فطانت، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار میزبان وزیران کشاورزی،مشاوران امور بازرگانی خارجی و جهانگردی فرانسه به همراه هیاتی ۱۵۰ نفره از صاحبان شرکت ها و صنایع بزرگ این کشور در هتل اسپیناس بود.

وی در آغاز این مراسم، با اشاره به دیپلماسی موفق ایران افزود: توافق برد – برد که میان ایران و شش قدرت غربی بر سر برنامه هسته ای ایران حاصل شده است بر مبنای احترام متقابل و صلح جهانی بوده است.

دکتر فطانت در ادامه بیان داشت: این توافق مسیرها را به سمت ارتباط با دیگر کشورها برقرار کرده است و می توانیم در آینده ای نزدیک، شاهد اجرایی شدن جزئیات توافق و برقراری مبادلات تجاری گسترده با دنیا باشیم.

رئیس سازمان بورس در ادامه یادآور شد: جمعیت حدود ۸۰ میلیونی ایران که دوسوم آن زیر ۳۰ سال و ۲۵درصد آن ها تحصیلات عالی دارند، در کنار موقعیت جغرافیایی و منابع نفت و گاز و معادن طبیعی بسیار ازجمله دلایلی اشتیاق سرمایه گذاران خارجی برای ورود به بازارهای ایران است.

دکتر فطانت در ادامه سخنان خود در مورد سرمایه گذاری خارجی بر قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی و آیین‌نامه سرمایه‌گذاری خارجی در بورس و بازارهای خارج از بورس، تأکید و خاطرنشان کرد: یکی از موارد اصلی تلاش سازمان بورس برای راه اندازی و به کارگیری شرکت های رتبه بندی است که یکی از خواسته های اصلی سرمایه گذاران خارجی است.

دکتر فطانت بیان داشت: اهمیت چنین اجلاسی نشأت گرفته از این واقعیت است که صنعت مالی اسلامی به سرعت در حال گسترش بوده و ابزارهای اسلامی منتشر شده تا قبل از سال ۲۰۱۰ ارزشی کمتر از ۱۵میلیارد دلار داشتند ولی در سال ۲۰۱۴ این رقم به بیش از ۲۰ میلیارد دلار رسیده است از طرف دیگر ارزش اوراق صکوک منتشرشده در ۱۰ سال گذشته به طور میانگین هرسال ۳۳ درصد در سطح جهانی افزایش داشته است.

وی ابراز داشت: در زمان تحریم‌های اقتصادی ایران توانست با استفاده از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و به کارگیری اقتصاد مقاومتی مبنی بر اتکا به توانمندی های داخلی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی از سد تحریم ها عبور کند.

دکتر فطانت از دیگر اقدامات در دست اجرا را راه اندازی بورس ارز در آینده نزدیک دانست و حضار این اجلاس بین المللی را به اجلاس بین المللی سرمایه گذاری خارجی که قرار است اوایل سال جدید میلادی به‌منظور بازگشایی رسمی بازار سرمایه برای خارجیان برگزار شود، دعوت کرد.

خبر دیگر اینکه در راه گسترش مناسبات بین المللی و توسعه ارتباطات اقتصادی بین بورسی در دوران پساتحریم، نشستی با حضور مدیرعامل بورس کالای ایران و سفیر سوئیس در ایران در بورس کالای ایران برگزار شد و سوئیسی ها در این دیدار از معاملات بین بورسی استقبال کردند.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل بورس کالای ایران، جولیوهاس سفیر سوئیس در این نشست با مثبت ارزیابی کردن دوران پساتحریم، از همکاری های دوجانبه بین بورسی جهت رونق بازارهای کالایی دو کشور استقبال نمود.

سفیر سوئیس با بیان اینکه توسعه ابزارهای معاملاتی نوین از جمله قراردادهای اختیار معامله و توسعه محصولات پذیرش شده در بخش معاملات آتی، یکی از عوامل موفقیت بورس ها است، ابراز امیدواری کرد: بورس کالای ایران با روندی که در پیش گرفته است، بتواند به عنوان یکی از بازارهای پیشرفته خاورمیانه و آسیا در سطح جهانی مطرح شود.

براساس این گزارش، حامد سلطانی نژاد مدیرعامل بورس کالای ایران در این نشست با تاکید بر اینکه افزایش عرضه کنندگان خارجی در بورس کالا و حضور تولیدکنندگان ایرانی در بورس های کالایی جهانی از جمله برنامه های پیش روی این بازار است، گفت: ما تلاش داریم که بتوانیم از طریق فراهم کردن امکان فعالیت موسسات فورفیتینگ به منظور تامین مالی صادرات و واردات و همچنین ایجاد زمینه لازم برای معاملات مدت دار و اعتباری بین‌المللی، پیش درآمدهای تامین مالی بین المللی را فراهم کنیم.

مدیرعامل بورس کالای ایران همچنین ایجاد امکان پوشش ریسک در بازارهای بین المللی از طریق فراهم کردن زمینه پوشش ریسک در بازار بین المللی، افزایش عمق و تعداد بازیگران بین المللی و توسعه تعاملات با بورس ها و اقتصاد بین المللی را از برنامه های این بورس در عرصه بین المللی بیان کرد.



آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بیمه پارسیان	۲,۴۵۰	۵۱۵	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱,۱۱۱	۴	پتروشیمی آبادان	۱,۹۷۲	-۳۵
ایران‌دارو	۴,۱۲۳	۳۶۸	تکنوتار	۱,۴۲۱	۲۶	سرما آفرین	۱,۸۲۹	-۹۶
ح. پالایش نفت تبریز	۱,۷۰۰	۱۳۳	سیمان شرق	۹۷۰	۳۳	پتروشیمی پردیس	۹,۰۸۰	-۳۷
ح . سیمان شرق	۱۰۰	۹	کالسیمین	۱,۷۱۸	۳۷	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۶۱۱	-۱۱
ح . کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۳,۰۰۰	۱۴۴	سرمایه گذاری پردیس	۷۷۰	۲۵	سیمان فارس نو	۴,۳۰۰	-۵۱
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۳۴۸	۶۴	شیشه همدان	۶,۶۵۰	-۹	سیمان کردستان	۱,۳۳۵	-۷۰
پلی‌اکریل	۱,۷۹۱	۸۵	بانک سینا	۱,۳۲۳	۳۳	سیمان‌هگمتان	۲,۴۳۲	-۱۲۷
افست	۳,۳۴۸	۱۵۹	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۴۸۰	-۶	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۲,۴۲۹	-۱۲۷
بیمه دانا	۱,۳۳۶	۶۳	حمل‌ونقل‌توکا	۲,۰۷۸	۸۹	بین المللی محصولات پارس	۴,۷۳۸	-۲۴۹
ح . شیشه و گاز	۱,۰۰۰	۵۱	سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۲۱۰	۷۲	بیسکویت گرجی	۳,۶۲۶	-۶۵
صنایع آذرآب	۲,۷۹۱	۱۳۲	بانک انصار	۲,۳۰۰	۱۰	مس شهیدباهنر	۱,۱۳۳	۱۱
تولیدموادداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۴۳۴	۱۶۳	حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۲,۶۳۰	۳۱	پتروشیمی جم	۷,۱۸۷	-۲۲۳
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۷,۱۱۵	۴۱	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۲۹۰	۳۷	باما	۲,۰۶۰	-۳۷
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ)	۹۹۶	۴۷	سرمایه گذاری شاهد	۱,۱۱۰	۲۳	بیمه البرز	۱,۰۵۴	۱۷
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۰۲۸	۹۶	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۲,۶۲۴	۱۰۹	بانک‌اقتصادنوین	۱,۸۶۰	-۳۸
البرزدارو	۱۰,۴۵۸	۴۳۴	بانک کارآفرین	۳,۳۰۰	۹۲	سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران	۸۸۹	-۱۳
ح.بانک پاسارگاد	۳۰۵	۲۱	صنایع لاستیکی سهند	۴,۵۰۰	۶۱	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۱,۷۰۰	-۷۶
لبنیات‌کالبر	۱,۲۰۰	۵۷	پتروشیمی‌شیراز	۳,۴۰۰	۵۵	فولاد خوزستان	۲,۵۲۰	-۱۳۲
مهرکام‌پارس	۱,۱۲۷	۵۳	کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۵,۲۹۰	۱۳۰	سیمان تهران	۱,۶۷۹	۳۹
ایران خودرودیزل	۸۳۰	۳۹	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۳۱۴	۰	کیمیدارو	۶,۰۰۰	-۱۱۳
پارس خودرو	۹۳۱	۴۴	ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۰۸۰	۹۲	مخابرات ایران	۲,۱۸۰	-۲۲
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲,۲۱۶	۱۰۵	کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۴,۷۵۰	۱۸۱	گروه مپنا (سهامی عام)	۷,۲۰۰	-۱۰۹
سایپا دیزل	۹۰۶	۴۳	بانک پاسارگاد	۱,۲۹۰	۱۴	گلتاش	۷,۰۰۰	-۹۱
دارویی رازک	۲۹,۷۰۰	۱,۴۰۹	سایپاشیشه	۱,۸۵۷	۳۸	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۳,۴۵۱	-۷۴
کمباین سازی ایران	۷۶۲	۳۶	داروسازی اکسیر	۸,۸۰۰	۱۸۷	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۳,۳۹۷	-۳۴
لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۱۹۶	۱۰۴	سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۲۷۳	-۲	داروسازی سینا	۱۳,۵۰۵	-۲۰۶
داروسازی فارابی	۷,۶۲۰	۱۳	مهندسی‌نصیرماشین	۳,۱۵۵	۱۲۴	پتروشیمی شازند	۴,۳۸۶	-۹۸
پالایش نفت بندرعباس	۳,۵۴۷	۱۶۸	تهران شیمی	۳۴,۷۸۹	۱,۶۵۶	نفت سپاهان	۷,۵۰۰	-۲۶۹
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۰۷۸	۵۱	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۲,۰۸۵	۱۸	معادن‌منگنزایران	۱,۵۵۲	-۸۱
پست بانک ایران	۱,۱۱۶	۵۳	عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۱۴۰	۵۷	توسعه معدنی و صنعتی صبانور	۱,۵۰۲	-۷۹
رادیاتور ایران	۴,۹۳۰	-۲۰	فرآورده‌های نسوز پارس	۳,۵۵۰	۷۳	سیمان کارون	۳,۱۸۵	۵۱
سرمایه‌گذاری‌ملت	۶۱۶	۲۲	نیرو محرکه	۱,۵۶۴	۵۸	آبسال	۱,۶۸۰	۲۲
مارگارین	۳,۲۱۶	۱۵۳	لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۸,۳۲۹	۳۹۶	سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۶۰۳	۱
گروه‌بهمن	۱,۸۹۵	۹۰	سیمان کرمان	۲,۸۶۰	۵۹	نفت بهران	۹,۰۲۰	-۱۶۹
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۵۱۸	۷۲	داروسازی زاگرس فارمد پارس	۷,۰۸۰	۱۱۶	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ)	۴,۳۴۸	-۳۸
داده‌پردازی‌ایران	۱,۴۴۶	۵۷	ح . تراکتورسازی‌ایران	۱,۰۱۰	۸	موتوژن	۶,۶۱۲	-۳۴۷
نورد آلومینیوم	۸۸۴	۲۶	تراکتورسازی‌ایران	۲,۰۶۱	۴	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ)	۱,۴۸۹	-۲۰
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۳۰۰	۵۸	داروسازی جابرابن‌حیان	۸,۹۹۹	۲۳۸	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۱۷۰	-۶۱
ایرکا پارت صنعت	۴,۲۵۰	۵۷	تولیدمحورخودرو	۱,۲۲۴	۲۴	ح . سرمایه‌گذاری مسکن	۲۳۸	-۷
گروه دارویی سبحان	۷,۳۰۰	۲۶	ایران‌ارقام	۲,۱۹۰	۳۰	فنرسازی‌زر	۱,۱۹۸	۱۳
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۹۹۷	۸۴	ذغال‌سنگ نگین طبس	۱,۵۶۱	۵۲	س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲,۱۰۰	۸
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام)	۲,۳۶۲	۷۰	سیمان‌سپاهان	۹۷۷	۱۳	نفت پارس	۷,۸۳۱	-۴۱۲
الکتریک خودرو شرق	۱,۳۴۰	۵۳	خدمات‌انفورماتیک	۱۴,۹۸۷	۲۰۷	داروسازی امین	۲,۰۷۶	-۳۸
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۳۲۰	۳۶	معدنی املاح ایران	۹,۱۰۰	۴۵	سیمان‌شاهرود	۲,۱۵۵	-۱۱۳
آلومینیوم‌ایران	۲,۹۰۰	۱۰۳	بیمه ما	۲,۱۹۱	۶۴	آلومراد	۲,۰۴۴	-۱۲
کمک‌فنراینددامین	۸۰۱	۳۸	سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱,۰۹۷	۶	دوده صنعتی پارس	۱,۹۹۰	-۵۰
زامیاد	۱,۲۰۰	۴۳	پارس دارو	۱۰,۶۹۰	۹۹	پالایش نفت تبریز	۳,۳۶۰	-۱۷۰
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲,۵۰۰	۵۲	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۶,۳۳۲	۳۰۱	تولیدی‌مهرام	۱۰,۳۰۰	-۴۴۷
رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۶۲۶	۷۷	صنعتی بهشهر	۶,۸۰۰	۱۹۵	لامپ پارس شهاب	۴,۹۵۵	-۳۲
آهنگری تراکتورسازی ایران	۱,۵۵۰	۲۹	لیزینگ‌ایران	۲,۰۰۰	۱۸	داروسازی کوثر	۱,۷۲۰	۲
پلاسکوکار	۱,۰۶۴	۵۰	کارتن ایران	۲,۱۲۰	۳۴	کارخانجات‌داروپخش	۴,۶۳۰	-۲۴۳
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۱۸۰	۵۳	فیبر ایران	۲,۲۴۸	۹۴	کشاورزی ودامپروری مگسال	۲۳,۱۴۷	-۱,۲۱۸
کارت اعتباری ایران کیش	۳,۵۱۰	۱۶۷	پاکسان	۲,۴۷۹	۲۴	فولاد آلیاژی ایران	۱,۲۳۱	-۶۴
سرمایه‌گذاری سایپا	۹۸۱	۳۵	پمپ سازی ایران	۳,۲۵۰	۱۰۶	فنرسازی‌خاور	۲,۶۱۰	-۱۳۶
تولیدی کاشی تکسرام	۷۴۹	۱۰	سیمان‌خاش	۷,۱۰۲	۳۳۸	چرخشگر	۱,۴۳۰	-۴۰
بانک صادرات ایران	۸۹۹	۲۰	داروسازی روزدارو	۴,۷۰۰	۹۶	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۴۸۶	-۷۸
ایران خودرو	۲,۱۲۰	۵۳	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۰,۶۵۸	-۱	سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۲۲۵	-۵۷
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۵,۹۷۰	۲۸۴	کشت و صنعت چین چین	۵,۵۴۷	۱۹۴	قند شیرین خراسان	۶,۲۳۲	-۳۲۷
لیزینگ رایان سایپا	۲,۱۶۰	۷۸	گروه صنعتی ملی (هلدینگ)	۶,۰۱۹	۲۸۶	فولاد مبارکه اصفهان	۱,۰۷۰	-۲۸
پارس‌سویچ	۳,۷۶۴	-۱۰۰	سخت آژند	۶,۰۷۱	۰	نیروترانس	۴,۸۸۰	-۱۴۰
شیشه و گاز	۲,۰۴۱	۷۲	گروه صنعتی پاکشو	۱۰,۴۷۰	۱	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۳,۴۰۳	-۱۸۰
گسترش نفت و گاز پارسیان	۲,۵۵۵	۹۶	چینی ایران	۱,۸۰۰	۵۲	سامان گستراصفهان	۱,۲۴۹	-۶۵
ح . البرزدارو	۹,۰۰۶	۱۳۶	تجارت الکترونیک پارسیان	۲,۸۹۸	۳۰	ماشین سازی اراک	۲,۶۰۵	-۷۳
بانک خاورمیانه	۲,۵۰۷	۷۶	سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۱۸۰	-۹	درخشان تهران	۱,۸۶۵	-۹۸
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۷۴۱	-۱۱۲	جام‌دارو	۱۰,۰۵۳	-۴۵	سیمان خوزستان	۲,۷۷۰	-۹۵
سایپا	۱,۰۷۵	۴۴	کابل البرز	۲,۱۵۷	-۱۱۳	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۶,۲۰۳	-۳۲۵
ایران تایر	۲,۰۸۵	۱۶	صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۲,۵۶۰	۹۰	بیمه ملت	۱,۲۱۰	-۲۲
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۳۰۶	۳۸	لامیران	۳,۰۱۰	۱۶	لعابیران	۱,۴۶۱	-۷۵
فرآورده های نسوزایران	۷,۹۵۰	۱۱۱	توسعه‌معادن‌وفلزات	۱,۰۲۳	۱۲	صنایع‌جوشکاب‌یزد	۶,۷۵۵	-۳۵۲
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۵۰۱	۹	نوردوقطعات فولادی	۴,۳۱۶	۰	گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۲,۳۳۰	۰
توسعه معادن روی ایران	۱,۰۴۶	۳۷	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۳,۶۸۲	-۱۹۳	سیمان‌غرب	۳,۰۰۰	-۷۳
بانک تجارت	۸۹۵	۲۱	س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۰۲۵	۱	قند نیشابور	۱,۱۵۵	-۳۹
پتروشیمی مبین	۳,۰۳۰	-۸۲	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۰۲۳	۱	کویر تایر	۱۲,۷۹۱	۵۱۳
بانک ملت	۱,۹۰۱	۴۲	ملی سرب‌وروی ایران	۹۹۹	۱	ح. بیمه ملت	۱۵۵	۴
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۷,۶۹۰	۳۴۳	سیمان سفید نی‌ریز	۱۷,۳۱۸	-۳۵۳	سایپاآذین	۲,۵۸۳	-۴۸
بیمه آسیا	۱,۰۸۰	-۳	داروسازی اسوه	۱۶,۹۵۰	۵	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۱,۲۰۰	-۲۲
پالایش نفت اصفهان	۲,۳۵۸	۶۴	پتروشیمی‌فارابی	۹,۹۴۴	-۵۲۳	قندنقش‌جهان	۸,۷۲۴	-۴۵۹
لبنیات پاک	۴,۵۰۰	۱۶۶	پشم‌شیشه‌ایران	۶,۴۴۹	۱۲۲	حفاری شمال	۲,۶۷۷	-۱۴۰
پارس مینو	۲,۵۵۰	۷۹	پتروشیمی فناوران	۱۶,۵۹۷	-۵۴۱	دارویی لقمان	۲,۸۹۵	۴۹
ح. پتروشیمی پردیس	۷,۳۶۲	۹۷	سیمان‌هرمزگان	۴,۹۹۹	-۹۵	محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۱۲۸	-۱۱۲
بانک پاسارگاد	۱,۲۹۰	۱۴	صنعتی آما	۳,۴۰۰	۶۱	قند ثابت خراسان	۹۱۶	-۳۹
تامین ماسه ریخته‌گری	۵,۳۰۰	۶۴	شرکت ارتباطات سیار ایران	۲۹,۴۰۰	-۴۸	ایران مرینوس	۱۵,۸۹۲	-۸۳۶
تایدواترخاورمیانه	۵,۱۷۰	-۷	ایران‌یاساتایرورابر	۲,۲۴۲	-۱۱۷	قند لرستان	۲,۳۸۸	-۱۲۵
لیزینگ ایرانیان	۱,۵۰۸	۵۰	پتروشیمی خارک	۱۲,۳۷۰	-۱۷۶	قطعات اتومبیل ایران	۲,۲۹۵	-۱۱۸
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۳۶۳	۶۴	معدنی و صنعتی گل گهر	۱,۹۷۷	-۱۰۴	معادن بافق	۲,۱۱۸	۳۶

رونمایی از بزرگ‌ترین فرش ماشینی جهان در کاشان

کاشان ـ خبرنگار اطلاعات: افتخار تولید فرش مسجد امام علی(ع) شهر کپنهاک در کشور دانمارک که توسط هنرمندان و صنعتگران کاشانی رقم خورده است، از دو جهت حائز اهمیت است.نخست بُعد معنوی آن است که بزرگ‌ترین مسجد شیعیان در اروپا با فرش کاشان مفروش می‌شود و دوم آن که از لحاظ طرح، نقشه و مسائل فنی شاهد کار بزرگی هستیم.

سرپرست فرمانداری کاشان در مراسم رونمایی از بزرگ‌ترین فرش ماشینی جهان با بیان این مطلب افزود: عرصه هنر به ویژه هنر فرش عرصه‌ای سهل و ممتنع است. هم زیبا و جذاب و هم شوق آفرین است و هم طاقت‌فرسا. آدم وقتی این همه زیبایی را می‌بیند که در فرش متجلی شده است، دلش نمی‌آید پا روی آن بگذارد. وقتی دستان هنرمند طراح و صنعتگر خالق چنین اثری می‌شود و بعد از تلاش نفسگیر با لحاظ کردن رنگ‌بندی و طرح و نقشه چنین کاری از آب و گل در می‌آید و به عرصه عمل در می‌آید زیبایی وصف ناشدنی خلق می‌کند که همه را به تحسین وا می‌دارد.

دکتر حمیدرضا مؤمنیان اضافه کرد: کاشان نخستین شهر کشور و دومین شهر جهان بعد از غازی آنتپ ترکیه در تولید فرش ماشینی است. تلفیق هنر و صنعت در شهرستان کاشان وآران و بیدگل باعث شده است که این منطقه به عنوان قطب تولید فرش ماشینی در کشور شناخته شود.

وی تأکید کرد: کاشان کالایی به نام فرش ماشینی تولید می‌کند که متفاوت با فرش دستباف است. البته وجوه مشترکی دارند ولی هر کدام عرصه متفاوتی را رقم می‌زنند و به نظر من ایجاد مباحث تصنعی در میان اصحاب فرش دستباف و فرش ماشینی است که خدشه و آسیب به هر دو موضوع است.

سرپرست فرمانداری کاشان یادآور شد: آوازه کاشان در حوزه صنعت و هنر، آوازه بلندی است و پیشینه اطمینان بخش کاشان نیز موید این قدرت است و این باعث می‌شودکار راحتی از دیگر کشورهای جهان به کاشان سپرده و بدینوسیله فرایند اشتغال، کارآفرینی و توسعه و



تحقیقات را بیش از پیش تسریع و تسهیل کنند.

دکترمؤمنیان‌همچنین‌درخصوص اهمیت جایگاه فرش دستباف کاشان در بُعد ملی و بین‌المللی گفت: ثبت مهارت‌های تولید فرش دستباف کاشان در سازمان جهانی مالکیت فکری wipo نشان از آن دارد که کاشان به واسطه ظرفیت‌های بی‌نظیر خود مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است.

گردشگری کشاورزی

سیدمحمد ناظم رضوی شهردار دیار نخستین‌های جهان در آیین پایانی جشنواره ملی نعنای کاشان گفت: این شهرستان با توجه به فرصت‌ها و پتانسیل‌های بالای علمی، فرهنگی گردشگری و تاریخی نیازمند توجه و تمرکز روی فرصت‌های ویژه موجود است.

او اضافه کرد: یکی از صنعت‌های مطرح و پایدار جهانی صنعت توریسم و گردشگری است که کاشان در این زمینه با توجه به قرارگیری در مرکزیت ایران جایگاه ممتازی را به خود اختصاص داده است.

شهردار دیار نخستین‌های جهان افزود: گردشگری کشاورزی و طبیعی نیز به‌دلیل تغییر نگاه و ذائقه گردشگری نیازمند شناسایی و معرفی است که کاشان با داشتن ابنیه تاریخی، صنایع‌دستی، آیین سنتی و مذهبی و محصولات خاص کشاورزی به‌عنوان یک منطقه منحصر به فرد مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی است.

وی برگزاری جشنواره ملی نعنا و پیوند آن را با علم بسیار ارزنده دانست و گفت: نیاز است تا زمینه‌های استفاده‌های صنعتی، بهداشتی و آرایشی و پزشکی نعنا به صورت علمی شناسایی و در اختیار عموم قرار گیرد.

او حضور نخبگان و دانشگاهیان در مدیریت شهری را جزو اولویت‌های کاری شهرداری کاشان دانست و اظهار داشت: در بحث پژوهشکده اسانس نیز که زیر نظر دانشگاه کاشان فعال است آمادگی همکاری و تعریف پروژه‌های علمی و عملیاتی هستیم تا از فرصت و برندهای موجود در شهرستان به نفع منطقه استفاده کنیم.

وی افزود: در هر حوزه که صاحب سبک و اعتبار بوده‌ایم، متاسفانه رقبای ما تلاش و همت بیشتری به کار بسته‌اند و بازار رقابت و تولید را برای کاشان سخت کرده و دنبال برندسازی برای خود بوده‌اند.

وی با اشاره به برخی امتیازات و برجستگی‌های کاشان نسبت به اصفهان گفت: متأسفانه به‌دلیل تقسیمات کشوری موجود و صاحب سبک بودن اصفهان در برخی برندهای کشور کاشان نیازمند نگاه ویژه و جداگانه‌ای است که به دلیل نگاه سهمیه‌بندی مسئولین به برخی رخدادها حق و حقوق دیار نخستین‌های جهان تضییع می‌شود. او کاشان را از لحاظ سرانه درآمد جزو ۱۰ شهر برتر کشور دانست و اضافه کرد: مردم کاشان مستحق امکانات و زیرساخت‌هایی بالاتر از وضع موجود هستند و تلاش می‌کنیم تا عقب‌ماندگی‌های شهرستان را جبران کنیم.

دومین جشنواره ملی نعنا به مدت ۲ روز توسط شهرداری کاشان در این شهر برگزار شد.

معرفی نفرات برتر

محمدعلی فرجی دبیر دومین جشنواره ملی نعنا در جمع خبرنگاران گفت: در دومین جشنواره ملی نعنا ۱۲۰ چکیده مقاله از ۱۶ استان کشور به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که چکیده ۹۰ مقاله به بخش داوری جشنواره علمی راه یافت.

او اضافه کرد: در دومین مرحله داوری مقالات ۳۰ اثر مورد ارزیابی قرار گرفت که در پایان ۸ مقاله برتر معرفی شد و مورد تجلیل قرار گرفت.

وی از نسرین تک زارع، محمد مقدم، فاطمه شکری، حسین باغ شیخی، منصوره قوام، جعفر آزادگان، روح‌انگیز عباس عظیمی و ابوالفضل نامداری به‌عنوان نفرات برتر نام برد. مدیر مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری کاشان از برگزاری مراسم تجلیل از نعناکاران نمونه حسن‌آباد، لتحر و فین که مورد تایید و ارزیابی جهاد کشاورزی قرار می گیرند، توسط شهرداری کاشان در هفته آینده خبرداد و گفت: در مراسم ویژه‌ای که در حسن‌آباد برگزار خواهد شد، از مجریان و عوامل اجرایی برگزاری جشنواره ملی نعنا و کشاورزان نمونه تجلیل خواهد شد.

قاسم گندمی دبیر جشنواره عکاسی و نقاشی نعنا گفت: در بخش عکاسی ۸۰۰ عکس به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که ۲۱۰ عکس از ۵۵ عکاس به بخش داوری جشنواره راه پیدا کرد. او اضافه کرد: در بخش عکاسی گردشگری نفیسه اسماعیلی، مریم عالمی و امیر نعمتی به‌عنوان نفرات برتر و در بخش عکاسی نعنا محسن حاجی‌زاده، فاطمه گندمی و محمد مقنی‌زاده به‌عنوان افراد برگزیده معرفی شدند. وی افزود: در بخش نقاشی از مزارع علی گرامی، مریم قربانعلی‌زاده و میثم مختاری عناوین برتر را به خود اختصاص دادند.

کاهش ۷ درصدی آمار ازدواج در آذربایجان شرقی



تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی گفت: در ۵ ماه امسال ۱۶ هزار و ۲۷۸ مورد ازدواج در این استان ثبت شده که نسبت به مدت مشابه پارسال ۷ درصد کاهش یافته است.

لیلا جاویدان افزود: در این مدت ۳۲۷۱ مورد طلاق ثبت شده که این آمار در مدت مشابه پارسال ۳۳۰۰ مورد بوده است.

وی ادامه داد: ۴۰ هزار و ۷۳۲ مورد ازدواج در استان ثبت شده که از این تعداد شهرستان تبریز با بیش از ۳۰۰۰ مورد بیشترین و شهرستان خداآفرین با ۳۵۵ مورد کمترین ثبت ازدواج را داشته است.

جاویدان اظهار داشت: پارسال ۸۱۴۵ مورد طلاق در استان ثبت رسیده که بیش از ۴۰۰۰ مورد آن در تبریز بوده است.

وی گفت: با توجه به وضع آماری ازدواج و طلاق در دهه گذشته، آمار طلاق در استان در حال افزایش است و این در حالیست که آمار ازدواج از سال ۸۷ با شیب بسیار کم در حال کاهش است.

معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی افزود: در سال ۱۳۸۲ از هر ۱۲ مورد ازدواج، دو مورد منجر به طلاق می‌شد که سال ۱۳۹۲ از هر ۷ مورد ازدواج، ۵ مورد طلاق ثبت شده است.

وی با بیان این که میانگین اختلاف سن در زمان ازدواج ۴/۷ سال است، افزود: میانگین سن ازدواج در مردان ۲۷/۶ و در زنان ۲۲/۵ است که بیشترین ازدواج استان در مردان در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال و در زنان ۱۵ تا ۱۶ سال است.

جاویدان با اشاره به این که ۱۷ درصد طلاق‌ها در همان زمان شروع و در کمتر از یک سال رخ می‌دهد، افزود: میانگین سن طلاق در بین مردان استان ۳۴ سال و زنان ۲۹ سال است. وی اضافه کرد: یک میلیون و ۱۰۲ هزار نفر از جمعیت استان را جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند که این اداره کل برای توانمندسازی جوانان در امر ازدواج، تسهیل ازدواج جوانان، ازدواج پایدار و تقویت و تحکیم نهاد خانواده زوج‌های جوان برنامه‌های عملیاتی دارد.

معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی گفت:ازدواج به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین تصمیم سرنوشت ساز در زندگی جوانان باید به صورت خاص مورد توجه تمامی اقشار جامعه قرار گیرد. وی ادامه داد: مسایل و مشکلات موجود در حوزه ازدواج از جمله افزایش میانگین سن و کاهش تمایل به ازدواج در میان برخی از جوانان و به دنبال آن مشکلات اجتماعی و فرهنگی این ضرورت را ایجاب می‌کند که فرهنگ‌سازی گسترده و موج آفرینی فراگیری در راستای فرهنگ صحیح الگوی ازدواج آسان و آگاهانه در جامعه انجام شود.

جاویدان گفت: در همین راستا این اداره کل با ایجاد کمپین رسانه‌ای ازدواج در سراسر استان برای ترویج ازدواج آسان، ارائه مشاوره رایگان در هفته ازدواج، شناسایی بخش‌های خصوصی فعال و سازمان‌های مردم نهاد در حوزه ازدواج و خانواده در استان اقدام کرده است.

عصبانیت آنی، عامل بیشتر قتل‌ها در کرمان است

کرمان – خبرنگار اطلاعات: بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب کرمان گفت: بیشتر قتل‌ها در کرمان به دلیل عصبانیت آنی و بدون تصمیم قبلی رخ می‌دهد و اگر افراد در زمان عصبانیت چاقو به همراه نداشته باشند، از بروز بخش عمده آنها جلوگیری می شود.

حسین میرزابیگی در حاشیه بازسازی صحنه قتل فروشنده آلات موسیقی در یکی از پاساژهای شهر کرمان افزود: در چند روز گذشته سه فقره قتل در کرمان به دلیل اصابت چاقو رخ داده است و متهمان با تدبیر قضایی و همت بلند مجموعه انتظامی به ویژه پلیس آگاهی دستگیر شده اند.

وی اضافه کرد: البته افرادی که در زمان عصبانیت دست به چاقو می برند از نظر فرهنگی نیز دچار مشکلاتی هستند.

او همچنین به بازسازی صحنه قتل یک فروشنده در کرمان اشاره کرد و افزود: یکی از اهداف این اقدام، فرهنگ‌سازی است تا افراد بدانند ضربه زدن با چاقو چه عواقبی به دنبال دارد.

بازپرس ویژه قتل، امنیت استان کرمان را خوب ارزیابی کرد و گفت: این قتل‌ها بیشتر به دلیل تسویه حساب‌های شخصی رخ می‌دهد که در این زمینه افراد باید با رعایت قانون، درخواست‌های خود را از مجاری قانونی پیگیری کنند.رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمان نیز در این باره گفت: ۲۳ شهریور امسال وقوع یک فقره قتل در یکی از پاساژهای شهر کرمان به پلیس آگاهی اعلام شد که ماموران این پلیس تخصصی بلافاصله در محل حاضر شدند و بررسی‌های لازم را آغاز کردند.

سرهنگ یدالله حسن‌پور افزود: در بررسی‌های انجام گرفته مشخص شد ساعت ۱۴ و ۱۸ دقیقه روز یاد شده، سه مهاجم وارد یک فروشگاه آلات موسیقی شده‌اند و دو نفر از آنان فروشنده را با ضربات چاقو مضروب و یک نفر نیز اقدام به سرقت یک دستگاه ارگ کرده است.

وی اضافه کرد: در ادامه بررسی‌ها مشخص شد دو نفر نیز بیرون از پاساژ کار مراقبت و رانندگی را بر عهده داشته و در مجموع در این حادثه ۵ نفر دخیل بوده‌اند.

وی افزود: سه گروه تخصصی از ماموران آگاهی کرمان در روستاهای اطراف یکی از شهرستان‌های جنوبی که محل اختفای این مهاجمان بود حضور یافتند و در چهار عملیات ضربتی تمام متهمان را دستگیر کردند. حسن‌پور گفت: ۲ نفر از متهمان به ایراد ضربه چاقو به بدن مقتول اعتراف کردند، یک نفر به سرقت ارگ و ۲ نفر دیگر نیز به معاونت و تسهیل در جرم اعتراف کردند.وی اضافه کرد: در این عملیات، خودرو مورد استفاده در روز حادثه و نیز ارگ سرقتی کشف شده است.به گفته رئیس پلیس آگاهی استان کرمان این افراد در بازه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال هستند.

هلاکت ۲ شرور مسلح و کشف ۵۰۷ کیلوگرم موادمخدر در کهنوج

کرمان– خبرنگار اطلاعات : فرمانده انتظامی استان کرمان از اجرای عملیات پلیسی در جنوب استان خبر داد و گفت: در این عملیات ۲ شرور مسلح به هلاکت رسیدند و ۵۰۷ کیلوگرم موادمخدر به همراه تعدادی سلاح ممنوعه کشف شد. سرهنگ رضابنی‌اسدی به ایرنا افزود: این موادمخدر را ماموران پلیس امنیت کهنوج که از قصد انتقال محموله قاچاق به استان‌های مرکزی کشور توسط قاچاقچیان مسلح با خبر شده بودند، کشف کردند. فرمانده انتظامی استان کرمان گفت: ماموران با سوداگران مسلح درگیر شدند که در این درگیری ۲ نفر از اشرار به هلاکت رسیدند.

دستگیری سارقی که حساب افراد کم سواد را خالی می کرد

دزفول ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی شهرستان دزفول از دستگیری سارقی که به صورت حرفه‌ای اقدام به برداشت از حساب بانکی افراد کم سواد در جلوی دستگاه‌های خودپرداز می‌کرد، خبر داد.

سرهنگ «احمد چنداز» در تشریح این خبر گفت: در پی دریافت چند گزارش از سوی شهروندان مبنی بر اینکه فردی کلاهبردار با ایستادن جلوی دستگاه‌های خودپرداز در ساعات تعطیلی بانک‌ها از افرادی که قادر به انجام عملیات بانکی نیستند، با بدست آوردن رمز کارت عابر بانک افراد اقدام به برداشت از حساب بانکی آنان می‌کرد. که با توجه به حساسیت موضوع، شناسایی و دستگیری متهم در دستور کار ماموران پلیس آگاهی شهرستان دزفول قرار گرفت.وی بیان داشت: در این راستا مأموران با انجام تحقیقات گسترده و بازبینی دوربین‌های مدار بسته موفق به شناسایی متهم شدند و او را دستگیر کردند.این مقام انتظامی ادامه داد: متهم در بازجویی‌های فنی پلیس ضمن اعتراف به هفت فقره کلاهبرداری و برداشت مبلغی بیش از ۱۰۰ میلیون ریال از حساب شهروندان، اظهار داشت: زمانی که فردی کم‌سواد از وی تقاضای برداشت یا انتقال وجه می کرد، اقدام به تخلیه حساب مالباختگان ازکارت اصلی آنان می‌کردم.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

وظیفه دولت و فقرزدایی

پیشگیری از جرم یکی از وظایف دولت است بنابراین با فقرزدایی و تعلیم و تربیت دولت این مهم را عملی کند.

یک حقوقدان از تهران

نظارت بر کیفیت کالاهای بازار روز

تقاضا می‌شود کیفیت کالاهای بازار روز ارتقاء یابد و بر نحوه توزیع و نوع محصولاتی که به شهروندان ارائه می‌شود نظارت صورت گیرد.

پیروز ـ سفیعی ـ دیندار ـ شایانی از تهران

انتشار مجدد «بمبی که ژاپن را ساخت»

در ضمیمه روزنامه اطلاعات مطلبی به نام «بمبی که ژاپن را ساخت» نوشته «پروفسور حسینی باهر» چاپ شد که مطلب بسیار جالبی بود و تقاضا می‌شود که مجدداً در صفحات رویی روزنامه چاپ شود.

خواننده روزنامه اطلاعات

حقوق کارمندی و ناله و فغان !

صاحب‌خانه‌ای دارم که خودش و همسرش کارمند هستند و ملک و املاک بسیار دارند، اما همیشه از حقوق کم کارمندی می‌نالند. اگر چنین است چرا همه سعیشان بر این است که فرزند خود را به استخدام همان اداره درآورند؟

یک مستأجر از تهران

رسیدگی به مسکن مهر گیلاوند دماوند

از ما بابت ساخت مسکن مهر گیلاوند دماوند پول گرفته‌اند و پس از چند سال هنوز خبری از خانه‌ها نیست. وقتی مراجعه می‌کنیم پاسخ روشنی نمی‌دهند.

یک شهروند

مراکز آموزشی و جمعیت بالای تهران!

نباید این همه در تهران مراکز آموزشی تأسیس شود. چرا که یکی از دلایل اصلی جذب جمعیت بعد از کارخانجات و مراکز صنعتی همین مراکز فرهنگی و آموزشی هستند.

شهروندی از تهران

تهمت به دلیل مصرف کم گاز!

شرکت گاز به دلیل اینکه ما در مصرف گاز صرفه‌جویی می‌کنیم و هزینه قبض ماهانه ما کم می‌آید خیال می‌کند ما در کنتور گاز دستکاری می‌کنیم!

جهانی از مشکین‌دشت کرج

یک واحد درس حقوق در همهٔ رشته‌ها

پیشنهاد می‌شود به جای اینکه دولت اعلام کند هر ایرانی باید یک وکیل داشته باشد، یک واحد درس حقوق به دروس دانشگاه‌ها بیفزاید تا مردم با حقوق شخصی و اجتماعی خود آشنا شوند و این همه هزینه برای گرفتن وکیل صرف نکنند.

خواننده روزنامه اطلاعات

جمع‌آوری معتادان از سطح شهرها

از مسئولان تقاضا می‌شود تا معتادان خطرناک را از سطح شهرها جمع‌آوری کنند.

شهروندی از تهران

دردسرهای گرفتن پاسپورت

برای گرفتن پاسپورت به پلیس+ ۱۰ مراجعه کردم. در آنجا برای هر وسیله‌ای (مثل فرم و...) که مورد نیاز مراجعان بود مبالغی دریافت می‌شد که نارضایتی مراجعان را در بر داشت.این نارضایتی باعث بدبینی افراد خصوصاً مسافران به کشور می‌شود.

تماس با خط ارتباطی

توجه به حروف چاپ شده

تقاضا می‌شود نوشته‌های جدول راکمی واضح‌تر چاپ کنید چرا که با وجود استفاده از عینک حروف آن ناخواناست.

شهروندی از خلخال

معنی گعده چیست؟

چند روزی از استاد «مهدی دامغانی» مطالبی چاپ شد که در آن به کرات کلمه «گعده» استفاده شده بود. آیا این کلمه معنی خاصی دارد؟

خواننده روزنامه اطلاعات

خط ارتباطی: گعده در اصل قعده و واژه‌ای عربی است که به معنای نشستن، دوره گرفتن و دور هم نشستن است.

برگزاری رژه مشترک نیروهای مسلح در قزوین در هفته دفاع مقدس



قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با گرامیداشت هفته دفاع مقدس رژه مشترک نیروهای مسلح با هدف نشان دادن اقتدار و عظمت نیروهای ارتشی، سپاه و ناجا در استان قزوین برگزار می‌شود.

سرهنگ عباس برزگر جانشین راهبردی سپاه صاحب الامر(عج) استان قزوین در جلسه کمیته نیروهای مسلح استان قزوین هدف از برگزاری این رژه را یادآوری رشادت‌های شهیدان و رزمندگان دوران دفاع مقدس، انتقال روحیه ایثار و شجاعت شهدا به نسل جوان و ایجاد روحیه وحدت و همدلی اعلام کرد.

او برگزاری نمایشگاه و رزمایش مشترک نیروهای مسلح در شهرستان تاکستان، برگزاری بزرگداشت و یادواره‌های شهدا در سطح استان، برگزاری جلسات روشنگری و بصیرت‌افزایی در بین کارکنان سپاه، برگزاری شب خاطره، سخنرانی فرماندهان سپاه در سطح مدارس استان را از جمله این برنامه‌ها دانست.

فرمانده تیپ ۱۱۶ شهید صفوی قزوین نیز با گرامیداشت یاد و خاطره جانفشانی‌های رزمندگان دفاع مقدس از اعلام آمادگی قرار گاه عملیاتی لشگر ۱۶ زرهی قزوین برای برگزاری مراسم گرامیداشت هفته دفاع مقدس خبر داد و گفت: در نخستین روز از برنامه‌های این هفته رژه بزرگ نیروهای نظامی استان با همراهی تیپ ۱۱۶ پیاده مکانیزه همراه با سایر یگان‌های موتوری و محمول در مقابل قرار گاه عملیاتی لشگر ۱۶ زرهی قزوین برگزار می‌شود.

سرهنگ بیژن فلاحی عطر افشانی و غبار روبی مزار شهدا، شرکت در برپایی نمایشگاه توانمندی نیروهای نظامی استان با اعزام ادوات زرهی و شنیداری، برگزاری صبحگاه مشترک نیروهای مسلح با نمایش اقتدار و روحیه وحدت و همدلی این نیروها، شرکت کارکنان نیروهای مسلح در نماز جمعه در سطح استان، اعزام سخنرانان در نماز جمعه شهرستانها، گردهمایی همسران رزمندگان دوران دفاع مقدس و انتقال تجارب آنان به نسل جدید، برگزاری مراسم دعای عرفه و دعای کمیل در مسجد پادگان، برگزاری همایش نقش خانواده در تربیت فرزندان و ترویج ارزش‌های اسلامی، سرکشی از بازنشستگان ارتشی در سطح استان را از دیگر برنامه‌های این حوزه دانست.

جانشین فرمانده ناجا در استان قزوین هم در ادامه جهاد در راه خداوند، همراهی و همفکری فرماندهان و کارگروههای فکری با استعانت از درگاه الهی و نیز بی اعتنایی به ظواهر دنیوی و نیز روحیه شهادت طلبی را از ویژگی‌های رزمندگان در دوران دفاع مقدس دانست و گفت: نیروی انتظامی هم در طول ۸سال دفاع مقدس در کنار رزمندگان حضور داشت و در پشت جبهه‌ها نیز در نبرد با توطئه گران و منافقان تلاش می‌کرد.

سرهنگ سلمان امیری افزود: نیروی انتظامی هم در برنامه‌های گرامیداشت هفته دفاع مقدس همراه با گروه‌های مختلف و رژه موتوری در سطح کلانتری‌ها و پایگاه‌های نیروی انتظامی شرکت می‌کند.

وی ادامه داد: همچنین نیروی انتظامی استان پوشش ترافیکی مناسب برای برگزاری با شکوه و در کمال امنیت در سطح استان را در دستور کار خود دارد.

وی ارتقاء و تقویت روحیه جهادی با یادآوری دوران دفاع مقدس، آگاهی نسبی و بصیرت افزایی بخش پرسنلی این نیرو و راهکارهای مقابله با راههای نفوذ و مرور راهبردهای نیروهای مسلح در دفاع از میهن را از اهداف برگزاری برنامه‌های گرامیداشت هفته دفاع مقدس برشمرد.

کاهش جرائم اینترنتی در خراسان رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس پلیس فتای خراسان رضوی از افزایش ۱۰ درصدی جرائم اخلاقی در فضای مجازی در پنج ماه گذشته در مقایسه مدت مشابه پارسال خبرداد.

سرهنگ محسن عرفانی در جمع خبرنگاران افزود: هتک‌حرمت، تهمت و افترا نسبت به افراد و انتشار آن از طریق فضای مجازی بیشترین مصادیق جرائم اخلاقی فضای مجازی در خراسان رضوی هستند.

او با بیان این‌که در سال‌های گذشته ۸۰ درصد جرائم اینترنتی فضای مجازی کلاهبرداری و جرائم مالی و اقتصادی بوده است؛ افزود: در پنج ماه نخست امسال شاهد کاهش ۵۰ درصدی این جرائم بوده‌ایم.

به گفته وی، ۹۳ درصد جرائم اینترنتی هر سال توسط پلیس فتای خراسان رضوی کشف می‌شوند و با متخلفان با قاطعیت و بدون اغماض برخورد می‌شود. وی همچنین از شناسایی و دستگیری یک گروه هکری به جرم جرائم مالی و برداشت مبالغی از حساب‌های شخصی و اداری در فضای مجازی و نیز دستگیری اعضای یک شبکه که انتشار عکس‌های مستهجن و مبتذل می‌کردند؛ خبرداد.

گشایش نمایشگاه ملی گل و صنایع وابسته در محلات



اراک ـ خبرنگار اطلاعات: سیزدهمین نمایشگاه ملی گل و صنایع وابسته، با حضور معاون باغبانی وزیر جهادکشاورزی، سفیر عراق، ۱۲ رایزن و تاجر گل و گیاه از کشورهای اروپایی، استاندار مرکزی و معاونان و مسئولان محلی در شهرستان محلات گشایش یافت.

این نمایشگاه در وسعت ۲۴۰۰ مترمربع، پنج سالن و ۱۱۰ غرفه دایر شد.

همچنین ۶۰ شرکت تولیدکننده گل و گیاه از استان‌های اصفهان، قم، تهران، البرز، آذربایجان شرقی و غربی، فارس، خراسان رضوی و یزد محصولات تولیدی خود را در این نمایشگاه عرضه کردند.

محمدعلی طهماسبی معاون باغبانی وزیر جهادکشاورزی در این نمایشگاه گفت: براساس برنامه‌ریزی انجام شده، امسال ۵۰ هزار تن مرکبات و محصولات باغی به ارزش ۲ میلیارد دلار به کشورهای همجوار صادر می‌شود.

وی افزود: انار، پسته، زعفران، انجیر، کشمش و خرما مهمترین محصولات صادراتی کشور با نشان ویژه صادراتی هستند.

او با بیان این که ۲۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشورهای همجوار از محصولات باغی ایران برخوردار هستند؛ اضافه کرد: بعد از توافق هسته‌ای بازار محصولات باغی ایران رونق گرفته است به‌طوری که کشورهای روسیه و آسیای میانه به بازار محصولات باغی ایران اضافه شده‌اند.

طهماسبی اضافه کرد: سالانه بیش از ۱۶ میلیون تن محصولات باغی از سطح ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار هکتار برداشت می‌شود و امسال پیش‌بینی می‌شود با توجه به مستعد بودن آب و هوا این میزان تولید به‌ویژه انگور و سیب درختی افزایش یابد.

معاون باغبانی وزیر جهادکشاورزی افزود: ایران هفتمین تولیدکننده انواع مرکبات در جهان است و استان‌های مازندران، فارس، کرمان، خوزستان، هرمزگان، بوشهر و گیلان عمده‌ترین تولیدکنندگان مرکبات هستند.وی اضافه کرد: برای افزایش تولید و توسعه سطح باغ‌ها و گلخانه‌های کشور هیچ‌گونه محدودیت تسهیلاتی وجود ندارد و با ارائه طرح، تسهیلات ارزی و ریالی به متقاضیان پرداخت می‌شود.

او گفت: برای افزایش راندمان تولید و استفاده بهینه از منابع؛ تسهیلات بلاعوض برای اجرای آبیاری تحت فشار پرداخت می‌شود و دولت برای اجرای آبیاری نوین تا ۸۵ درصد تسهیلات بلاعوض پرداخت می‌کند. وی محلات را یکی از قطب‌های مهم تولید و صادرات گل کشور دانست و افزود: با برگزاری نمایشگاه‌های گل و گیاه در سال‌های اخیر در محلات، گل این شهرستان دارای برند جهانی شده است.

تمبر طلای ایران با تصویر استاد شهریار در موزه آستان قدس

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: اولین تمبر طلای ایران با تصویر استاد شهریار به همراه مجموعه ارزشمندی از تمبرهای یادبود استاد «سید محمدحسین شهریار»؛ شاعر نامدار ایران به مناسبت روز شعر و ادب فارسی و روز بزرگداشت استاد محمد حسین شهریار در گنجینه تمبر، اسکناس و سکه موزه آستان قدس رضوی مورد توجه علاقه‌مندان آثار فرهنگی گرفته است.



اولین تمبر طلای ایران (شمش خالص طلا به وزن یک گرم) با تصویر استاد شهریار، در سال ۱۳۹۲ شمسی توسط «خانه سکه ایران»، در تیراژ بسیار محدود ضرب شده است که این تمبر هم اکنون در این گنجینه در معرض دید عموم قرار دارد.

مسئول گنجینهٔ تمبر، اسکناس و سکه سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در این‌باره گفت: شرکت پست جمهوری اسلامی ایران به پاس خدمات ادبی استاد «سید محمدحسین شهریار» به جامعه ادبی و فرهنگی کشور، در سه نوبت تمبر یادگاری این استاد شهیر ایرانی را چاپ و منتشر کرد.

به گفته محمد حسین یزدی نژاد با بیان این‌که، در نوبت اول در مورخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۸ تمبری با تصویر چهره استاد در تیراژ ۳ میلیون قطعه منتشر شد افزود: در کنگره بزرگداشت استاد شهریارنیز در آذر ۱۳۷۱ تمبری با پس زمینه کوه‌های سر به فلک کشیده و روستای زیبای محل تولد استاد به نام «خشکناب» و چهره وی در تیراژ یک میلیون قطعه منتشر شده بود. وی افزود: در آخرین نوبت در مورخ ۱۰ خرداد ۱۳۷۷، تمبر زیبایی با تصویر گنبد و بارگاه منوّر امام علی(ع) و چهره استاد شهریار و در پس زمینه شعر مشهور استاد «علی‌ای همای رحمت...» در تیراژ ۴۰۰ هزار قطعه چاپ و منتشر شد.

وی گفت: این تمبرها بین مردم فرهنگ دوست ایران و همچنین در کشورهای فارسی زبان مانند افغانستان، جمهوری آذربایجان، تاجیکستان و ترکمنستان طرفداران بسیاری دارد و مجموعه تمبرهای یادبود استاد شهریار همواره مورد توجه و علاقه بازدیدکنندگان و علاقه مندان به شعر و ادب فارسی قرار دارد.

گنجینهٔ تمبر، اسکناس و سکهٔ موزهٔ آستان قدس رضوی با بیش از ۷۰۰ هزار قطعه تمبر، افزون بر ۲۲ هزار اسکناس و حدود ۵۹ هزار سکه از ۲۴۰ کشور و مستعمرهٔ سابق جهان، به عنوان آئینهٔ تمام‌نمای تاریخ، فرهنگ، هنر و تمدن ملل مختلف، روزانه پذیرای بسیاری از محققان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به آثار تاریخی و فرهنگی است.

بازدید روزانه ۳۰۰۰ نفر از خانه تاریخی امام راحل در خمین

سرویس شهرستانها: ۳۰۰۰ نفر روزانه به طور میانگین در تعطیلات تابستان امسال از خانه تاریخی امام خمینی (ره) و زادگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی در شهرستان خمین دیدن کردند.

این مطلب را حجت الاسلام رضوی مسئول موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی(ره) در خمین اعلام کرد و افزود: خانه تاریخی امام راحل بنایی مربوط به دوره قاجار است که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

او اظهار داشت: علت حضور گردشگران داخلی و خارجی از این خانه مشاهده محل و نحوه زندگی ایشان به عنوان رهبر بزرگترین حکومت مردمی و دینی در جهان است.وی گفت: وجود خانه تاریخی امام راحل شهرستان خمین را به قطب گردشگری استان تبدیل کرده است و سالانه ۳۰۰ هزارگردشگر از این خانه دیدن می‌کنند.

او ادامه داد: تابستان امسال همزمان با حضور بازدید کنندگان ۲۰ هزار بسته فرهنگی به آنان اهداء شد که شامل تالیف‌های حضرت امام(ره)، بروشور، لوح فشرده در ارتباط با دیوان اشعار، وصیتنامه و زندگینامه حضرت امام(ره) است.

تأکید بر آموزش حقوق شهروندی

کرج ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس شورای اسلامی شهر کرج با انتقاد از اشباع فضاهای تبلیغاتی از معرفی کالاهای تجاری، خواستار اختصاص بخشی از بنرها و بیلبوردهای موجود به آموزش حقوق شهروندی و اشاعه مفاهیم فرهنگی و دینی شد.

مهندس دادگو گفت: انگار همه عوامل دست به دست یکدیگر داده‌اند تا مردم را به ورطه مصرف گرایی سقوط دهند.وی با بیان این که متأسفانه برخی نهادها به بهانه انتقال پیام‌های فرهنگی و آموزشی به قشرهای مختلف، مجوز نصب بیلبورد و بنر را از شهرداری کرج دریافت می‌کنند، گفت، متاسفانه آنها برای درآمدزایی بیشتر، آن را به شرکت‌ها و بانک‌ها اجاره می‌دهند و این در حالی است که شهروندان از بسیاری سرفصل‌ها و مفاد حقوق شهروندی خویش بی اطلاع هستند و این فقدان آگاهی مشکلات عدیده‌ای را برای آنها به همراه داشته است.

رئیس پارلمان شهری کرج در ادامه با اذعان بر این که اشراف شهروندان به حقوق خویش از بروز بسیاری از اعمال و سیاست‌های نادرست جلوگیری می‌کند، آگاهی مردم را یکی از مهمترین ابزار و امکانات برای اعمال قانون برشمرد و تاکید کرد: زمانی که مردم نسبت به حقوق خود آگاهی داشته باشند، به سادگی زیر بار اقدامات و تعیین سیاست‌هایی مغایر با قانون و حقوق شهروندی نمی‌روند و در نتیجه کیفیت مطالبه گری از مسئولان نیز ارتقاء می‌یابد.وی، مطالبه گری شهروندان بر اساس حقوق اولیه و اساسی آنان را یکی از راهکارهای پیشرفت ارزیابی کرد و افزود: مردمی که نسبت به حقوق خود آگاهی داشته و این قوانین را می‌شناسند، به وظایف متقابل مسئولان در قبال شهروندان و عکس آن، اشراف دارند و به خوبی روش‌های پیگیری مطالبات و نیازهای خویش را دنبال می‌کنند.

این عضو مدیریت شهری کرج، از معاونت‌ها و سازمان‌های متولی امر فرهنگ شهری و شهروندی بویژه معاونت و سازمان فرهنگی ورزشی خواست نسبت به اطلاع رسانی و آگاهی بخشیدن به شهروندان در این زمینه به طور جدی اقدام کند.

دادگو با گلایه از کمبودهای این حوزه، گفت: باید بخش قابل توجهی از امکانات تبلیغی و اطلاع رسانی شهری را به سمت ارتقای آگاهی و شناخت شهروندان نسبت به حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های متقابل آنان و مسئولان سوق دهیم.

آثار برتر عکس و فیلم بسیج استان تهران معرفی شد

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: سوّمین دوسالانه عکس بسیج هنرمندان استان تهران برگزیدگان خود را شناخت.

مدیر امور انجمن‌ها و تشکل‌های هنری و ادبی بسیج هنرمندان استان تهران با اعلام این مطلب گفت: از ۴۸۴ اثر ارسالی هنرمندان به دبیر خانه جشنواره، ۸۲۳۰۰ اثر در ارتباط با زندگی ایرانی اسلامی و ۱۸۴ اثر مربوط به فعالیت‌های فردی و اجتماعی بسیج است که از این تعداد ۸۲ اثر به مرحله نهایی راه یافت.

وی به نمایش گذاشتن توانمندی‌های هنرمندان بسیجی در عرصه‌های هنری، ارائه الگوی ارزشمند و اصیل فرهنگ و هنر اسلامی به جامعه، رشد و شکوفایی استعداد هنری بسیجیان و شناسایی نخبگان، ایجاد رقابت سالم و سازنده بین هنرمندان بسیجی برای خلق آثار برجسته و شاخص و ایجاد ارتباط و تعامل فرهنگی بیشتر بین هنرمندان را از جمله اهداف برگزاری این جشنواره برشمرد.

همچنین چهارمین جشنواره فیلم بسیج با عنوان «سکانس بیداری» صاحبان آثار برتر خود را شناخت.

محمد رضا شهریاری مدیر امور انجمن‌ها و تشکل‌های هنری و ادبی بسیج هنرمندان استان تهران با اعلام این خبر گفت: کار داوری آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره توسط هیات داوران چهارمین جشنواره فیلم بسیج با عنوان «سکانس بیداری» به اتمام رسید. و صاحبان آثار برتر در آئین پایانی جشنواره، همزمان با سالروز عملیات ثامن الائمه در شهرستان پاکدشت مورد تجلیل قرار خواهند گرفت و به رسم یادبود هدایی به آنان تقدیم خواهد شد.

ساخت ۸۰۰۰ واحد مسکن خیرساز در کشور



شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر عامل انجمن خیرین مسکن‌ساز ایران از ساخت ۶۰۷۷ واحد مسکونی خیرساز در کشور در حوزه شهری و نزدیک به ۲۶۰۰ واحد در روستاها خبر داد.

کیومرث سلگی در دیدار با مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان فارس با بیان این که بحث تامین مسکن برای خانواده‌های دارای حداقل ۲ فرزند معلول در کشور در دستور کار قرار دارد، افزود: از این تعداد ۵۰۰ واحد درحوزه شهری مربوط به انجمن خیرین مسکن‌ساز استان فارس و نیز ۱۴۰ واحد در حوزه روستایی در این استان در دست اقدام است و این تعهدات در ۲ سال آینده محقق می‌شود.

مدیرکل مشارکت‌های مردمی حساب ۱۰۰ امام(ره) با بیان این که در کشور حدود ۱۵۰ شهرستان دارای انجمن خیرین مسکن ساز و هیات مدیره و هیات امنای مسکن محرومین هستند افزود: در این مجموعه ۱۵۰۰نفر اعضای هیات مدیره و هیات امنا به صورت افتخاری کار می‌کنند.

او اعلام کرد: با وجود این شبکه افتخاری با کمک دولت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و وزارت راه و شهرسازی حدود ۳۰ هزار واحد مسکن در کشور در دست ساخت است که از این تعداد ۱۵ هزار واحد به اتمام رسیده است.

سلگی با بیان این که حدود ۸۰۰۰ واحد دیگر در دست اجرا است که تا پایان امسال تکمیل می‌شود یادآور شد: برای ۷۰۰۰ واحد باقی‌مانده برنامه‌ریزی و مقدمات کار انجام شده است که عملیات اجرای آن امسال آغاز می‌شود.

وی اظهار داشت: در استان فارس با تلاش انجمن خیرین مسکن‌ساز و هیات مدیره، حجم خوبی از واحدهای مسکونی در دست ساخت است و ۱۲۷۰ واحد مجموعه عملکرد آنهاست که اکثر آنها به بهره‌برداری رسیده است.

مدیرعامل انجمن خیرین مسکن‌ساز ایران از بهره‌برداری از ۱۴۲ واحد مسکن در شهر جدید صدرا در یک ماه آینده خبر داد و افزود: این واحدها تا یک ماه آینده افتتاح می‌شود.

وی به مشارکت موسسات خیریه در ساخت مسکن اشاره کرد و افزود: در استان فارس مشارکت خوبی بین موسسات خیریه وجود دارد که سبب هم‌افزایی در این بخش می‌شود.

نهاجا؛ نخستین نیروی مقابله گر با تجاوز عراق



دشمن بعثی پس از درگیرهای متعدد و تجاوزات آشکار در طول سال های ۵۸ و ۵۹ بالاخره در ۳۱شهریور سال ۵۹ با حمله هوایی به ۱۵ پایگاه هوایی و فرودگاه ایران رسما تجاوز خود را آغاز کرد. اما آیا واقعا تجاوز دشمن در همین زمان آغاز شد؟ وقبل از آن هیچ تجاوزی از زمین ، هوا و دریا انجام نگرفته بود؟ مدارک و شواهد امر پاسخ منفی به سئوالات می دهد.

درحوزه عملیات های هوایی و ثبت رویدادهای آن، نخستین تجاوز رسمی دشمن بعثی از راه هوا در ۱۱ اسفند ۵۸ و در منطقه سومار استان کرمانشاه به وقوع پیوسته است. در پی این تجاوزات که تا آغاز رسمی جنگ بالغ بر ۹۳ مورد گزارش شد، نیروی هوایی تا پایان سال ۵۸ فقط از دو پایگاه خود در غرب کشور(دوم شکاری تبریز و سوم شکاری همدان) بالغ بر ۲۱۲ سورتی پرواز که اغلب برای رویارویی با ضدانقلاب داخلی و دشمن خارجی در مرزهای غربی کشور در استان های کردستان و کرمانشاه بوده، به انجام رسانده است.

اگر به تحرکات دشمن در قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی نگاهی کوتاه داشته باشیم متوجه خواهیم شد که اغلب تحرکات و تجاوزات دشمن در نوار مرزی غرب در استان کرمانشاه و در مناطق نفت شهر، سومار، میان تنگ شروع به تجاوزات آشکار مرزی و زمینه چینی برای شروع جنگ کرد. دشمن با توجه به موقعیت پایتخت خود، از ناحیه جنوب غربی استان کرمانشاه(سومار)احساس خطر و عمده فعالیت خود را قبل ازآغاز تجاوز رسمی معطوف به استان کرمانشاه و جبهه مقابل آن کرد. حملات خود را دراین منطقه افزایش داد وسعی کرد ارتفاعات و پاسگاه های مرزی را تصرف کند تا نیروهای ایرانی را در حالت انفعالی قرار دهد و صرفا به دفاع وادار کند.

دشمن به دلیل فاصله ۱۰۰ کیلومتری سومار و میان تنگ و اطراف این مناطق انجام شده است ولی در تجاوز رسمی دشمن شدت حملات و گستره حرکت دشمن در استان خوزستان بیشتر نمایان می شود.

به نظر می رسد دشمن پس از پیروزی نیروهای رزمنده ایران در مقابل ضدانقلاب داخل در کردستان و کرمانشاه شکست انقلاب اسلامی را از طریق اختلافات داخلی غیر ممکن دانست و با اجازه اربابان خود در استان کرمانشاه تا بغداد خط پدافندی مستحکم و حمله در مقابل استان کرمانشاه برپا ، چرا که بهترین دفاع را در حمله احساس و سعی کرد نیروی مقابل را در حالت تدافعی نگه دارد.

اما این اندیشه دشمن موجب شد نیروی هوایی از همان زمان درگیرهای داخلی پس ازپیروزی انقلاب که از سوی دشمن بعثی حمایت مالی و تسلیحاتی می شد، وارد معرکه دفاع از انقلاب نوپای اسلامی شود.

در ۲۵ مرداد ۵۸ در عملیات آزادسازی پاوه از دست مهاجمان ضد انقلاب هواپیمای اف-۴ پایگاه سوم که ماموریت پشتیبانی از ستون اعزامی ارتش از کرمانشاه به سوی پاوه را به عهده داشت با آتش عوامل ضد انقلاب از ارتفاعات اطراف شهر مورد هدف قرارگرفت و خلبانان آن سرگرد محمد نوژه و ستوان سید عبدالله بشیری موسوی در حالی که روزه بودند، به فیض شهادت نائل شدند.

ضد انقلاب با دخالت ارتش عقب نشست و به این ترتیب توطئه تجزیه کردستان با شکست مواجه شد. دشمن کم کم گلوله باران مناطق مرزی و پاسگاه های مرزبانی را از هوا و زمین آغاز کرد. اول مرداد سال ۵۹ یورش دشمن بعثی در منطقه قصر شیرین، سومار و نفت شهر با حضور جنگنده های نیروی هوایی فروکش کرد.

در۱۶شهریور سال ۵۹ شهر قصرشیرین و روستاهای اطراف آن زیر آتش توپخانه دشمن قرارگرفت و نیروهای زمینی دشمن پس از تصرف «زینل کش» پاسگاه‌های«خان لیلی»«تنگاب نو» و«امینه»را اشغال کردند. نیروی هوایی مجبورشد در فاصله هر نیم ساعت با ۸ سورتی پرواز پاسگاه «اسمود»کانون تمرکز نیروهای دشمن و پاسگاه های اشغال شده«تنگاب نو»«خان لیلی»«خسروی»و «ولدکشته» را بمباران کند.

دراین میان یک فروند هواپیمای اف-۴ پایگاه سوم شکاری در قصر شیرین مورد اصابت قرارگرفت و کمک خلبان آن (ستوان علی ایلخانی) به شهادت رسید.

قطع پیوند نیروهای اشغالگر بعثی با مرکز فرماندهی ارتش بعث اقدامی بود که خلبانان نیروی هوایی با بمباران پل های راه دسترسی به بعقوبه وخانقین موفق به خلق آن شدند.

نیروی هوایی برای شناسایی بیشتر منطقه به منظور هدایت خلبانان خودی، سرگرد خلبان علی شمس بیگی فرمانده گردان ۳۱ شکاری پایگاه سوم شکاری همدان را به همراه تیمی با بالگرد به سرپل ذهاب اعزام کرد که متاسفانه بازهم بالگرد ۲۱۴ نهاجا مورد اصابت آتشبار خودی قرارگرفت و سرنگون شد و هر شش سرنشین آن شامل دو خلبان بالگرد، فرمانده گردان ۳۱ شکاری پایگاه همدان و سه نفر دیگر از اعضای تیم به فیض شهادت رسیدند.

روزنامه کیهان در روز چهارشنبه ۱۹ شهریور ۵۹ از قول فرمانده سپاه قصر شیرین نوشت:«شش دستگاه تانک ارتش عراق ساعت ۶ و ۵۰ دقیقه با شلیک راکت ها و موشک های هواپیماهای نیروی هوایی ازمیان برداشته شدند. این تانک ها درسرزمین و پایگاهی روبروی تنگاب نو آهنگ گذشتن از مرز را داشتند» البته این ماجرا مربوط به روزقبل یعنی ۱۸ شهریور۵۹است.

روز۱۹شهریورسال ۵۹ برای نیروی هوایی روز مهمی بود. نخستین موشک فونیکس در یک درگیری واقعی درآسمان استان کرمانشاه از سوی هواپیمای اف-۱۴ شلیک و هواپیمای مهاجم از نوع سوخوی۲۲را به زیر کشید. این افتخار نصیب سرگرد خلبان محمد رضا عطایی و کمک خلبان وی محمدرضا پاشایی شد.

درهمین روز یک فروند دیگر از هواپیماهای دشمن از نوع میگ ۲۱ و یک فروند بالگرد مورد هدف پدافند زمین به هوا قرارگرفتند وسرنگون شدند.

در ۲۳ شهریور سال ۵۹ درگیری هوایی جنگنده های ایرانی و عراقی برفراز روستای «گرده نو» و«بیشگان» در سرپل ذهاب موجب سرنگونی دو فروند هواپیمای میگ ۲۱ دشمن بعثی شد.

به این ترتیب نیروی هوایی قبل از آغاز تهاجم رسمی دشمن بعثی، درگیر دفاع از کیان مقدس میهن خود در مقابل ضد انقلاب داخلی و دشمنان خارجی شد ودراین راه در دفاع از استان کرمانشاه شهدای زیادی تقدیم کرده است که از جمله این شهدا می توان به ۱۱ نفر از شهدا به نام های سرگردخلبان محمد نوژه، سرگرد خلبان علی شمس بیگی سروان خلبان محمد طیبی سرشکی، سروان خلبان بیژن فعلی، ستوان خلبان علی ایلخانی، ستوان خلبان سید عبدالله بشیری موسوی، ستوان خلبان علی اکبر رشیدی خزایی، ستوان خلبان ابوالقاسم کامرانی ، استوار فیض جلالی، استوارکاظم مشایخیو استوارمحمد زینال پور اشاره کرد.

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد

* نخستین تجاوز رسمی دشمن بعثی از راه هوا در ۱۱ اسفند ۵۸ و در منطقه سومار استان کرمانشاه به وقوع پیوسته است

* ضد انقلاب با دخالت نیروی هوایی ارتش عقب نشست و به این ترتیب توطئه تجزیه کردستان با شکست مواجه شد

تحقیر صدام در عملیات تعیین کننده دفاع مقدس

بخش اول

* تمامی عملیات رزمندگان در دفاع مقدس بر مبنای ایمان به خدا و تفکر و در قالب عملیات‌های آبی- خاکی و هوایی طراحی و اجرا شدند

* حمله به اچ_ ۳ از لحاظ فنی یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های هوایی جهان بشمار می‌رود و از نظر دستاوردهای نظامی هم با توجه به نابودی کامل ۴۸ هواپیمای دشمن در رده بزرگترین و موفق‌ترین عملیات‌های نظامی جهان قرار می‌گیرد

هشت سال دفاع‌مقدس فراز و فرودهای فراوانی داشت، بنابراین ضرورت ایجاب می‌کرد فرماندهان کشورمان در عرصه نظامی و دفاع مشروع عملیات‌هایی برای مقابله با دشمن طراحی و اجرا کنند که در نوع خود جزو مهمترین عملیات تاریخ جنگ‌های جهان شناخته می‌شوند.

سی و سومین سالگرد آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌تواند بهترین بهانه برای معرفی ابتکارعمل، بن‌بست شکنی‌ها و روایت دوباره اقدامات موثر نظامی فرماندهان و رزمندگان جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم بعث عراق در دوران دفاع مقدس باشد. آنچه مسلم است تمامی این اقدامات بر مبنای ایمان به خدا و تفکر و در قالب عملیات‌های آبی– خاکی و هوایی طراحی و اجرا شدند و درون مرزی یا برون مرزی بوده‌اند.در ادامه مروری داریم بر چند عملیات بزرگ.

عملیات ثامن ائمه
(شکست حصر آبادان)

با توجه به نقش بنی‌صدر به عنوان فرماندهی کل قوا در شروع جنگ تحمیلی، همه جبهه‌های نبرد به بن بست رسید و صدام شهرهای مهم ایران از جمله خرمشهر، آبادان، نفت‌شهر و دیگر شهرهای مرزی را به اشغال خود درآورد. اما به محض عزل بنی‌صدر به دلیل بی کفایتی سیاسی، در جبهه‌ها شور و نشاط دیگری حاکم و بن‌بست‌ها باز شد. سپس نخستین عملیات پیروزمند با شعار «خمینی روح خدا، فرمانده کل قوا» انجام شد که نقطه شروعی برای حضور نیروهای مردمی در جبهه‌ها به حساب می‌آید.

عملیات شکست حصر آبادان فتح‌الباب در جبهه‌های نبرد به حساب می‌آید. پس از عملیات «فرماندهی کل قوا»، سیستم جنگ تغییر کرد و عملیات ثامن الائمه توسط سپاه و ارتش طرح‌ریزی شد.

عملیات ثامن‌الائمه یکی از چهار عملیات بزرگ و برجسته در بین سلسله عملیات‌هایی بود که برای آزادسازی مناطق اشغالی انجام شد و نقطه عطف و آغاز استراتژی مرحله دوم جنگ و منشا تحول با الهام از رهنمودهای امام راحل بود.

پیام امام (ره) مبنی بر ضرورت شکست محاصره آبادان، اهمیت و ارزش سیاسی منطقه برای دشمن، موقعیت نظامی زمین و نحوه استقرار دشمن و ابتکار در پل‌های نصب شده روی رودخانه کارون از جمله مهمترین عوامل در انتخاب منطقه برای انجام عملیات بود.

این عملیات ساعت یک بامداد پنجم مهرماه ۱۳۶۰ آغاز و در مدت زمان آن بیش از ۳۰۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و شمار زیادی هم به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.

مهمترین دستاوردهای عملیات ثامن‌الائمه(ع) توقف عملی نیروهای دشمن و پی بردن رزمندگان اسلام به فعل خواستن بود. این در حالی بود که آزادسازی همه مناطق اشغالی پس از عملیات حصر آبادان انجام گرفت و سبب آزاد شدن حدود ۱۸۰ کیلومتر مناطق اشغالی از دست دشمن شد . شاید این عملیات را بتوان جزو شگفتی‌های جنگ به حساب آورد چرا که پس از برکناری بنی صدر، ارتش و سپاه همکاری موثری با هم داشتند.

عملیات طریق القدس (فتح بستان)

جمهوری اسلامی ایران فقط دو ماه پس از پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه (ع)، عملیات «طریق القدس» را در سال دوم جنگ (آذرماه سال ۱۳۶۰) با سرعت بسیار و بر پایه تحولات جدید و شور و هیجان ایجاد شده در کشور، به عنوان بزرگترین عملیات خود در مقیاس گسترده، طرح‌ریزی کرد. سازماندهی نیروهای داوطلب با انگیزه شهادت‌طلبی در سازمان سپاه و در آستانه فرا رسیدن ماه محرم، برجسته‌ترین ویژگی این عملیات بود. فرماندهان سپاه و ارتش طی جلسات متعددی شرایط جدید را مورد بررسی قرار دادند و مبتنی بر آن، استراتژی جدیدی را تعریف کردند که سه هدف اساسی را دنبال می‌کرد:

۱– انهدام هر چه بیشتر ماشین جنگی عراق

۲– دست یافتن به مواضعی مناسب برای کم کردن خطوط پدافندی و نهایتاً آزادسازی نیروهای خودی از پدافند به منظور افزایش توان در عملیات بعدی.

۳–آماده شدن برای انجام عملیات نهایی و آزاد سازی گام به گام مناطق اشغالی.

مبتنی بر این استراتژی، ۱۲ طرح موسوم به «کربلا» تهیه شد که میزان تناسب توان خود با ظرفیت مورد نیاز منطقه عملیاتی، وضع زمین از جنبه نظامی و همچنین اهمیت منطقه عملیاتی، از عوامل اصلی در تعیین تقدم هر یک از طرح‌های مذکور بود، بر همین اساس، پس از مباحث مختلف میان فرماندهان سپاه و ارتش، عملیات طریق القدس به عنوان نخستین گام از سلسله عملیات کربلا طراحی و به مرحله اجرا درآمد.

این عملیات ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه بامداد هشتم آذر با عبور نیروهای پیاده یگان‌های سپاه از میادین مین و مواضع دشمن، در چند محور به طور هم‌زمان آغاز شد. نیروهای عمل کننده در محور شمال عملیات، در همان ساعات اولیه درگیری موفق شدند مواضع نیروهای عراقی را در خطوط اول تصرف و نیروهای احتیاط دشمن را در پشت خطوط پدافندی منهدم کنند. میزان موفقیت اولیه یگان‌های سپاه در محور شمال به حدی بود که فرمانده تیپ زرهی ارتش هم به گردان‌های زرهی و مکانیزه خود فرمان داد تا از معابر بازشده با چراغ روشن عبور و ضمن انهدام دشمن و حمایت از نیروهای پیاده خودی به سوی هدف‌های خود در عمق منطقه پیشروی کنند.

به این ترتیب، ساعت ۶ بامداد روز اول عملیات، تیپ امام حسین (ع) به همراه یک گردان از «تیپ ۳ زرهی» از «لشکر ۹۲» موفق شدند تنگه چزابه را تصرف و تامین کنند. در این محور تا ساعت ۹ صبح روز اول، تمامی اهداف تعیین شده، تامین شد.

با اجرای عملیات طریق القدس، نخستین مرحله از استراتژی جدید تحت عنوان «کربلای ۱» با موفقیت به پایان رسید و نتایج زیر را به دنبال داشت:

۱–آزادسازی ۶۵۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری اسلامی شامل شهر بستان، حدود ۷۰ روستا، پنج پاسگاه مرزی و تنگه استراتژیک چزابه.

۲– تجزیه شدن قوای سپاه سوم عراق که با توانی بیش از شش لشکر بخش‌هایی از خوزستان را تحت اشغال داشت.

۳–موفقیت ابتکار عبور از منطقه رملی.

عملیات فتح المبین؛ جلوگیری از تجدیدسازمانی دشمن

طرح‌ریزی عملیات افتخارآفرین «فتح‌المبین» از اواسط آبان ۱۳۶۰ آغاز شد و پس از تلاش‌های مستمر و خستگی‌ناپذیر و انجام مشورت‌ها و هماهنگی‌های گسترده‌میان‌فرماندهان، سرانجام «طرح عملیاتی شماره ۱ فتح‌المبین» در اواخر دی‌ماه همان سال آماده شد. روز ۱۳ بهمن ۱۳۶۰ در پی یک نشست مشترک بین فرماندهان عمده سپاه و ارتش، طرح یادشده به یگان‌های عمده‌اجرایی ابلاغ و متعاقب دریافت اطلاعات جدید در روز ۳۰ بهمن همان سال طرح اولیه بازنگری شد و طرح «شماره ۲» در روز ۱۳ اسفند انتشار یافت.

با پایان یافتن «عملیات طریق‌القدس»، تلاش برای اجرای عملیات بعدی به منظور جلوگیری از قدرت تصمیم‌گیری، تجدیدسازمان و تقویت روحیه دشمن آغاز شد. در این شرایط که نیروهای رزمنده ابتکار عمل در جنگ و پشت جبهه را در دست داشتند، دو منطقه «غرب دزفول» و «منطقه عمومی خرمشهر» (غرب کارون) نظر فرماندهان نظامی را به خود جلب کرده بود که الزاما باید یکی از آن‌ها برای اجرای عملیات انتخاب می‌شد.

این عملیات با مراجعه به قرآن کریم، «فتح» نامگذاری شد و سرانجام در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز دوشنبه دوم فروردین‌ماه سال ۶۱ فرمان آغاز حمله بزرگ و سرنوشت‌ساز فتح‌المبین صادر شد

نتایج عملیات: – آزادسازی ۲۵۰۰ کیلومترمربع از خاک جمهوری اسلامی؛ شامل ده‌ها بخش و روستا، سایت‌های ۴ و ۵ رادار، جاده مهم دزفول – دهلران و ... .

–نزدیک‌شدن نیروهای خودی به مرز در منطقه غرب شوش و دزفول.

– خارج شدن شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش و مراکز مهمی همچون پایگاه هوایی دزفول از تیررس توپخانه دشمن و دستیابی به چاه‌های نفت ابوغریب در ارتفاعات تینه.

–انهدام بیش از چهار لشکر، ۳۶۱ دستگاه تانک و نفربر، ۱۸ فروند هواپیما، ۳۰۰ دستگاه خودرو، ۵۰ عراده توپ و ۳۰ دستگاه مهندسی ارتش عراق.

–به غنیمت گرفته شدن ۳۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو، ۱۶۵ عراده توپ، ۵۰ دستگاه مهندسی و مقادیر زیادی سلاح و تجهیزات انفرادی.

– به اسارت درآمدن بیش از ۱۵ هزار نفر از نیروهای دشمن.

– کشته و مجروح شدن حدود ۲۵ هزار تن از نیروهای دشمن

عملیات الی بیت‌المقدس؛ سمبل تحمیل اراده ایران

در حالی که اشغال خرمشهر توسط عراق به‌عنوان آخرین و مهمترین برگ برنده این کشور برای وادار کردن ایران به شرکت در هرگونه مذاکرات صلح تلقی می‌شد، آزادسازی این شهر می‌توانست سمبل تحمیل اراده سیاسی جمهوری اسلامی بر متجاوز و اثبات برتری نظامی‌اش باشد.این عملیات دهم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۱ آغاز شد و رزمندگان اسلام توانستند طی سه مرحله خرمشهر را آزاد کنند.

ساعت ۲۲:۳۰ اول خرداد ۱۳۶۱ تلاش برای آزادسازی خرمشهر آغاز شد و عراقی‌ها نتوانستند در برابر تک سریع و غافلگیرانه ایران، ایستادگی کنند. نیروهای عراقی دچار وحشت و سرگردانی شدید شدند و نتوانستند واکنش مهمی از خود نشان دهند و ارتباط یگان‌های دشمن با یکدیگر قطع شد. فرار افسران، درجه‌داران و سربازان عراقی از منطقه خرمشهر گویای از هم پاشیدگی سازمان یگان‌های دشمن بود.

در روز دوم خرداد نتیجه پیکار بسیار درخشان بود و «قرارگاه کربلا» به هدف خود که احاطه کامل خرمشهر بود، رسید. شمار اسرای عراقی در این روز از ۲۸۳۰ نفر تجاوز کرد و یگان‌هایی از دشمن که در منطقه بین نهر عرائض و شلمچه مستقر بودند، به میزان زیاد منهدم شدند.

با وجود حضور گسترده هواپیماهای عراقی در آسمان منطقه، عقابان تیزپرواز نیروی هوایی ارتش در پشتیبانی از یگان‌های خودی، در صحنه عملیات بیت‌المقدس حضوری فعال داشتند و با بمباران پل شناور عراقی‌ها بر روی اروندرود و مناطق تجمع آنان در آن سوی رودخانه، نقش ارزنده‌ای در آزاد سازی خرمشهر ایفا کردند.

در اواخر روز دوم خرداد، قرارگاه کربلا پس از بررسی آخرین وضع ، تصمیم گرفت تا نیروها با ورود به شهر، آن را از لوث وجود نیروهای عراقی پاک کنند و در ساعت سه بامداد روز سوم خرداد واحدهایی از رزمندگان ایران به آن سوی رودخانه وارد شدند.

از طرف دیگر جمعی از نیروهای عراقی با استفاده از تاریکی شب و قایق اقدام به فرار کردند که تعدادی از این قایق‌ها توسط تکاوران نیروی دریایی هدف قرار گرفتند و سرنشینان آن ها غرق شدند.ساعت ۱۱ صبح روز سوم خرداد در حالی که درگیری شدیدی بین قوای ایرانی و نیروهای عراقی در شمال نهر «خین» جریان داشت و دشمن در فکر شکستن حلقه محاصره خرمشهر بود، رزمندگان ایرانی از جناح غرب و خیابان کشتارگاه وارد شهر شدند. ناحیه گمرک خرمشهر در کنار اروند اندکی مقاومت کرد که آن هم به سرعت درهم شکسته شد.ساعت ۱۲ قوای ایران از سمت شمال و شرق وارد شهر شدند و نیروهای متجاوز بعثی که ۲۴ ساعت در محاصره کامل قرار داشتند، راهی جز اسارت یا فرار و یا کشته شدن نداشتند. بدین جهت واحدهای عراقی گروه گروه به اسارت رزمندگان اسلام در آمدند.

ادامه دارد

جنگ نفت؛پشت پرده تجاوز عربستان به یمن

■بخش دوم و پایانی

توان رزمی نیروهای یمنی؛ شوک بزرگ برای آل‌سعود

***گزارش‌های خبری تاکید دارند که ائتلاف عربستان در حال مقدمه چینی برای انجام حمله‌ای گسترده برای سیطره بر صنعا ظرف هفته‌های آتی است**

*** در طول ۵ ماه تجاوز وحشیانه سعودی‌ها به مردم بی دفاع یمن ، بیش از ۶۶۰۰غیرنظامی یمنی کشته یا زخمی شده اند**

***بسیاری از تحلیلگران بر این باورند با توجه به تحولات اخیر، باید منتظر تغییر موازنه قدرت به نفع انصارالله یمن در نبرد با سعودی‌ها بود**

***بن‌بست ایجادشده در یمن برای ائتلاف سعودی آنها را بیش از پیش به سمت ایجاد عملیات روانی کشانده است**



همزمان با آغاز حملات ائتلاف توفان قاطع به رهبری عربستان به پایگاه‌های حوثی‌ها و نیروهای علی عبدالله صالح ، مثل روز روشن بود که جنگ یمن طولانی خواهد شد و هزینه‌های مالی و جانی سنگینی خواهد داشت.

تحلیلگران سیاسی و نظامی تلفات جانی یمنی‌ها بر اثر جنگ و تجاوز در یمن را دور از ذهن نمی‌دانستند اما هیچ گاه نمی‌توانستند این تصور را بکنند که نظامیان متجاوز آن هم با این شمار در یک روز کشته شوند.

روزنامه مستقل رای الیوم در سرمقاله خود در خصوص کشته شدن سربازان اماراتی، عربستانی و بحرینی در عملیات اخیر انصارالله و ارتش یمن در استان مأرب نوشته است،اخیرا نیروهای ائتلاف سعودی به کشته شدن ۶۰ سرباز از جمله ۴۵ اماراتی، ۱۰ عربستانی و پنج بحرینی اعتراف کردند.

آن‌ها در حمله‌ای که گارد ریاست جمهوری وابسته به علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری پیشین یمن مسئولیت آن را برعهده گرفت، کشته شدند.این حمله با استفاده از موشک بالستیک از نوع "توشکا" انجام شد و پایگاه این نیروها در استان مأرب را هدف قرار داد.

این خسارت بزرگ و دردناک خطر ورود به جنگ یمن و ادامه آن را آشکار کرد. همچنین نشان داد که آینده خونبارتر در انتظار طرف‌های شرکت کننده در این جنگ است.این حمله به پادگان نیروهای وابسته به ائتلاف متجاوز مسائل با اهمیت زیادی را روشن کرد از جمله:

۱- وجود نیروهای ویژه اماراتی، بحرینی و عربستانی در خاک یمن و مشارکت عملی آن‌ها در جنگ. این مساله نشان می‌دهد که ائتلاف تنها به حملات هوایی اکتفا نکرده است و این تحول بزرگی به حساب می‌آید.

۲- ورود نیروهای گارد ریاست جمهوری وابسته به علی عبدالله صالح به میدان جنگ و استفاده از موشک‌های بالستیک برای نخستین بار و با دقت زیاد.

۳- بازگشت هماهنگی و همکاری میان حوثی‌ها و نیروهای علی عبدالله صالح در میدان جنگ مثل قبل. اخیرا اختلافاتی میان آنها در خصوص نمایندگانشان در کنفرانس ژنو رخ داد و حوثی‌ها به تنهایی برای مذاکره با اسماعیل ولد شیخ احمد، فرستاده سازمان ملل به یمن به مسقط رفتند.

۴- تایید کذب بودن اخبار منتشر شده در خصوص حمایت امارات از علی عبدالله صالح. افزایش شمار نیروهای کشته شده امارات در حمله اخیر و تهدیدات نیروهای علی عبدالله صالح علیه "متجاوزان" اماراتی کاملا مغایر با این اخبار است.کاملا مشخص است که شمار زیاد قربانیان ائتلاف سعودی در مقایسه با شمار جمعیت اندک این کشور به جز عربستان شوک بزرگی برای دولت‌ها و مردم آن‌هاست.

تاکید مسئولان برادامه مشارکت در جنگ یمن و افزایش حملات هوایی به حوثی‌ها و نیروهای علی عبدالله صالح نشان می‌دهد که ائتلاف همچنان استراتژی خود را پیش می‌برد.

روزها و هفته‌های آینده شامل تحولات چشمگیری در یمن به چند دلیل خواهیم بود:

اول:سخنگوی رسمی حوثی‌ها اعلام کرد: باید حوادث غافلگیر کننده‌ای را در این جنگ انتظار داشته باشیم. علی عبدالله صالح نیز همین اظهارات را تکرار کرد.

برخی حامیان ائتلاف سعودی این حوادث را مسخره می‌کردند اما امروز می‌بینیم که آن حادثه غیرمنتظره همین موشکی است که نیروهای ائتلاف را هدف قرار داد و نشان داد که باید این تهدیدات را جدی گرفت .

دوم: گزارش‌های خبری آمریکایی که به نقل از منابع نظامی و اطلاعاتی موثق منتشر شده‌اند، تاکید دارند که ائتلاف عربستان در حال مقدمه چینی برای انجام حمله‌ای گسترده برای سیطره بر صنعا ظرف هفته‌های آتی است. بعید نیست که این حمله کشته شدن شمار زیادی از نظامیان ائتلاف سعودی را تسریع کند.

سوم: اخبار ضد و نقیض از تعهد باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در دیدار با سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان به افزایش کمک نظامی و اطلاعاتی آمریکا از ائتلاف جنگ در یمن را به جنگ منطقه‌ای بزرگتر و خطرناک‌تری تبدیل خواهد کرد و حتی احتمالا جنگ فرسایشی برای تمامی طرف‌های درگیر باشد. درگیری‌ها در مرز عربستان و یمن در حال افزایش است و احتمالا قربانیان بیشتری خواهد گرفت.

تنها راه حل بحران یمن راهکار سیاسی است. این راهکار می‌تواند طرح هشت بندی ولد شیخ باشد که براساس قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت طرح ریزی شده است.

این طرح شامل عقب نشینی حوثی‌ها از پایتخت و شهرهای یمن، تحویل سلاح و تشکیل دولت انتقالی موقت است. اگر اخبار منتشر شده در خصوص قبول این طرح توسط انصارالله و علی عبدالله صالح در ازای توقف درگیری‌ها و جنگ در یمن درست باشد پس هنوز هم جای امیدی باقی است.جنگ یمن برای تمامی گروه‌هایی که وارد آن شده‌اند خونبار خواهد بود.

شکست سنگین نظامیان سعودی و اماراتی و کشته شدن ۴۵نظامی اماراتی و ۱۰نظامی سعودی در حمله موشکی «أنصارالله» یمن موازنه قدرت را به ضرر آل سعود تغییر داده است.

در این حال،جنبش انصارالله یمن با شلیک موشک «توشکا» به سمت منطقه «صافر» واقع در استان مأرب، یک انبار نگهداری تسلیحات در این منطقه را هدف قرار داد. به دنبال این حمله ۴۵نظامی اماراتی کشته شدند و شماری دیگر به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شدند.پس از انتشار آمار قربانیان این انفجار، اخبار ضد و نقیضی در این زمینه منتشر شد که نشان می داد شمار تلفات بسیار کمتر از چیزی است که در رسانه ها مطرح شده است.

اما در نهایت سخنگوی نیروهای مسلح امارات اذعان کرد در این حمله‌ای که به وسیله موشک «توشکا» صورت گرفت ۴۵نظامی این کشور کشته شدند. از سوی دیگر منابع بحرینی نیز اعلام کردند که ۵نظامی این کشور که در ائتلاف حمله به یمن مشارکت داشتند نیز در حمله به مأرب جان خود را از دست داده اند.

«احمد العسیری» مشاور وزیر دفاع عربستان سعودی و سخنگوی ائتلاف ضد یمن نیز تصریح کرد که به دنبال این حادثه ۱۰نظامی سعودی نیز کشته شدند. وی حاضر نشد در سخنان خود به این مسأله اذعان کند که حادثه انفجار صورت گرفته ناشی از حمله موشکی یمنی ها بوده است. در پی این حادثه، دولت امارات سه روز عزای عمومی در این کشور اعلام کرد.

این در حالی است که در طول پنج ماه تجاوز وحشیانه سعودی‌ها علیه مردم بی دفاع یمن تاکنون بیش از ۶۶۰۰غیرنظامی یمنی شهید یا زخمی شده اند. بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای حقوق بشری بین المللی شمار زیادی از قربانیان حملات سعودی‌ها را زنان و کودکان یمنی تشکیل می دهند؛ افرادی که تنها گناهشان پافشاری بر حق طبیعی خود یعنی تعیین سرنوشت کشورشان بود.

***شکست سنگین نظامیان سعودی و اماراتی و کشته شدن ۴۵نظامی اماراتی و ۱۰نظامی سعودی در حمله موشکی انصارالله یمن، موازنه قدرت را به ضرر آل سعود تغییر داده است**

انتشار خبر هلاکت ۴۵نظامی اماراتی آن هم تنها در یک حمله ـ و نه طی چند حمله و چند روز ـ لرزه به اندام آل سعود انداخت. مقامات سعودی هیچگاه تصور نمی کردند که ارتش و نیروهای مردمی یمن که در رأس آنها جنبش انصارالله قرار دارد، قادر به انجام چنین حمله کشنده ای باشند.

در واقع اگر نگاه کوتاهی به حملات انتقام جویانه ارتش و نیروهای مردمی یمن به مواضع سعودی‌ها بیاندازیم، به خوبی در می یابیم که حمله موشکی اخیر از جمله ضربات مهلک بر پیکره ائتلاف ضد یمن بود؛ ائتلافی که تا به امروز هم از ریختن خون هیچیک از زنان و کودکان یمنی امتناع نمی ورزد و در این مسیر، جامعه جهانی را حامی اصلی خود می بیند.

با وجود تداوم حملات سعودی‌ها به نقاط مختلف یمن، کشتار بی گناهان و نابودی بی سابقه زیرساخت های این کشور، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که با توجه به تحولات اخیر، باید منتظر تغییر موازنه قدرت به نفع انصارالله یمن در نبرد با سعودی‌ها بود. به اعتقاد کارشناسان عربستان سعودی که تا به امروز خود را در مواجهه با مقاومت قابل تحسین یمنی ها عاجز می دید، اکنون با چالش بزرگتری یعنی قدرت مقابله انصارالله با حملات علیه آن مواجه است؛ قدرتی که در جریان حادثه اخیر در استان مأرب و هلاکت ۴۵نظامی اماراتی از آن رونمایی شد.پُر واضح است که عربستان سعودی تاکنون موفق به تحقق هیچیک از اهداف از پیش تعیین شده خود در حمله به یمن نشده است.

این رژیم تا دیروز تلاش می کرد تا با ادامه حملات وحشیانه به یمن، به منظور دستیابی به ساز و کاری جهت خروج از باتلاقی که در آن گرفتار شده است، برای خود زمان بخرد، اما با حمله ای که اخیرا انجام شد و تلفاتی که برجای ماند، می توان گفت:این حیله نیز کارگر نیافتاد و روند معادلات در تحولات یمن به کلی تغییر کرد. اکنون مقامات سعودی به خوبی دریافته اند که این حمله ممکن است آغاز سلسله حملات کوبنده دیگری باشد که پایانی سخت برای آنها رقم خواهد زد.

با توجه به حمایت های مردمی گسترده در یمن از جنبش انصارالله و مقاومت مردم در مقابل حملات سعودی‌ها، موازنه سیاسی همواره به نفع انصارالله بوده است،زیرا آل سعود با حملات خود نتوانست مردم یمن را از اصول خود منصرف و «منصور هادی» رئیس جمهور فراری را به آنها تحمیل کند. با این حال، نمی توان انکار کرد که از نظر نظامی، آل سعود به دلیل برخورداری از پیشرفته ترین تسلیحات نظامی دست برتر بر انصارالله و نیروهای یمنی داشته است.

حمله غافلگیرانه ارتش و نیروهای مردمی یمن به مأرب و هلاکت ۴۵اماراتی، ۱۰سعودی و ۵بحرینی به یک باره تمامی معادلات را تغییر و موازنه قدرت نظامی را نیز به نفع انصارالله تغییر داد.درهمین ارتباط،«محمدالبخیتی» عضو ارشد جنبش انصارالله یمن می گوید،موازنه قدرت به نفع جنبش انصارالله یمن است.

وی ادامه می دهد،ما با اراده ملت یمن در مقابل تجاوزهای وحشیانه آل سعود ایستادگی خواهیم کرد و متجاوزان را شکست خواهیم داد.

«ابراهیم علوش» کارشناس اردنی نیز با اشاره به شکست عربستان سعودی و ناتوانی اش در تغییر موازنه قدرت در عرصه میدانی و سیاسی یمن تاکید می کند،پافشاری آل سعود و منصور هادی بر تسلیم شدن انصار الله و گروه های یمنی و اجرای قطعنامه ۲۲۱۶شورای امنیت غیر منطقی است.

این تحولات در حالی اتفاق می افتد که «محمد البخیتی» عضو ارشد جنبش انصارالله یمن در سخنانی اعلام کرد ، گروه های یمنی مخالف تجاوز آل سعود برای تشکیل دولت موقت به توافق رسیده اند. وی در این زمینه تصریح کرد،با توجه به توافق صورت گرفته، یک رئیس جمهوری توافقی توسط گروه های یمنی برای اداره امور کشور انتخاب خواهد شد.

با توجه به وقوع این تحولات در عرصه های سیاسی و نظامی به نظر می رسد که آل سعود دیگر هیچ راهی جز پذیرش رسمی شکست خود در یمن در مقابل خود نمی بیند. باید دید که در آینده مقامات سعودی چه تصمیمی برای مقابله با تحولات سیاسی و نظامی اخیر در یمن که بدون شک برای آنها غیر قابل پیش بینی بود، اتخاذ خواهند کرد.

این در حالی است که،بن‌بست ایجادشده در یمن برای ائتلاف سعودی، آنها را بیش از پیش به سمت ایجاد عملیات روانی کشانده است، حتی اگر بتوانند در چنین شرایط فاجعه‌باری برای عربستان، شایعه تسلیم نیروهای یمنی را تبلیغ کنند، دریغ نمی‌کنند. طی شش ماه گذشته از شروع تجاوز عربستان به یمن، فضای سیاسی و نظامی، هیچ روزی همانند این روزها برای ائتلاف سعودی به بن بست نرسیده بود.

ائتلافی که عربستان و چندین کشور کوچک جنوب خلیج فارس تشکیل داده‌اند، بدرستی نمی‌دانند که اگر فردی از آن‌ها بپرسد چه دستاوردی در طول این شش ماه داشته‌اید، چه جوابی بدهند، نه توانسته‌اند «منصور هادی» را باز گردانند و نه زاغه مهمات ارتش یمن را نابود کنند که نشانه آن نیز کشته شدن دهها نظامی اماراتی و سعودی و بحرینی توسط موشک بالستیک «توشکا» است.

در این میان که نیروهای ارتش و انصارالله یمن در عمق خاک عربستان در استان‌های «جیزان»، «نجران» و «العسیر» مشغول انجام عملیات‌های مختلف هستند و دست بالا را در میدان نبرد دارند، به یکباره برخی رسانه‌های وابسته به جریان سعودی شایعه‌ای را مطرح کرده‌اند تا حداقل در امر تبلیغات روانی تأثیرگذار باشند.

برخی رسانه‌ها با محوریت روزنامه لندنی «القدس العربی» در گزارشی مدعی شده‌اند انصارالله و علی عبدالله صالح از موضع سابق خود عقب‌نشینی فاحشی انجام داده و اعلام کرده‌اند که با قطعنامه شورای امنیت و عقب‌نشینی از شهرها و تحویل سلاح‌های سنگین موافقت‌کرده‌اند.

القدس العربی می‌نویسد،طبق سندی که همان نامه «اسماعیل ولد الشیخ» نماینده سازمان ملل در یمن به «جفری فلتمن» معاون بان کی مون است، فرستاده سازمان ملل تأکید می‌کند ، گفت‌وگوهای عُمان پیشرفت زیادی داشته است و در این مذاکرات، انصارالله و کمیته مردمی التزام به قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت را پذیرفته‌اند اما با بندی که تمامیت ارضی یمن را خدشه‌دار و بحث محاکمه علی عبدالله صالح و رهبر انصارالله و برخی دیگر از رهبران یمنی را مطرح می‌کرد، مخالت کرده‌اند .طبق این ادعا، انصارالله و صالح با تشکیل دوباره دولت «خالد بحاح» برای یک دوره ۶۰ روزه موافقت کرده‌اند تا در این دوره دولت وحدت ملی تشکیل شود؛ اما با بازگشت «منصور هادی» مخالفت شده است.

اما نکات قابل توجه

القدس العربی در گزارش خود اذعان می‌کند ، این نامه از سوی نماینده سازمان ملل ارسال شده است. اگر این ادعا که نیروهای یمنی با عقب‌نشینی از شهرها و پذیرش قطعنامه شورای امنیت موافقت کرده‌اند درست باشد، اوضاع باید به سمت کاهش درگیری‌ها پیش می‌رفت نه اینکه دو روز پس از این نامه ارتش یمن با موشک بالستیک «توشکا» پایگاه ائتلاف سعودی را هدف قرار دهد و موجب کشته شدن بیش از ۶۰ نظامی شوند.

نکته بعدی اینکه رهبران یمنی بارها اعلام کرده‌اند ، هدف آنها کشاندن عربستان به سمت جنگ فرسایشی است تا از این طریق بیشترین ضربه ممکن را به متجاوزان وارد کند و شرایطی که عربستان در یمن در حال حاضر دارد، دقیقا همان هدف نیروهای یمنی است.

طبق نامه «ولد الشیخ» به «جفری فلتمن»، «نیروهای سعودی در «عدن» زمینگیر شده‌اند و نمی‌توانند بیش از این به سمت شمال پیشروی کنند و همچنین نیروهای جنبش جنوبی که طرفداری عربستان را می‌کنند حاضر نیستند از استان های جنوبی خارج شده و به سمت شمال حرکت کنند و این به معنای این است که عملا رسیدن به «صنعا» رؤیایی بیش نیست.

نکته مهم دیگر، اینکه تا کنون چنین ادعایی از سوی هیچ یک از منابع رسمی یمنی چه انصارالله و چه ارتش یمن تأیید نشده است. در آخر باید گفت آنچه به نظر می‌رسد، این است که ادعاهای بیان شده صرفا موضوعاتی بوده که در حین گفتگوهمانند دهها مسأله دیگری که مطرح می‌شود، مطرح شده است و رسانه‌های وابسته سعودی از آنها در این شرایط فاجعه‌بار برای عربستان، برای پرورش خوراک فکری و تبلیغاتی استفاده می‌کنند.

عید قربان

ناصر یمین مردوخی کردستانی

عید قربان آمد ای جانم به قربان تو باد
جان من ای همدم من برخی جان تو باد
عید قربان است و بهتر نیست زین عیدی مرا
در چنین عیدی خدایا جان به قربان تو باد
سر چه باشد تا نثار مقدم جانان کنم
جان ناچیزم چو اسماعیل ارزان تو باد
گر مرا شمس و قمر روزی به تاریکی کشند
پایدار از بهرمن نور درخشان تو باد
من بسی در حیرتم زان حسن و خوبی وکمال
تا ابد ای کاش جان مبهوت و حیران تو باد
نو گل من هستی و پائیز در راه تو نیست
طایر جان و دل من مرغ خوشخوان تو باد
ننگم آید در برت از دزد و کاذب دم زنم
کیفر این خائنین یارب به فرمان تو باد
ای خدا، در عید قربان مفسدین معدوم کن
جان «مردوخ» گر پذیری خود به قربان تو باد

افزایش ۱۰ درصدی ترافیک تهران همزمان با آغاز سال تحصیلی

سرویس حوادث: جانشین رئیس پلیس راهور تهران از افزایش ۱۰ درصدی بارترافیک معابر بزرگراهی و غیربزرگراهی شهر تهران همزمان با آغاز سال تحصیلی کلاس‌اولی‌ها خبر داد.

سرهنگ حسن عابدی، اظهار داشت:همزمان با آغاز سال تحصیلی کلاس اولی‌ها، شاهد افزایش محسوس بارترافیکی تهران در نخستین ساعات صبح، بودیم.تصاویر دوربین‌های نظارتی و گزارش همکاران ما از معابر شهر نشان از سنگین‌تر شدن بارترافیکی در بزرگراه‌های تهران داشت و این در حالی است که معابر درون شهر و غیربزرگراهی نیز با افزایش بار ترافیکی روبرو بودند. او همچنین گفت: زمان اجرای طرح زوج و فرد به قوت خود باقی است و با تغییرات انجام شده در ساعت رسمی کشور، هیچ تغییری نخواهد کرد.وی افزود: اجرای طرح زوج و فرد همانند گذشته در روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۹ پایان می‌یابد و طرح ترافیک نیز از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه تا ۱۷ ادامه دارد.سرهنگ عابدی اضافه کرد: زمان آغاز هر دو طرح در روزهای پنجشنبه نیز از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه تا ۱۳ است.

تمدید تاریخ اعزام به خدمت سربازی

سرویس حوادث: همه مشمولان متقاضی تمدید تاریخ اعزام به خدمت می‌توانند با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی (پلیس +۱۰) درخواست خود را ثبت کنند تا بر اساس ظرفیت‌های موجود برای تمدید تاریخ اعزام آنان اقدام شود.

سرهنگ رحمان علیدوست معاون احضار و اعزام سازمان وظیفه عمومی ناجا بااعلام این مطلب با تاکید بر این که ظرفیت بعضی از مراکز آموزش نیروهای مسلح در برخی از تاریخ‌های اعزام در ماه‌های آتی تکمیل شده است، افزود: مشمولان می‌توانند اقدام به تمدید تاریخ اعزام به خدمت سربازی در تاریخ‌های دارای ظرفیت کنند.

او افزود: این سازمان با ارائه تسهیلات به مشمولانی که دارای معاذیر (فوت بستگان درجه یک،بیماری مشمول و...) هستند،امکان تمدید تاریخ اعزام به سربازی آنان را حتی در روز اعزام فراهم کرده است و با توجه به تکمیل ظرفیت تاریخ‌های ذکر شده، اعزام متقاضیان به ماه‌های بعد از آن موکول می‌شود. وی گفت: همه درخواست‌های تمدید و تعجیل از طریق دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی (پلیس +۱۰) در سراسر کشور انجام می‌شود و نیازی به مراجعه حضوری مشمولان به سازمان وظیفه عمومی ناجا و یا معاونت‌های وظیفه عمومی در استان‌ها نیست.

جشن شکوفه‌ها باحضور کلاس اولی‌ها در کشور برگزار شد

سرویس خبر: جشن شکوفه‌ها در مدارس ابتدایی سراسر کشور با نواختن زنگ آغاز سال جدید تحصیلی برگزارشد.

۴۷ هزار دانش‌آموز سال جدید تحصیلی را در ۲۶۱ آموزشگاه شهرستان آبادان آغاز کردند.رئیس اداره آموزش و پرورش آبادان در مراسم جشن شکوفه‌ها گفت: از این عده، ۴۹۴۸ دانش‌آموز کلاس اولی هستند.

مدیرکل آموزش و پرورش استان کردستان در مراسم نمادین این جشن در دبستان شاهد دخترانه شهید شهین مردوخی گفت: امسال ۲۶۸ هزار دانش آموز در ۳۶۰۰ آموزشگاه مشغول کسب علم و دانش خواهند شد که از این عده ۲۶ هزار نفر کلاس اولی هستند.

بیش از ۷۵۰ دانش آموز کلاس اولی کیش در جشن شکوفه‌ها، آغاز سال تحصیلی را جشن گرفتند. در این مراسم که در دبستان کوثر برگزار شد، دانش‌آموزان با در دست داشتن پرچم کشورمان وگل‌هایی که مسئولان مدسه به آنان اهدا کرده بودند، سال تحصیلی را آغاز کردند.

زنگ شکوفه‌ها دیروز با راهی‌شدن کلاس اولی‌ها به کلاس‌های درس در مدارس استان لرستان نواخته شد. مدیر کل آموزش و پرورش لرستان با حضور در یکی از مدارس استان گفت: در روز شکوفه‌ها ۳۲ هزار و ۷۰۰ دانش‌آموز کلاس اولی در استان همزمان با سراسر کشور قدم به مدرسه گذاشتند و این روز را جشن گرفتند.

نمایش آمادگی دفاعی ایران در نخستین روز هفته دفاع مقدس

سرویس خبر: یگان‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در نخستین روز از هفته دفاع مقدس با برگزاری رژه، آمادگی رزمی و اقتدار نظامی و تسلیحاتی خود را به نمایش گذاشتند.

در این آیین، نیروهای مسلح اعم از ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و بسیج در نقاط مختلف ایران اسلامی گوشه‌هایی از توانمندی‌های خود را در برابر دید جهانیان به صحنه آوردند.

رژه نیروهای سواره و پیاده نیروهای مسلح در بلوار طاق بستان کرمانشاه با حضور مسئولان استانی برگزار شد.

یگان‌های نمونه نیروهای مسلح با تجهیزات جنگی در بلوار ساحلی بندرعباس رژه رفتند و خلیج فارس بر صلابت قوای مسلح ایران شهادت داد.

در این مراسم استاندار هرمزگان از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹به عنوان روزی به یادماندنی و جلوه گاه اتحاد ایران نام برد و گفت: نیروهای داوطلب مردمی و نیروهای مسلح در ۸ سال دفاع مقدس در سایه زعامت امام راحل، درس فراموش نشدنی به رژیم بعث عراق و مستکبران دادند.

استاندار مازندران در مراسم رژه نیروهای مسلح گفت: هفته دفاع مقدس فرصتی مغتنم برای انتقال پیام و ارزش‌های مقاومت هشت ساله ملت ایران در جنگ تحمیلی علیه کشورمان است.

فرمانده سپاه کربلای مازندران هم در این مراسم گفت: امروز نیروهای مسلح کشور به قدرتی حیرت‌انگیز برای استکبار و امیدآفرین برای ایران تبدیل شده است.

رژه نیروهای مسلح خراسان جنوبی به مناسبت هفته دفاع مقدس، با حضور مسئولان نظامی، انتظامی و جمعی از مدیران اجرایی استان در بیرجند برگزار شد.

رژه نیروهای مسلح در نخستین روز هفته دفاع مقدس در شهرهای بزرگ سیستان وبلوچستان ازجمله زاهدان، زابل، زهک، نیمروز و ایرانشهر برگزار شد.

نماینده ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعه رشت در مراسم رژه نیروهای مسلح استان گفت: با دیپلماسی قوی که در مذاکرات هسته‌ای انجام شد، توانستیم خواست‌هایمان را بر کرسی بنشانیم.

آیت الله زین العابدین قربانی افزود: با آمادگی کامل در سایه هدایت‌های رهبر معظم انقلاب و وحدت کلمه به ویژه بین دولت و ملت و حفظ شور و شعور انقلابی؛ امروز در بسیاری از مسائل با همان نرمش قهرمانانه مورد تاکید رهبری می‌توانیم به اهدافمان برسیم.



آیین رژه نیروهای مسلح مستقر در استان البرز با حضورنماینده ولی فقیه در استان وامام جمعه کرج، استاندار البرز، فرمانده سپاه امام حسن مجتبی (ع)، فرماندار کرج، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی، خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران و قشرهای مختلف برگزار شد.

در آیین گرامیداشت سی و پنجمین سالگرد هفته دفاع مقدس یگان‌های نمونه نیروهای مسلح استان همدان صبح سه شنبه با حضور استاندار، نیروهای نظامی و انتظامی و اعضای شورای تامین در میدان باباطاهر شهر همدان رژه رفتند.

استاندار سمنان در آیین رژه مشترک نیروهای مسلح استان در سمنان با اشاره به رخدادهای دوران دفاع مقدس، گفت: دوران دفاع مقدس فصلی نو در تاریخ است که بارها باید مرور شود.

محمد وکیلی با بیان این که دشمنان انقلاب اسلامی برای تامین منافع‌شان جنگ هشت ساله را به ایران اسلامی تحمیل کردند، افزود: جنگ تحمیلی جنگ نیابتی از سوی استکبار به وسیله رژیم بعثی عراق علیه ملت ایران بود.

آیین رژه نیروهای مسلح یگان‌های نمونه مستقر در استان کردستان با هدایت سپاه بیت المقدس کردستان و با حضور مسئولان استانی و جمعی از مردم در بلوار آزادگان شهر سنندج برگزار شد.

نماینده ولی فقیه در کردستان در این آیین ایستادگی ملت ایران در برابر زورگویان و قدرت‌های دنیا را در نتیجه مقاومت و فداکاری رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس دانست و گفت: نقشه‌های استکبار جهانی در جهت تضعیف و نابودی ملت مسلمان ایران همواره منجر به شکست شده است.

رژه نیروهای مسلح استان مرکزی در نخستین روز هفته دفاع مقدس با حضور مسئولان استان، مقامات نظامی و انتظامی، خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان، ایثارگران و مردم، در اراک برگزار شد.

نیروهای مسلح مستقر در شیراز در نخستین روز هفته دفاع مقدس با شرکت در رژه، اقتدار و آمادگی خود را برای دفاع از کشور به نمایش گذاشتند.

همزمان با آغاز هفته دفاع مقدس، نیروهای مسلح چهارمحال وبختیاری با برپایی رژه، توان رزمی خود را به نمایش گذاشتند.

فرمانده سپاه قمر بنی‌هاشم چهارمحال وبختیاری، هفته دفاع مقدس را یادآور رشادت‌ها و ایثارگری رزمندگان اسلام برشمرد.

سردار رضا محمد سلیمانی دراین آیین افزود: نظام اسلامی برگرفته از اصول دین است و برابر تهاجم دشمنان ایستاد و حمله رژیم بعث عراق را خنثی کرد.

نیروهای مسلح زنجان در آغاز هفته دفاع مقدس و همگام با سراسر کشور توان رزمی و دفاعی بالای خود را به نمایش گذاشتند.

آیت الله علی خاتمی نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه زنجان در این آیین گفت: جمهوری اسلامی ایران به حول و قوه الهی در عرصه‌های مختلف از جمله علمی، پژوهشی، نظامی و تکنولوژی، پیشتاز است چراکه این ملت راه و آرمان خود را شناخته است.

رژه یگان‌های موتوری و پیاده ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و بسیج و هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در مقابل گلستان شهدای اصفهان برگزار شد.فرمانده سپاه صاحب الزمان (عج) استان اصفهان در این مراسم گفت: ۳۱ شهریور یادآور ایثار، فداکاری و شهادت طلبی فرزندان این ملت در دوران هشت ساله دفاع مقدس در برابر رژیم بعثی و حامیانش است.

نماینده ولی فقیه دراستان و امام جمعه بوشهرگفت: نیروهای مسلح مایه اقتدار، امنیت، امید و سرافرازی نظام جمهوری اسلامی هستند.

آیت الله غلامعلی صفایی بوشهری در آیین رژه نیروهای مسلح استان بوشهر به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس افزود: نیروهای مسلح بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی چنان جایگاهی در جغرافیای ملی و فراملی ایجاد کرده‌اند که این جایگاه موجب سرافرازی نظام و مردم ولایتمدار ایران شده است.

همزمان با آغاز هفته دفاع مقدس رژه نیروهای مسلح خراسان شمالی در بجنورد برگزار شد.استاندار خراسان شمالی دراین آیین گفت: همیشه باید آمادگی نظامی در کشور وجود داشته باشد و نباید حتی برای لحظه‌ای فراموش شود.

امام جمعه بجنورد نیز گفت: ثبت انقلاب به واسطه مجاهدت‌های رزمندگان بود و امروز هم ملت امانت دوران دفاع مقدس است.

حجت الاسلام مهدی قریشی نماینده ولی فقیه در آذربایجان غربی و امام جمعه ارومیه در آیین رژه نیروهای مسلح گفت: مساله دفاع، همیشه مقدس است و کسانی که در این راه قدم گذاشتند در پیشگاه خدا و ملت ایران عزیز هستند.

نیروهای نظامی و انتظامی مستقر در آذربایجان شرقی با برگزاری آیین رژه همزمان با نخستین روز هفته دفاع مقدس توان و آمادگی خود را به نمایش گذاشتند.

یگان وحدت نیروهای مسلح مستقر در تبریز نخستین یگانی بود که از جلو جایگاه رژه رفت، گروهان نمونه بسیج عشایر سپاه هم با لباس ویژه عشایر از شهرستان اهر، گروهان‌های نمونه بسیج شبستر، هریس، بستان آباد و اسکو هم در این آیین رژه شرکت کردند.

رژه باشکوه نیروهای مسلح به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس با حضور اقشار مختلف مردم، نیروهای نظامی و انتظامی و مسئولان و مقام‌های اجرایی کهگیلویه و بویراحمد در یاسوج برگزار شد.

به مناسبت آغاز هفته گرامیداشت دفاع مقدس و همزمان با سراسر کشور رژه نیروهای مسلح مستقر در کرمان برگزار شد.

فرمانده سپاه ثارالله استان کرمان با گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان و امام شهدا و با بزرگداشت یاد دلاورمردی‌های رزمندگان دفاع مقدس، به تحلیل شرایط کشور و منطقه در دوران دفاع مقدس پرداخت.

سردار نوری تاکید کرد اتحاد ملت ایران و تبعیت یکپارچه آن‌ها از ولایت فقیه سبب شد تمام نقشه‌ها ی کینه‌توزانه دشمنان بر ضد کشورمان شکست بخورد و ایران اسلامی در مقابل دشمنانی که تا بن دندان مسلح بودند، مقتدرانه پیروز شود. آغاز هفته دفاع مقدس با رژه نیروهای مسلح در قزوین همراه بود. استاندار قزوین در این مراسم گفت: امنیت امروز کشور مرهون اقتدار نیروهای مسلح، وحدت و انسجام مردم و مسئولان و تبعیت از ولایت است.

نیروهای مسلح استان مرکزی متشکل از سپاه روح الله، ارتش جمهوری اسلامی، نیروی انتظامی و پایگاه‌های بسیج صبح دیروز در خیابان امام خمینی(ره) اراک در برابر قرآن مجید و تصاویر امام راحل و رهبر معظم انقلاب اسلامی رژه رفتند و توان نظامی خود را به نمایش گذاشتند.

همزمان با آغاز هفته دفاع مقدس، مراسم رژه یگان‌های نظامی و انتظامی پردیس برگزار شد.

رئیس سازمان بسیج سازندگی کشور در این مراسم گفت: در روزهای حساس ۸ سال دفاع مقدس کشورهای جهان حتی از فروش سیم خاردار به ایران امتناع می‌ورزیدند و رزمندگان برای دفاع از مرزهای کشور در زمینه ابتدایی‌ترین ادوات نظامی نظیر گلوله تسلیحات سبک نیز در مضیقه بودند.

سردارغلامی افزود: اما ایران اسلامی در سایه رشادت‌های آن روزهای غیورمردان و شیرزنان سلحشور خود و برغم اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی، فناوری طراحی و تولید تسلیحات نوین را به صنعتی بومی بدل ساخته است.

ایجاد شرکت گردشگری در دانشگاه آزاد اسلامی

اردبیل ـ خبرنگاراطلاعات: رئیس دانشگاه آزاد اسلامی گفت: دانشگاه آزاد اسلامی یک شرکت گردشگری آزادرا با تصویب شورای اقتصاد دانش بنیان، ایجاد کرده که با استفاده از امکانات دانشگاه و با هماهنگی با سازمان میراث فرهنگی، در افزایش درآمدهای غیرشهریه‌ای دانشگاه تأثیر بسزایی خواهد داشت.

حمید میرزاده: در جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد استان اردبیل با بیان این که معاونت علوم پزشکی دانشگاه آزاد مدت‌هاست که به فکر فعال‌سازی بیمارستان‌های در دست ساخت دانشگاه است، افزود: ۱۱بیمارستان فعال و ۴ بیمارستان در حال تجهیز در دانشگاه آزاد اسلامی وجود دارد و معاونت عمرانی نیز ۱۵ بیمارستان در دست ساخت دارد که بر این اساس در مجموع دانشگاه آزاد اسلامی۳۰ بیمارستان آماده یا در دست ساخت با بودجه غیردولتی دارد که به بخش بهداشت و درمان کشور کمک می‌کند.

میرزاده با اشاره به مصوبه هیأت امنا درباره تفاهمنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل با دانشگاه علوم پزشکی، افزود: مایه خرسندی است که زمینه‌ای فراهم شد تا یک همکاری مشترک بین این دو دانشگاه برای بهره‌برداری بیمارستان شهر اردبیل برقرار شود.وی اضافه کرد: با پیگیری‌های جدی که در زمینه تجهیز بیمارستان‌های در آستانه بهره‌برداری در دانشگاه آزاد اسلامی انجام گرفته است، امیدوارم تا قبل از دهه مبارک فجر بتوانیم بیمارستان اردبیل را به مردم هدیه کنیم.میرزاده با تأکید بر این که خوشبختانه تحصیلات تکمیلی در استان اردبیل جهش خوبی داشته است، گفت: براساس توافقی که با وزارت علوم داریم، هرکدام از واحدهای استان اردبیل که توانایی اجرای دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا را داشته باشند و همچنین دارای اعضای هیأت علمی موردنیاز و آمایش علمی و منطقه‌ای باشند، می‌توانند رشته‌های خود را در ترم‌های مهر یا بهمن دایر کنند.

او افزود: واحد پارس آباد مغان به دلیل مرز مشترکی که این شهرستان با جمهوری آذربایجان دارد، گزینه خوبی برای تأسیس واحد بین‌الملل است و ما از امکانات این واحد برای ایجاد رشته‌های پرجاذبه برای دانشجویان کشور آذربایجان استفاده خواهیم کرد.رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با بیان این که براساس بیانات رهبر معظم انقلاب در سند علم و فناوری کشور، باید رشد شتاب علمی کشور حفظ شود، افزود: بر این اساس و برای رشد شتاب علمی کشور باید تحصیلات تکمیلی توسعه پیدا کند و در توسعه تحصیلات تکمیلی علم، ثروت، سرآمدی، سرافرازی، مشارکت در توسعه جهانی علم، جلوگیری از خروج ارز و جلوگیری از خروج جوانان از کشور نهفته است.رئیس دانشگاه آزاد با بیان این که ۷۰ هزار عضو هیأت علمی تمام وقت، نیمه وقت و حق التدریس با این دانشگاه همکاری می‌کنند، افزود: دانشگاه آزاد اسلامی با ۳۵ هزار نفر از استادان دانشگاه‌های دولتی همکاری می‌کند که این مزیت بزرگ و منحصر به فرد دانشگاه آزاد اسلامی است.

وزارت بهداشت به خاطر مرگ مادر باردار هرمزگانی عذر خواست

جاسک:قائم مقام وزیر بهداشت با حضور در جمع مردم روستای سورک شهرستان جاسک در استان هرمزگان از مردم این روستا به خاطر درگذشت مادر باردار و فرزندش عذرخواهی کرد.

حریرچی گفت: به دستور وزیر بهداشت برای پیگیری این موضوع به جاسک آمده‌ام و از طرف وزیر بهداشت نیز بابت این موضوع از مردم عذرخواهی می‌کنم.وی گفت: در جلسه بررسی علل فوت مادر باردار و فرزندش در فرمانداری جاسک مشخص شد که قصوراتی انجام گرفته است.

قائم مقام وزیر بهداشت اضافه کرد: هنگام مراجعه مادر باردار به بیمارستان خاتم‌الانبیا (ص)کسانی کوتاهی کرده‌اند.

بازداشت عامل شهادت ۶ مأمور ناجا پس از ۱۶سال در ایرانشهر

زاهدان: فرمانده انتظامی ایرانشهر در جنوب سیستان و بلوچستان گفت: شرور مسلح و عامل اصلی شهادت ۶ مامور انتظامی در ۱۶ سال پیش، در بخش بمپور این شهرستان دستگیر شد.

سرهنگ دوستعلی جلیلیان افزود: با افزایش پوشش اطلاعاتی، ماموران انتظامی پاسگاه دامن از تردد شرور معروف در این منطقه آگاه شدند و او را در مخفیگاهش دستگیر و تحویل آگاهی ایرانشهر دادند.وی گفت: در تحقیقات مقدماتی از متهم و بررسی سوابقش مشخص شد وی در سال ۱۳۷۸ فردی را در ایرانشهر به قتل رسانده است.فرمانده انتظامی ایرانشهر افزود: این شرور به جرم‌های مختلف از جمله به شهادت رساندن ۶ نفر از ماموران انتظامی پاسگاه دامن، سرقت مسلحانه یک خودرو و دو موتورسیکلت، سرقت مسلحانه خودرو تویوتا با انگیزه درگیری طایفه ای، راهبندان در جاده و سرقت اموال مسافران اتوبوس و مجروح کردن ۳ نفر از ماموران پلیس در این راهبندان و گروگانگیری ۲ پزشک اعتراف کرد.

۹۰ نفر در ریگان بر اثر ریزگردها راهی مراکز درمانی شدند

کرمان – خبرنگار اطلاعات: فرماندار ریگان گفت: ریزگردها ۳ روز است که در آسمان این شهرستان جولان می‌دهد و در این مدت بیش از ۹۰ نفر را راهی مراکز بهداشتی و درمانی کرده است.

امین باقری افزود: پدیده ریزگردها در این شهرستان مردم را با مشکلاتی مواجه ساخته و روند کار و تلاش را مختل کرده است.

وی اضافه کرد: ریزگردها به داخل منازل راه یافته و مشکلات تنفسی را برای ساکنان شهر ایجاد کرده است.او افزود: در چند ماه گذشته ۱۵ بار ریزگردها میهمان شهروندان ریگانی بود و در یک ماه گذشته ریزگردها سه بار در آسمان این شهرستان ظاهر شده است.

وی گفت: تمام دستگاه‌های اجرایی، ستاد مدیریت بحران شهرستان و مراکز بهداشتی درمانی ریگان در حالت آماده‌باش قرار دارند.

پرونده تعرض ۴ افغان به توریست زن فرانسوی روی میز قاضی

سرویس حوادث: پرونده ۴ تبعه افغان که به صورت غیرمجاز در ایران حضور دارند و یک زن توریست خارجی را مورد آزار و اذیت قرار داده بودند، به دادگاه کیفری یک ارسال شد.غلامحسین اسماعیلی رئیس کل دادگستری تهران در تشریح این حادثه گفت: این ۴ تبعه غیرمجاز افغان یک زن توریست فرانسوی را در مسیر کوهستانی فرحزاد در تهران مورد آزار و اذیت قرار داده بودند، که بااعلام شکایت این زن و با اقدام به موقع دستگاه قضایی این افراد در تهران و خارج از شهر دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند.

شنبه گذشته در یکی از مسیرهای کوهستانی شهر تهران ۴ افغان، یک زن توریست را مورد آزار و اذیت قرار دادند.به دنبال این حادثه فرد مذکور با مراجعه به کلانتری محل به طرح شکایت پرداخت و عوامل کلانتری بلافاصله در صدد شناسایی متعرضان برآمدند و موفق شدند یک نفر از متهمان را که در یکی از نقاط کوهستانی مخفی شده بود، دستگیر کنند.در ادامه و طی یک سلسله عملیات خاص پلیسی ۳ نفر دیگر از متجاوزان که به سمت مرز افغانستان گریخته بودند، مورد شناسایی قرار گرفتند و در کمتر از ۲۴ ساعت در یکی از شهرستان‌های مرزی کشور دستگیر و هر ۴ متهم به همراه پرونده متشکله به مرجع قضایی معرفی شدند.در جریان تحقیقات از توریست ۲۳ ساله تبعه فرانسه، مشخص شد او از کوهنوردان حرفه‌ای بوده که ۱۴ شهریور امسال از طریق مرز ارمنستان وارد ایران شده بود. شاکی به ماموران گفت: کوه‌های ایران را در اینترنت دیده بودم و علاقه زیادی به کوهنوردی در تهران داشتم. در حال کوهنوردی در منطقه فرحزاد بودم که ۴ مرد جوان سد راهم شدند و با تهدید مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند.

این پزشک قلابی راشناسایی کنید



سرویس حوادث: پلیس آگاهی تهران بزرگ، مرد شیادی را که در لباس پزشکی اقدام به سرقت از بیماران به ویژه خانم‌ها می‌کرد، تحت تعقیب قرار داده است واز شهروندان می‌خواهد چنانچه اطلاعی از مخفیگاه او (صاحب عکس) دارند، مراتب را اعلام کنند.

سردار محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در این‌باره افزود: فردی خرداد امسال با دردست داشتن مرجوعه‌ای از شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۶ تهران به اداره چهاردهم پلیس‌آگاهی مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت: من نارسایی شدید ریوی دارم و برای معالجه به تهران آمدم و قرار بود در بیمارستان... بستری شوم. در خیابان خردمند جنوبی شخصی خود را دکتر حسینی معرفی کرد و با بیان این که «شما سابقا در بیمارستان، بیمار من و تحت معالجات بنده بودید» گفت: چند روزی است که یک داروی جدید وارد کشور شده که من این دارو را برای شما تهیه خواهم کرد. «من در حالی که از او هیچ شناخت و سابقه ذهنی نداشتم، با اعتمادی که به صحبت‌هایش پیدا کرده بودم، عابر بانک خود و رمز آن را برای تهیه دارو به او دادم. او به من گفت که به کلینیک‌اش به نام «کلینیک صبا» که چند ۱۰ متر بالاتر است، بروم تا او هم پس از تهیه دارو به آنجا بیایند اما هرچقدر به دنبال کلینیک گشتم، محلی به نام کلینیک صبا را پیدا نکردم؛ در همین زمان و از طریق پیامک بانکی متوجه شدم که مبلغ ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان از حسابم برداشت شده است».

سردار محمدیان افزود: با بررسی شیوه و شگرد انجام کلاهبرداری، کارآگاهان اطمینان پیدا کردند که متهم با تردد در مراکز درمانی شهر تهران باشناسایی هویت و نوع بیماری افرادی که برای درمان از سایر شهرهای کشور به تهران آمده‌اند، به این افراد (مالباختگان) مراجعه می‌کند و با انجام اقدامات فریبکارانه و ضمن معرفی خود به عنوان پزشک معالج بیمار و نهایتا امکان تهیه آخرین داروی ویژه درمان بیماری برای بیماران، اعتماد آنان را جلب می‌کند و پس از گرفتن عابربانک از آنها اقدام به برداشت پول حساب‌های آنها در قالب خرید سکه و طلا و از طلافروشی‌ها می‌کند. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به دستور چاپ تصویر این پزشک قلابی از سوی قاضی پرونده از شهروندان خواست هرگونه اطلاعات در خصوص هویت، محل سکونت یا محل‌های تردد این شخص را از طریق شماره تماس‌های ۵۱۰۵۵۵۱۴ و ۵۱۰۵۵۴۱۵ در اختیار کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

این ابتکار را جدی بگیریم

تقاضا می‌شود مطلب «ابداع مخترع ایرانی برای کاهش تبخیر آبهای سطحی در سدها و حوضچه‌ها» را به‌صورت گسترده منتشر و رسانه‌ای کنند تا دولت از این ابتکار حمایت کند که هم کمکی به وی و هم کمکی به کم‌آبی کشور است.

شهروندی از تهران

کاغذبازی در ادارات

از روزی که دولت‌ها ادارات را به کسب مال به منظور خودکفایی تشویق کردند، این کاغذبازی‌ها رونق بیشتری گرفت و تا زمانی که این نگرش در ادارات ادامه داشته باشد سر دواندن مردم ادامه خواهد داشت.

تماس با خط ارتباطی

الاغ در خندوانه!

در برنامه «خندوانه» چند شب پیش در استادیو یک الاغ را به صحنه آوردند که علیرضا خمسه، از بازیگران سرشناس هم با پوشیدن لباس‌های مخصوص قصد داشت بر جذابیت این صحنه بیفزاید. به راستی آیا خنداندن به این صورت شأنیت دارد؟ بعضی‌ها هم به مزاح گفتند خندوانه، خردوانه شد!

علی از تهران

تشکر از پرسنل بیمارستان فارابی

از بیمارستان فارابی به دلیل برخورد خوب پرسنلش به‌ویژه پرسنل آمبولانسش تشکر می‌کنم.

یک مراجع از تهران

تقاضا از قوه قضائیه

از قوه قضائیه تقاضا می‌شود تا روند تکمیل پرونده زندانیانی که باید آزاد شوند، تسریع کند تا این افراد هرچه سریعتر به آغوش گرم خانواده خود بازگردند.

یک زندانی از تهران

قطع برق در دماوند

از اداره برق دماوند تقاضا می‌شود به وضع برق این منطقه خصوصاً مشاء دماوند رسیدگی کنند چرا که هوا رو به سردی است و قطع برق مشکل‌ساز است.

شهروندی از مشاء دماوند

قطع یارانه کم درآمدها!

معلمی بازنشسته هستم که یارانه‌ام را قطع کرده‌اند. کار برعکس شده است به جای اینکه یارانه پردرآمدها را قطع کنند، یارانه کم‌درآمدها را قطع می‌کنند!

معلمی از تهران

جابه‌جایی تعطیلات تابستانی

از شهرداری تقاضا می‌شود که به وضع مگس‌های سفید که سرتاسر شهر وجود دارند، رسیدگی و درختان سطح شهر را سمپاشی کند. همچنین تقاضا می‌شود که از تعطیلات تابستانی مدارس یک ماه کاسته و به جای آن یک ماه را در زمستان تعطیل کنند تا این‌گونه از آلودگی هوا کاسته شود.

زوقی از تهران

قیمت‌های متفاوت نان در سطح شهر!

چرا قیمت نان در منطقه‌ای نصف منطقه دیگر است؟ برای ما که کارمند هستیم این تفاوت قیمت بسیار مهم و تأثیرگذار است.

شهروندی از تهران

کارتی که از بازنشستگان دریغ شد

چرا کارتی را که شهرداری به بازنشستگان بابت تردد مجانی با وسایل نقلیه جمعی می‌داد، قطع کرده است و دیگر نمی‌دهد؟

یک بازنشسته

امتداد بی‌آرتی در خیابان ولی‌عصر

پیشنهاد می‌شود که مسئولان اتوبوسرانی شرکت واحد تمهیدی کنند تا یک طرف خیابان ولیعصر هم به «بی‌آرتی» خط تجریش- پارک‌وی و بالعکس اختصاص یابد تا این اتوبوس‌ها اینقدر در ترافیک سنگین نمانند.

یک مسافر از تهران

تقویت سراهای محله

تقاضا می‌شود، نظارت بر سراهای محله بیشتر شود تا خدمات فرهنگی ارزنده به محله‌ها ارائه شود.

شهروندی از تهران

پاسخگویی مسئولان تالیا

خواهشمند است مسئولان مربوطه پاسخگوی مشکلات بوجود آمده در آنتن‌دهی خطوط تالیا باشند.

یکی از مشترکان تالیا

تاییدیه تحصیلی ارسال نمی‌شود!

چرا تاییدیه‌های تحصیلی دیگر توسط اداره پست فرستاده نمی‌شود و این کار را دفاتر پیشخوان انجام می‌دهند که هزینه آن دو برابر است؟

یک دانشجو از تهران

مجلس ختم و هزینه‌های سنگین!

برای برگزاری مراسم ختم در مسجدالرسول سعادت‌آباد تهران بابت ۵۰ دقیقه، یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از بنده طلب کردند! آیا این انصاف است؟

تماس با خط ارتباطی

انصاف شرکت ایرانسل!

اپراتور ایرانسل بدون اجازه روی خط گوشی مشترکانش آهنگ می‌گذارد و سپس از شارژ آنها بابت آن هزینه کسر می‌کند!

عالی ـ مشترک ایرانسل

پاسخ مسئولان

پاسخ امور توزیع و فروش روزنامه اطلاعات:

احتراماً پیرو درج مطالبی تحت عنوان «اطلاعات در کاشان بعدازظهر توزیع می‌شود» در صفحه ۱۳ روزنامه مورخ ۹۴/۶/۲۹ به اطلاع می‌رساند روزنامه و نشریات اطلاعات هر روز قبل از ساعت ۸ صبح در دکه‌های روزنامه فروشی کاشان منجمله دکه میدان ۱۵خرداد توزیع می‌شود.

با تشکر ـ امور توزیع و فروش

پاسخ سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران:

در پاسخ به پیام مردمی مندرج در آن روزنامه وزین با عنوان «جوی پر از زباله» به استحضار می‌رساند؛ طی سالیان اخیر زمان تحویل پسماندهای شهروندان به مامورین جمع‌آوری پسماند به روشهای مختلف از جمله ساخت تیزرهای تلویزیونی، نصب برچسب بر روی مخازن و... اطلاع‌رسانی شده تا بدین‌وسیله از پخش شدن پسماند در محیط و دسترسی حیوانات موذی و بالطبع رشد و گسترش بیماریها و سایر تبعات سوء بهداشتی و زیست محیطی جلوگیری گردد.

در همین راستا برای رفع مشکل ذکر شده و جلوگیری از ریختن پسماند در معابر و مجاورت مخازن پسماند، در برخی از معابر اصلی شهر از جمله قسمتهایی از خیابان ولیعصر، خیابان آزادی و خیابان استاد معین طرح مربوط به سپردن وظیفه نگهداری مخازن پسماند به واحدهای تولیدکننده تا زمان جمع‌آوری آغاز شده است؛ که با اجرای این طرح علاوه بر نگهداری بهتر مخازن و عدم دسترسی زباله‌گردها و حیوانات موذی به پسماندها، چهره شهر نیز از نظر اغتشاش بصری اصلاح خواهد شد.

ضمناً به اطلاع شهروند محترم می‌رساند؛ که جمع‌آوری مخازن از معابر اصلی خیابان ولیعصر طرح دراز مدت شهرداری بوده و ارتباطی با بازدید شهرداران سایر شهرها ندارد.

پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۱:

در پاسخ به پیام شهروند محترم در روزنامه مورخ ۹۴/۶/۲۳ درخصوص قطع درختان خیابان امام خمینی(ره) به استحضار می‌رساند، عملیات رفع خطر درختان خشک در خیابان امام خمینی(ره) که طی سالیان گذشته به علت عوامل فیزیولوژیک خشک گردیده و احتمال خطر سقوط و بروز هرگونه حوادث جانی و مالی را داشته صورت گرفته است.

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

رئیس کمیته بین المللی المپیک خواستار دیدار با رئیس جمهوری ایران شد



رئیس کمیته ملی المپیک از ارسال نامه رئیس IOC به ریاست جمهوری اسلامی ایران و درخواست مبنی بر ملاقات و دیدار حضوری با دکتر روحانی در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل خبرداد.

به گزارش مهر و به نقل از روابط عمومی کمیته ملی المپیک، کیومرث هاشمی رئیس کمیته ملی المپیک ضمن اعلام این خبر گفت:رئیس جمهوری اسلامی ایران فردا به نیویورک سفر می‌کند تا ضمن شرکت و سخنرانی درهفتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دیدارهایی باروسای جمهور و مقامات سایرکشورها داشته باشد.

هاشمی افزود: در همین باره توماس باخ رئیس کمیته بین المللی المپیک (IOC) با ارسال نامه‌ای از دکتر حسن روحانی درخواست کرد درصورتیکه برنامه فشرده شما این امکان را فراهم می‌نماید، جلسه‌ای مشترک همزمان با این رویداد داشته باشیم تا در این دیدار درباره توسعه ورزش ایران در سطح بین المللی و همچنین سایر موضوعات مورد نظر بپردازیم.

وی ادامه داد: باخ که بعنوان رئیس کمیته بین المللی المپیک جایگاه نماینده و ناظر دائم سازمان ملل را در اختیار دارد در این نامه خطاب به دکتر روحانی اعلام کرد که افتخار آن را خواهم داشت که به سخنرانی بسیار مهم شما در مجمع عمومی سازمان ملل گوش فرا دهم.

هاشمی در پایان خاطر نشان کرد: با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و افزایش تعاملات سازنده در عرصه بین الملل و همچنین به نتیجه رسیدن مذاکرات ۱ + ۵، گفتگوها و رایزنی های کشورها و مقامات مختلف برای دیدار با مقامات بلند پایه کشورمان افزایش یافته که در همین راستا بالاترین مقام ورزش جهان نیز خواستار ملاقات با رئیس جمهوری اسلامی ایران گردید

تیم فوتسال زنان ایران در اندیشه صدر نشینی

سرمربی تیم فوتسال زنان ایران می‌گوید هدف این تیم صعود به مرحله نیمه نهایی مسابقات آسیایی به عنوان صدرنشین است.

به گزارش مهر، فروزان سلیمانی بعد از پیروزی پر گل تیم فوتسال ایران برابر ازبکستان در مسابقات آسیایی گفت: ماامروز با میزبان مسابقات یعنی مالزی بازی داریم که یکی دیگر از تیمهای قدرتمند گروه است. هرچند ما و مالزی به مرحله بعد صعود کرده‌ایم ولی تلاشمان این است که پیروز شویم و به عنوان صدرنشین به مرحله بعد برویم.

تیم فوتسال زنان ایران دیروز موفق شد در دومین دیدار خود در مسابقات آسیایی برابر ازبکستان با نتیجه ۹ بر یک به برتری برسد.

سجادی: ترکیب مربیان کشتی آزاد و فرنگی تغییر می کند

سجادی درباره تغییرات کادر فنی تیم‌های کشتی آزاد و فرنگی گفت: رسول خادم به ما قول داد در ترکیب مربیان تیم ملی کشتی فرنگی تجدید نظر کند.

به گزارش ایسنا، نصرالله سجادی معاون قهرمانی وزارت ورزش در گفت‌وگو با پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان گفت: بعد از رقابت‌های جهانی آمریکا که کسب سهمیه المپیک هم محسوب می‌شد با دستور گودرزی وزیر ورزش و جوانان و برای بررسی نتایج این رقابت‌ها جلسه‌ای در وزارت ورزش با حضور رسول خادم و مسئولان و مربیان تیم‌های ملی آزاد و فرنگی برگزار شد.

سجادی اضافه کرد: در این نشست رسول خادم نقاط ضعف و قوت تیم ایران را برای گودرزی تشریح کرد و تک‌تک اوزان فرنگی و آزاد مورد بررسی و بحث وزیر و بنده قرار گرفت و خادم به سئوالات ما پاسخ داد. معاون قهرمانی درباره نظر وزیر ورزش در مورد عملکرد فدراسیون کشتی و برنامه‌های آن گفت: گودرزی از برنامه‌های فدراسیون کشتی حمایت کرد و در این جلسه عنوان شد برای کسب مابقی سهمیه‌های فرنگی و آزاد در سه مسابقه پیش رو وزارت ورزش و جوانان همه گونه حمایتی از فدراسیون کشتی خواهد داشت.

سجادی درباره تغییرات کادر فنی تیم‌های کشتی آزاد و فرنگی گفت: رسول خادم به ما قول داد در ترکیب مربیان تیم ملی کشتی فرنگی تجدید نظر کند.

آغاز مسابقات بسکتبال قهرمانی آسیا

ایران مدعی به مصاف ژاپن می رود



به گزارش مهر، چین میزبان بیست و هشتمین دوره مسابقات بسکتبال قهرمانی مردان آسیاست که طی روزهای اول تا یازدهم مهرماه برگزار می‌شود. چانشگا، شهری تقریبا نزدیک به شانگهای در جنوب چین محل برگزاری این دوره از مسابقات است.

ایران، ژاپن، مالزی، هند، فیلیپین،فلسطین،کویت،هنگ‌کنگ، کره‌جنوبی، اردن، سنگاپور، چین، چین‌تایپه، لبنان، قطر و قزاقستان تیم‌های برگزار کننده این دوره از مسابقات جام ملت‌های بسکتبال آسیا هستند که حکم انتخابی المپیک را دارد چون تیم قهرمان به طور مستقیم راهی المپیک ۲۰۱۶ ریو خواهد شد.

تیم های دوم و سوم باید برای کسب سهمیه این بازی ها در مسابقات انتخابی دیگری شرکت کنند. همین مسئله حساسیت و اهمیت حضور در بیست و هشتمین دوره مسابقات جام ملت ها را برای همه تیم های آسیایی بیشتر کرده است؛ این در حالی است که ایران مدعی‌تر و با انگیزه‌تر از همیشه آماده رویارویی با حریفان آسیایی‌اش شده است.

مهدی کامرانی، حامد آفاق، صمد نیکخواه بهرامی، اوشین ساهاکیان، حامد حدادی، اصغر کاردوست، محمد حسن‌زاده، سجاد مشایخی، بهنام یخچالی، محمد جمشیدی، سعید داورپناه و جواد داوری ۱۲ بازیکنی هستند که ترکیب تیم ملی بسکتبال ایران را برای مسابقات قهرمانی آسیا و انتخابی المپیک تشکیل می دهند.

مالزی، هند و ژاپن سه حریف ایران در گروه A بیست و هشتمین دوره مسابقات بسکتبال قهرمانی مردان آسیا هستند.

حضور ایران در مراسم افتتاحیه با پرچمداری کاپیتان نیکخواه‌بهرامی

همچنین دیروز تیم ملی بسکتبال ایران در حالی در مراسم افتتاحیه مسابقات قهرمانی مردان آسیا شرکت کرد که حمل پرچم ایران در این مراسم برعهده صمد نیکخواه‌بهرامی بود.گروه بندی ۱۶ تیم شرکت کننده در بیست و هشتمین دوره مسابقات بسکتبال قهرمانی مردان آسیا و برنامه دیدارهای مقدماتی آنها به این شرح است:

گروه A: ایران، ژاپن، مالزی، هند

گروه B: فیلیپین، فلسطین، کویت، هنگ‌کنگ

گروه C: کره‌جنوبی، اردن، سنگاپور، چین

گروه D: چین‌تایپه، لبنان، قطر، قزاقستان

برنامه بازیهای ایران

چهارشنبه اول مهرماه
ایران – ژاپن
پنجشنبه دوم مهرماه
ایران – هند
جمعه سوم مهرماه
ایران – مالزی

کواچ: نمی توانیم بهتر از این بازی کنیم!



سرمربی تیم ملی والیبال ایران بعد از شکست سنگین ۳ بر صفر مقابل کانادا در جام جهانی با اشاره به قدرتمند بودن حریفش گفت: تلاش خواهیم کرد خیلی بهتر ظاهر شویم اما این کار آسان نیست.

به گزارش مهر، اسلوبودان کواچ در نشست خبری پس از دیدار تیم ملی ایران برابر کانادا در جمع خبرنگاران ضمن بیان مطلب گفت: من به کانادا تبریک می‌گویم. آنها خیلی قوی بازی کردند. ما در شکل خوبی نبودیم ولی تلاش کردیم نسبت به شکست روز گذشته واکنش نشان دهیم، با این حال از نظر ذهنی خوب نبودیم. تیم ملی والیبال ایران امروز و در یازدهمین و آخرین بازی خود در این رقابتها به مصاف مصر می‌رود.

کادر فنی تیم ملی والیبال تغییر می‌کند

مصطفی داورزنی در گفتگوی تلویزیونی با شبکه۳ سیما پس از باخت تیم ملی کشورمان به کانادا گفت: ما بلافاصله پس از بازگشت به ایران با کار گروه فنی خود نشست خواهیم داشت تا اقدامات اصلاحی لازم را انجام دهیم. ما برای تحقق حضور در المپیک هر اقدام و تغییری که لازم باشد را انجام خواهیم داد. فدراسیون درباره خواسته مربیان در رده امید، جوانان، نوجوانان و بزرگسالان هیچ کوتاهی نداشته است و لذا ضمن عذرخواهی از مردم خوب کشورمان این را می‌گویم که سطح توقعات از والیبال به حق است و ما در جام جهانی عملکرد خوبی نداشتیم و به همین دلیل در تهران کمیته تخصصی را تشکیل خواهیم داد و به دنبال این هستیم که سهمیه المپیک را حتما کسب کنیم و در این راه هر تصمیمی که به حضور ما در ریو کمک کند، انجام خواهیم داد.

داورزنی اضافه کرد: ما در فدراسیون، تنها تصمیم نمی‌گیریم لذا با یک خردجمعی و کار کارشناسی ضمن بررسی دقیق هفته آینده تصمیم لازم را اعمال خواهیم کرد. اگر لازم باشد در کادر فنی تیم ملی تغییرات را اعمال می‌کنیم تا سهمیه المپیک را از دست ندهیم. نتایج کامل دهمین روز:

ونزوئلا یک – مصر ۳
ایران صفر – کانادا ۳
استرالیا ۳– تونس صفر
آرژانتین ۲– ایتالیا ۳
لهستان ۳– ژاپن یک
روسیه صفر – آمریکا ۳

کدام تیمها سهمیه المپیک می‌گیرند؟

روز پایانی رقابتهای جام جهانی والیبال درحالی برگزار می‌شود که سه تیم از شانس کسب دو سهمیه المپیک در این تورنمنت برخوردار هستند.

به گزارش مهر، رقابتهای جام جهانی والیبال امروز در شهر توکیو ژاپن به پایان می‌رسد و تکلیف دو تیم صعود کننده به المپیک ۲۰۱۶ ریو از این مسابقات مشخص خواهد شد.

برنامه کامل یازدهمین روز:

ایتالیا – لهستان، ساعت ۴:۵۰
روسیه – ژاپن ساعت ۸:۳۵
ایران – مصر، ساعت ۵:۳۰
تونس – کانادا، ساعت ۸:۳۰
ونزوئلا – استرالیا، ساعت ۱۱:۳۰
آرژانتین – آمریکا ساعت ۱۳

جدول رده‌بندی جام جهانی در پایان روز دهم:

۱– لهستان ۲۹ امتیاز، ۱۰ پیروزی
۲– آمریکا ۲۷ امتیاز، ۹ پیروزی و یک شکست
۳– ایتالیا ۲۶ امتیاز، ۹ پیروزی یک شکست
۴– روسیه ۲۱ امتیاز، ۷ پیروزی و ۳ شکست
۵– آرژانتین ۲۱ امتیاز، ۷ پیروزی و ۳ شکست
۶– ژاپن ۱۵ امتیاز، پنج پیروزی و پنج شکست
۷– کانادا ۱۰ امتیاز، ۴ پیروزی و ۶ شکست
۸– ایران ۹ امتیاز، ۳ پیروزی و ۷ شکست
۹– استرالیا ۹ امتیاز، ۳ پیروزی و ۷ شکست
۱۰– مصر ۸ امتیاز، دو پیروزی و ۸ شکست
۱۱– ونزوئلا سه امتیاز یک برد و ۹ شکست
۱۲– تونس دو امتیاز از ۱۰ شکست

برانکو در تبریز طلسم شکنی می کند؟



هفته هفتم لیگ برتر با انجام شش دیدار طی روزهای پنج‌شنبه و جمعه در تهران و شهرستانها پیگیری می‌شود.

در حساسترین دیدار هفته، پرسپولیس در تبریز به مصاف تراکتورسازی می‌رود، مربیان خارجی دو تیم شرایط خوبی ندارند تونی و برانکو روزهای سختی را پشت سر گذاشته و به دنبال این هستند که در این دیدار شرایط را به سود خود تغییر دهند، به ویژه برانکو ایوانکوویچ که تیمش در رده چهاردهم جدول به‌سر می‌برد و پرسپولیس هم تاکنون نتوانسته است در لیگ برتر تیم تراکتورسازی را در تبریز ببرد. آیا برانکو می‌تواند این طلسم را بشکند و برنده این دیدار حساس باشد؟

البته اولیویرا هم قدر برد سرخپوشان تهرانی را می‌داند. استقلال صدرنشین لیگ برتر به دنبال حفظ مکان خود است. آبی‌ها برای تداوم صدرنشینی فردا باید به مصاف راه‌آهن بروند، تیمی که با آمدن تارتار و کادر جدید انگیزه مضاعفی دارد و می‌خواهد خود را از انتهای جدول بالا بکشد. باید دید که آیا شاگردان مظلومی می‌توانند در خانه هر ۳ امتیاز بازی را از آن خود کنند؟ بازی راه‌آهن و استقلال مانند پرسپولیس و تراکتورسازی می‌تواند حساس، جذاب و دیدنی باشد، چراکه مربیان تیم‌ها می‌دانند تساوی برای آنها ارزش چندانی ندارد.

استقلال خوزستان به عنوان پدیده لیگ با ایستادن در رده سوم جدول در هفته هفتم باید در مشهد به ملاقات سیاه‌جامگان برود و بتواند این تیم با انگیزه را در خانه مغلوب کند تا لقب پدیده و بهترین تیم شهرستانی را از آن خود کند. سپاهان که با یک امتیاز اختلاف استقلال را در جدول بالای سر خود می‌بیند در تهران به مصاف صبای قم می‌رود و جدال شاگرد و استاد که همواره رابطه خوبی داشته‌اند نقطه عطف این بازی است فرکی در تیم ملی همواره حامی دایی بوده و این احترام هم متقابل بوده است اما در زمین بازی این دو نشان داده‌اند که به هیچ حریفی اجازه خودنمایی نمی‌دهند، چرا که سپاهان می‌خواهد با برد در این بازی و احتمال تساوی یا باخت استقلال دوباره به صدر جدول برگردد. تیم سایپا که توانسته مقابل پرسپولیس برنده بازی باشد به فکر یک برد دیگر مقابل تیم ته جدولی اسکوچیچ است. نارنجی‌پوشان البرزی در هفته هفتم فولاد خوزستان را پیش رو دارند تیمی که چیزی برای از دست دادن ندارد. فولاد با اسکوچیچ در بدترین شرایط خود به‌سر می‌برد. دیدار دو مربی خوشفکر لیگ برتر می‌تواند به جذابیت‌های این بازی اضافه کند. ملوان انزلی با حمید استیلی مربی جوان اما با انگیزه و کار بلد خود روزهای خوبی را سپری می‌کنند. آنها در جام حذفی هم مقابل پرسپولیس خوب بازی کردند و ۱۲۰ دقیقه پا به پای حریف دویدند و جنگیدند. ملوان در رتبه پنجم جدول با آرامش بیشتری پذیرای پدیده خراسان خواهد بود. در هر حال هفته هفتم لیگ از راه رسیده و هر بازی می‌تواند در نیمکت تیم‌ها تأثیرگذار باشد. فولاد خوزستان، پرسپولیس تهران و نفت از زمره تیم‌هایی هستند که یک باخت می‌تواند تغییرات جدیدی را در پی داشته باشد، به همین دلیل باید بازی تبریز را حساسترین بازی هفته دانست. برنامه هفته هفتم لیگ برتر فوتبال به شرح زیراست:

پنجشنبه – ۲ مهرماه
سیاه جامگان – استقلال خوزستان ساعت ۱۵:۳۰
سایپا تهران – فولاد خوزستان، ساعت ۱۷:۲۰
صبای قم – سپاهان اصفهان، ساعت ۱۷:۲۰
جمعه – ۳ مهرماه
تراکتورسازی تبریز – پرسپولیس، ساعت ۱۶:۲۰
استقلال تهران – راه‌آهن تهران، ساعت ۱۸:۳۰
ملوان بندرانزلی – پدیده مشهد، ساعت ۱۶:۳۰
شنبه – ۴ مهرماه
استقلال اهواز – گسترش‌فولاد تبریز، ساعت ۱۷:۳۰
ذوب‌آهن اصفهان – نفت تهران، ساعت ۱۷:۲۰

جهان فوتبال

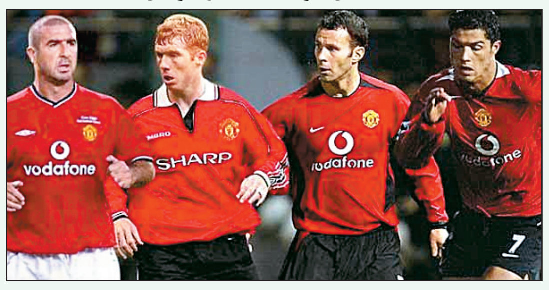
انریکه: شاید بارسلونا دیگر در لالیگا نباشد



سرمربی بارسلونا معتقد است که سلتاویگو حریف آسانی نخواهد بود و از اشتباهات نهایت استفاده را خواهد برد.

به گزارش ایسنا، لوییس انریکه در کنفرانس مطبوعاتی درباره بازی بارسلونا و سلتاویگو گفت: با ویژگی ها و شرایط کنونی حریف، بازی خیلی سختی را پیش رو داریم. این دیدار برای ما خیلی جذاب و جالب است. زمانی که با سلتاویگو، رایووایکانو و یا لورکوزن بازی می‌کنید توپ یک لحظه آرام نمی گیرد. کسب نتیجه مناسب مقابل این تیم ها سخت است. سلتاویگو در فصل نقل و انتقالات بازیکنان خوبی خریده است. این تیم جذاب بازی می کند، ما را تحت فشار قرار خواهد داد و از اشتباهاتمان نهایت استفاده را خواهد برد. سرمربی بارسلونا نبود بارسلونا در لالیگا را امکان پذیر دانست و گفت: در دنیایی که زندگی می کنیم هر اتفاقی ممکن است بیفتد.

۴ بازیکن مورد علاقه‌فرگوسن



سرمربی پیشین تیم فوتبال منچستریونایتد گفته در طول دوران مربیگری خود در این تیم فقط چهار بازیکن در حد کلاس جهانی داشته است.

به گزارش مهر، سرآلکس فرگوسن در مصاحبه با دیلی میل از چهار بازیکن خود به عنوان بازیکنانی که در حد کلاس جهانی هستند نام برده است. فرگی همچنین از کریستیانو رونالدو به عنوان بزرگ‌ترین بازیکن دوره ۲۶ ساله مربیگری خود یاد کرد. فرگوسن گفت: اگر روزنامه ها را بخوانید و یا به صحبت های گزارشگران در تلویزیون گوش دهید به نظر می رسد که بازیکنان «کلاس جهانی» را سیل برده است. در حال حاضر فقط دو بازیکن کلاس جهانی در فوتبال حضور دارند که آنها هم رونالدو و لیونل مسی هستند.

سرمربی پیشین یونایتد افزود: من قصد ندارم از بازیکنی در طول دوران ۲۶ ساله حضور در من یونایتد انتقاد کنم اما فقط چهار بازیکن به نام های اریک کانتونا، رایان گیگز، کریستیانو رونالدو و پل اسکولز از کلاس جهانی برخوردار بودند. و از میان آنها رونالدو بازیکن ویژه تری بود. فرگی در سال ۲۰۰۳ رونالدو را با مبلغ ۲۵/۱۲ میلیون پوند از اسپورتینگ لیسبون به خدمت گرفت. وی شش سال بعد این بازیکن را به مبلغ ۸۰ میلیون پوند به رئال مادرید فروخت. وی همچنین از برایان رابسون و روی کین به عنوان بازیکنان تاثیرگذار باشگاه یاد کرد. فرگوسن گفت: روی کین، برایان رابسون و استیو بروس تاثیرگذار بودند. آنها هیچ خودخواهی نداشتند و اگرچه بهترین نبودند اما عزم راسخی داشتند و آنها را مطمئن می‌ساخت که بهترین فوتبالیست‌ها هستند. نکته جالب توجه این است که فرگی از وین رونی و دیوید بکهام نامی نبرده است.

اسیچ سرمربی تیم ملی کرواسی شد



فدراسیون فوتبال کرواسی سرمربی جدید تیم ملی فوتبال این کشور را انتخاب کرد تا شایعات حضور برانکو ایوانکوویچ در تیم ملی کشورش به پایان برسد.

به گزارش مهر، فدراسیون فوتبال کرواسی بعد از نتایج ضعیف «نیکو کواچ» سرمربی پیشین خود، او را از این سمت برکنار کرد و چند هفته‌ای به دنبال جانشین او بود. در حالی که در روزهای گذشته صحبت از حضور برانکو ایوانکوویچ سرمربی پرسپولیس در تیم ملی کرواسی هم مطرح بود، اما در نهایت «آنته کاسیچ» با فدراسیون کرواسی به توافق رسید و قرارداد سه ساله‌ای را با این فدراسیون امضا کرد. کاسیچ ۶۱ ساله سابقه حضور در تیمهای لوکوموتیو و دینامو زاگرب را هم دارد. وی همچنین از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ در تیم لیبی دستیار سرمربی بوده است.

ترحیم

به نام خدا
خداحافظ ای شعر شبهای روشن
خداحافظ ای قصه عاشقانه
خداحافظ ای آبی روشن عشق
خداحافظ ای عطر شعر شبانه
خداحافظ ای همنشین همیشه
خداحافظ ای داغ بر دل نشسته

بااندوه فراوان درگذشت **بانو سیما خوشنویس** همسر امیر دریادار معقول، فرزند زنده یاد بابه (اقدس) مهرانی و زنده یاد حاج عباس خوشنویس و مادر فرهیختگان دانشمند، پونه و پویا معقول و خواهر گرامی لیدا (پوران) و حسین خوشنویس، که عمر سراسر حماسه‌اش را صرف فرزندان ایران عزیز نمود به آگاهی می‌رسانیم. مجلس ترحیم این بانوی بزرگوار روز پنج‌شنبه دوم مهرماه نود و چهار، از ساعت سیزده الی چهارده و نیم در مسجد نور، واقع در خیابان دکتر فاطمی، میدان جهاد، منعقد می‌گردد.

خوشنویس، معقول، مهرانی، سید مصطفوی، شهبازپور، گیوم مانتوله، مستقیمی، امام جمعه‌زاده، نعمت، فرج‌اللهی، وکیلی، خلیلی، موحدی اصل، صادق‌زاده، خاکسارفرد، زمینی، رضوانی، اللهیاری، مهرانیان، عاطفی، شاملو، صراف، مطلبی، اربابان غفوری، باباخانی، قادری، خلیل‌زاده، ابری‌نیا، شفیع، کاراندیش، هجرتی، حاجی عباسی، ایمانی، فرمان آرا، مهدی‌زاده، کوزه کنانی، شهبندی، مرجوی، صیرفی، صادقیان، میرحبیب‌اللهی، شایگان، بحری، روشن‌زاده، کیایی، خسروی، اجلاسی، مداحی، بام رفیع، فرشاد، خلیق، مهاجر، قره‌باغی، مهاجری، حاج بیگی، ساعدکیا، تاریوردی زاده، جراح، معینی‌فرد، حیاتی، خبیری، رجب بیک، معصومی، فخیم، قاسم‌زاده، احدی، علیپور، حمیدزادگان، نخستین، مظفری، داس بوشهری، شفیعی، شکرلب، صولتیان، غفاری، پاکزاد، حبابی، داودی، تبریزی، پیروج.

بازگشت همه به سوی اوست

بانهایت تأثر و تأسف درگذشت شادروان **علی‌اکبر مدرس سبزواری** را به استحضار می‌رسانیم.
به همین منظور مجلس ترحیم آن مرحوم روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۷/۲ از ساعت ۱۳ الی ۱۴/۳۰ در مسجدالرضا علیه‌السلام واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
شرکت شما در این مراسم موجب شادی روح آن مرحوم خواهد بود.

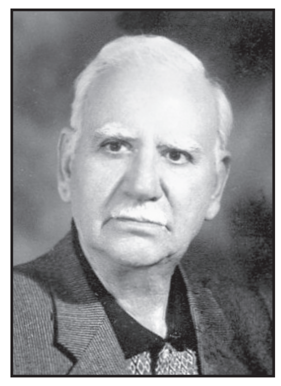
خانواده‌های: مدرس سبزواری، آقاشیر یعتمداری، جلیلی، کلانتری، افتخاری، ثقةالاسلامی، ساعتچی، نجفی، زمانی، پارس‌فر، نمازیان، خواجوی‌راد، رحیم‌زاده و سایر بستگان

کل من علیها فان
مرا که گوید از این گردش زمان دیدن
جز از فراق عزیزان چه می‌توان دیدن

روز سوم مهرماه ۹۴ در خانه خدا به سوگ روانشاد **صدرالدین کیوانی** می‌نشینیم و چشم به راه خویشان و یاران می‌مانیم تا با حضور ارجمند خود تسلی بخش دل داغدار ما باشند.
مکان: مسجد جامع شهرک غرب
زمان: جمعه سوم مهرماه ۹۴ از ساعت ۱۲ تا ۱۳/۳۰
خانواده‌های: کیوانی - زعفرانیان - خلیلی - رحیمی و سایر وابستگان

یادبود

از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند



سحرگاه ۳ مهر ۹۲ همسری مهربان و پدری متعهد و فداکار شادروان **آقای سید محمدحسین کسایی** بزرگ خاندان کسایی و دبیر بازنشسته آموزش و پرورش را از دست دادیم.
چه محنت این دو سال بی‌تو گذشت
حضورت همیشه با ماست
و یادت در قلب ما

همسرت پروین سیدی
فرزندانت فرانک، کیانوش، علی



در چهلمین روز پرکشیدن عزیز مهربانمان مرحوم **تیمسار هوشنگ غیاثیان**، بیاد و بپاس وجود سرشار از مهرش که لحظات عمرش را با شرافت مصروف خدمت به وطن و خانواده‌اش گرداند، مصادف با اولین جمعه ماه مهر، برمزارش در قطعه ۹۹ بهشت زهرا(س) ساعت ۱۱ صبح گرد هم می‌آییم.
با این امید که هرگز چشمان و تبسم‌های پرمهرش از یادمان فراموش نگردد.

در آخرین نگاهت بند دل را به آسمان گره زدیم.



تو اما پیش از آن آرام گرفته بودی در آبی آغوش فرشته. آسمانی شدی در دل خاک.
و ما آنقدر باریدیم که از سینه‌ات شقایقی رویید.
وز آن پس دیگر چشمی برای دیدنت نخوابید و هیچکس علت این بی‌خوابی را ندانست چرا که یاد تو هر شب از سقف اتاقمان چکه میکند! آه مادر، چه سخت بدون تو یکسال گذشت.
دوم مهر را که یادآور فقدان مادر عزیزمان **ایران پاکزادی** است گرامی می‌داریم. روحش قرین رحمت و آرامش باد.
فرزندانت: (ژیلا، ژاله، بیژن، بهمن و بهنام)
یعقوبی شهیر

مهرماه مصادف با اولین سالروز درگذشت مادری مهربان و فداکار شادروان **بانو مینا وحدانی ثانوی** همسر مرحوم **سیدعباس توکلیان** می‌باشد. یاد و خاطرات مهربانیها و منش انسانی و شکیبانه‌اش را جاودانه در یادمان خواهیم داشت. روحش شاد و قرین رحمت الهی باد.
در ضمن هزینه مراسم مرحومه صرف امور خیریه می‌گردد.
فرزندان: شهمیر، شهرام، شاهین، شاهرخ و نرگس خاتون توکلیان

یادبود



سومین سالگرد مرحومه شادروان **انیس اعظم مطلق کبیر** را گرامی داشته، هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.

همسر: کاظم فرخ روز
فرزند: فرشید فرخ روز
عروس: زهرا سلیمی
نوه: یلدا فرخ روز

یاد بود



یکسال از درگذشت ناباورانه همسر و پدر عزیزمان **زنده یاد بزرگ پورجعفر** گذشت. لحظه لحظه با یاد او و دلسوخته از فراقش، اندوهبارترین سال زندگی‌مان را سپری کردیم.
یاد آن مرد بزرگ و فرهیخته، یار محرومان، شاعر و روزنامه‌نگار و ویراستار پیشکسوت را در روز پنج‌شنبه دوم مهرماه با حضور بر مزارش گرامی می‌داریم.
(هزینه مراسم سالگرد صرف امور خیریه می‌گردد)
از طرف خانواده پورجعفر و وابستگان

تسلیت

جناب آقای مهندس خلیل عدولی
بانهایت تألم و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند بزرگ برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و شکیبایی آرزومندیم.
مدیریت و کارکنان
شرکت مشاوران انرژی تهران

هوالحق
جناب آقای میراحد حسینی
مدیرکل محترم تعاون، کار و امور اجتماعی
استان آذربایجان شرقی
با سلام و عرض ادب، اطلاع یافتیم برادر بزرگوارتان حیات به قابض ارواح سپرده و رحل اقامت از دار فانی بدیار باقی افکنده است. وظیفه بود در مراسم تشییع و تدفین در کنارتان می‌بودم، معذورم دارید. مایلم مراتب همدردی این فقیر حقیر کثیرالتقصیر را خدمت اخوان و اخوات خصوصا برادرم میرحجت ابلاغ و اعلام فرمایید. خدایش بیامرزد و غریق رحمتش کناد.
شریک غم شما
جمال راجی

خانواده محترم و معزز نوبخت حقیقی
جناب آقای دکتر محمدباقر نوبخت حقیقی
درگذشت **آقای دکتر یوسف نوبخت حقیقی** را خدمت حضرتعالی و کلیه بازماندگان محترم تسلیت عرض می‌نمائیم، برایتان سلامتی، صبر و شکیبائی آرزومندیم.
مهندس علیرضا فائق و بانو

جناب آقای مهندس کرم رضایی
معاون محترم شرکت توانیر
غم از دست دادن پدر بزرگوارتان، بزرگ خاندان رضایی مرحوم مغفور **رمضانعلی رضایی** را تسلیت می‌گوییم و از خداوند برای آن عزیز سفرکرده، علو درجات مسئلت داریم.
خانواده‌های تاج‌علی و نیک‌پور

همکار ارجمند جناب آقای قاسم اسلامی‌فرد
بانهایت تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده از درگاه ایزدمنان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
اداره کارپردازی مؤسسه اطلاعات

جناب آقای دکتر حسن ارگانی
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر بزرگوارتان را خدمت جنابعالی تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای بازماندگان مسئلت می‌نمائیم.
شرکت بی‌ان‌ام
محمدحسن مرادی

جناب آقای مهندس علی جوهری
با نهایت تأسف درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه رحمت و غفران الهی و برای شما و سایر بازماندگان محترم صبر و بردباری از درگاه خداوند منان مسئلت می‌نمائیم.
مدیریت و کارکنان شرکت آماگون

جناب آقای فرید قدس
وکیل محترم دادگستری
بدین‌وسیله درگذشت **جناب آقای یوسف نوبخت** پدر همسر گرامی آنجناب را تسلیت گفته و برای جنابعالی و بازماندگان محترم از خداوند سلامت و شکیبائی آرزومندیم.
شرکت مهندسین مشاور طرح و نظارت

جناب آقای دکتر نوبخت
معاونت محترم ریاست‌جمهور
جناب آقای دکتر علی نوبخت
مصیبت وارده را تسلیت عرض می کنیم.
رشت، دکتر حسن خردمند - دکتر کاوه خردمند، دکتر کیوان خردمند

همکار ارجمند جناب آقای خاموش گو
مصیبت وارده در گذشت والده گرامی تان باعث تأسف و تأثر گردید لذا از درگاه خداوند سبحان برای آن مرحومه غفران واسعه و برای شما صبر آرزومندیم.
حسین اخوان و اعضاء هیئت مدیره
مجتمع نساجی بروجن

خانواده محترم نوبخت
غم فقدان نازنین گرانقدر مرحوم **یوسف نوبخت** سنگین‌تر از آن است که بتوان به گذر ایامش سپرد.
از خداوند بزرگ برای سوگوارانش صبر بی‌حد و برای روح لطیف و بلندش مغفرت بی‌شمار آرزومندیم.
تبیانی - تهرانی‌زاده - حجت - صالحی - صفدرحسینی - ظهور - عادلی - فاضل - کلانتری - کنزی - لواسانی - مضطرزاده - ملک‌زاده - نجفی - ندیمی - نمکی

جناب آقای بابک ربیعی
مدیرعامل محترم شرکت پشم سنگ ایران
با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدر ارجمندتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، رحمت واسعه برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی و بقای عمر جنابعالی و همه بازماندگان را از خداوند بزرگ مسئلت می‌نماییم.
شرکت تعاونی باغدره - کوروش و کیوان بختیاری

جناب آقای دکتر نوبخت
معاون محترم رئیس جمهور
و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و برای جنابعالی و کلیه بازماندگان صبر جمیل آرزومندم.
اسدا... عسگراولادی

جناب آقای مجید تخت روانچی
معاونت محترم اروپا و آمریکای وزارت خارجه
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و برای جنابعالی و کلیه بازماندگان صبر جمیل آرزومندم.
اسدا... عسگراولادی

با تأسف و تألم فراوان درگذشت انسانی فرهیخته و شریف، **جناب آقای دکتر سیدهادی ولائی**، استاد پیشکسوت و خدمتگزار آزمایشگاه‌های کشور را به خانواده محترم آن فقید سعید و جامعه آزمایشگاهی کشور تسلیت عرض می‌نماید.
از طرف پرسنل آزمایشگاه پاتوبیولوژی درّوس
دکتر اکبر ذوقی

آگهی تغییرات شرکت صنعتی بهپاک سهامی عام به شماره ثبت ۱۳۱۹۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۳۵۴۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۰۹/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت. سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت بازرس قانونی برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۱۸۶۴۳ - ۸۱۰۰۹/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

تاسیس شرکت سهامی خاص الیاف دانش پایه تهران در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۳۰ به شماره ثبت ۴۷۲۶۸۲ به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۹۴۰۹۹۷ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد

موضوع شرکت: طراحی و احداث کارخانه تکمیل پارچه و منسوجات با ویژگی‌های ضد آب، آبدوست و ضد لک - تحقیقات و توسعه فناوری‌های برتر در زمینه الیاف و پلیمرهای پیشرفته - واردات و صادرات دانش فنی، دستگاه‌ها، ماشین‌آلات و مواد اولیه - برگزاری و شرکت در نمایشگاه‌ها و سمینارهای داخلی و خارجی در زمینه موضوعات فوق‌الذکر (در صورت ضرورت قانونی انجام موضوعات پس از اخذ مجوزهای لازم) مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی شرکت: تهران - شهرستان تهران - خیابان ولیعصر - کوچه روشن - پلاک ۱۹ - طبقه ۴ کدپستی ۱۴۱۵۸۵۵۶۷۱ سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی که تعداد ۱۰۰ سهم با نام و ۰ سهم آن بی‌نام می‌باشد که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۳۱۶ مورخ ۹۳/۱۲/۲۱ نزد بانک ملت شعبه میدان ولیعصر پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد. اولین مدیران شرکت: مهدی خلخالی ش م ۳۸۷۴۸۹۱۳۵۶ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره و مهدی بخش زاد محمودی ش م ۰۰۶۳۹۷۹۴۸۹ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و محمدرضا سیاری ش م ۴۲۷۰۱۱۷۶۱۳ به سمت رئیس هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای محمدرضا سیاری به سمت رئیس هیئت‌مدیره و مهدی خلخالی به سمت مدیرعامل همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضای محمدرضا سیاری به سمت رئیس هیئت‌مدیره یا مهدی خلخالی به سمت مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است. اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه بازرس اصلی و علی‌البدل: ماریا بشیریان به شماره ملی ۲۰۶۳۳۹۳۷۹۶ به عنوان بازرس اصلی. فرشته اسدی به شماره ملی ۰۳۲۲۱۲۵۹۳۶ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. نام روزنامه‌های کثیرالانتشار شرکت جهت درج آگهی: روزنامه اطلاعات «ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد»

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۹۸۵۱۶۲ - ۸۰۴۲۹/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت مدیریت کارخانجات پروتئین سویای بهپاک سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۲۷۱۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۳۱۵۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۳ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به عنوان بازرس قانونی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ برای مدت یک سال انتخاب گردید.
شرکت صنعتی بهپاک (سهامی‌عام) به شماره ثبت ۱۳۱۹۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۳۵۴۵ شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنایع بهشهر ایران (سهامی عام) به شماره ثبت ۱۲۲۷۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۶۲۵۵۸ ب شرکت سرمایه‌گذاری ساختمان گروه صنایع بهشهر (سهامی‌عام) به شماره ثبت ۱۲۲۷۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۶۲۵۴۳ به عنوان اعضای هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیأت مدیره، انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۱۹۲۲۸ - ۸۱۰۰۸/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۹۲۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۲۰۶۱۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۹/۳ و مجوز شماره ۲۰/۲۴۷۴۹ مورخ ۹۳/۱۱/۸ سازمان خصوصی‌سازی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای نصرت‌الله سیفی به شماره ملی ۰۰۴۸۹۵۱۲۶۹ به جای آقای عباس کاظمی به شماره ملی ۱۲۶۲۱۸۳۵۰۲ به عنوان مدیرعامل و نایب رئیس هیأت مدیره شرکت برای باقی‌مانده مدت تصدی انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۰۰۸۲۳ - ۸۰۴۷۴/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور آورث سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۰۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۱۲۹۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۲/۰۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقایان آرش احمدی به شماره ملی ۰۰۵۷۵۸۸۴۲۲ و یاسر ابراهیم‌پور به شماره ملی ۲۲۴۹۴۴۵۲۹۱ به ترتیب به سمت بازرس اصلی و علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی تصفیه، انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۰۱۹۳۱ - ۸۰۴۸۰/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت توسعه تجارت آتیه البرز سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۶۰۷۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۵۶۵۲۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت برای سال مالی منتهی به ۳۰ آذرماه ۱۳۹۳ مورد تصویب قرار گرفت. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. و موسسه بهراد مشار به شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۱۷۹۹۹ به عنوان بازرس اصلی و آقای مجیدرضا بیرجندی به شماره ملی ۴۱۳۰۸۴۶۵۷۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۰۷۰۴۳۴ - ۸۰۴۷۹/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت پاژن سفیت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۳۷۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۵۶۴۳۷

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای جیوانی اشنایدر به‌عنوان رئیس و آقای مارکو اشنایدر نماینده اس‌ای اف آی تی (سفیت) ایندastریز به‌عنوان نایب رئیس هیأت مدیره در دوره تصدی آن انتخاب گردیدند و آقای جمشید جهانی به شماره ملی ۰۰۴۸۵۸۰۸۹۹ به عنوان مدیرعامل شرکت به مدت دو سال انتخاب گردید و امضای هرگونه قرارداد مربوط به خرید دارایی ثابت و مشارکت با سایر شرکت‌ها و تأسیس شرکت جدید توسط مدیرعامل به اتفاق یکی از اعضای هیأت مدیره ذیل مهر شرکت و امضای چک و سفته و برات تا مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال توسط مدیرعامل به تنهایی و مهر شرکت و بیش از ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره و ذیل مهر شرکت معتبر خواهد بود. هر یک از اعضای هیأت مدیره می‌توانند با موافقت رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره امضای خود را به اشخاص ثالث تفویض نمایند. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر نوع عضویت هیأت مدیره، تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین سمت مدیران، انتخاب و تعیین سمت هیأت مدیره، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۹۵۷۲۵۹ - ۸۰۴۸۴/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت بانک قرض‌الحسنه رسالت سهامی عام به شماره ثبت ۴۲۰۴۴۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۳۰۲۷۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ و تاییدیه شماره ۳۱۶۱۶ مورخ ۱۳۹۴/۲/۱۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی تدوین و همکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۷۳۳۹ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی بیات رایان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۶۸۴۸۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار دنیای اقتصاد و اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۰۰۴۰۵ - ۸۰۴۷۵/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت گروه پزشکی کیان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۴۶۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۵۶۶۶۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۰ سرمایه شرکت از مبلغ ۱۳۳۹۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۳۷۸۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۵۳۰۰ سهم ۲۶۰۰۰۰ ریالی با نام که تماماً پرداخت شده از طریق نقدی تأمین گردیده افزایش یافته و مبلغ ۳۹۰۰۰۰۰۰ ریال به‌موجب گواهی شماره ۲۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۲ بانک ملت شعبه بیمارستان ایرانمهر پرداخت گردیده است. ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است. با ثبت این مستند تصمیمات افزایش سرمایه انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۲۱۱۳۷۳۲ - ۸۰۴۸۲/م‌الف **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران**

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت تأمین گستر ایستا سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۶۸۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۵۷۴۴۷

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس: کیلومتر ۱۲ اتوبان کرج آزادشهر خیابان ۲۰ متری شهید گودرزی خیابان هشتم غربی پلاک ۲۷ کد پستی ۱۴۹۶۶۶۶۴۸۸ تغییر یافت. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۸۳۸۶۸ - ۸۰۴۹۰/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات
شرکت تعاونی مسکن اتحادیه کارکنان بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور به شماره ثبت ۲۷۲۹۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۳۲۶۲۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۶ و مجوز شماره ۹۳۲/۱۵/۲۲۵۲۹۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۴ اداره‌کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورت‌های مالی سال‌های ۹۱ و ۹۲ به تصویب رسید. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۲۱۸۷۴۶۲ - ۸۰۴۹۳/م‌الف **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران**

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت کارخانجات نورد و لوله سمنان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۹۷۱۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۱۱۷۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی اصلاح گستران امین شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۱۷۸۸ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمدرضا کاظمی به شماره ملی ۰۰۷۳۷۹۹۴۰۸ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۸۶۵۶۴ - ۸۰۴۹۲/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت مجتمع فولاد گیلان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۷۶۴۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۰۱۶۶۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی اصلاح گستران امین به شماره ثبت ۲۳۳۴۷، شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۱۷۸۸ به عنوان بازرس اصلی و آقای اسماعیل فدائی به شماره کد ملی ۶۳۰۹۳۱۸۳۵۷ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۸۶۷۷۳ - ۸۰۴۹۱/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت صید هفت دریا سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۲۵۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۸۹۲۹۲

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای عبدالحمید کاوسیان به شماره ملی ۳۳۵۹۴۲۴۶۰۳ به سمت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل آقای سید مرتضی سجادی به شماره ملی ۰۰۴۳۸۹۷۱۷۷ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره آقای امیرعلی کاوسیان به شماره ملی ۰۰۶۴۱۴۱۶۵۹ به سمت عضو هیأت مدیره. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۸۴۲۴۴ - ۸۰۴۸۹/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت پتروشیمی باختر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۰۲۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۱۰۱۷۱

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۹ با اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۳/۰۴/۲۵ و مجوز شماره ۴۱/۲۵۴۹ مورخه ۹۴/۰۲/۱۴ سازمان خصوصی‌سازی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۶۵۹۹۸۶۹۰۰۵۰۰۰ ریال به مبلغ ۷۵۹۹۸۵۲۵۶۰۰۰۰ ریال منقسم به ۷۵۹۹۸۵۲۵۶۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام از طریق نقدی و مطالبات حال شده افزایش یافته و مبلغ ۲۹۱۵۳۸۹۴۲۰۴۴ ریال به موجب گواهی شماره ۳۳/۳۲۷/۳۳۰۲ مورخ ۹۴/۰۲/۰۵ بانک تجارت شعبه کارگر شمالی پرداخت گردیده است. ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است. با ثبت این مستند تصمیمات تحقق افزایش سرمایه انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۲۱۰۹۸۵۰ - ۸۰۴۸۵/م‌الف

اطلاعات

سال نودم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

	چهارشنبه یکم مهر ۱۳۹۴ ۹ ذیحجه ۱۴۳۶ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۵		پنجشنبه ۲ مهر ۱۳۹۴ ۱۰ ذیحجه ۱۴۳۶ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵
ظهر شرعی	۱۱ و ۵۷ دقیقه	ظهر شرعی	۱۱ و ۵۶ دقیقه
غروب آفتاب	۱۸ و ۰۱ دقیقه	غروب آفتاب	۱۷ و ۵۹ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۱۹ دقیقه	اذان مغرب	۱۸ و ۱۷ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۱۵ دقیقه	نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۱۵ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۲۹ دقیقه	اذان صبح (جمعه)	۴ و ۳۰ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۵۳ دقیقه	طلوع آفتاب (جمعه)	۵ و ۵۴ دقیقه

هشدار سازمان ملل نسبت به نقض حقوق بشر توسط نظامیان مصری در مرز غزه

سرویس خارجی: دیدبان حقوق بشر سازمان ملل، ارتش مصر را به نقض قوانین بین‌المللی در تخریب گسترده خانه‌ها و تخلیه مناطق واقع در مرز خود با نوار غزه در دو سال گذشته، متهم کرد. از سویی، مقامات حماس در تماس رسمی با مصر، از مقامات این کشور درخواست کردند، به عملیات خود در غرق آب کردن مرزهای این کشور با نوار غزه به بهانه تخریب تونل‌های احتمالی، پایان دهند. خبر دیگر اینکه نماینده سازمان ملل در لیبی، ضمن اعلام توافق سیاسی نهایی میان طرف‌های لیبیایی اعلام کرد ، این سازمان به طرف‌های درگیر تا ۲۰ اکتبر آینده مهلت داده است این توافقنامه را امضا کنند.

آیت‌الله العظمی حکیم سازمان ملل را مسئول حفظ جان شیعیان سوریه دانستند



سرویس خارجی: آیت‌الله العظمی «سیدمحمدسعیدحکیم»مرجع‌عالی‌قدر شیعیان عراق، سازمان ملل متحد را مسئول حفاظت از جان ساکنان دو شهر شیعه نشین سوریه که این روزها زیر آماج حملات تروریست‌های تکفیری قرار دارند، دانستند.

دفتر این مرجع عالی‌قدر در تماس تلفنی با نماینده دبیرکل سازمان ملل در عراق، نگرانی معظم له درمورد شرایط سخت انسانی شیعیان در "الفوعه" و "کفریا" و اوضاع خطرناک این دو شهر را گوشزد کرد.دفتر آیت‌الله حکیم از نماینده دبیرکل خواست تا اوضاع این دو شهر شیعه نشین سوریه و شرایط خطرناک آن که منجر به نسل کشی پیروان اهل‌بیت(ع) توسط تروریست‌های تکفیری می‌شود را به اطلاع بان‌کی‌مون برساند.ایشان خواهان آگاه شدن دبیرکل سازمان ملل از این شرایط سخت شدند و گفتند: شرایط به گونه ای است که فرصت ارتکاب جنایات و نسل کشی شیعیان را به تروریست ها می دهد، ازاین رو لازم است سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن هر چه سریعتردراین قضیه ورود کنند. گفتنی است الفوعه و کفریا واقع در استان ادلب که محل زندگی بیش از ۴۰ هزار شیعه سوری است، از شش ماه پیش در محاصره گروه‌های تروریستی قرار دارند و آنان مانع از رسیدن مواد غذایی، دارو و سوخت به این دو شهر شیعه‌نشین می‌شوند.

خبر دیگر اینکه گروه‌های تروریستی در سوریه، نیروهای معارض ضد دولت بشار اسد که توسط آمریکایی‌ها آموزش دیده بودند را بار دیگر دستگیر کردند. گزارش‌ها از سوریه حاکی است گروهی از معارضان مسلح ضد دولت اسد که تحت آموزش نیروهای آمریکایی قرار گرفته بودند اندکی پس از ورود به خاک این کشور دستگیر شدند. روز یکشنبه گذشته، رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده بودند که ۷۵ نفر از معارضان آموزش دیده توسط آمریکا در راستای آنچه تلاش دولت این کشور برای ایجاد و تقویت گروه‌های معارضان سوری میانه‌رو خوانده شده، از طریق ترکیه وارد خاک سوریه شدند. گروه تروریستی «جبهه الشامیه» که ائتلافی از تروریست‌های تحت حمایت عربستان سعودی، قطر و ترکیه است، معارضان آموزش دیده دولت آمریکا را به اسارت گرفته‌است.

در تحولی دیگر کردهای سوریه قصد دارند آخرین گذرگاه مرزی میان سوریه و ترکیه را که تحت کنترل داعش است، تصرف کرده و به این ترتیب به حضور داعش در مجاورت مرزهای ترکیه پایان دهند. این کار مانع رسیدن شبه نظامیان داوطلب از اروپا و دیگر نقاط جهان به مناطق تحت کنترل داعش می‌شود. بر اساس گزارش ها داعش با از دست دادن کنترل منطقه مرزی جرابلس منزوی می‌شود و این مساله به توانایی داعش برای آوردن هزاران شبه نظامی خارجی که طی چهار سال گذشته از مرز ترکیه عبور کرده و بدون هیچ مانع خاصی وارد سوریه شده‌اند، پایان می‌دهد. گفته می شود حمله کردها به جرابلس با همکاری آمریکا خواهد بود.در چنین شرایطی وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای از اصابت چندین خمپاره از سوی تروریست‌ها به نزدیکی سفارت روسیه در دمشق خبر داد. این حمله خمپاره‌ای که با هدف اصابت به سفارت روسیه انجام شد، خسارتی در پی نداشت و خمپاره‌ها به زمین خالی برخورد کردند. وزارت خارجه روسیه، این اقدام تروریست‌های سوریه را جنایتکارانه خواند و آن را محکوم کرد.

استقرار جنگنده های روسی

مقام‌های آمریکایی با تایید اخبار منتشر شده از تحرکات نظامی روسیه در سوریه گفتند که مسکو ۲۸ جنگنده در سوریه مستقر کرده است. یک مقام آمریکایی که خواست نامش فاش نشود، گفت: ۲۸ جنگنده و بمب افکن روسی در یک پایگاه هوایی لاذقیه واقع در غرب سوریه مستقر شده‌اند. یکی دیگر از مقام های دولت واشنگتن نیز استقرار این تعداد جنگنده و بمب‌افکن را در سوریه تایید کرد و افزود: حدود ۲۰ هلیکوپتر ضربتی و ترابری نیز در این پایگاه مستقر شده اند. مقامات آمریکایی همچنین گفته‌اند که روسیه پهپادهایی را هم بر فراز سوریه به پرواز درآورده است. به گفته مقام‌های آمریکایی، روسیه ۱۲ جنگنده سوخو- ۲۴، ۱۲ جنگنده سوخو- ۲۵ و چهار جت جنگنده مدرن «فلانکر» (سوخو - ۲۷) را به سوریه فرستاده است.

در این حال منابع روسی از آغاز آموزش نظامی ۹۵ هزار نیرو از یگان‌های ویژه روسیه برای انجام حملات علیه داعش در سوریه خبر دادند. به گزارش پایگاه خبری لبنانی النشره، منابع روسی اعلام کردند که این نیروها برای جنگ علیه داعش در سوریه آماده خواهند شد و طی هفته اول اکتبر آتی حدود ۱۷۰ جنگنده و ۷۰۰ خودرو زرهی در این عملیات شرکت خواهند کرد.

از طرفی چند مقام آمریکایی اعلام کردند به زودی عملیات نظامیان روس در حمایت از بشار اسد در سوریه آغاز می‌شود. مقامات آمریکایی گفته اند که براساس شواهد، نیروهای نظامی روسیه به زودی عملیات خود را در حمایت از بشار اسد در سوریه آغاز می کنند. آنها تاکید کردند که پرواز پهپادهای روسی در مناطقی از سوریه که قرار است به آنها حملات هوایی صورت گیرد، در جریان است. در چنین شرایطی بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی بعد از دیدار با رئیس جمهوری روسیه ادعا کرد مسکو و تل آویو در سوریه همکاری نظامی می کنند.وی گفت: تمامی چیزی که ما از روسیه می خواهیم کاهش نفوذ حزب الله لبنان در بلندی های جولان سوریه است.

موضع ایران

حسین امیرعبداللهیان معاون وزیر خارجه ایران گفت که تهران و مسکو هرکاری برای پایان دادن به بحران سوریه انجام می دهند و با معارضان سوری مذاکره می‌کنند. وی گفت: در عین حال بشار اسد باید بخشی از راه حل سیاسی حل و فصل بحران سوریه باشد. در این حال «جان کربی» سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت: ایران باید بخشی از راه حل سوریه باشد. راشد الغنوشی رهبر جنبش النهضه تونس هم با بیان اینکه آینده منطقه در گرو توافق میان عرب‌ها و ایران و ترکیه است، گفت که حل بحران سوریه بدون مشارکت ایران ممکن نیست. روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز هم نوشت: باید با دولت بشار اسد، ایران و روسیه سازش کنیم. از سویی روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال اعلام کرد مقامات آمریکا از ائتلافی که بین ایران و روسیه علیه داعش در سوریه تشکیل شده است نگران هستند.

در این حال لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه گفت: به عنوان یکی از پیش شرط های مذاکرات صلح در منطقه، دولت فرانسه دیگر خواهان سقوط بشار اسد نیست. خبر دیگر اینکه بان کی مون دبیر کل سازمان ملل، چهار کار گروه مذاکره کننده برای بررسی بحران سوریه در ژنو معرفی کرد. سازمان ملل اعلام کرد که گروه‌های مختلف سوری برای برگزاری نشست ژنو- ۳ در این شهر گرد خواهند آمد تا برای رسیدن به راهکار سیاسی برای حل بحران سوریه گفتگو کنند.



رزمایش دریایی روسیه برای حمایت از سوریه

همزمان با انتشار گزارش‌هایی از افزایش حضور نظامی روسیه در سوریه، چهار فروند ناو روسی رزمایشی را در شرق مدیترانه برگزار کردند. این چهار ناو از ناوگان دریای سیاه روسیه در آب‌های شرقی دریای مدیترانه، رزمایش نظامی برگزار کردند که گفته می شود با هدف حمایت از ارتش سوریه انجام گرفت. هفته گذشته رسانه‌های روسی گزارش دادند که این کشور قصد دارد به زودی در نزدیکی سواحل سوریه، رزمایش دریایی برگزار کند.

سازمان ملل: ۴۰۰ کودک در حملات وحشیانه ائتلاف عربی به یمن کشته شده‌اند

سرویس خارجی: نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور کودکان اعلام کرد، حملات جنگنده‌های ائتلاف عربی به کشته شدن ۴۰۰ کودک یمنی و زخمی شدن ۶۰۰ تن دیگر انجامیده است؛ این شمار کشته و زخمی مربوط به ماه مارس تا ژوئیه گذشته است.«لیلی الزروقی»، نماینده دبیرکل سازمان ملل در امور کودکان همچنین اوضاع کنونی در یمن را بالاتر از یک فاجعه و خطرناک توصیف و تاکید کرد، سازمان ملل اسناد و مدارکی دال بر نقض حقوق کودکان یمنی جمع‌آوری کرده است.خبر دیگر اینکه، وزارت بهداشت یمن اعلام کرد، تجاوز جنگنده‌های سعودی به صنعا طی فقط چهار روز، ۲۳۶ کشته برجاگذاشت.در تحولی دیگر، وزیر خارجه دولت مستعفی یمن اعلام کرد، «عبدربه منصور هادی»، رئیس جمهوری فراری یمن، وارد عدن شد. به گفته وی، قرار است هادی بعد از آن راهی نیویورک شود.

خبر دیگر اینکه، گروه انصارالله یمن و نیروهای جنوب، با نظارت صلیب سرخ برخی اسرای خود را مبادله کردند. نیروهای جنوب ۱۵۰ اسیر را از انصارالله تحویل گرفتند و در مقابل ۶۹ اسیر و جسد چند تن از کشته شدگان را تحویل دادند.در این میان، سلطان «قابوس»، پادشاه عُمان در تماس تلفنی با «باراک اوباما»، رئیس جمهوری آمریکا بر حل مسأله یمن از طریق سیاسی تأکید کرد. سلطان قابوس در ادامه اعلام کرد، نیازهای انسانی در یمن هر چه زودتر باید تامین شود. باراک اوباما در این تماس از پادشاه عمان به خاطر وساطت برای آزادی چند اسیر این کشور در یمن قدردانی کرد.از سوی دیگر، پایگاه اینترنتی الوعی نیوز برآورد کرد، عربستان از ابتدای حمله به یمن ۷۲۵ میلیارد دلار صرف هزینه های جنگی کرده است.

در تحولی دیگر، نیروهای انصارالله با پیشروی درعمق خاک عربستان و پس ازدرگیری های شدید، بر مرکز پدافند هوایی ارتش عربستان در «الخوبه» مسلط شدند.در خبری دیگر، یک مقام محلی یمن اعلام کرد، دو تروریست القاعده در جریان حمله ای که احتمال می رود توسط یک پهپاد آمریکایی در صنعا انجام شده باشد، کشته شدند. از طرفی، سخنگوی ائتلاف عربی اعتراف کرد، دو تن از سربازان این کشور به دست انصارالله به اسارت گرفته شده‌اند. وی افزود، سه سرباز دیگر نیز مفقود شده‌اند و سرنوشتشان معلوم نیست. از سویی، منابع امنیتی یمن از کشته شدن یک افسر اماراتی در درگیری های یمن خبر دادند.از سویی، حملات جنگنده‌های ائتلاف عربی به منازل شهروندان یمنی در مناطق «الحصبه» و «سعوان» صنعا ۲۵ یمنی کشته و دهها زخمی برجاگذاشت. همزمان در منطقه «غافره» در استان صعده نیز شش زن و کودک به شهادت رسیدند. همچنین، دست کم ۳۰ تن در حمله های هوایی جنگنده های ائتلاف به بخش های مختلف استان «حجه» در غرب یمن کشته و دهها تن دیگر زخمی شدند. در حمله های هوایی به صعده نیز ۲۵ تن کشته و دهها تن دیگر زخمی شدند.

*** امارات**

خبرگزاری امارات از دیدار جداگانه «لوید اوستون»، فرمانده ستاد مرکزی نیروهای آمریکا و «جان ایو لودریان»، وزیر دفاع فرانسه با شیخ «محمد بن زاید» ولیعهد ابوظبی و جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح امارات در این کشور خبر داد. در دیدار وزیر دفاع فرانسه با شیخ محمد بن زاید درباره تقویت همکاری‌های نظامی و دفاعی و تلاش های دو کشور برای تحقق امنیت و صلح در منطقه خاورمیانه گفتگو شد.

فرودگاه بغداد هدف ۱۳ موشک کاتیوشا قرار گرفت

سرویس خارجی:منابع امنیتی عراقی از کشته و زخمی شدن چند تن در حمله موشکی به فرودگاه بغداد خبر دادند.منابع امنیتی عراقی اعلام کردند،دست کم ۱۳ موشک کاتیوشا در اطراف فرودگاه بین المللی بغداد به زمین اصابت کرده و علاوه بر تلفات جانی باعث وارد آمدن خسارات به بناها و تاسیسات فرودگاه شده است. با توجه به برد محدود چند کیلومتری موشک اندازهای کاتیوشا، این نگرانی در میان عراقی‌ها به وجود آمده که گروه‌های تروریستی به ویژه داعش بار دیگر توانسته‌اند تا این حد به پایتخت عراق و فرودگاه بین المللی آن در حومه غرب شهر نزدیک شونداز طرفی،حملات موشکی لحظاتی بعد از انفجار یک خودرو بمب گذاری شده در منطقه الامین، در شرق بغداد، ۱۳ کشته و دهها زخمی برجا گذاشت. مسئولیت این حملات را داعش برعهده گرفت. داعش با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد ، انفجار بغداد تجمع نیروهای بسیج مردمی را هدف قرار داده است. در این حال،انفجار خودروی بمب‌گذاری شده در منطقه «بغداد الجدیده» در پایتخت عراق که در یک بازار محلی رخ داد، ۱۰ کشته و ۳۲ زخمی داشت.از طرفی،یک خودروی بمب‌گذاری شده در شمال بغداد و در منطقه «کاظمین» منفجر شد که طی آن چندین نفر کشته شدند.در تحولی دیگر،یک منبع امنیتی الانبار اعلام کرد،۱۷ نفر از عناصر داعش در گلوله‌باران توپخانه‌ای در شرق رمادی کشته شدند.یک منبع امنیتی الانبار تاکید کرد، توپخانه تیپ هشتم ارتش عراق یکی از مواضع تروریست های داعش در جزیره خالدیه در ۲۳ کیلومتری شرق الرمادی را گلوله باران کرد که در نتیجه آن ۱۷ داعشی کشته و دو خودروی آنها نیز منهدم شد.از طرفی، منابع نظامی عراق از تحرکات گسترده گشت‌های نظامی آمریکا در مناطق مختلف شهر رمادی در استان الانبار خبر دادند.این گشت‌ها مجهز به تانک‌ها و خودروهای نظامی هستند که بالگردهای آپاچی نیز آن‌ها را همراهی می‌کنند و روزانه پروازهای شناسایی را برفراز شهر رمادی انجام می‌دهند .به گفته این منابع نیروهای ارتش آمریکا در پایگاه‌های "الحبانیه" و "عین الاسد" در استان الانبار حضور دارند.همزمان با آماده شدن نیروهای آمریکایی برای شرکت در عملیات آزادسازی رمادی، حیدرالعبادی، نخست وزیر عراق نیز با لوید آستین، فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا در خصوص روند عملیات و ادامه حمایت بین المللی از عراق در جنگ علیه تروریسم بحث و گفتگو کردند.از طرفی،منابع عراقی اعلام کردند،«هشام الرکابی»مدیر دفتر مطبوعاتی نوری مالکی، نخست وزیر سابق عراق از ترور جان سالم به در برد. از سویی، همزمان با پیشروی نیروهای عراقی در شهر رمادی و فرار سرکردگان برجسته داعش از این شهر، منابع نظامی از آمادگی نیروهای آمریکایی برای مشارکت در عملیات زمینی شهر رمادی خبر می‌دهند.

اظهارات العبادی

پس از انجام اصلاحات گسترده در نظام سیاسی عراق که موجب آسیب رسیدن به برخی شخصیت‌های سیاسی و گرفتن قدرت و نفوذ از آن‌ها شده، حیدرالعبادی اعلام کرد، برخی اطرافیانش برای کودتا و برکناری‌اش از قدرت تلاش می‌کنند. وی در سخنانی گفت که همگان می‌دانند اصلاحات انجام شده به بسیاری از افراد آسیب رسانده است برای همین تلاش این افراد را برای انجام کودتا علیه خود بعید نمی‌داند. در چنین شرایطی،همزمان با ادامه روند اصلاحات در عراق و تعهد نخست وزیر به اجرای این اصلاحات حتی به قیمت جان خود، روزنامه الشرق الاوسط به نقل از یک مسئول عالی رتبه عراقی فاش کرد، سفارت آمریکا در بغداد تاکنون دوبار تلاش برای ترور العبادی را ناکام گذاشته است.

دستور وزیر جنگ رژیم صهیونیستی برای محاصره کامل قدس غزه و کرانه باختری به بهانه عید یهودی

سرویس خارجی:موشه یالون‌وزیر جنگ رژیم صهیونیستی دستور محاصره کامل کرانه باختری، بیت‌المقدس و نوار غزه را از دیروز به بهانه فرا رسیدن عید یهودی «یوم کیپور» (غفران) صادر کرد.

رژیم صهیونیستی همچنین به این بهانه دو گذرگاه ارتباطی خود با نوار غزه یعنی گذرگاه کرم ابو سالم به عنوان تنها گذرگاه تجاری غزه و گذرگاه بیت‌حانون را که برای تردد مسافران مورد استفاده قرار می‌گیرد، مسدود کرد. در این راستا شهرک نشینان تندرو یهودی در میان تدابیر شدیدامنیتی نظامیان‌صهیونیستی از طریق «باب المغاربه» وارد مسجدالاقصی شدند و در مقابل، سربازان ارتش صهیونیستی محدودیت‌های متعددی را برای ورود نمازگزاران فلسطینی به این مسجد ایجاد کردند.در این حال فرانسوا اولاند رئیس‌جمهوری فرانسه در دیدار با محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در پاریس خواستار پایان یافتن خشونت‌ها در مسجدالاقصی شد. رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه نیز اعلام کرد کشورش هرگز اجازه تعرض و دست درازی صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی را نمی‌دهد. در چنین شرایطی یک نوجوان فلسطینی به ضرب گلوله نظامیان صهیونیست در جنوب الخلیل واقع در کرانه باختری به شهادت رسید. نظامیان اشغالگر قدس همچنین به یک دختر فلسطینی در الخلیل شلیک کردند که منجر به جراحت وی شد اما ساعاتی بعد در بیمارستان به شهادت رسید. خبر دیگر اینکه منابع دیپلماتیک در سازمان ملل اعلام کردند که پرچم فلسطین برای اولین بار جمعه آتی در مقابل سازمان ملل برافراشته می‌شود.

کوتاه از سراسر جهان

کناره‌گیری دومین جمهوریخواه از نامزدی در انتخابات آمریکا



مهر: «اسکات واکر» نامزد جمهوریخواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با انتقاد از فضای مسموم حزب جمهوریخواه از این رقابتها کناره‌گیری کرد. واکر فرماندار ویسکانسین و نامزد جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با خواندن یک بیانیه، از فضای انتخاباتی مسموم در میان حزب جمهوریخواه و اظهارات دونالد ترامپ دیگر نامزد این حزب انتقاد کرد. وی خطاب به دیگر نامزدهای جمهوریخواه کناره‌گیری از انتخابات را خواستار شد تا یک نفر بتواند از این حزب در انتخابات پیروز میدان باشد.

۲۳۰ کشته و زخمی در انفجارهای تروریستی نیجریه

ایسنا: ۸۰ نفر به دنبال چندین بمبگذاری در منطقه‌ای در شمال شرق نیجریه کشته و ۱۵۰ تن دیگر زخمی شدند. مقامات پلیس اعلام کردند که سه انفجار در منطقه «مایدوگوری» منجر به کشته شدن ۵۴ نفر و زخمی شدن ۹۰ تن دیگر شد. همچنین چند ساعت پس از این انفجارها دو بمب در یک ایست بازرسی در نزدیکی شهر «مونگونو» رخ داد که براساس اعلام شاهدان ۲۶ تن در این حمله کشته و ۶۰ تن دیگر زخمی شدند.

دستگیری یکی دیگر از عوامل انفجار سفارت ایران در بیروت

فارس: نیروهای امنیتی لبنان از دستگیری یکی دیگر از عوامل انفجارهای سال ۱۳۹۲ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت خبر دادند. به گفته آنها این عنصر تروریستی با نام اختصاری «ا.ع» که در انفجار سفارت ایران در بیروت دست داشت دارای یک کارگاه بمب سازی در منطقه «یبرود» سوریه است. گفتنی است نیروهای امنیتی لبنان پیش از این شماری از عوامل این انفجار ازجمله «جمال دفتردار» از تروریست‌های خطرناک را دستگیر کرده بودند. دادگاه نظامی دائم لبنان جمال دفتردار را به هفت سال حبس محکوم کرده است.

سرکرده طالبان صلح با دولت کابل را مشروط به خروج آمریکا از افغانستان کرد

ایرنا: سرکرده گروه تروریستی طالبان افغانستان در پیامی در آستانه عید قربان تاکید کرد، صلح در افغانستان مستلزم پایان اشغال این کشور به دست نیروهای خارجی یا همان نیروهای ناتو است. «ملا اختر محمد منصور»، گفت: تمامی توافق‌های امنیتی و نظامی موجود میان دولت کابل و دیگر کشورها باید فسخ شوند. در خبری دیگر، مقامات محلی در ولایت «جوزجان» در شمال افغانستان اعلام کردند، یک سرباز ارتش ملی این کشور در بخش «قوش‌تپه» این ولایت با همکاری عناصر طالبان، ۱۰ سرباز همکار خود را کشت و از منطقه فرار کرد.

دبیر کل ناتو: روسیه همچنان برای جدایی طلبان اوکراین سلاح می‌فرستد



ایسنا: دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) ادعا کرد، روسیه همچنان برای شورشیان جدایی‌طلب شرق اوکراین که با دولت این کشور درگیر هستند، به رغم برقراری آتش‌بس جدید سلاح می‌فرستد.ینس استولتنبرگ، در نخستین روز سفرش به اوکراین گفت: آتش‌بس در اوکراین به طور کلی برقرار است با این حال وضعیت در اوکراین بسیار شکننده است.

حمله «پ.ک.ک» به کاروان نظامیان ترکیه در «وان» با ۱۳ زخمی

فارس: حمله نیروهای «پ.ک.ک» به کاروان نظامیان ترکیه در شهرستان «باش قلعه» استان وان به زخمی شدن ۱۳ نظامی ترکیه انجامید. این حمله در جاده باش قلعه به «هاکاری» رخ داد. نیروهای پ.ک.ک به هنگام عزیمت نیروهای ارتش، مواد منفجره کار گذاشته شده در جاده را از راه دور منفجر کردند. از سویی، رسانه های ترکیه از عملیات جنگنده های نیروی هوایی ترکیه در استان «تونجلی» و بمباران یک انبار بزرگ مهمات متعلق به پ.ک.ک خبر دادند. خبر دیگر اینکه، دو وزیر وابسته به حزب دموکراتیک خلق، بزرگ ترین حزب حامی کردها در ترکیه از دولت این کشور خارج شدند.

احتمال پیوستن پاکستان به ائتلاف ضد داعش قوت گرفت

ایسنا: پاکستان درخواست رسمی آمریکا مبنی بر پیوستن به ائتلاف بین‌المللی ضد داعش را مورد بررسی قرار می‌دهد. نخست وزیر پاکستان در سفر چند روز آینده خود به آمریکا برای حضور در مجمع عمومی سازمان ملل، حامل این پاسخ به مقامات آمریکایی خواهد بود. درخبری دیگر،رئیس جمهوری افغانستان در گفتگوی تلفنی با نخست وزیر پاکستان تأکید کرد، افغانستان هرگز اجازه نمی‌دهد از خاک این کشور برای آسیب رساندن به سایر کشورها از جمله پاکستان استفاده شود. در این حال، روزنامه «اکسپرس تریبون» نوشت، مقامات پاکستانی اعلام کردند، مدارکی را مبنی بر دخالت طالبان مستقر در خاک افغانستان در حمله «پیشاور» را در اختیار دولت کابل قرار خواهند داد.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۲۳۷

چهارشنبه یکم مهر ۱۳۹۴ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نودم - شماره ۲۶۲۶۱



یادداشت استاد

با ســـلام و عرض ارادت و آرزوی شادکامی و بهروزی، به دنبال مزاحمت تلفنی چهارشـــنبه عصر- ۹۴/۶/۱۱- تصویر جوابیه مرحوم پدر در باب اعتراض ایلیات گرامی لر و بختیاری و همینطور چند خط توضیح بنده به پیوست تقدیم میگردد. در مورد نامه پدر، فکر کنم دوستان محترم اطلاعات بهتر و سریعتر و کم غلط‌تر از من خط ایشان را میخوانند، بنابراین آنرا عینا تقدیم کردم. اما چند خط قلمی بنده مثل سنگ نتراشیده رگه دار هست که باید با قلم و چکش شما نویسندگان محترم صاف و صیقلی شود و نهایتا چنانچه صلاح به چاپ آنها بود، نه به نام من، که به نام خودتان منتشر شود. خدمت همه بزرگان و سروران، عرض سلام دارم و آرزوی توفیق

به نام خدا

چاپ جوابیه مرحوم پدر به سایت لور

شادروان باســـتانی پاریزی در سال ۱۳۲۳ اولین کتاب خود را به نام «نامه‌های پیغمبر دزدان» در دوران دانش‌آموزی در کرمان به چاپ رساندند. این کتاب پارسال به چاپ بیست و یکم رسید.

چند سال پیش در زمان تجدید چاپ آن، مرحوم پدر برای پشت جلد کتاب ترکیبی از یکی از نامه‌های نبی السارقین و عکس مرحوم حسینقلی خان ایلخانی بختیاری را انتخاب و به ناشر دادند. پس از چاپ کتاب گروهی از دوســـتان لر و بختیاری به این پشت جلد اعتراض و طی نامه ای که در ســـایت لور منتشر شد از مرحوم پدر انتقاد کردند. ایشـــان پس از مطالعه آن اعتراضیه، نامه ذیل را در پاسخ به این دوستان نوشته و برای سایت مذکور ارسال کردند و ضمن شرح چرایی این انتخاب، از این ســـوء تفاهم ابراز تاسف نمودند. حدس میزنم سایت لور نیز این نامه را منتشر کرد.

هفته گذشته ناشـــر کتابهای پدر ـ جناب آقای مهدی علمی ـ در تماسی فرمودند مدتی است گروهی ضمن تماس با نشرعلم و کتابفروشیهای عرضه کننده کتابهای پدر به این پشت جلد اعتراض کرده اند. آقای علمی نگران بودند که کار به جاهای باریک بکشد. خدمتشان عرض کردم قصد پدر از این ترکیب پشت جلد چیز دیگری بوده و منطقا نباید موجب اعتراض شود اما چنانچه لازم می‌دانید در تجدید چاپ بعدی از پشت جلد دیگری استفاده بفرمایید.

اما، جدای از این مسئله، فکر کردم جوابیه مرحوم پدر در جایی به غیر از کتاب پیغمبر دزدان نیز چاپ شود. شاید برخی دوستان و فرهیختگان جوانتر که ممکن است با روحیات ایشان و دیگر بزرگان علم و ادب و هنر کمتر آشـــنا باشند، با مطالعه آن نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی با تساهل و رواداری بیشتری برخورد کنند و انشاءالله با بالابردن سطح تحمل خود موجب کاهش عصبیت و برهم زدن مرزبندیهای غیر واقعی که مابین اقوام و آحاد ملت ایران شده گردند. تساهل و رواداری که مرحوم پدر در عموم نوشته‌های خود آنرا نشر داده و برای پویایی، تحول، سر زنده‌گی و همدلی یک جامعه آنرا لازم میدانستند.

با احترام

حمید باستانی پاریزی

شهریور ۹۴

نوشته استاد باستانی پاریزی

در ســـایت لور ـ که به لطف دوستی از آن آگاه شدم ـ گلایه‌ای بود از من که چرا تصویر شهید مظلوم حسینقلی خان ایلخانی بختیاری را در پشت جلد چاپ اخیر پیغمبر دزدان گذاشته بودم ـ ایرادکننده گله کرده بود که: «آیا نمی‌شد زیر تصویر یا لااقل در صفحات اولیه کتاب توضیح داده می‌شـــد که علت استفاده از تصویر خان بختیاری به جای پیغمبر دزدان چیست؟

ادامه در صفحه ۲

سخن خوانندگان

دلنوشته یک معلم

سردبیر محترم و همکاران ارجمند روزنامهٔ خوب اطلاعات

روزگاریست که دل در گرو مهر شما داریم، چشم بر در و گوش بر پیغامیم که چه ساعت پیک در رسد و خبر از وصول روزنامه‌ای بدهد که بی‌اغراق هر روز را به امید خواندن آن آغاز می‌کنیم. می‌دانیم که این مهرورزی یکسویه نیست، کشش مطالب آموزنده و نوشته‌های کوبنده و نکات و اشارات و تلویحات، شما به‌قدری گویاست که گوش تغافل را هم بی‌سرانجام نمی‌گذارد. این خوش‌آمدگویی نیست بلکه حقیقتی است که اکثریت مردم آگاه ما برآنند. ما مطبوعات دیگر را هم مطالعه می‌کنیم و هر بار مفهوم (تعرف‌الاشیاء با ضداد هم) در ذهنمان تازه‌تر و روشنتر می‌شود.

ما بـــه انتخاب خودمان می‌بالیـــم و برای همهٔ دست‌اندرکاران تهیه و تولید روزنامهٔ خوبمان آرزوی توفیق روزافزون داریم.

اکنون که مشغول نوشتن این سطور هستم روزنامه در برابر دیدگانم گشوده است و همچنان می‌آموزد و می‌آموزد...

نرجس هاشمی معتمدی

معلم بازنشسته

آموزه



ما کنترل آینده خویش را از کف نداده‌ایم. امکانات جدید آکنده از مسائل اخلاقی تازه‌ای هستند

آنتونی گیدنز



قلم‌انداز

کریم فیضی

زندگی در بی‌زمان

غریزه انسان کاری بی‌ساعت، طبعاً با طلوع و غروب خورشید تنظیم می‌شود: با طلوع خورشید به حرکت در می‌آید و با غروب خورشید حرکت را پس می‌زند. برای انسان بی‌ساعت، ساعت درون او محوریت تام و تمام دارد.

به اقتضـــای درون عمل می‌کند. از ندای درون تبعیت می‌کند و همین ندا به او می‌گوید که کی چه کاری را انجام بدهد و چنین شده که زمان کاشت و برداشت در این سرزمین ـ بسته به اقلیم‌های مختلفی که در آن حکمفرماست ـ شکل گرفته و آغاز و پایان هر فصلی، تبدیل شده است به یک موقعیت مرتبط با زندگی: فصل و زمانی اختصاص یافته است به کار و تلاش و تکاپو. فصل و زمانی اختصاص یافته به برداشـــت و ذخیره و تنظیم معاش خود و خانواده، فصل و زمانی اختصاص یافته به اموری مانند ازدواج و پیوند و مواصلت که با شهرها و روستاهای دور و نزدیک روی می‌داد، و عاری از مشـــکلاتی چند نبود و زمانی هم که اختصاص می‌یافته به سفر که غالباً به شکل زیارت بوده است: زیارتهایی نزدیک و بدون حاجت به راه و توشه طولانی مانند زیارت امامزاده‌های دور و نزدیک، زیارتهایی دور و محتاج راه و توشه و شرایط لازم به پیش‌بینی مانند زیارت قبر امام هشتم شیعیان(ع) در خراسان که طبعاً برای یک آذربایجانی ۱۰۰ سال پیش امری دشوار و شاق بوده است و زیارتهایی دورتر مانند رفتن به مکه و عتبات عالیات از نوع نجف و کربلا و... که در واقع، نوعی حالت سفر به آخر دنیا داشته و کاری بوده است در حکم سفر به فضا برای انسان امروزی که البته باید بیشتر توضیح داده شود.

در غیبت یک ساعت ـ یک ساعت مچی ناقابل که حتی در حد یک اسباب‌بازی برای یک دختربچه ۱ ساله هم اعتبار و مصرف ندارد ـ زندگی با حرکت باد می‌گذشـــت و به سائقه عبور تند و کند ابرها و گردش خورشید در آسمان (!) و سایه‌هایی که از آن تولید می‌شد و به کوهپایه‌ها و کنار درخت‌ها و خانه‌ها می‌ریخت و مردم به لطافت و آرامش و سرمای آن پناه می‌بردند و در پناهش از گرمای سوزان بی‌زمانی می‌غنودند و می‌آسودند و در نبود ساعتی با ۱۲ عدد و ۳ عقربه مردم خودشان و دیگران و در یک کلمه زندگی را با تاریکی و روشنایی تنظیم می‌کردند: با کوچک و بزرگ شدن قوس ماه.

نداشتن یک ساعت ـَ ابزاری که با چند قطعه ساده، بچرخد و بگردد و زمان را بازگو کند ـ کار را به آنجا رسانده بود که با گرما ، صحبت تابستان به میان بیاید، با سرما اوصاف زمستان ذکر شود و با نه گرم و نه سرد پاییز روایت شود و با نه سرد و نه گرم، بهار زمزمه شود.

بی‌جهت نیســـت که در فرهنـــگ ایرانی، بخصوص در زبان عامیانه نسلی که در حال پایانند، اواسط هر یک از فصول اسمی دارد و شب یلدا، علامتی است کهن از روز شماری ملت و جماعتی که ساعت نداشتند و نمی‌دانستند تقویم چیست و زمان را گم کرده بودند و در بی زمانی محکوم به زندگی بودند.

امروزه زندگی در بی‌زمانی ناممکن است. هیچ انسانی قادر نیست بدون اینکه بداند امروز چه روزی است و سال چه سالی است و ماه کدام ماه و ساعت چند، مناسبات خودش را تنظیم کند. تجربه‌های قابل تکرار ما نشان می‌دهد که ندانستن زمان ـ حتی در این حد که ندانیم ساعت چند است ـ آزاردهنده و گیج کننده‌است.

مقاله

یادداشت استاد



ادامه از صفحه اول

«اول عرض کنم که پیغمبر دزدان بزرگترین مدافع نظام ایلیاتی ایران اســـت اما در این جا حق با نویسنده سایت است اما تصویر به جای پیغمبر نیست. در جز نامه‌های پیغمبر نامه‌ای است و دلکش به نام ایلخانی که اول نامه در دست نیست و من با قرینه‌ای ضعیف حدس زده بودم که شاید مربوط به برادر ایلخانی بوده باشد ـ و تفصیل مفصل هم در مظلومیت ایلخانی و کشته شدن او در دو صفحه کتاب داده‌ام (ص ۴۶۶)

و پشت جلد هم از میان شخصیت‌هایی که در کتاب یاد شده است از او استفاده شد و حق با صاحب سایت است که اسم کتاب موهم این باشد و این نکته را القاء کند که با صاحب تصویر در نظر عامه تخلیط شـــود به هر حال باید عرض کنم که نه تنها حسینقلی خان را مظلوم کشته‌اند، بلکه باید بگویم نسبت به ایل جلیل بختیاری کمال احترام را دارم و این ارادت در مقاله مفصلی که برای بی‌بی مریم در مقدمه دیوان پژمان بختیاری نوشته‌ام کاملاً آشکار است ـ و اشکال سایت این است که چون من نه سایت دارم و نه موبایل امکان دفاع ندارم ـ هم چنانکه ســـال گذشته در یک سایت که مربوط به ترکان و آذربایجان بود یک تن شعری سست و پر از توهین خطاب به ترکان نوشته و آن شعر را به من نسبت داده بود ـ و حال آنکه روح من از آن خبر نداشـــت و بعد هر که می‌پرســـید که این شعر از توست؟ جواب من این بود که من شعر خوب، نمی‌گویم ولی به این بدی هم شعر نمی‌گویم ـ خدا کند که سوءنیتی در کار نباشد ـ وگرنه نظر من در باب ایل جلیل بختیاری همانست که در مقاله بی‌بی‌مریم آورده‌ام و به قول شاعر

گر دل به هوای لوریی بر جو شد
صد تُرک بر آن عرضه کنی ننیوشند

حق بختیاری بر مشروطیت ایران مسلم است. و عجیب آنکه باعث اصلی آن سردار اسعد از هر کس فداکارتر بود و با گذشت‌تر که وقتی تلویحاً به او گفتند، بعد از مرگ می‌خواهیم نعش شما را در بهارستان دفن کنیم، سردار اسعد جواب داده بود که: مجلس که قبرستان نیست، مرا هم مثل دیگران در تخت پولاد و یا جای دیگر چال کنید. (تلاش آزادی، چاپ ششم،ص ۱۵۹). به هر حال امیدوار هستم که در چاپ دیگر ـ که به زودی خواهد شد ـ این اشتباه را جبران کنم.

با تقدیم احترامات فائقه
اول بهمن ماه ۱۳۸۷ش/ به ژانویه ۲۰۰۹
باستانی پاریزی

گفت و گو با استاد کامران فانی

کتابداری و کتابخانه

طی چهار جلسه در ســـال ۱۳۸۴ پیمانه صالحی با اســـتاد کامران فانـــی در قالب طرح تاریخ شفاهی کتابخانه ملی به گفت و گو نشسته اســـت. متن گفت و گو را زهرا گودرزی و آزاده بناقچیان ویرایش کرده اســـت. آنچه در اینجا می‌خوانید گزیده‌ای از این گفت و گو با ویرایش استاد کامران فانی است.

*** در چه ســـالی عضو هیأت علمی مرکز خدمات کتابداری شدید؟**

یکی از اقدامات مهم مرکز خدمات کتابداری که کتابداران باید حق‌شناس و مدیون آن باشند، ورود به هیأت علمی بود. عضویت در هیأت علمی تا آن زمان، مختص دانشگاه‌ها بود و اساتید دانشگاه عضو هیأت علمی می‌شدند. وقتی وزارت علوم درست شـــد، گفتند که فقط بخش آموزش مهم نیست و بالاخره در کنارش، بخش پژوهش هم مهم است. بخش پژوهش هم در حد بخش آموزشی و شاید هم‌طراز آن هم باشد. بنابراین لازم است که رتبه دانشگاهی یا هیأت علمی، فقط به اساتید بخش آموزشی داده نشود و به بخش پژوهش و کسانیکه تحقیق می‌کنند، حتی اگر تدریس هم نمی‌کنند؛ رتبه‌های دانشگاهی بدهند. این را وزارت علوم تصویب کرد و خیلی از رشته‌ها هم گرفته بودند. مرکز خدمات کتابداری که این را پیشنهاد کرد و گفت که کتابداران هم کار تحقیقاتی می‌کنند، اول مطلقاً قبول نمی‌کردند؛ چون آن زمان تصور جامعه از کتابدار، کسی بود که پشت میز می‌نشست و کتاب می‌داد و هیچ تصور نمی‌کردند که کتابداری در حد حوزه تحقیقاتی و دانشگاهی هست. به هر حال با کوشش‌های مداوم مرکز خدمات کتابداری و چون آن موقع به وزارت علوم وابسته بود وزارت علوم هم مرکز تحقیقاتی ساخته بود؛ پذیرفتند که کتابداری هم یک حرفه علمی است و می‌تواند محقق داشته باشد و محقق آن هم می‌تواند در سطح دانشگاهی باشد. بعد از آن هیأت علمی کتابدارها درست شد که البته بعداً خیلی جاهای دیگر هم از آن استفاده کردند، ولی شروع آن در مرکز خدمات کتابداری بود. خوب یک مقدار شـــرایط و لوازم برای ورود به آن بود که بیشتر تألیفات و ... بود و من چون اینها را داشتم، خیلی زود و قبل از اینکه فوق‌لیسانسم را هم بگیرم، وارد هیأت علمی وزارت علوم شدم. البته چون بعد یک مقداری هم تدریس می‌کردم، دیگر کلاً به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاهی شناخته شدم.

*** در مـــورد مرکز خدمـــات کتابداری با کتابخانه ملی در سال ۱۳۶۲ بفرمایید. آیا نظرتان نسبت به ایشان ادغام مثبت بود؟**

بله، حتماً. ببینید کتابخانه ملی مهم‌ترین کتابخانه هر کشور و مظهر فرهنگ مکتوب آن کشور است. اگر کتابخانه ملی درست نشود و نمونه قرار نگیرد، کتابخانه‌های دیگر که باید از آن الگو بگیرند، بعید است که پیشرفت کنند. متأسفانه تا قبل از انقلاب، کتابخانه ملی کادر علمی نداشت، در صورتی که در مرکز خدمات، بیست فوق‌لیسانس و دکترای کتابداری کار می‌کردند.

به هر حال این پیشنهادی بود که همان اوایل پیروزی انقلاب، مرکز خدمات کتابداری دارد که مرکز خدمات کتابداری به کتابخانه ملی منتقل یا در آنجا ادغام شود.

دو، سه سال اول انقلاب داشت مقدمات آن فراهم می‌شد و در سال ۱۳۶۲ منتقل شدیم. البته تا مدت‌ها، مرکز خدمات کتابداری جایش را حفظ کرده بود، ولی به ساختمان قدیمی کتابخانه رفتیم. مشکل اول این بود که کتابخانه ملی علاوه بر این که برنامه نداشت، جا هم نداشت. به هر حال در طی این مدت، مرکز خدمات با کتابخانه ملی یکی شد. کتابخانه ملی کارمند قدیمی کتابدار زیاد داشت، ولی کارمند تحصیلکرده کتابداری فوق‌العاده کم داشت. از روز اول هم همه قبول کردند برای این که سطح علمی کتابخانه بالا برود، باید همان اهداف مرکز خدمات کتابداری دنبال شده افرادش در آنجا مشغول به کار بشوند.

بنابراین خیلی فرق نکرد و حتی بهتر شد، چون ما یک مجموعه خیلی غنی برای کارهای تحقیقی در اختیارمان بود. تقریباً همان برنامه‌های مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی اجرا شد. مهم‌ترین برنامه این بود که ساختمان کتابخانه ملی جا نداشت. قبل از انقلاب ما پیشنهاد داده بودیم که باید یک بنایی را بر طبق استانداردهای کتابداری برای کتابخانه ملی بسازید و بعد محتوای آن را درست کنید. خوب وقتی هم به کتابخانه ملی آمدیم، دنبال این پیشنهاد بودیم. خوشبختانه بالاخره تصویب شد که یک ساختمان جدید برای کتابخانه ملی ساخته شود تا بتواند اهداف کتابخانه ملی که در اساسنامه‌اش آمده



است را اجرا کند. قبل از انقلاب راجع به تأسیس یک کتابخانه جدید، دو سه سال کار و تحقیق شده بود. یک تیم بین‌المللی کار کرده بودند. مجموع تمام آن گزارش‌ها، نوشته‌ها و تحقیقات به کتابخانه ملی منتقل شد. بعد از این که در کتابخانه ملی تصویب شد که ساختمان ساخته شود و سازمان و تشکیلات کتابخانه هم تغییر کند؛ پشتوانه‌اش در واقع کارهایی بود که قبل از انقلاب در مرکز خدمات کتابداری انجام شده بود. بخش‌های علمی آن که انجام شد و بخش‌های سازماندهی آن هم با توجه به امکانات جدید بازنویسی شد.

کتابخانه ملی از سال ۱۳۶۸ مستقل شد، قبل از انقلاب به وزارت فرهنگ و هنر و بعد از انقلاب به وزارت علوم وابسته شد، ولی جایگاه کتابخانه ملی اینجاها نبود؛ چون سرویس کتابخانه ملی به همه مملکت است اصولاً نباید به وزارتخانه خاصی وابسته شـــد در هیچ جای دنیا هم کتابخانه ملی وابسته به وزارتخانه خاصی نیست. معمولاً زیر نظر ریاست جمهوری یا نخست‌وزیری یا مجلس است. علی‌الاصول یک نهاد کاملاً مستقل است و فقط یک رابطه‌ای با نهاد ریاست‌جمهوری داشت و ریاست عالیه آن هم بر عهده ریاست جمهوری بود؛ ولی کاملاً مستقل عمل می‌کرد یعنی زیر هیچ زیرمجموعه‌ای نبود. با این کار می‌توانست باز عمل کند و خدماتش هم شامل تمام مراکز ایران بشود، نه یک وزارتخانه و حتی دولت؛ یعنی گسترش پیدا کرد. پس این هم جزء همان برنامه‌ها بود که انجام شد.

از آن به بعد دیگر ما هم که وارد کتابخانه ملی شده بودیم، هدفمان این بود که یک کتابخانه ملی جدید را بسازیم و در کنارش هم علم کتابداری را تا آنجایی که به حوزه تحقیقاتی و ابزار کار کتابداری مربوط می‌شـــد؛ فراهم بیاوریم. بعد که این ابزار فراهم شد، طبعاً هر کتابخانه‌ای با نیروی انسانی که داشت، می‌توانست عمل کند و همه مقدمات برایش فراهم بود.

*** کتابخانه ملی قبل از ادغام با مرکز خدمات کتابداری، از نظر کمی و کیفی وضعیت خوبی نداشت، درست است؟**

خوب بله، چون نیروی انسانی تحصیلکرده و متخصص نداشت. بعد در واقع سی، چهل نفر اضافه شدند و یک تحول اساسی در کتابخانه ملی پیدا شد. کتابخانه ملی به صورت قبلی‌اش، درست مثل یک کتابخانه عمومی خیلی ضعیف بود. بعد از انقلاب بود که توانست اهداف اصلی کتابخانه ملی را دنبال بکند. از همه مهم‌تر هم این بود که اول بتواند نیروی انســـانی را جذب کند تا بعد به اهدافش برسد.

*** به نظر شـــما کتابخانه ملی در چه دهه‌ای بهترین دوران خودش را از نظر فعالیت داشته است؟**

فکر می‌کنم در این ده سال اخیر بوده قبل از انقلاب که من در آن کار نمی‌کردم و نمی‌دانم، ولی کارنامه درخشانی نداشته و در واقع اصلاً کارنامه نداشـــته. اصولاً کتابخانه به مفهوم مدرن امروزی نبوده. بعد از انقلاب که من به کتابخانه ملی آمدم، کتابخانه ملی یک بحران تعویض ریاست داشت. ده، یازده نفر در طی چند سال اول انقلاب ریاست کتابخانه ملی را می‌گرفتند و عوض می‌کردند، این اســـت که با اینکه کار اصلی انجام نمی‌شد یک برنامه‌ریزی گسترده انجام داد.

با آمدن آقای خاتمی در سال ۱۳۷۱، ایشان دیگر ماند و تغییر نکرد و تا زمانی که رئیس جمهور شد. بعد هم آقای بجنوردی هشت سال در کتابخانه ملی بود. بنابراین دیگر برنامه‌ها می‌توانست تداوم پیدا کند. می‌دانستم که به هر حال رئیسی هست که کم‌و بی آشنا شده، برنامه‌ها را قبول دارد و اجرا می‌کند، قبل از آن با تغییرات مداوم مدیریت، هیچ برنامه دراز مدتی نمی‌توانست اجرا بشود. با اینکه برنامه‌های جدی و اصلی انجام می‌شد، ولی به هر حال تابع تغییراتی بود. اما در واقع دوران شکوفایی کتابخانه ملی از حالا به بعد است. در واقع از زمانی که ساختمان جدید کتابخانه آماده بهره‌برداری شد، سازمان جدیدش به تصویب رسید و امکانات مالی و نیروی انسانی آن هم کم‌وبیش فراهم شد.

ادامه دارد

فرهنگ

زهرا فراهانی

روایت دکتر شرف‌الدین خراسانی/ ۳

یونان؛ فلسفه و برده!

مورخ معتبری مانند گُم در تاریخ یونان خود می‌نویسد که از ۱۱۵ هزار برده در آتن،۶۵ هزار در خانه‌داری، ۵۰ هزار در کارگاههای صنعتی و ۱۰ هزار در معادن مشغول بوده‌اند.

بردگان به طور کلی، در یونان به همهٔ کارها گمارده می‌شـــدند و تقریباً هر نفر آتنی، حتی بینواترین آنـــان نیز دارای یک یا چند برده بوده اســـت. دارندگان کارگاههای بزرگ آهنگری، اسلحه‌ســـازی و سفالگری، بردگان را به عنوان کارگران می گمارده‌اند. کوزه‌ها و ظرفهای سفالین یونانی بسیار زیبا که اکنون در موزه‌های بزرگ جهان می‌درخشند، اغلب نامهای سازندگان و نگارگران را در گوشه‌ای از خود نشان می‌دهند و چنانکه از این نامها پیداست بیشتر ایشان بردگان یا بردگان آزاد شده بوده‌اند، و حتی در یک مورد نیز نام یکی از همشهریان اصیل و آزاد آتنی در آنها دیده نمی‌شود! هزاران برده در معادن زر لاوریون در جنوب آتن عرق می‌ریخته‌اند. تنها در یک کارگاه اسلحه‌سازی در آتن که مالک آن مردی به نام کِفالُس بوده است، ۱۲۰ برده کار می‌کرده‌اند. در میان بردگانی که در شمار متعلقات خانه بودند، چند تن گمارده می‌شدند که کودکان را در راه رفتن به دبســـتان و بازگشت به خانه همراهی کنند. این بردگان را پایداگوگی می‌نامیدند (واژه‌ای که کلمهٔ پداگوژی در زبانهای اروپایی به معنی آموزش و پرورش کودکان و جوانان از آن مشتق شده است!) در آتن عموماً سنت این بود که هر فرد آزاد آتنی هنگام بیرون شـــدن از خانه، باید یک یا چند برده، بسته به توانایی مالی او، وی را همراهی کنند!

در کنار بردگان خصوصی، گروهی نیز از بردگان یافت می‌شدند که متعلق به سازمان دولتی شهر یا به دیگر سخن، بردگان عمومی بودند. کارها و وظایفی بر عهدهٔ ایشـــان بود که فرد آزاد آتنی آن را در خورشـــأن خود نمی‌دانست. در میان این بردگان همگانی زندانبانان، منشیان، داروغگان، جلادان و بردگان کارگر در ضرابخانه یافت می‌شـــدند. گروه دیگری از همین مقوله بردگان بودند که اسکوتای skuthai یا کمانداران نامیده می‌شدند و شماره شان نخست سیصد و ســـرانجام هزار و دویست نفر بود و در شهر آتن وظیفهٔ شهربانی و پلیس را برعهده داشتند. بر روی هم بردگان را به همهٔ کارهایی که بیش از هر چیز نیروی تن لازم داشت، می‌گماردند. اما رفتار با بردگان، از آنجا که از چشم یونانیان جانوران آدمی‌پا تلقی می‌شدند، به هیچ روی رفتار یک انســـان در برابر انسان دیگر نبود. با وجود این، چون در حقیقت، مهمترین شرط طبیعی و افزار تولید و کار به شمار می‌رفتند، قانون برای ایشان نیز حقوقی کم و بیش در حدود حقوقی که آدمیان برای چهارپایان و جانوران اهلی خود رعایت می‌کنند، تعیین کرده بود. مردم آتن ظاهراً با بردگان خود رفتاری انسانی‌تر داشته‌اند. قانون آنان را از کشته شدن و شکنجهٔ بی‌اندازه دیدن مصون می‌داشت. اگر برده‌داری، بردهٔ خود را، بی‌آنکه وی به علت جنایتی در دادگاه محکوم شود، می‌کشت، می‌بایستی جریمه و تاوان آن را در پرستشگاه به یکی از خدایان می‌داد! اما بردگان از هرگونه حقوقی مدنی و سیاسی محروم بودند. تنها اگر زیر شکنجهٔ بی‌اندازه و غیرلازم قرار می‌گرفتند، یا سروران با ایشان بی‌اندازه بدرفتاری می‌کردند، بردگان می‌توانستند به پرستشگاه تِسیوس پناهنده و در آنجا به اصطلاح متحصن شوند و بخواهند که ایشان را به سرور دیگری بفروشند! بردگان دارای جامهٔ ویژه‌ای نبودند، اما نمی‌توانستند موهای بلند داشته باشند. ایشان گاهی قانوناً می‌توانستند آزاد شوند یا خود را آزاد سازند، به این گونه که برخی با اجازهٔ صاحبان خود می‌توانستند پولی پس انداز کنند و بهای خود را به سروران بپردازند و سپس آزاد شوند، بعضی دیگر نیز که خدمات درخشانی انجـــام داده بودند یا در جنگها از خود دلیری و بی‌باکی فراوان نشان می‌دادند، می‌توانستند آزاد شوند. اما وضع بردگان آزاد شده نیز، فرق اندکی در زندگیشان پدید می‌آورد. از لحاظ اجتماعی و سیاسی با ایشان مانند بیگانگان ساکن آتن رفتار می‌شد و همواره در برابر آزاد کنندگان خود، به عنوان حامیان خود، مســـئول بودند و حتی در دادگاه، اگر به علتی محکوم می‌شدند، می‌توانستند به سروران پیشین خود، بار دیگر چون برده، پس داده یا به وســـیلهٔ دولت فروخته شوند، و بهای آنان به صاحب قبلی داده می‌شـــد. بردگان آزاد شده معمولا بسته به توانایی و شایستگی خود، به کارهای تولیدی و پیشه‌وری و نیز صنعتی دست می‌زدند، یعنی تمامی آن گونه کارهایی که فردآزاد و دموکرات آتنـــی، پرداختن به آنها را، چنانکه خواهیم دید، در شأن خود نمی‌دانست.



مثبت و منفی برده‌داری در یونان

برده‌داری، چنانکه اشـــاره کردیم، نیروی بنیادی تولید مادی و اقتصادی در یونان باستان بوده است و پیوندهای اجتماعی نیز بر همین پایه، مناسبات جامعهٔ برده‌داری به شمار می‌رفت. اما از سوی دیگر، برده‌داری در شکل کامل آن هنگامی بنیاد و انگیزهٔ اساسی زندگی مادی در یونان گردید که نیروهای تولیدی و بر روی هم اقتصاد جامعهٔ یونانی از پیش گسترش معینی یافته بود، به دیگر سخن، تقسیم کار و در نتیجه ثروت، شـــکل مشخصتری به خود گرفته بود. افزایش تولید و بویـــژه تولید کالا برای صدور و توسعه بازرگانی یونان و گردآمدن ثروت در دست گروه‌های معین، انگیزه‌های اصلی وضع نوین بشمار می‌رفتند و بدین‌سان شکل کامل برده‌داری به میان می‌آمد. بردگان در واقع نیروهای اصلی کار و تولید اجتماعی بودند. پیدایش بردگی در شـــهرهای پیشرفتهٔ یونان، جدایی مشخص کشاورزی را از کارهای دستی و صنعتی پدید آورد، چنانکه در آتن و بسیاری شهرهای دیگر، بیشتر صنایع و رشته‌های آن به دست بردگان یا بردگان آزاد شده انجام می‌گرفت. بردگان افزار اصلی کار بودند، در حالیکه افزار تولید، عموماً همچنان در مراحل پیشین تکامل مانده و تنها اندکی دگرگون شده بود. پس می‌توان گفت که گسترش و نفوذ نظام برده‌داری در همهٔ رشته‌ها و شکل‌های زندگی یونانی، تکانی تازه بود که نتیجهٔ نهایی آن، شکفتگی و تکامل تمدن و فرهنگ و دانش نیز، چنانکه خواهیم دید، گردید. به این معنی که برده‌برداری در یونان تقسیم مشخص کار را، میان کارتنی و کارمغزی یا اندیشه‌ای ممکن ساخت. به دیگر سخن، در دوران شکفتگی تمدن یونان، بردگان تولید کنندگان اصلی زندگی مادی جامعه، و افـــراد آزاد، کارفرمایان و کارپردازان سیاست، دولت و آفرینندگان دانش و هنر بشمار می‌رفتند. روشنترین دلیل براین وضع، گواهی خود یونانیان و از آن میان برجسته‌ترین و پیشرفته‌ترین مغزهای ایشان است. چنانکه پیش از این گفته شد، گروهی از مورخان اروپایی که می‌کوشند یونانیان را از ننگ برده‌داری پاک کنند، دانسته یا ندانسته، از گواهیهای مستند و انکار ناپذیر خود یونانیان چشم می‌پوشند. در حالی که حقیقت این است که ما وضع برده‌داری را در یونان باستان، نمی‌توانیم و نباید بر پایهٔ عواطف اخلاقی و از دیدگاه ارزشهای انسانی کنونی خودمان داوری کنیم. برده‌داری، برای آن مرحله از تاریخ انسان و گسترش زندگی اجتماعی وی، نه تنها تنگ نبود، بلکه در مسیر تکامل اجتماعی، پیشرفتی بشمار می‌رفت، که بدون این عامل، فرهنگ و تمدن شکفتهٔ یونانی اصلا پدید نمی‌آمد! خود یونانیان، بیـــش از هر کس بر این نکته گواهند و ناآگاهانه آن را نشـــان داده‌اند. مثلا ارسطو (یا آریستوتِلِس ۳۲۲/۱_۳۸۴/۳ پیش از میلاد) یکی از بزرگترین فیلسوفان و اندیشمندان یونان و سراسر تاریخ اندیشهٔ انسانی، ضرورت بردگان و نظام برده‌داری را برای زندگی مادی و معنوی جامعهٔ یونانی به روشنی نشان می‌دهد. وی می‌نویسد: «مالکیت عموماً مجموعه‌ای از افزار است و برده پاره‌ای جاندار از دارایی است... زیرا اگر ماکوها به‌خودی خود می‌بافتنـــد، یا مضراب‌ها چنگ می‌نواختند، استادکاران به دستیاران و کارفرمایان به بردگان نیاز نمی‌داشتند». بدین‌سان ارسطو نیز بردگان را چونـــان افزار تولید در کنار نیروها و افزارهای دیگر به‌شمار می‌آورد. اما برای این‌که نشان داده شود که در نظر یونانیان بردگان در واقع، همان آدمی پایان و در شـــمار جاندارانی دارای نیروی فراوان تن و به دیگر سخن زائده‌های افراد آزاد بوده‌اند و جز این هیچ‌گونه همگونی و پیوند دیگری با انسان‌های آزاد جامعه نداشته‌اند، باز به استدلال دیگر ارسطو می‌پردازیم. وی در همان کتاب می‌نویسد: «بنابراین، در حالی که سرور، به سادگی سرور است و به برده تعلق ندارد، برده تنها بردهٔ سرور نیست، بلکه یکپارچه و همگی متعلق به سرور است... پس، این ملاحظات خاصیت برده و سرشت او را آشکار می‌سازد: یعنی یک موجود که در سرشـــت، نه از آن خودش، بلکه متعلق به دیگری است، و در سرشت خود برده است.» ارسطو همین نکته را که بردگان در طبیعت و سرشت خود موجوداتی غیر از افراد آزادند، در جای دیگری از همان کتاب توضیح می‌دهد. این گفتهٔ ارسطو به روشنترین نحوی نمودار مرحلهٔ گسترش یافتهٔ سازمان مادی و پیوندهای اجتماعی یونان است که در آن کار فکری از کار تنی آشکارا جدا و مشخص شده است. وی می‌نویسد: «زیرا کسی که تواناست به نیروی اندیشه پیش‌بینی کند، طبیعتاً سرور و طبیعتاً کارفرماست، و کسی که می‌تواند با تن خود کارها را انجام دهد، طبیعتاً فرمانبردار و برده است».



دکتر شرف

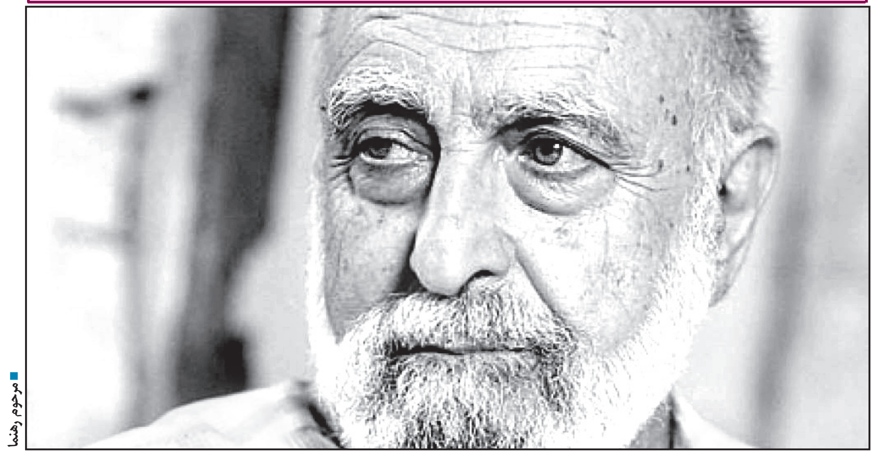
ریشه واقعی این اندیشه ارسطویی را باید در اینجا جستجو کرد: در مرحله‌ای از جریان تکامل اجتماعی خود، چنانکه پیش ازین اشاره شد، آدمیان در فعالیت تولید زندگی مادی، خود را از شرایط طبیعی و غیر آلی محیط جدانمی دانسته‌اند و در مبادلهٔ خود با طبیعت، میان ایشان و طبیعت یگانگی وجود داشته است. در واقع، جدایی میان این شرایط طبیعی غیرآلی وجود انسانی و خود انسان‌ها، بعدها و در نتیجه دگرگونی شرایط تولید و پیوندهای اجتماعی پدیده آمده است. بنابرایـــن در آن دوران، یعنی دوران برده‌داری نیز، هنوز این یگانگی و همبستگی میان انسان‌ها و شرایط طبیعی ایشان به شکلی وجود داشته بود و بدین‌سان بردگان در واقع بخشی بوده‌اند از عوامل زندگـــی اجتماعی که از نظر بخش دیگر، یعنی افراد آزاد، چونان شـــرایط طبیعی غیر ارگانیک برای تولید و تولید دوبارهٔ زندگی مادی، یعنی دوام هستی جامعه، تلقی می‌شده‌اند. کار برده، بنابراین، میان او و شـــرایط عینی کار او، هیچ‌گونه پیوندی ایجاد نمی‌کرده است، بلکه خود کار او، در شـــمار دیگر شرایط طبیعی و غیر آلی تولید اجتماعی و نیز در شمار زمین و چهارپایان بوده است و از این دیدگاه برای بقای جامعه یک ضرورت گریزناپذیر به‌شمار می‌رفته است. ارسطو در نوشتهٔ دیگری، این وابستگی جدایی‌ناپذیر را میان بردگان و سروران، به مثابهٔ یک ضرورت طبیعی، این‌گونه توضیح می‌دهد: «زیرا روح افزار همزادِ تن است، و بردهٔ نیز گویی اندام یا افزار سرور خویش است، چنانکه افزار، برده‌ای بیجان است.»

گفتیم که برده‌داری، شکل مشخص تولید مادی و نیروی اصلی کار در یونان بوده است. البته این بدان معنا نیست که افراد آزاد به کارهای تولیدی دســـت نمی‌زدند. در میان ایشان نیز کارگران، پیشه‌وران، صنعتکاران و هنرمندان بسیار بوده‌اند. اما نسبت اینان با شمارهٔ بردگان، چنانکه دیدیدم ناچیز بوده است.

از سوی دیگر، تسلط کار بردگان بر تولید و زندگی مادی یونان، نتیجهٔ ریشه‌دارتری در اندیشه یونانی پدید آورده بود و آن این‌که یونانیان هرگونه کار تولیدی مادی را خوار کننده و شـــرم‌انگیز می‌شمردند و به صنعتکاران، پیشه‌وران و کارگران روز مزد به دیدهٔ خواری می‌نگریستند.

یادی از اندیشمند فقید مجید رهنما

دیدار در پاریس


مرحوم رهنما

سعید جازاری معمویی: روز دوشنبه اوائل ماه ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی بود که متوجه تماس ناشناسی با تلفن همراه خویش شدم که البته موفق به پاسخگویی آن نگردیدم. بار دوم که آن شماره روی صفحه تلفن افتاد و زنـــگ آن به صدا در آمد به آن جواب دادم. آن سوی خط؛ لحنی سالخورده و طنین پیری ادب آموخته و قرین به ادبیاتی گرم و ویژه؛ با متانتی خاص و آرام؛ به فرانسوی سخن گفت:«آیا من با جناب جازاری سخن می گویم؟» پاسخ دادم بله حضرتعالی؟ فرمود: بنده رهنما هستم. آیا امکان دارد با شما ملاقاتی داشته باشم؟ پرسیدم در چه رابطه؟ گفت: «زیارتتان کنم و با هم سخن بگوییم. بنده وصف سخنان شما را در ایام محرم و مناسبت‌های دینی در پاریس شنیده‌ام. یکی از دوستان تلفن عالی را به بنده مرحمت کردند.»

به ســـنت فرهنگ پاریس‌نشـــینان و آداب ضیافت‌های نخستین آنها، با او در کافه رستورانی در پلاس دو مقشه شهر نویی سوق سن در ورودی خیابان شارل دوگل پاریس قرار گذاشتم. بعد از ظهری بود و هوای گرم مناسب اوائل فصل تابستان. در ورودی کافه روی صندلی‌های تراس، پیرمرد روشن عارض و نورانی ضمیر با پیراهنی سفید آستین بلند و محاسنی گندم گون یا بلوند نشسته بود. او برای شناسایی فردی که با وی قرار ملاقات داشتم، نشانی‌های لازم را داشت.به فرانسوی ســـلام نموده و گفتم:« جناب رهنما؟» او هم پاسخ داد:« مسیو جازاری؟» و خلاصه فهمیدم ایشان همان فردی‌ست که تلفنی تماس گرفته بود.

قهوه‌ای برایم سفارش داد و در برابر او نشستم. احوال پرسی گرمی نمود. گویا مرا به خوبی می‌شناخت. پرســـید: «بنده را به جا آوردید؟» گفتم متاسفانه خیر. حضرتعالی؟ توفیق زیارت چه کســـی را دارم؟ حتما فرمایش خاصی دارند؟ گفت:«عرض کردم مجید رهنما هستم.» من که نامش را نشنیده بودم با کمی تامل گفتم: سعادت نداشتم و تداعی نمی‌کنم و با لبخندی به مزاح افزودم که البته در آن عوالم حتما شرف زیارت داشته‌ام. با تبســـمی گرم؛ که دیدگان مهربانش را پر حرارت‌تر می‌نمود گفت: نام «زین العابدین رهنما را هم نشنیدید؟ گفتم چیزی در نظر دارم ولی تطبیق نمی‌دهم. گفت: ایشان پدر بنده بودند. قدیم‌ترین ترجمه قرآن به فارسی از کارهای ایشان است. زین العابدین، پدر مرحوم ما عالمی بزرگ و علاقمند علوم قرآنی و دینی بود و به تدریس و ترجمه قرآن نیز توجهی خاص داشت. بنده نیز قرآن را نخست از ایشان فرا گفتم. او دروس قدیمه را خوانده بود و سطوح را نیز به پایان رسانده بود..»

وقتی از خاطرات پدر و مادرش سخن به میان آورد؛ فهمیدم که از طرف مادری از نوادگان یکی از علما بزرگ دوران اواخر قاجار و اوائل عهد رضا خان به نام میرزا عبدالله حائری بوده؛ که دارای گرایشهای صوفیانه و درویش مآبانه بوده است. پدرش زین العابدین نیز که متولد عراق بوده، در آن دیار تحصیل نموده و در حوزه نجف نزد اعاظم آن دوران مانند مرحوم آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین کمپانی و امثال ایشـــان تلمذ داشته و در عهد جوانی به درجه اجتهاد رسیده بود. این زین العابدین مدتها نیز در جریان اصلاحات رضا خان پهلوی، با وی سر ستیزه نهاده بود و عاقبت یک بار هم به اعدام محکوم شده که البته به داستانی مفصل، از آن حکم سنگین تخلص یافته بود و به تبعید مجبور گردید. وقتی این پیرمرد روشن ضمیر، یعنی پروفسور مجیدرهنما، سخن می گفت، با آن که سن و سال زیادی داشت بنده را مجذوب ذهن بلند و حافظه نکویش نمود. البته هم‌صحبتیش نیز به نفسه جذاب و پرحلاوت بود. کمی که از وقایع سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ شمسی سخن گفت، متوجه شدم که خوب از خاطرات داستان مشهد و گوهرشاد و وقایع آن دوره خبر دارد. از نامه پدرش به رضاخان در مذمت واقعه دلخراش و ننگین مسجد گوهرشاد مشهد و تبعید و نفی جبری عالمان آن سخن گفت و نقل داستانی نمود که منجر به حبس پدرش توسط رضاخان و ایادی وی شده بود. البته خود او نیز به لحاظ سن وسالش از کلیت قضیه آگاه بود.

وقتی در مورد پدرش توضیح می‌داد ملتفت شدم که خودش هم درس و بحث حوزه را خوانده بود:

«پدرم برای من اساتیدی در نظر گرفته بود که به من ادبیات عرب و فارسی را می‌آموختند و پس از چندی نیز به تحصیل علوم قدیمه روی آوردم. در لبنان هم از این غافل نماندم و از علوم قدیمه و کلاسیک در ضمن تحصیلات دانشگاهی بهره‌مند شده ام.»

عجیب آن بود که با گذر بیش از هشتاد سال هنوز از مکاسب و رسائل و کفایه به یاد داشت. من مبهوت او شده بودم که چگونه با آنکه سالیان متمادی به ظاهر دور از جامعه ایران و محیط مذهبیان آن مانده، فرهنگ و اندیشه مذهبی در او درخشش و تلألؤ دارد!

سراغ داستان زندگی و منازعه‌های نظری و عملی با محمد رضا شاه پهلوی رفت:

«من ریاست دانشگاه در تهران را عهده‌دار بودم. روزی بنا بود محمدرضاه شاه برای بازدید به آنجا بیایند. من برخی بخشها را به دانشگاه افزوده بودم و دستور ساخت دو مرکز تحقیقات را صادر نموده و بودجه‌ای بدان اختصاص دادم. ضمناً برخی کتابخانه‌ها را هم که کوچک و نامناسب وضع دانشجویان و محققین بود، کاملاً تغییر داده و برنامه ساخت یک مرکز کتابخانه‌ای بزرگ در تهران را تدوین نموده بودم. وضعیت اساتید را مدون و منظم نمـــودم و برخی مراکز را هم از نظر هیأت علمی ارتقا داده بودم که البته اینها بودجه بالایی را صرف نموده بود. شاه در ضمن قدم زدن در دانشگاه به من اشاره کرد که این بودجه‌ها را چه می کنید؟ چه خبر است؟ من در حال توضیح این نکته بودم که باید بودجه دانشگاهها افزایش بیابد و دلایل آن را توضیح می‌دادم که با تغییری اعتراض نمود که مملکت همه‌اش دانشگاه نیست! بلکه خرج‌های دیگر هم دارد. من هم گفتم اگر دانشگاه مملکتی نابسامان باشد مملکت آباد نمی‌شود و دیوار کج نهاده شده مرتفع نمی‌گردد و از این قبیل سخنان که البته به طعم طعنه و تعرض به ایشان گفتم... سپس با لحنی ناخشنود ادامه دادم که بگذارید جوانان مملکت درست پرورش یابند و خلاصه بحث میان ما بالا گرفت. شاه بازدیدش را خلاصه کرد و رفت و بنده هم فردایش استعفا دادم و در محل کار حضور نیافتم و چند روز بعد اگر چه برخی واسطه بازگشت بنده شدند ولی من مراجعتی به محل کارم ننمودم، لذا فردی جای بنده برای سرپرستی دانشگاه‌ها معرفی شد. این گذشت تا جناب آقای هویدا شدند نخست وزیر...

روزی آقای هویدا به منزل تماس ما گرفت و گفت: امشب بنا داریم شام به منزل جنابعالی بیایم. من هم موضوع را به‌خانم گفتم و شامی تهیه دیدند. شب ایشان به منزل وارد شد و هنگام شام گفت: من کاری به رابطه شما با شاه ندارم ولی امروز به ایشان گفتم که اگر بنا باشد دانشگاه‌ها در کشور سامان ببیند باید آقای رهنما قبول مسولیت کند و او به خاطر رابطه‌اش با شما از پذیرش این مسولیت سرباز خواهد زد و طفره می‌رود. شما به نوعی از ایشان دلجویی نمایید. شاه هم گفت: شما اختیار تام دارید که آقای رهنما را راضی کنید و از طرف بنده هم اهمیت موضوع را بازگو نمایید. بگویید اگر چه او ظاهراً التفاتی ندارد و به بنده سری نمی‌زند، ولی بنده به ایشان احترام قائلم....

خلاصه کلی مقدمه چیدنـــد و من موضوع را موکول به بررسی نمودم و پس از چندین جلسه که شروطم را از طریق جنابِ هویدا به سمع شاه رساندم وایشان هم جبرا یا تجربتاً پذیرفتند، من تلاش نمودم تا در این فاصله طرحی تدوین گردد و خلاصه وزارت علوم را برای استقلال دانشگاه‌ها و تامین اعتباری ویژه به صورت مستقل از تشکیلات فرهنگ به تصویب رسانیدیم و مسولیتش را هم نخست و به ناچار خودم به عهده گرفتم. تا آن وقت وزارت علومی نبود و همه اساتید و هنرمندان در کنار هم و در اعتبار یک وزارت هنر جمع شده بودند. من این را برای وضعیت علمی و تحقیقاتی کشور ابدا صلاح نمیدیدم و خواهان استقلال و برنامه ریزی ویژه و مدونی برای دانشـــگاه‌ها ونظام مطالعات عالیه گردیده بودم. تلاشم یک سان سازی حرکت علمی و مطالعاتی در کشور و منسجم نمودن دانشگاه‌ها بود. ســـعی نمودم که مراکز دانشگاهی و تحقیقی را به یک مرکز متصل نمایم و وحدت رویه و نظام در بین دانشگاههای کشور ایجاد شود. خلاصه به حرکت علمی فعال و مناسبی فراهم گردد.آن زمان از بزرگان علمی در گوشه وکنار مملکت، که فراوان داریم و امروز هم شـــاهدید که ایرانیان در همه جا می‌درخشند و آبرو می‌دهند، دعوت نمودم. از تهران و مشهد و اصفهان و جنوب و شمال خلاصه نوابغ و صاحب‌نظران را دعوت نمودیم و کار را آغاز کردیم. در این راه موفقیت‌هایی نیز یافتم و با همکاری اساتید بزرگوار و دوستانم بهره گرفتم. این موضوع ادامه یافت تا اینکه با به وجود آمدن چالش‌های سیاســـی برای شاه، مداخله در امر دانشگاه‌ها آغاز گردید.من مکرر به شخص شاه و نخست‌وزیر اخطار و تذکر دادم که ورود این سیاسی کاری‌ها و مداخله امنیه در دانشگاه مصلحت نیست، ولی متأسفانه تذکرات و تدابیر بنده مورد توجه ایشان و نخست‌وزیر قرار نگرفت و اثری نداشت و بنده هم استعفا کردم. دانشگاه جای بازی‌های سیاسی نیست. جناب نخست وزیر چاره‌ای جز قبول استعفا نیافت. البته او و برخی از دوستان و دولتیان تلاش کردند که بنده بمانم ولیِ من در آن فضا صلاح در ادامه کار با دولت ندیدم. نهایتاً نخست وزیر به بنده مسولیتی خارج از ایران سپرد و من هم فرصت را مغتنم شمردم که از دسترس آقایان به دور بمانم (لبخند)...این شد و چنین گذشت تا اینکه در ایران انقلاب شد و خلاصه سال‌های متمادی است که بنده رنگ و روی وطنم را ندیده ام.»

از او از کارهایش در خارج از ایران پرسیدم؟ فرمود:«مدتی را ســـفیر کبیر دولت ایران در اروپا و ســـوئیس بودم و مدتی را هم در یونسکو مسولیتی فرهنگی اجرایی داشتم. البته تدریس در دانشگاه‌های آمریکا و فرانســـه و دانشگاه خود یونسکو را نیز در تجربیات خویش دارم. در ایامی که به‌عنوان سفیر در کشور مالی به سر می‌بردم؛ روی موضوع فقر در جهان مطالعات گســـترده‌ای نمودم و برنامه‌هایی را نیز در یونسکو به بررسی و تصویب رساندم که امیدوارم برخی که به اجرا نرسیده‌اند، محقق گردند. تمام ذهن وآرزوی من مبارزه و مقابله با فقر است که گریبان گیر میلیاردها نفر در جهان است....»

خلاصه من هم از فرصت استفاده نمودم و از او از خاطراتش پرسیدم و البته او هم که از حسن برخورد و تلاقی و شیرینی بیان و لطافت گفتار و تبسم دلنشین برخوردار بود، به حلاوتی خاص پاسخ می‌فرمود. بنا شد من با کنسول عزیزمان که آن زمان جناب حاج آقای افشار بودند و انصافاً هم انسان شریف و محترمی به شمار می‌روند، صحبت کنم. شب در بازگشت با جناب افشار تماسی گرفتم و با ایشان از کشف جواهری نازنین سخن گفتم و از برنامه سفر آقای رهنما به ایران استدعای مساعدت و کمک کردم.آن دوست عزیز و گرامی نیز آبروی بنده را خرید و محترمانه و آبرومندانه پاسپورتی برای ایشان تهیه نمود و در اختیار جناب رهنما قرار داد. قبل از عزیمت به ایران آن بزرگ گرانمایه، مقصودم جناب اندیشمند مرحوم رهنما اعلی‌الله مقامه و قدس سره به من تماسی گرفتند و قراری در همان رستوران گذاشتند. البته بگوییم که منزل ایشان در مرکز فرانسه بودم و ایشان در پاریس اقامت موقت داشتند.

من قبل از ظهر به محل قرار رفتم و ایشان در معیت فرزند بزرگوارشان و خانمی سوئیسی‌الاصل به نام ســـر کار خانم آن هنریت لویزا مارتن به آنجا آمده بودند. در ابتدا بعد از احوال پرسی یک نسخه از کتابی که در خصوص فقر تحت عنوان«وقتی که فلاکت فقـــر را از میان می‌برد» (Quand la misère chasse la pauvreté) تحریر نموده بودند را به من مرحمت فرمودند. سپس ضمن صحبت‌هایی در مورد آنچه در جلسه قبل میان ما گذشته بود؛ در مورد سفر به ایران پرسیدند و پیشنهاد بنده. من هم توصیه کردم که حتماً غیر از تهران و اصفهان، که خودشان در برنامه داشتند، به مشهد و قم هم سری بزنند. ضمناً گفتم من با دانشگاه ادیان و مذاهب هم هماهنگی می‌کنم که از آنجا و کتابخانه مرحوم آیه‌الله مرعشی نجفی هم دیدنی بنمایید. حوزه علمیه جدید را حتما ببینید که خیلی فرق کرده است. ایشان هم گفت:«آخرین سفرم به ایران بیش از چهل سال قبل بوده است...»

از حسن تصادف من هم ایام تعطیلات را به ایران می‌آمدم. لذا ایشان تلفن ایران را گرفتند که پس از دیدار از تهران و اصفهان، ســـفر به قم و مشهد را با من در ایران هماهنگ کنند. متاسفانه دو روز به بازگشت من به فرانسه، ایشان تماس گرفتند که من وارد ایران شده ام. بنده نیز ابراز بی سعادتی نمودم که جمعه عازم پاریس هســـتم ولی هماهنگی قم را خواهم نمود. ده روزی نگذشته بود که در پاریس به من تماس گرفتند که بنده به فرانسه بازگشتم و من متعجب شدم. در ضمن تماس فرمودند که از این سفر بسیار بسیار خوشنودم ولی امکان بیشتر ماندن فراهم نبود...

تا اینکه چندی قبل فرزند بزرگوار ایشان، جناب آقای کاوه رهنما به من تماسی گرفتند و خبر از رحلت پدر بزرگوارشان دادند.

ادامه دارد

ایران

از «نامه ایران»؛ استاد حمید یزدان پرست/۵

به خود آییم!



اشـــاره: آنچه می خوانید، دیباچـــه «نامه ایران» اســـت که سوی‌انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است. ســـخن را از همان جایی که باقی مانده پی می گیریم.

گویی اگر اســـتعمار انگلستان در شبه قاره بیشتر می‌پاییـــد و افزون بر اینکه زبان رسمی هشتصد ساله را از فارســـی به انگلیسی برگرداند، می‌توانست مردمان آن سامان را به اندازهٔ دلخواه انگلیســـی‌مآب کند، حق داشت مسعود سعد سلمان، سید علی هجویری، بیدل، امیرخسرو دهلوی، غالب و غنی کشمیری، آزاد بلگرامی و اقبال لاهوری را هم انگلیسی جا بزند و حتا برخی‌شان را از زاد و رود شکسپیر، جان‌میلتون و کریستوفر مارلو قلمداد کنـــد و بلکه دورتر برود و بودا را در شـــمار نژادگان انگلیس و از نیـــاکان ملکه ویکتوریا بنامد و «مهابهاراتـــا» و «ودا» را از افتخارات ادبی بریتانیای کبیر معرفی کند!... امروزه در آلبانیای باستان و ارّان تاریخی و جمهوری آذربایجان کنونـــی نیز با بزرگان فرهنگ ایران چنیـــن می کنند: نظامی گنجوی، خاقانی و فلکی شـــروانی، مجیرالدین بیلقانی، قاضی و کمال تفلیسی، مهستی گنجوی، مقرب باکویی، نجم‌الدین دربندی و یکســـره همهٔ شـــاعران آذربایجان، اران و قفقاز تا سدهٔ دهم هجری را بی‌آنکه مصرعی به ترکی ســـروده باشند، از اخلاف اغوزخان می‌شـــمارند و هیچ به روی خود نمی‌آورند که همین نظامی که خانه منسوب به او هنوز در تفرش موجود است، با سربلندی تمام گفته است:

همـه عالم تن است و ایـران دل
نیست گوینده زین قیاس، خجل
چـون کـه ایـران دل زمین باشد
دل ز تـن بـه بـود، یـقیـن باشد

و خود را پیرو و ادامه دهنده «ســـخنگوی پیشینه، دانای توس» معرفی می‌کند «که آراســـت روی سخن چون عروس»؛ و شاهنامه را «گوهر سُفته» می‌خواند و با بزرگواری تمام، علت نپرداختن فردوسی به همهٔ تاریخ گذشته را چنین توجیه می‌کند:

اگـر هـر چـه بشنیدی از باستان
بگـفـتی، دراز آمـدی داسـتـان
نگفت آنچه رغبت پذیرش نبود
همان گفت، کزوی گزیرش نبود
دگـر از پـی دوسـتـان زلّه کـرد
که حلوا به تنها نشایست خَورد

آیا نظامی گنجوی نبوده که آشکارا گفته است: «گر مادر من، رئیسه کُرد ـ مادر صفتانه پیش من مرد...» و خود را «دهقان فصیح پارســـی زاد» معرفی کرده و یکی از پنج گنجش را به خسرو پرویز ساسانی اختصاص داده و یکی را به بهرام‌گور ساسانی و در مثنوی دیگرش سوگمندانه در مرگ داریوش سوم هخامنشی (دارا) موییده و سروده است:

درخـــت کـیـــانی درآمـــد بـــه خـــاک
بغـلـتـیـد در خـون، تـــن زخـمـــنـــاک
[اسکندر] تن مرزبان دید در خاک و خون
کـلاه کـیـــانی شـــد سـر نـــگـــون
سـلـیـمانـی افـتـاده در پـای مـور
هـمـان پـشـه‌ای کـرده بـر پـیـل، زور
بـه بـازوی بـهـمـن بـر آمـوده مـار
ز رویـیـن دژ افـتـاده اسـفـنـدیـار
بـهـار فـریـدون و گـلـزار جـم
بـه بـاد خـزان گـشـته تـاراج غـم
نـسـب نـامـه دولـت کـیـقـبـاد
ورق بـر ورق هـر سـویـی بـرده بـاد
دریـغـا کـه از نـسـل اسـفـنـدیـار
هـمـیـن بـود و بـس مـلـک را یـادگـار
مَه تـاج و مَـه اورنـگ شـاهـنـشـهـی
کـه مـانـد ز دارای دولـت، تـهـی
چـرا خـون نـگـریـم بـر آن تاج و تخت
کـه دارنـده را بـر در افـکـند رخـت؟
نـفـیـر از جـهـانـی که دارا کُش است
نـهـان پـرور و آشـکـارا کُـش است!

راستی برای نشـــان دادن دلبستگی و پیوند ملی و ادا کردن حق میهنی، حکیم نظامی چه می‌بایست بکند که نکرده؟ اما شگفتا که شاید هنوز سنگ مزارش همان باشـــد که در دوران اســـتیلای «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی!» کار گذاشته بودند و چون در آن زمان همه چیز به رنگ روسی درآمده بود و باید در خدمت مام میهن انترناسیونالیستها قرار می‌گرفت، سنگ قبر حکیم بزرگ ملت روس نیز حاوی نوشته‌ای به خط روسی بود! غافل از اینکه همین شاعر سترگ در کتابش چگونه و با چه تلخی از «گربه چشمان روس» یاد کرده است؛ یا نخوانده‌اند که قطران تبریزی که در گنجه می‌زیسته و از قضا ابیاتی نیز به آذری باستانی یا همان پهلوی در دیوانش هست، چگونه با شگفتی از وجود شاهدی ترک در گنجه یاد می‌کند:

ای تـرک، بـه گـنـجه از کـجا افتادی؟
کـانـدر دل و جـان مـن فکـنـدی شـادی
یک بوسه مـرا به مستـی انـدر دادی
ای تـرک، هـمـیشـه مست و خـرم بادی

یا فراموش کرده‌اند که همیـــن خاقانی بوده که به هنگام بازگشـــت از سفر روحانی حج، چون گذارش به کاخ مداین افتاده، یکی از پرشکوهترین قصاید فارسی را در وصف و حسرت و عبرت از آن سروده است:

یک ره ز لب دجـلـه مـنـزل به مـداین کن
وز دیـده، دوم دجـلـه بـر خاک مداین ران
از آتـش حسـرت بـین بـریان جگر دجله
خـود آب شنیدستی کاتش کندش بریان؟
گـه گـه بـه زبـان اشـک آوازه ایـوان را
تابو که به گوش دل، پاسخ شنوی ز ایوان:
مـا بـارگهٔ دادیـم، ایـن رفـت ستم بر ما
بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلال!
بر دیده من خندی کاینجا ز چه می گرید؟
گـریـنـد بـر آن دیده کاینجا نشود گـریان
این است همان درگه کو را ز شهان بودی
دیـلـم مـلک بـابل، هـنـد و شه ترکـستان
خون دل شیرین است آن می که دَهد رزبُن
زآب و گل پرویز است آن خم که نهد دهقان
گر زاد ره مکه، توشه است به هر شـهری
تـو زاد مـدایـن بـر تحـفه ز پی شـروان

و شـــاید فراموش کرده‌اند که همو با چه نفرت و نکوهشی از ترکان غُز یاد کرده و «جوقی لئیم، یک دو سه کژ سیر و کوژ ساز» و کافرشان خوانده و سلطان وقت را به حمله آوردن بر آنها تحریک کرده و در سوگ بزرگانی که به‌دست آنان کشته شده‌اند، مرثیه سروده است. با این همه اشارات آشکار و چند هزار سال تاریخ مشترک، در سرزمینی که با دست‌اندازی روسیه و دسیسه‌چینی انگلیس در ۱۸۲۸ از ایران جدا شـــده، (اران) امروز تاریخ دروغین می‌نویسند و به جای مهربانی و نشاندن نهال دوستی، بذر کینه و دشمنی در دل و جان کودکان و جوانان می‌پاشند و از همدستی ایران و روسیه برای اشغال و دو نیمه کردن کشور آذربایجان در کتابهای درسی می‌نویسند و.... اگر خاقانی شـــروانی امروز می‌بود و بر آنچه می‌رفت،چشم می‌گشود، آیا خطاب به آن حضرات، رساتر از شعری که پیشتر سروده، چیز دیگری می‌گفت:

خون خوری ترکانه کاین از دوستی است
خون مـخور، تـرکـی مـکن، تـازان مـشو
چـون غـلام تـوسـت خـاقـانـی، تو نیز
جـز غـلام خـسـرو ایـران مـشـو

و آیا همو خطاب به دل شکستگان ایرانی که این مهر گسلی‌ها را از سوی پاره‌های تن خود می‌بینند، بهتر از آنچه باز پیشتر سروده، دلجویی و خاطرنوازی می‌کرد که:

من شکسته خاطر از شروانیان، وز لفظ من
خـاک شـروان، مـومیایی‌بخش ایران آمده

دردا و دریغـــا که گروهی ناآگاه و فریفته یا مأمور و معذور نیز در گوشه و کنار کشور همین گفته‌ها را تکرار می‌کنند و خواسته و ناخواســـته آب در آسیاب دشمن می‌ریزند و حتا برخی کســـان با افتخار از آتیلا و چنگیز بعنوان شاهان و پدرانشان یاد می‌کنند و خود را گرگ‌زاده و از تبار گرگ به‌شمار می‌آورند. ضَعُف‌الطالب و المطلوب! گویی آن سرزمین چنان سترون و خالی از مردان مرد بوده که نه آتورپاتی به چشم دیده، نه شاه اسماعیل و ستارخان و باقرخانی و نه ثقهٔ‌الاسلام و باکری و شهریاری. همان شاه اسماعیلی که در روز آغاز سلطنت، خود را جمشید و فریدون و کیخسرو خواند و تا مرز جان در برابر متجاوزان ایســـتاد و حاضر شد زنش تا پایان عمر در دست لشکر عثمانی به اســـارت برود، اما یک وجب از خاک کشور لگدکوب سم اسبانشان نشود و همان ستارخانی که چون در تنگنای هجوم دشـــمن قرار گرفت و با این پیشنهاد روبه‌رو شـــد که: «برای درامان ماندن، پرچم روسیه را بر فراز خانه‌ات نصب کن» گفت: «من می‌خواهم هفت اقلیم زیر پرچم ایران باشد، من زیر بیرق روس بروم؟» و همان ثقهٔ‌الاسلام که در برابر لشکر روس ایستاد و سر به دار داد اما تن به ذلت نســـپرد و حتا در این حد نیز حاضر نشد که نامه‌ای امضا و حضور موقت روسها را توجیه کند؛ و شهریاری که دیوان حجیمش بیانگر عشقی پاک و دردمندانه به ایران و تاریخ و ادبیات آن اســـت و از سر باور سروده است: «به خون دانی چه بندم نقش ایران» و همان باکری و هزاران دلیر چون او که این گفته را به عمل آوردند و با خون پاکشان سند آزادی و سربلندی و استقلال این کشور را امضا کردند. نه، آن دیار و دیگر بخشهای این سرزمین هیچ‌گاه خالی از شیران شرزه نبوده است.

می‌گفتی ای عزیز: «سترون شده‌ست خاک!»
اینـک بـبـین بـرابـر چـشم تـو کـیـستند
هـر شـب بـه غـارت طـوفـان رونـد و باز
بـاز آخـریـن شـقـایـق ایـن بـام نـیـستند

... ایران‌دوســـتی نه به منزله شیفتگی بیمارگونه به محدوده جغرافیایی خاصی اســـت که از فرات تا سند و از جیحون و کُر تا خلیج فـــارس امتداد دارد و نه دل بســـتن به توهمات نژادی و زبانی است؛ بلکه به معنای بزرگ شـــمردن و مهر ورزیدن بـــه فرهنگ و تاریخی است که «مهمترین رکن شخصیتی ایران»بوده و این ملت کهنسال با اتکا بر آن، با همه فراز و فرودهایی که داشته، «هیچ‌گاه رشـــته استمرار حیاتش گسسته نشده است»؛ فرهنگی که از آغاز بر پایه خردمندی، مهرورزی، تسامح و آزاداندیشی، سختکوشی و دین‌باوری، پرهیزگاری، آزادگی و درستکاری، راستگویی و دلیری و از همه مهمتر خداشناسی، یکتاپرستی و جهان‌دوستی بنیاد نهاده شده، بالیده و استوار گردیده است؛ هرچند ما فرزندان ناخلفی بوده و به راه دیگری رفته باشیم! فرهنگی که فرمانروایش می‌گوید: «من اهوره‌مزداپرست بودم و هر کس اهوره‌مزدا را بپرستد، برکت با او خواهد بود، هم در زندگی و هم پس از مرگ» و همان‌جا می‌گوید: «اهوره مزدا به من یاری کرد؛ از آن‌رو که: بدخواه نبودم، از دروغ پیروی نکردم، ستم نورزیدم، با درستکاری رفتار کردم؛ نه بر ناتوان ستم روا داشتم و نه بر نیرومند» (کتیبه داریوش در بیستون) و در جای دیگر می‌گوید: «به خواســـت اهوره مزدا من چنانم که راستی را دوست می‌دارم و از دروغ بیزارم، من نمی‌خواهم توانا بر ناتوان ستم کند؛ همچنین دوست ندارم که به حقوق توانا از کارهای ناتوان آسیب رسد» (کتیبه نقش رستم) و شاه دیگرش می‌گوید: «به مالداری مردم رشک مبرید، به کسانی رشک برید که از گناهان پرهیز می‌نمایند.» (پاسخنامه قباد، جاویدان خرد) و شاه دیگرش می‌گوید: «نیکوترین ادبهای مردمان آن است که مرد به فضیلت خود فخر نکند و از هنرهای خود نگوید و بر کسی که زبردستی ندارد، اظهار قدرت نکند و بر دانش خود به جد باشـــد.» (هوشنگ، جاویدان خرد) و شاعر ملی‌اش نیز همین مضمون را به شعر درمی‌آورد:

چـو بـر دانـش خـویـش مـهرآوری
خـرد را ز تـو بـگـسـلـد داوری
هـنـرمـنـد کـز خویشتن در شگفت
بـمـانـد، هـنـر زو نـبـایـد گـرفـت

ادامه دارد

کودکی

نوشتن درباره کودکی-۹

این خانوادهٔ معزز

چندنفر از نترس محل به ســـرکردگی مدد و شیرزاد، محض امتحان چندبار زیرپایش ترقه انداختند تا مگر از دهان آقا نبی یک «ای وای» خارج شود یا فحشی بدهد تا کسی صدایش را بشنود و ببیند جنس صدایش شبیه کدامیک از اعضای سرتاپا متفاوت مشهدی یدالله است: به حلیمه رفته است یا جعفر.

خواهر ساکتش اکرم، با تمام بی‌حرفیش اقلاً جواب سلام می‌داد اما نبی مطلقاً با هرچه که حرف و حرف‌زدن بود، بی‌ربط و بی‌نسبت بود. مادر شیرزاد، سوره خانم می‌گفت: زبان نبی را در کودکی خرشان خورده است و نصف عرعر خر مشهدی مال پسرش است!

حالا به این همه تفاوت عجیب و غریب بچه‌های مشهدی یدالله درس نخواندن آنها را هم اضافه کنید تا ببینید چه معجون شگفت‌انگیزی به دست مشهدی تحویل جامعه شده بود و در همسایگی ما چه خاندان دانشور و رفیع الدرجاتی زندگی می‌کردند. مجموع سواد و تحصیلات این خانواده از خود مشهدی و زنش خدیجه و حلیمه تا آخرین بچه‌اش سکینه، روی هم ۵کلاس هم نمی‌شد، چون هیچکدام از آنها ذوق درس خواندن نداشـــتند، جز اکرم که تا دوم ابتدایی خوانده بود و دیگر ادامه نداده بود و جز سکینه که سوم ابتدایی را برای دومین سال متوالی می‌خواند!

اما خداوند سرنوشت دیگری برای این خانوادهٔ معزز رقم زده بود که هیچ‌کـــس آن را به خواب نمی‌دید. زمانی که مشهدی سوار بر خر از این سوی شهر به آن طرف شهر سبزی و ریحان می‌برد، جن و ابلیس هم فکر نمی‌کردند که روزگار این خر را از زیرپای این شخص بیرون بکشد و بجای آن بنزی مدل بالا نصیبش کند. زمانی که حلیمه با داشتن چند بچه قد و نیم‌قد کنار چراغ برق اتراق می‌کرد و زنهای خسته از کار روزانه را با فرمایشات دربدار خودش به فیض می‌رساند و در کمتر از یک ساعت خسته‌ترشان می‌کرد از حرف‌هایـــش، هیچ یک از زنها و حتی مردهایی که او را می‌شناختند، فکر نمی‌کرد که این زن و جمیع خانواده و تبارش جنوب شهر را ترک خواهند کرد و در یکی از محلات مهم و مرکزی شهر مسکن خواهند گزید. سررشتهٔ همین تحولات بزرگ و همهٔ تغییرات کلان و غیرقابل باور، در مشت جوان بلندقامتی بود که حرف نمی‌زد و کسی حرف زدنش را نشنیده بود: نبی، پسر یدالله.

در شبی تابستانی در حیاط خانه‌مان نشسته بودیم که در با صدای بلند کوبیده شد. مأموریت باز کردن در همیشه با من بود، چون بدون آنکه کفشی بپوشم، مثل موج پشت در قرار می‌گرفتم و در را باز می‌کردم. این بار کسی که در را زده بود و محکم و غیرعادی هم زده بود، منتظر نماند تا من از جای خودم بجنبم، بلکه بی‌هیچ فاصله‌ای با چیزی شبیه یک سنگ بزرگ چارچـــوب در را به لرزه در آورد. همزمان صدایی برخاست که با حالتی شبیه نعره می‌گفت: اسدملعون! بیا بیرون! بیا بیرون تا مادرت را به عزایت بنشانم. پدرم صدا را نشناخت. مادر و خواهرانم بی‌اختیار ترسیدند، بی‌آنکه بدانند صدا، صدای مشهدی یدالله است. من گفتم: مشهدی یدالله است. پدرم که بسیاری از اسم‌ها را نمی‌شناخت و به خاطر هم نمی‌سپرد، با بهت و تعجب گفت: مشهدی یدالله کیست؟ تا پروین گفت: همان که روی خر سبزی می‌فروشد، پدرم او را به جا آورد. در این لحظه ضربه‌ای دیگر به در کوبیده شد که چون زیاد پرجان نبود، احتمالاً لگد جعفر یا حلیمه‌شان بود. پدرم بدون آنکه دگمه‌های پیراهنش را ببندد، دم در رفت.

آرش تبریزی

یادی از اندیشمند فقید مجیدرهنما

دیدار در پاریس

سعید جازاری معمویی: روز دوشنبه اوائل ماه ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی بود که متوجه تماس ناشناسی با تلفن همراه خویش شدم که البته موفق به پاسخگویی آن نگردیدم. بار دوم که آن شماره روی صفحه تلفن افتاد و زنـــگ آن به صدا در آمد به آن جواب دادم. آن سوی خط؛ لحنی سالخورده و طنین پیری ادب آموخته و قرین به ادبیاتی گرم و ویژه؛ با متانتی خاص و آرام؛ به فرانسوی سخن گفت:«آیا من با جناب جازاری سخن می گوییم؟» پاسخ دادم بله حضرتعالی؟ فرمود: بنده رهنما هستم. آیا امکان دارد با شما ملاقاتی داشته باشم؟ پرسیدم در چه رابطه؟ گفت:«زیارتتان کنم و با هم سخن بگوییم. بنده وصف سخنان شما را در ایام محرم و مناسبت‌های دینی در پاریس شنیده‌ام. یکی از دوستان تلفن عالی را به بنده مرحمت کردند.»

به ســـنت فرهنگ پاریس‌نشـــینان و آداب ضیافت‌های نخستین آنها، با او در کافه رستورانی در پلاس دو مقشه شهر نویی سوق سن در ورودی خیابان شارل دوگل پاریس قرار گذاشتم. بعد از ظهری بود و هوای گرم مناسب اوائل فصل تابستان. در ورودی کافه روی صندلی های تراس، پیرمرد روشن عارض و نورانی ضمیر با پیراهنی سفید آستین بلند و محاسنی گندم گون یا بلوند نشسته بود. او برای شناسایی فردی که با وی قرار ملاقات داشتم، نشانی های لازم را داشت.به فرانسوی ســـلام نموده و گفتم:« جناب رهنما؟» او هم پاسخ داد:« مسیو جازاری؟» و خلاصه فهمیدم ایشان همان فردی‌ست که تلفنی تماس گرفته بود.

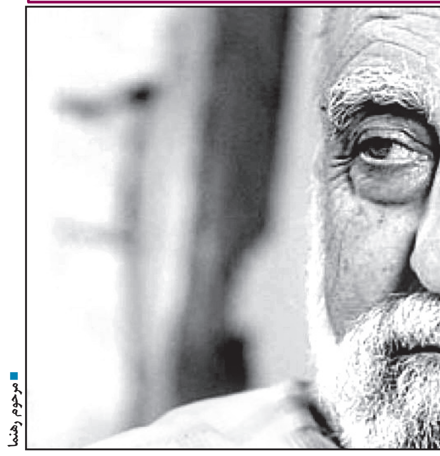
قهوه‌ای برایم سفارش داد و در برابر او نشستم. احوال پرسی گرمی نمود. گویا مرا به خوبی می شناخت. پرســـید: «بنده را به جا آوردید»؟ گفتم متاسفانه خیر. حضرتعالی؟ توفیق زیارت چه کســـی را دارم؟ حتما فرمایش خاصی دارند؟ گفت:«عرض کردم مجید رهنما هستم.» من که نامش را نشنیده بودم با کمی تامل گفتم: سعادت نداشتم و تداعی نمی‌کنم و با لبخندی به مزاح افزودم که البته در آن عوالم حتما شرف زیارت داشته‌ام. با تبســـمی گرم؛ که دیدگان مهربانش را پر حرارت‌تر می‌نمود گفت: نام «زین العابدین رهنما را هم نشنیدید؟ گفتم چیزی در نظر دارم ولی تطبیق نمی‌دهم. گفت: ایشان پدر بنده بودند. قدیم‌ترین ترجمه قرآن به فارسی از کارهای ایشان است. زین العابدین، پدر مرحوم ما عالمی بزرگ و علاقمند علوم قرآنی و دینی بود و به تدریس و ترجمه قرآن نیز توجهی خاص داشت. بنده نیز قرآن را نخست از ایشان فرا گفتم. او دروس قدیمه را خوانده بود و سطوح را نیز به پایان رسانده بود..»

وقتی از خاطرات پدر و مادرش سخن به میان آورد؛ فهمیدم که از طرف مادری از نوادگان یکی از علما بزرگ دوران اواخر قاجار و اوائل عهد رضا خان به نام میرزا عبدالله حائری بوده؛ که دارای گرایشهای صوفیانه و درویش مآبانه بوده است. پدرش زین العابدین نیز که متولد عراق بوده، در آن دیار تحصیل نموده و در حوزه نجف نزد اعاظم آن دوران مانند مرحوم آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین کمپانی و امثال ایشـــان تلمذ داشته و در عهد جوانی به درجه اجتهاد رسیده بود. این زین العابدین مدتها نیز در جریان اصلاحات رضا خان پهلوی، با وی سر ستیزه نهاده بود و عاقبت یک بار هم به اعدام محکوم شده که البته به داستانی مفصل، از آن حکم سنگین تخلص یافته بود و به تبعید مجبور گردید. وقتی این پیرمرد روشن ضمیر، یعنی پروفسور مجیدرهنما، سخن می گفت، با آن که سن و سال زیادی داشت بنده را مجذوب ذهن بلند و حافظه نکویش نمود. البته هم‌صحبتیش نیز به نفسه جذاب و پرحلاوت بود. کمی که از وقایع سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ شمسی سخن گفت، متوجه شدم که خوب از خاطرات داستان مشهد و گوهرشاد و وقایع آن دوره خبر دارد. از نامه پدرش به رضاخان در مذمت واقعه دلخراش و ننگین مسجد گوهرشاد مشهد و تبعید و نفی جبری عالمان آن سخن گفت و نقل داستانی نمود که منجر به حبس پدرش توسط رضاخان و ایادی وی شده بود. البته خود او نیز به لحاظ سن وسالش از کلیت قضیه آگاه بود.

وقتی در مورد پدرش توضیح می‌داد ملتفت شدم که خودش هم درس و بحث حوزه را خوانده بود:

«پدرم برای من اساتیدی در نظر گرفته بود که به من ادبیات عرب و فارسی را می‌آموختند و پس از چندی نیز به تحصیل علوم قدیمه روی آوردم. در لبنان هم از این غافل نماندم و از علوم قدیمه و کلاسیک در ضمن تحصیلات دانشگاهی بهره‌مند شده ام.»

عجیب آن بود که با گذر بیش از هشتاد سال هنوز از مکاسب و رسائل و کفایه به یاد داشت. من مبهوت او شده بودم که چگونه با آنکه سالیان متمادی به ظاهر دور از جامعه ایران و محیط مذهبیان آن مانده، فرهنگ و



مرحوم رهنما

اندیشه مذهبی در او درخشش و تلالؤ دارد!

سراغ داستان زندگی و منازعه‌های نظری و عملی با محمد رضا شاه پهلوی رفت:

«من ریاست دانشگاه در تهران را عهده‌دار بودم. روزی بنا بود محمدرضاه شاه برای بازدید به آنجا بیایند. من برخی بخشها را به دانشگاه افزوده بودم و دستور ساخت دو مرکز تحقیقات را صادر نموده و بودجه‌ای بدان اختصاص دادم. ضمناً برخی کتابخانه‌ها را هم که کوچک و نامناسب وضع دانشجویان و محققین بود، کاملاً تغییر داده و برنامه ساخت یک مرکز کتابخانه‌ای بزرگ در تهران را تدوین نموده بودم. وضعیت اساتید را مدون و منظم نمـــودم و برخی مراکز را هم از نظر هیأت علمی ارتقا داده بودم که البته اینها بودجه بالایی را صرف نموده بود. شاه در ضمن قدم زدن در دانشگاه به من اشاره کرد که این بودجه‌ها را چه می‌کنید؟ چه خبر است؟ من در حال توضیح این نکته بودم که باید بودجه دانشگاهها افزایش بیابد و دلایل آن را توضیح می‌دادم که با تغییری اعتراض نمود که مملکت همه‌اش دانشگاه نیست! بلکه خرج‌های دیگر هم دارد. من هم گفتم اگر دانشگاه مملکتی نابسامان باشد مملکت آباد نمی‌شود و دیوار کج نهاده شده مرتفع نمی‌گردد و از این قبیل سخنان که البته به طعم طعنه و تعرض به ایشان گفتم... سپس با لحنی ناخشنود ادامه دادم که بگذارید جوانان مملکت درست پرورش یابند و خلاصه بحث میان ما بالا گرفت. شاه بازدیدش را خلاصه کرد و رفت و بنده هم فردایش استعفا دادم و در محل کار حضور نیافتم و چند روز بعد اگر چه برخی واسطه بازگشت بنده شدند ولی من مراجعتی به محل کارم ننمودم، لذا فردی جای بنده برای سرپرستی دانشگاه‌ها معرفی شد. این گذشت تا جناب آقای هویدا شدند نخست وزیر...

روزی آقای هویدا به منزل تماس ما گرفت و گفت: امشب بنا داریم شام به منزل جنابعالی بیایم. من هم موضوع را به‌خانم گفتم و شامی تهیه دیدند. شب ایشان به منزل وارد شد و هنگام شام گفت: من کاری به رابطه شما با شاه ندارم ولی امروز به ایشان گفتم که اگر بنا باشد دانشگاه‌ها در کشور سامان ببینند باید آقای رهنما قبول مسولیت کند و او به خاطر رابطه‌اش با شما از پذیرش این مسولیت سرباز خواهد زد و طفره می‌رود. شما به نوعی از ایشان دلجویی نمایید. شاه هم گفت: شما اختیار تام دارید که آقای رهنما را راضی کنید و از طرف بنده هم اهمیت موضوع را بازگو نمایید. بگویید اگر چه او ظاهراً التفاتی ندارد و به بنده سری نمی‌زند، ولی بنده به ایشان احترام قائلم....

خلاصه کلی مقدمه چیدنـــد و من موضوع را موکول به بررسی نمودم و پس از چندین جلسه که شروطم را از طریق جناب هویدا به سمع شاه رساندم وایشان هم جبرا یا تجربتاً پذیرفتند، من تلاش نمودم تا در این فاصله طرحی تدوین گردد و خلاصه وزارت علوم را برای استقلال دانشگاه‌ها و تامین اعتباری ویژه به صورت مستقل از تشکیلات فرهنگ به تصویب رسانیدیم و مسولیتش را هم نخست و به ناچار خودم به عهده گرفتم. تا آن وقت وزارت علومی نبود و همه اساتید و هنرمندان در کنار هم و در اعتبار یک وزارت هنر جمع شده بودند. من این را برای وضعیت علمی و تحقیقاتی کشور ابدا صلاح نمیدیدم و خواهان استقلال و برنامه ریزی ویژه و مدونی برای دانشـــگاه‌ها ونظام مطالعات عالیه گردیده بودم. تلاشم یک سان سازی حرکت علمی و مطالعاتی در کشور و منسجم نمودن دانشگاه‌ها بود. ســـعی نمودم که مراکز دانشگاهی و تحقیقی را به یک مرکز متصل نمایم و وحدت رویه و نظام در بین دانشگاههای کشور ایجاد شود. خلاصه به حرکت علمی فعال و مناسبی فراهم گردد.آن زمان از بزرگان علمی در گوشه وکنار مملکت، که فراوان داریم و امروز هم شـــاهدید که ایرانیان در همه جا می‌درخشند و آبرو می‌دهند، دعوت نمودم. از تهران و مشهد و اصفهان و جنوب و شمال خلاصه نوابغ و صاحب‌نظران را دعوت نمودیم و کار را آغاز کردیم. در این راه موفقیت‌هایی نیز یافتم و با همکاری اساتید بزرگوار و دوستانم بهره گرفتم. این موضوع ادامه یافت تا اینکه با به وجود آمدن چالش‌های سیاســـی برای شاه، مداخله در امر دانشگاه‌ها آغاز گردید.من مکرر به شخص شاه و نخست‌وزیر اخطار و تذکر دادم که ورود این سیاسی کاری‌ها و مداخله امنیه در دانشگاه مصلحت نیست، ولی متأسفانه تذکرات و تدابیر بنده مورد توجه ایشان و نخست‌وزیر قرار نگرفت و اثری نداشت و بنده هم استعفا کردم. دانشگاه جای بازی‌های سیاسی نیست. جناب نخست وزیر چاره‌ای جز قبول استعفا نیافت. البته او و برخی از دوستان و دولتیان تلاش کردند که بنده بمانم ولی من در آن فضا صلاح در ادامه کار با دولت ندیدم. نهایتاً نخست وزیر به بنده مسولیتی خارج از ایران سپرد و من هم فرصت را مغتنم شمردم که از دسترس آقایان به دور بمانم (لبخند)...این شد و چنین گذشت تا اینکه در ایران انقلاب شد و خلاصه سال‌های متمادی است که بنده رنگ و روی وطنم را ندیده ام.»

از او از کارهایش در خارج از ایران پرسیدم؟ فرمود:«مدتی را ســـفیر کبیر دولت ایران در اروپا و ســـوئیس بودم و مدتی را هم در یونسکو مسولیتی فرهنگی اجرایی داشتم. البته تدریس در دانشگاه‌های آمریکا و فرانســـه و دانشگاه خود یونسکو را نیز در تجربیات خویش دارم. در ایامی که به‌عنوان سفیر در کشور مالی به سر می‌بردم؛ روی موضوع فقر در جهان مطالعات گســـترده‌ای نمودم و برنامه‌هایی را نیز در یونسکو به بررسی و تصویب رساندم که امیدوارم برخی که به اجرا نرسیده‌اند، محقق گردند. تمام ذهن وآرزوی من مبارزه و مقابله با فقر است که گریبان گیر میلیاردها نفر در جهان است....»

خلاصه من هم از فرصت استفاده نمودم و از او از خاطراتش پرسیدم و البته او هم که از حسن برخورد و تلاقی و شیرینی بیان و لطافت گفتار و تبسم دلنشین برخوردار بود، به حلاوتی خاص پاسخ می‌فرمود. بنا شد من با کنسول عزیزمان که آن زمان جناب حاج آقای افشار بودند و انصافاً هم انسان شریف و محترمی به شمار می‌روند، صحبت کنم. شب در بازگشت با جناب افشار تماسی گرفتم و با ایشان از کشف جواهری نازنین سخن گفتم و از برنامه سفر آقای رهنما به ایران استدعای مساعدت و کمک کردم.آن دوست عزیز و گرامی نیز آبروی بنده را خرید و محترمانه و آبرومندانه پاسپورتی برای ایشان تهیه نمود و در اختیار جناب رهنما قرار داد. قبل از عزیمت به ایران آن بزرگ گرانمایه، مقصودم جناب اندیشمند مرحوم رهنما اعلی‌الله مقامه و قدس سره به من تماسی گرفتند و قراری در همان رستوران گذاشتند. البته بگوییم که منزل ایشان در مرکز فرانسه بودم و ایشان در پاریس اقامت موقت داشتند.

من قبل از ظهر به محل قرار رفتم و ایشان در معیت فرزند بزرگوارشان و خانمی سوئیسی‌الاصل به نام ســـر کار خانم آن هنریت لویزا مارتن به آنجا آمده بودند. در ابتدا بعد از احوال پرسی یک نسخه از کتابی که در خصوص فقر تحت عنوان«وقتی که فلاکت فقـــر را از میان می‌برد» (Quand la misère chasse la pauvreté) تحریر نموده بودند را به من مرحمت فرمودند. سپس ضمن صحبت‌هایی در مورد آنچه در جلسه قبل میان ما گذشته بود؛ در مورد سفر به ایران پرسیدند و پیشنهاد بنده. من هم توصیه کردم که حتماً غیر از تهران و اصفهان، که خودشان در برنامه داشتند، به مشهد و قم هم سری بزنند. ضمناً گفتم من با دانشگاه ادیان و مذاهب هم هماهنگی می‌کنم که از آنجا و کتابخانه مرحوم آیه‌الله مرعشی نجفی هم دیدنی بنمایید. حوزه علمیه جدید را حتما ببینید که خیلی فرق کرده است. ایشان هم گفت:«آخرین سفرم به ایران بیش از چهل سال قبل بوده است...»

از حسن تصادف من هم ایام تعطیلات را به ایران می‌آمدم. لذا ایشان تلفن ایران را گرفتند که پس از دیدار از تهران و اصفهان، ســـفر به قم و مشهد را با من در ایران هماهنگ کنند. متاسفانه دو روز به بازگشت من به فرانسه، ایشان تماس گرفتند که من وارد ایران شده ام. بنده نیز ابراز بی سعادتی نمودم که جمعه عازم پاریس هســـتم ولی هماهنگی قم را خواهم نمود. ده روزی نگذشته بود که در پاریس به من تماس گرفتند که بنده به فرانسه بازگشتم و من متعجب شدم. در ضمن تماس فرمودند که از این سفر بسیار بسیار خوشنودم ولی امکان بیشتر ماندن فراهم نبود...

تا اینکه چندی قبل فرزند بزرگوار ایشان، جناب آقای کاوه رهنما به من تماسی گرفتند و خبر از رحلت پدر بزرگوارشان دادند.

ادامه دارد

کودکی

نوشتن درباره کودکی-۹

این خانوادۀ معزز

چندنفر از نترس محل به ســـرکردگی مدد و شیرزاد،محض امتحان چندبار زیرپایش ترقه انداختند تا مگر از دهان آقا نبی یک «ای وای» خارج شود یا فحشی بدهد تا کسی صدایش را بشنود و ببیند جنس صدایش شبیه کدامیک از اعضای سرتاپا متفاوت مشهدی یدالله است: به حلیمه رفته است یا جعفر.

خواهر ساکتش اکرم، با تمام بی‌حرفیش اقلاً جواب سلام می‌داد اما نبی مطلقاً با هرچه که حرف و حرف‌زدن بود، بی‌ربط و بی‌نسبت بود. مادر شیرزاد، سوره خانم می‌گفت: زبان نبی را در کودکی خرشان خورده است و نصف عرعر خر مشهدی مال پسرش است!

حالا به این همه تفاوت عجیب و غریب بچه‌های مشهدی یدالله درس نخواندن آنها را هم اضافه کنید تا ببینید چه معجون شگفت‌انگیزی به دست مشهدی تحویل جامعه شده بود و در همسایگی ما چه خاندان دانشور و رفیع الدرجاتی زندگی می‌کردند. مجموع سواد و تحصیلات این خانواده از خود مشهدی و زنش خدیجه و حلیمه تا آخرین بچه‌اش سکینه، روی هم ۵کلاس هم نمی‌شد، چون هیچکدام از آنها ذوق درس خواندن نداشـــتند، جز اکرم که تا دوم ابتدایی خوانده بود و دیگر ادامه نداده بود و جز سکینه که سوم ابتدایی را برای دومین سال متوالی می‌خواند!

اما خداوند سرنوشت دیگری برای این خانوادۀ معزز رقم زده بود که هیچ‌کـــس آن را به خواب نمی‌دید. زمانی که مشهدی سوار بر خر از این سوی شهر به آن طرف شهر سبزی و ریحان می‌برد، جن و ابلیس هم فکر نمی‌کردند که روزگار این خر را از زیرپای این شخص بیرون بکشد و بجای آن بنزی مدل بالا نصیبش کند. زمانی که حلیمه با داشتن چند بچه قد و نیم‌قد کنار چراغ برق اتراق می‌کرد و زنهای خسته از کار روزانه را با فرمایشات دردبار خودش به فیض می‌رساند و در کمتر از یک ساعت خسته‌ترشان می‌کرد از حرف‌هایـــش، هیچ یک از زنها و حتی مردهایی که او را می‌شناختند، فکر نمی‌کرد که این زن و جمیع خانواده و تبارش جنوب شهر را ترک خواهند کرد و در یکی از محلات مهم و مرکزی شهر مسکن خواهند گزید.سررشتۀ همین تحولات بزرگ و همۀ تغییرات کلان و غیرقابل باور، در مشت جوان بلندقامتی بود که حرف نمی‌زد و کسی حرف زدنش را نشنیده بود: نبی، پسر یدالله.

در شبی تابستانی در حیاط خانه‌مان نشسته بودیم که در با صدای بلند کوبیده شد. مأموریت باز کردن در همیشه با من بود، چون بدون آنکه کفشی بپوشم، مثل موج پشت در قرار می‌گرفتم و در را باز می‌کردم. این بار کسی که در را زده بود و محکم و غیرعادی هم زده بود، منتظر نماند تا من از جای خودم بجنبم، بلکه بی‌هیچ فاصله‌ای با چیزی شبیه یک سنگ بزرگ چارچـــوب در را به لرزه در آورد. همزمان صدایی برخاست که با حالتی شبیه نعره می‌گفت: اسدملعون! بیا بیرون! بیا بیرون تا مادرت را به عزایت بنشانم. پدرم صدا را نشناخت. مادر و خواهرانم بی‌اختیار ترسیدند، بی‌آنکه بدانند صدا، صدای مشهدی یدالله است. من گفتم: مشهدی یدالله است. پدرم که بسیاری از اسم‌ها را نمی‌شناخت و به خاطر هم نمی‌سپرد، با بهت و تعجب گفت: مشهدی یدالله کیست؟ تا پروین گفت: همان که روی خر سبزی می‌فروشد، پدرم او را به جا آورد. در این لحظه ضربه‌ای دیگر به در کوبیده شد که چون زیاد پرجان نبود، احتمالاً لگد جعفر یا حلیمه‌شان بود. پدرم بدون آنکه دگمه‌های پیراهنش را ببندد، دم در رفت.

آرش تبریزی

ایران

از «نامه ایران»؛ استاد حمید یزدان پرست/۵

به خود آییم!



اشـــاره: آنچه می خوانید، دیباچـــه «نامه ایران» اســـت که سوی‌انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است. ســـخن را از همان جایی که باقی مانده پی می گیریم.

گویی اگر اســـتعمار انگلستان در شبه قاره بیشتر می‌پاییـــد و افزون بر اینکه زبان رسمی هشتصد ساله را از فارســـی به انگلیسی برگرداند، می‌توانست مردمان آن سامان را به اندازۀ دلخواه انگلیســـی‌مآب کند، حق داشت مسعود سعد سلمان، سید علی هجویری، بیدل، امیرخسرو دهلوی، غالب و غنی کشمیری، آزاد بلگرامی و اقبال لاهوری را هم انگلیسی جا بزند و حتا برخی‌شان را از زاد و رود شکسپیر، جان‌میلتون و کریستوفر مارلو قلمداد کنـــد و بلکه دورتر برود و بودا را در شـــمار نژادگان انگلیس و از نیـــاکان ملکه ویکتوریا بنامد و «مهابهاراتـــا» و «ودا» را از افتخارات ادبی بریتانیای کبیر معرفی کند!... امروزه در آلبانیای باستان و ارّان تاریخی و جمهوری آذربایجان کنونـــی نیز با بزرگان فرهنگ ایران چنیـــن می‌کنند: نظامی گنجوی، خاقانی و فلکی شـــروانی، مجیرالدین بیلقانی، قاضی و کمال تفلیسی، مهستی گنجوی، مقرب باکویی، نجم‌الدین دربندی و یکســـره همۀ شـــاعران آذربایجان، اران و قفقاز تا سدۀ دهم هجری را بی‌آنکه مصرعی به ترکی ســـروده باشند، از اخلاف اغوزخان می‌شـــمارند و هیچ به روی خود نمی‌آورند که همین نظامی که خانه منسوب به او هنوز در تفرش موجود است، با سربلندی تمام گفته است:

همه عالم تن است و ایران دل
نیست گوینده زین قیاس، خجل
چون که ایران دل زمین باشد
دل ز تن به بود، یقین باشد

و خود را پیرو و ادامه دهنده «ســـخنگوی پیشینه، دانای توس» معرفی می‌کند «که آراســـت روی سخن چون عروس»؛ و شاهنامه را «گوهر سُفته» می‌خواند و با بزرگواری تمام، علت نپرداختن فردوسی به همۀ تاریخ گذشته را چنین توجیه می‌کند:

اگر هر چه بشنیدی از باستان
بگفتی،دراز آمدی داســـتان
نگفت آنچه رغبت پذیرش نبود
همان گفت، کزوی گزیرش نبود
دگر از پی دوستان زلّه کرد
که حلوا به تنها نشایست خَورد

آیا نظامی گنجوی نبوده که آشکارا گفته است: «گر مادر من، رئیسه کُرد ـ مادر صفتانه پیش من مرد...» و خود را «دهقان فصیح پارســـی زاد» معرفی کرده و یکی از پنج گنجش را به خسرو پرویز ساسانی اختصاص داده و یکی را به بهرام‌گور ساسانی و در مثنوی دیگرش سوگمندانه در مرگ داریوش سوم هخامنشی (دارا) موییده و سروده است:

درخـــت کیـــانی درآمـــد بـــه خـــاک
بغلـتـیـددرخون،تـــن زخـــمـــنـــاک
[اسکندر] تن مرزبان دید در خاک و خون
کـــلاه‌کیـــانی‌شـــده‌ســـرنـــگـــون
ســـلیـــمانـــی افتـــاده‌درپـــای‌مـــور
همان پشه‌ای کرده بر پیل،زور
بـــه‌بـــازوی‌بـــهـــمن‌بـــرآمـــوده‌مـــار
زرویـــین‌دژافتـــاده اسفـــنـــدیـــار
بـــهـــارفـــریـــدون‌وگـــلـــزارجـــم
بـــه‌بـــادخـــزان گـــشـــته‌تـــاراج‌غـــم
نســـب نـــامـــه‌دولـــت کـــیـــقـــبـــاد
ورق بـــر ورق هـــر ســـویـــی بـــرده بـــاد
دریـــغـــاکـــه‌ازنـــسل‌اســـفـــنـــدیـــار
هـــمـــین بـــود و بس ملـــک را یـــادگـــار
مَه تـــاج و مَـــه اورنـــگ شـــاهـــنـــشـــهـــی
کـــه مـــانـــد ز دارای دولـــت، تـــهـــی
چـــرا خـــون نـــگریـــم بـــر آن تاج و تخت
کـــه دارنـــده را بـــر در افـــکند رخـــت؟
نـــفـــیـــر از جـــهـــانـــی که دارا کُش است
نـــهـــان پـــرور و آشـــکـــارا کـــش اســـت!

راستی برای نشـــان دادن دلبستگی و پیوند ملی و ادا کردن حق میهنی، حکیم نظامی چه می‌بایست بکند که نکرده؟ اما شگفتا که شاید هنوز سنگ مزارش همان باشـــد که در دوران اســـتیلای «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی!» کار گذاشته بودند و چون در آن زمان همه چیز به رنگ روسی درآمده بود و باید در خدمت مام میهن انترناسیونالیستها قرار می‌گرفت، سنگ قبر حکیم بزرگ ملت روس نیز حاوی نوشته‌ای به خط روسی بود! غافل از اینکه همین شاعر سترگ در کتابش چگونه و با چه تلخی از «گربه چشمان روس» یاد کرده است؛ یا نخوانده‌اند که قطران تبریزی که در گنجه می‌زیسته و از قضا ابیاتی نیز به آذری باستانی یا همان پهلوی در دیوانش هست، چگونه با شگفتی از وجود شاهدی ترک در گنجه یاد می‌کند:

ای تـــرک، بـــه گـــنجه از کـــجا افتادی؟
کـــانـــدر دل و جـــان مـــن فکـــنـــدی شـــادی
یک بوسه مـــرا به مستـــی انـــدر دادی
ای تـــرک، هـــمـــیشـــه مســـت و خـــرم بادی

یا فراموش کرده‌اند که همیـــن خاقانی بوده که به هنگام بازگشـــت از سفر روحانی حج، چون گذارش به کاخ مداین افتاده، یکی از پرشکوهترین قصاید فارسی را در وصف و حسرت و عبرت از آن سروده است:

یک ره ز لب دجـــله مـــنـــزل به مـــداین کن
وز دیـــده، دوم دجـــله بـــر خاک مداین ران
از آتـــش حســـرت بـــین بـــریان جگر دجله
خـــود آب شنیدستی کاتش کندش بریان؟
گـــه گـــه بـــه زبـــان اشـــک آوازه ایـــوان را
تابو که به گوش دل، پاسخ شنوی ز ایوان:
مـــا بـــارگۀ دادیـــم، ایـــن رفـــت ستم بر ما
بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلال!
بر دیده من خندی کاینجا ز چه می گرید؟
گـــریـــنـــد بـــر آن دیده کاینجا نشود گـــریان
این است همان درگه کو را ز شهان بودی
دیـــلـــم مـــلک بـــابل، هنـــد و شه ترکـــستان
خون دل شیرین است آن می که دَهد رزبُن
زآب و گل پرویز است آن خم که نهد دهقان
گر زاد ره مکه، توشه است به هر شـــهری
تـــو زاد مـــدایـــن بـــر تحـــفه ز پی شـــروان

و شـــاید فراموش کرده‌اند که همو با چه نفرت و نکوهشی از ترکان غُز یاد کرده و «جوقی لئیم، یک دو سه کژ سیر و کوژ ساز» و کافرشان خوانده و سلطان وقت را به حمله آوردن بر آنها تحریک کرده و در سوگ بزرگانی که به‌دست آنان کشته شده‌اند، مرثیه سروده است. با این همه اشارات آشکار و چند هزار سال تاریخ مشترک، در سرزمینی که با دست‌اندازی روسیه و دسیسه‌چینی انگلیس در ۱۸۲۸ از ایران جدا شـــده، (اران) امروز تاریخ دروغین می‌نویسند و به جای مهربانی و نشاندن نهال دوستی، بذر کینه و دشمنی در دل و جان کودکان و جوانان می‌پاشند و از همدستی ایران و روسیه برای اشغال و دو نیمه کردن کشور آذربایجان در کتابهای درسی می‌نویسند و.... اگر خاقانی شـــروانی امروز می‌بود و بر آنچه می‌رفت،چشم می‌گشود، آیا خطاب به آن حضرات، رساتر از شعری که پیشتر سروده، چیز دیگری می‌گفت:

خون خوری ترکانه کاین از دوستی است
خون مـــخور، تـــرکـــی مـــکن، تـــازان مـــشو
چـــون غـــلام تـــوســـت خـــاقـــانـــی، تو نیز
جـــز غـــلام خـــسروایـــران مـــشـــو

و آیا همو خطاب به دل شکستگان ایرانی که این مهر گسلی‌ها را از سوی پاره‌های تن خود می‌بینند، بهتر از آنچه باز پیشتر سروده، دلجویی و خاطرنوازی می‌کرد که:

من شکسته خاطر از شروانیان، وز لفظ من
خـــاک شـــروان، مـــومیایی‌بخش ایران آمده

دردا و دریغـــا که گروهی ناآگاه و فریفته یا مأمور و معذور نیز در گوشه و کنار کشور همین گفته‌ها را تکرار می‌کنند و خواسته و ناخواســـته آب در آسیاب دشمن می‌ریزند و حتا برخی کســـان با افتخار از آتیلا و چنگیز بعنوان شاهان و پدرانشان یاد می‌کنند و خود را گرگ‌زاده و از تبار گرگ به‌شمار می‌آورند. ضَعُفَ‌الطالب و المطلوب! گویی آن سرزمین چنان سترون و خالی از مردان مرد بوده که نه آتورپاتی به چشم دیده، نه شاه اسماعیل و ستارخان و باقرخانی و نه ثقۀالاسلام و باکری و شهریاری. همان شاه اسماعیلی که در روز آغاز سلطنت، خود را جمشید و فریدون و کیخسرو خواند و تا مرز جان در برابر متجاوزان ایســـتاد و حاضر شد زنش تا پایان عمر در دست لشکر عثمانی به اســـارت برود، اما یک وجب از خاک کشور لگدکوب سم اسبانشان نشود و همان ستارخانی که چون در تنگنای هجوم دشـــمن قرار گرفت و با این پیشنهاد روبه‌رو شـــد که: «برای دراماان ماندن، پرچم روسیه را بر فراز خانه‌ات نصب کن» گفت: «من می‌خواهم هفت اقلیم زیر پرچم ایران باشد، من زیر بیرق روس بروم؟» و همان ثقۀالاسلام که در برابر لشکر روس ایستاد و سر به دار داد اما تن به ذلت نســـپرد و حتا در این حد نیز حاضر نشد که نامه‌ای امضا و حضور موقت روسها را توجیه کند؛ و شهریاری که دیوان حجیمش بیانگر عشقی پاک و دردمندانه به ایران و تاریخ و ادبیات آن اســـت و از سر باور سروده است: «به خون دانی چه بندم نقش ایران» و همان باکری و هزاران دلیر چون او که این گفته را به عمل آوردند و با خون پاکشان سند آزادی و سربلندی و استقلال این کشور را امضا کردند. نه، آن دیار و دیگر بخشهای این سرزمین هیچ‌گاه خالی از شیران شرزه نبوده است.

می گفتی ای عزیز: «سترون شده‌ست خاک!»
اینـــک بـــبین بـــرابـــر چـــشم تـــو کـــیـــستند
هـــر شـــب بـــه غـــارت طـــوفـــان رونـــد و باز
بـــاز آخـــریـــن شـــقـــایـــق ایـــن بـــام نـــیـــستند

... ایران‌دوســـتی نه به منزله شیفتگی بیمارگونه به محدوده جغرافیایی خاصی اســـت که از فرات تا سند و از جیحون و کُر تا خلیج فـــارس امتداد دارد و نه دل بســـتن به توهمات نژادی و زبانی است؛ بلکه به معنای بزرگ شـــمردن و مهر ورزیدن بـــه فرهنگ و تاریخی است که «مهمترین رکن شخصیتی ایران»بوده و این ملت کهنسال با اتکا بر آن، با همه فراز و فرودهایی که داشته، «هیچ‌گاه رشـــته استمرار حیاتش گسسته نشده است»؛ فرهنگی که از آغاز بر پایه خردمندی، مهرورزی، تسامح و آزاداندیشی، سختکوشی و دین‌باوری، پرهیزگاری، آزادگی و درستکاری، راستگویی و دلیری و از همه مهمتر خداشناسی، یکتاپرستی و جهان‌دوستی بنیاد نهاده شده، بالیده و استوار گردیده است؛ هرچند ما فرزندان ناخلفی بوده و به راه دیگری رفته باشیم! فرهنگی که فرمانروایش می گوید: «من اهوره‌مزداپرست بودم و هر کس اهوره‌مزدا را بپرستد، برکت با او خواهد بود، هم در زندگی و هم پس از مرگ» و همان‌جا می گوید: «اهوره مزدا به من یاری کرد؛ از آن‌رو که: بدخواه نبودم، از دروغ پیروی نکردم، ستم نورزیدم، با درستکاری رفتار کردم؛ نه بر ناتوان ستم روا داشتم و نه بر نیرومند» (کتیبه داریوش در بیستون) و در جای دیگر می گوید: «به خواســـت اهوره مزدا من چنانم که راستی را دوست می‌دارم و از دروغ بیزارم، من نمی‌خواهم توانا بر ناتوان ستم کند؛ همچنین دوست ندارم که به حقوق توانا از کارهای ناتوان آسیب رسد» (کتیبه نقش رستم) و شاه دیگرش می گوید: «به مالداری مردم رشک مبرید، به کسانی رشک برید که از گناهان پرهیز می‌نمایند.» (پاسخنامه قباد، جاویدان خرد) و شاه دیگرش می گوید: «نیکوترین ادبهای مردمان آن است که مرد به فضیلت خود فخر نکند و از هنرهای خود نگوید و بر کسی که زبردستی ندارد، اظهار قدرت نکند و بر دانش خود به جد باشـــد.» (هوشنگ، جاویدان خرد) و شاعر ملی‌اش نیز همین مضمون را به شعر درمی‌آورد:

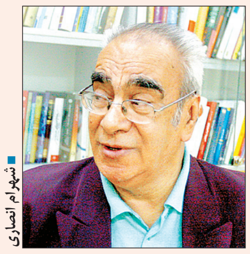
چـــو بـــر دانـــش خـــویـــش مـــهرآوری
خـــرد را ز تـــو بـــگـــســـلـــد داوری
هـــنـــرمـــنـــد کـــز خویشتن درشگفت
بـــمـــانـــد، هـــنـــر زو نـــبـــایـــد گـــرفت

ادامه دارد

پیرامون «ارتباط انسان ـ جهان» اثر علامه جعفری/ ۲

روی مرز فیزیک و فلسفه

شهرام تقی‌زاده انصاری


شهرام انصاری

بد نیســـت بدانیم که بیشتر فلاسفه در ضمن، دانشمندان خوبی در یک رشته علمی بوده‌اند همان‌طور که هایزنبرگ نیز گوشزد می‌کند و می‌گوید: «کسی که می‌خواهد فلسفه بداند باید ابتدا فیزیکدان خوبی باشد». به عبارت دیگر ابتدا باید طبیعت و جهان عینی را شناخت و بعد دنبال فلسفه رفت. استاد جعفری نیز به این مطلب پی‌برده بود که یک فیلسوف شرقی باید طبیعت و جهان مادی را نیز بشناسد و ضمناً باید از فلسفه غرب هم اطلاع داشته باشد تا بتواند به مسایل فلسفی آن و رابطه آن با متافیزیک بپردازد. این است که او از جوانی کوشش می‌کرد تا آنجا که برایش مقدور اســـت با جهان فیزیکی و مسایل جدید آن مانند: نسبیت، کوانتوم، پیدایش جهان و اصل عدم قطعیت آشـــنا شود. به‌این دلیل او در کنار فعالیت‌های دینی و فلسفی و انسانی خود با گروهی از اساتید دانشگاه مانند دکتر حسابی، دکتر هشترودی، پروفسور رضا و ... گردهمایی داشت تا بتواند از خرمن علوم جدید نیز خوشه‌ای بچیند. اینجانب نیز همیشه مطالب مهم و جالب فیزیک و فلسفه را هنگام دیدار با ایشان به او ارائه می‌دادم.

من برای آشنایی بیشتر با این کتاب سعی کردم، چهارچوب بحث‌ها و مسایل مطرح شده و فهرست مطالب و کلیات نظرات بزرگان علم و فلسفه را مشخص کرده و در هر مـــوردی یا بحثی فرازی از آنها را بازگو کنم تا خواننده چشم‌انداز خوبی به دست آورد.

از خواننـــدگان این معرفی‌نامه خواهشـــمندم عجولانـــه و بدون مطالعهٔ اصل کتاب ـ هرچند فقط ممکن است در کتابخانه‌های بزرگ قابل دسترس باشد ـ در مورد کتاب و اســـتاد جعفری قضاوت نفرمایند.


استاد جعفری

قصد من فقط معرفی کلی کتاب و نشـــان دادن اطلاعات وسیع استاد در زمینه فیزیک نظری، فلسفه غرب، سخت‌کوشـــی و پشتکار و روش او برای تألیف و نوشتن این کتاب در دوران جوانی (۲۴ تا ۳۰ سالگی) است تا راه و روش ایشان، الگویی برای جوانان و پژوهشگران ما جهت پیشبرد علم و دانش و فلسفه قرار گیرد.

لازم به اشارت اســـت که من زمانی که در دانشگاه برلین تحصیل می‌کردم (۱۳۵۹ ـ ۱۳۵۲)، بیشتر به دنبال مسایل فلسفی و شناخت شناسی فیزیک بودم ـ که در این رابطه مقالاتی هم ترجمه و نوشـــته‌ام ـ و کتابی به نـــام « از دموکریت تا هایزنبرگ» پیدا کردم که محتوای آن بسیار شبیه به محتوای کتاب استاد جعفری است . البته اختلافاتی میان آن دو وجـــود دارد از جمله: ادگار هونگر (Edgar Hunger) نویسنده کتاب چون منابع اصلی و دست اول دانشـــمندان و فلاسفه را در اختیار داشته بســـیار دقیق‌تر و منظم‌تر کار کرده و دیگر آنکه فهرســـت موضوعات را بر اساس مدخل‌های علمـــی ارائه داده و موضوع‌های مهم هرمدخل مانند: پیدایش علوم طبیعی، قانون طبیعت، آزمایش، تصویرجهان، مفاهیم اساسی، اصل بقاء انرژی ، اتم و ... و رابطه میان علوم و اخلاق ، علوم و تکنیک، علوم و مذهب ... را جداگانه از دیدگاه دانشمندان و فلاسفه به شکل مقاله کوتـــاه در آورده و در آن ترتیب تاریخی را نیز مدنظر قرار داده و بیشتر منظور او موضوع «شناخت» و مسایل آن در علوم بوده است. ولی منظور استاد جعفری بیشتر تعریف ماده فلسفی و جرم فیزیکی، رابطه علم و فلسفه، علم و دین، تعریف علم و فلسفه ، مسایل مهم فلسفه و انسان بوده است و آنها را در دوران‌های گوناگون تاریخی از یونان گرفته تا قرن بیستم شرح و نقد کرده است. اختلاف دیگر آنها این است که ادگار هونگر از ۶۰ فیلسوف و دانشمند مطلب آورده و استاد جعفری بزرگان بیشتری را در نظر گرفته ولی از هر کدام مطلب کمتری را نقل کرده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که هر دو سعی کرده‌اند مسایل مهم علم، فلسفه، دین، اخلاق و روابط میان آنها را نشان داده و به این نتیجه برسند که وحدتی میان علم و فلســـفه و دین و اخلاق وجود دارد که نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا کرد و برای معارف بشری و بشریت حایز اهمیت است. من سعی کرده‌ام فهرست مطالب مهم و دانشمندان و فلاسفه مهم کتاب « از دموکریت تاهایزنبرگ» von Demokrit bis (Heisenberg) انتشـــارات vieweg را در ادامه این پیشگفتار معرفی کنم تا بهتر بتوان به مشترکات این دوکتاب پی برد .

مسئله جالب دیگری که به چشم می‌خورد این است که هونگر کتاب خود را در سال ۱۹۵۸ برای نخستین‌بار چاپ کرده و استاد جعفری کتاب « ارتباط انسان ـ جهان» را در سال ۱۹۵۶ منتشر کرده است یعنی چند سال قبل از او، آن هم در طلبه جوانی در آسیا با فقر کتابخانه و زمینه کم فرهنگی.

فهرست مطالب اساسی «از دموکریت تاهایزنبرگ»

۱ـ کتاب اول: مفاهیم و روش
پیدایش علوم طبیعی
افلاطون: مفهوم علم
امپدوکلس: تامل در طبیعت
ارسطو: شناخت طبیعت
کپرنیک: حرکت زمین
گالیله: علم جدید
گالیله: برطرف کردن دیدگاه ارسطویی
نیوتن: کنار زدن مفاهیم ذاتی
نیوتن: قواعد تحقیق در طبیعت
کپلر: انگیزه مذهبی تحقیق طبیعت
آزمایش
فرانسیس بیکن: فن آزمایش تجربی
گالیله: تجربه به مثابه سوال از طبیعت
گالیله: تجربه به مثابه تایید فرضیه
نیکولای هارتمن: روش استقرایی
کانت: ارتباط آزمایش و اهمیت آن
کانت: تجربه و شناخت
گوته: روش نظاره دوگانه به طبیعت
گوته: استدلال با آزمایش

ادامه دارد

دکتر رسول جعفریان

کتاب عامل عقب‌ماندگی یا پیشرفت

همه ما هنوز عادت به کتاب داریم، هم روی کاغذ می‌نویسیم و هم آثارمان را چاپ می‌کنیم. اما باید بدانیم که مفهوم کتاب در حال تغییر است و بساط آن جمع خواهد شد. کتاب بیش از آن که عامل پیشرفت باشد، مانعی برای یافتن راههای جدید برای انتقال دانش است. هرچه بیشتر به کتاب دلبستگی داشته باشیم، راه پیشـــرفت را برای نسلهای آتی خواهیم بست. بیش از این معطل نکنیم.

این روزها نگرانی‌ها درباره کتاب بسیار زیاد است، سالهاست که از کتابخوانی و کاهش شدید آمار کتابخوان‌ها صحبت می‌شـــود. این که نه تنها کتابخوان کم شـــده، از شمار کتابفروشی‌ها کاسته شـــده که تیراژ کتابها هم بسیار پایین آمده است.



هرچه باشد، کتاب همچنان یکی از مهم تریـــن ابزارهای انتقال علم است و طبق مصاحبه وزیر آموزش و پرورش، همین امسال، ۱۳۰ میلیون کتاب برای دانش‌آموزان چاپ شده که اول سال در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

در این هم که کتاب نقش بی‌بدیلی برای انتقال علم داشته شک نمی توان کرد. این که هنوز میلیاردها انسان از طریق مطالعه، از افکار دیگران با خبر می‌شوند و بر معلوماتشان افزوده می‌شود. این که به خصوص نسلهای با سن و سال تر، حتی تصور این را نمی توانند بکنند که روزی بساط کتاب یکسره جمع شود و دیگر نتوانند آن را بخوانند یا به‌ندرت بتوانند به آن دسترسی داشته باشند.اما آیا واقعاً کتاب به این سبک و سیاق باقی خواهد ماند؟

کتاب چیزی جز یک ابزار نیست، ابزاری که هدف از کاربرد آن برای انتقال علم، ما را به استفاده از آن کشانده است. طبعا این ابزار بسیار مهم و پر سابقه است، اما چنین نیست که در طول تاریخ بی رقیب بوده باشد، رقبایی که گرچه تا به امروز نتوانسته‌اند آن را از صحنه خارج کنند اما حالا بیش از هر زمان خطرناک جلوه می‌کنند و برای کاغذ خط و نشان می‌کشند.

در سالهای اخیر تغییراتی در عالم علم و دانش پیش آمده است که رقبای جدی برای کاغذ و کتاب پدید آورده و هر چند هنوز نتوانسته آن را کاملا از میدان بدر کند، اما به مقدار زیادی خانه نشین کرده است. بســـیاری بر این باورند که هرگز این اتفاق نخواهد افتاد که کتاب یکسره کنار گذاشته شود، درســـت هم می‌گویند، اما همین که طی یک دهه گذشته، بلکه فقط در دو سه سال گذشته، این مقدار کتاب از چشم‌ها افتاده و نسل جدید کمتر با آن انس دارد، تحول بسیار بزرگی است که می‌تواند زنگ خطر جدی را برای نابودی کامل کتاب (شاید منهای پنج درصد تا یک درصد) باشد.

امروزه نه فقط ابزارهای دیگری به عنوان رقیب کاغذ به میدان آمده‌اند که کار خواندن و نوشتن را آسان‌تر می‌کنند، بلکه به لحاظ و با توجه به مفهوم «سرعت» که یکی از مهم ترین مفاهیم و کلیدی ترین آنها در تمدن جدید نسبت به تمدن‌های پیشین است، هیچ ضمانتی برای ماندن کتاب در عرصه انتقال علم بدست نمی‌دهد. کتاب برای افراد با سن و سال که از ابزارهای جدید کمتر استفاده کرده اند، البته بسیار آرام بخش و در انتقال مفاهیم از کاغذ به چشم و از آنجا به ذهن، با ارزش است، اما تضمینی وجود ندارد که نسل بعدی همین احساس بلکه عادت را داشته باشد. منتها چون معمولاً این قبیل افراد هستند که زبان جامعه ما هستند، نه جوانان که ساعتهای متوالی از روزهای خود را از طریق معلوماتی که از صفحه مونیتور با اندازه‌های مختلف می‌گذرانند هنوز آن بحث بر ما حاکم است.

من یکی وقتی چشمم به سه جلد کتاب می‌افتد که در باره موضوعی نوشته شده و شامل اسناد و تصاویر و متنهای فراوان است، حس می‌کنم این کار دشواری‌هایی در هزینه و فضا و کندی کار و نقل و انتقال و حفظ و حراست از آن دارد که در مقایسه با ابزارهای دیگر، اصلاً ماندن آن به صرفه نیست. وقتی در کتابخانه مجلس هر جایی بود برای کتابهای تازه اختصاص می‌دادیم، و هر روز مجبور بودیم فضای تـــازه‌ای را برای این کار در نظر بگیریم، در مقایسه با آن که بیش از بیست هزار جلد نسخه خطی و پانزده هزار کتاب ســـنگی و سربی در یک‌هارد جای می‌گرفت و یک فضای چند سانتی کار آن همه زیرزمین و مخزن را می‌کرد، چرا نباید فکر می‌کردیم که باید بساط کتاب را جمع کرد و از راه‌های دیگر برای انتقال علم استفاده نمود؟ تازه در این‌هارد می‌توان ده جور برنامه سرچ گذاشت، تصاویر را بهتر نگهداری کرد و اسناد را روشن‌تر و واضح‌تر خواند. خدای من. چرا ما به این امـــور این قدر بی‌توجهیم؟

از سوی دیگر بشر یک موجود اقتصادی است و دیـــر یا زود در خواهد یافـــت که باید راه‌های نزدیک تری برای مسأله کتاب بیابد که کم هزینه باشد. باید همه چیز را دیجیتالی کند، خود را از شر کتاب‌های گذشته راحت کند، و برای آینده، فکر تازه ای داشته باشد.

شـــاید نه فقط کتاب که مفهوم دانشگاه‌ها و فضای آموزشـــی هم دگرگون شود و ما مجبور نباشیم میلیونها دانش آموز را به ۱۳۰ میلیون کتاب وصل کنیم و هـــر روز همه آنها را در یک فضای بزرگ و بسته نشـــانده مجبور کنیم از روی کتاب بخوانند و حفظ کنند. این کار ممکن است روزی سبب عقب افتادگی دانسته شود و ما باید در این باره فکر کنیم. این که کتاب ابزاری برای عقب ماندگی باشد باید مورد توجه قرار گیرد. این مساله با توجه به تجربه جاری همه ما در این روزها با ابزارهای نوین انتقال علم، امور نامفهومی برای ما نیست. همه ما می‌دانیم که چه مقدار تغییر در این حوزه روی داده اما عادت اجازه تجدید نظر و برنامه ریزی تازه به ما نمی‌دهد.

متاسفانه تکنیک‌های جدید سخت افزاری در این حوزه در اختیار ما نیست و ما تنها استفاده کننده از آنها هستیم، اما منعی ندارد که در همین زمینه، اگر سخت افزار نداریم لااقل در حوزه نرم افزار تلاش کنیم و راه حل‌های تازه ای برای انتقال علم بیابیم و تجربه کنیم. معلمانمان را تشویق کنیم راه‌های تازه‌ای بیابند.

ما در ابزارهای جدید می‌توانیم افکارمان را با دیگران با سرعت هرچه تمام‌تر به اشتراک بگذاریم، بحث و جدل کنیم، اما کتابها را فقط باید می‌خواندیم و قرنها می‌گذشت و نمی‌توانستم روی آنها نقد و نظری جز به صورت ردیه نویسی تک نفره داشته باشیم. و چندین فایده دیگر که البته بزودی به آن توجه خواهیم کـــرد، اما وقتی که از دیگران کاملا عقب‌افتاده‌ایم.

البته بنده و شما می‌دانیم که تغییر در کشور ما به قدری کند اســـت و آنچنان غرق در آموزه‌های قدیمی هستیم که بسیاری‌مان صاحب این قلم را از راه بدر رفته خواهیم دانست و شاید خود بنده هم آن را تأیید کنم.

تقریر

امیررضا قبادی

زندگی خود نوشت مرحوم عطاردی

مسافرت به عتبات



مرحوم عطاردی

آشنایی با علماء دینی و نویسندگان و فرهنگیان من در دهـــهٔ ۱۳۴۰ به‌عنوان یک طلبه فعال و جستجوگر معروف بودم و در محافل علماء و رجال مذهبی تهران و فرهنگیان و دانشگاهیان رفت و آمد داشتم و از دانش و فضل آنها استفاده می‌کردم، کسانی که من با آنها ارتباط داشتم همه از نویسندگان و مؤلفان مشـــهور زمان بودند و عمری از آنها گذشته بود و دارای تجربه‌های مفید بودند.

موضوع فرهنگ خراسان مورد موافقت همه علماء و فضلاء و رجال علم و ادب بود، خراسانی و غیر خراسانی مرا در این کار تشویق می‌کردند و برای من آرزوی موفقیت می‌نمودند و اظهار می‌داشتند شما در جوانی به این کار دست زدید و خداوند شما را یاری می‌کند، شما از این کار خسته نشوید و عجله هم نکنید، زیرا وسعت منطقه و کثرت دانشمندان و رجال خراسان نیازمند وقت زیاد می‌باشد تا ابعاد آن بررسی گردد.

ایرانیان که با هواپیما از تهران به جدّه می‌رفتند، باید پس از اداء مناســـک حج با هواپیما و همان کاروانی که به حج رفته بودند به تهران باز می‌گشتند، و حق مسافرت به کشور دیگری نداشتند، ما از جدّه نتوانستیم به عتبات عالیات برویم و ناگزیر به ایران بازگشتیم.

پس از ورود به تهران در نظر گرفتم به عتبات عالیات هم مشرف شوم و زیارت خود را کامل نمایم، لذا در فکر مقدمات کار برآمدم، و تقاضای گذرنامه کردم، با فضل و لطـــف خداوند گذرنامه و ویزای عراق را بدست آوردم، و آماده مسافرت به دیار امامان معصوم‌علیه‌السلام گردیدم.

غرض از مسافرت و عتبات نخست زیارت ائمه اطهار علیه‌السلام بود که سالها در اشتیاق آن بودم و منتظر چنین روزی، دوم ملاقات با علماء و رجال دین و علم و فضیلت و فقها و مجتهدان و مراجع عظام بود و همچنین دیدن اساتید و محققان که در آن ایام در نجف اشرف حضور داشتند.

در پاییز سال ۱۳۴۱ عازم عراق شدم و با اتوبوس که هر روز از تهران به کاظمین می‌رفتند رهســـپار عتبات عالیات شدم، بلیت تهران تا کاظمین یکصد و پنجاه ریال بود، اتوبوس از تهران بیرون شد و از طریق قزوین و همدان به کرمانشاه رسید.

شب در کرمانشاه توقف کرد، روز بعد به مسیر خود ادامه داد و به قصر شیرین رسید در مرز خسروی تشریفات گمرکی انجام گرفت و ما وارد خاک عراق شدیم، در مرز منذریه عراق گذرنامه‌ها رؤیت گردید و بعد از طریق خانقین وارد بغداد شدیم، و اتوبوس در یکی از گاراژهای کاظمین توقف کرد.

ما دو شب در کاظمین اقامت نمودیم و امامین کاظم و جواد علیه‌السلام را زیارت کردیم، و از آنجا با یک وسیله نقلیه به نجف اشرف مشرف شدیم، و به مدرسه صدر نزد یکی از طلاب قوچانی که در آنجا حجره داشت و از قوچان با هم آشنایی داشتیم منزل نمودیم و حرم امیرالمؤمنین علیه‌الســـلام را زیارت کردیم.

درمحضر علامه تهرانی

من یک بار در تهران علامه جلیل‌القدر حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی را زیات کرده بودم و موقعیت ایشـــان را به خوبی می‌شناختم و به آثار علمی آن بزرگوار آشـــنایی داشتم بعد از زیارت مرقد مطهر امیر المومنین علیه‌السلام به دیدن ایشان رفتم، و بعد از احوال پرسی عرض کردم کتابی درباره حضرت عبدالعظیم حسنی نوشته‌ام و یک نسخه هم برای شما آورده‌ام فردا برای شما خواهم آورد.



فرمودند: فردا دیر است؟ هم اکنون این خادم که کارهای مرا انجام می‌دهد با شما به مدرسه صدر خواهد آمد و نســـخه را به ایشان بدهید برای من بیاورد و امشب آن را مطالعه نمایم، پس از ساعتی از محضر ایشان بیرون رفتم و خادم هم با من آمد و با هم به مدرســـه صدر رفتیم و من کتاب را به ایشـــان دادم. روز بعد خدمت ایشان رسیدم پس از احوال پرسی فرمودند من کتاب شما را دیشب بررسی کردم فصول و ابواب آن را دیدم و عناوین کتاب را مشاهده نمودم، شما در این کتاب شرح زندگی و روایات حضرت عبدالعظیم را به خوبی جمع کرده‌اید و تحقیق نموده‌اید.

شما در این کتاب سه موضوع را بررسی کرده‌اید و به خوبی از عهده آن برآمده‌اید، نخست شرح حال جامعی از حضرت عبدالعظیم و پدران و اجداد او تا امام حســـن مجتبی(ع) را به نحو احسن فراهم کرده‌اید.

دوم مسند عبدالعظیم حسنی را از منابع موجود استخراج کرده‌اید و در یک جا گرد آورده‌اید، سوم مشیخه عبدالعظیم را هم بر اساس همین روایات و احادیث آورده‌اید و آنها را یکایک معرفی نموده‌اید، کتاب در موضوع خود بسیار مفید و محققانه تألیف گردیده است.

من هنگام اقامت در نجف اشرف هفته‌ای دوبار با آن اســـتاد بزرگوار دیدار داشتم و از او راهنمایی می‌گرفتم، او در آن ایام پیرمردی سالخورده بود، ولی با همه ضعف و ناتوانی جسمی، نشاط علمی داشت و همواره در مســـند خود قرار داشت و به کارهای علمی مشغول بود، آن محقق بزرگوار اجازه روایتی به خط مبارک خود به اینجانب عنایت فرمود و این خود ره‌آوردی بزرگ بود.

درمحضر علامه‌امینی

با علامه محقق شیخ عبدالحسین امینی مؤلف گرانمایه کتاب جاودانی الغدیر در تهران آشنا شده بودم و با آن اســـتاد بزرگ و پژوهشگر کم‌نظیر در ارتباط بودم، شیخ عبدالحسین امینی رضوان‌الله علیه تابستان به ایران می‌آمدند و مدتی هم در تهران اقامت می‌نمودند، من در تهران در مجالس ایشان شرکت می‌کردم و از او راه و روش تحقیق را فرا می‌گرفتم.

آشنایی من با مرحوم امینی از سال ۱۳۳۵ که به تصحیح متون مشغول بودم، آغاز گردید و این آشنایی به دوستی و ارتباط با معظم له منجر گردید، پس از ورود به نجف اشرف در کتابخانه امیرالمومنین(ع) که توسط آن بزرگوار در نجف اشرف تأسیس شده بود رفتم و با ایشان دیدار نمودم، ایشان پشت میزی بزرگ نشســـته و کتاب‌های متعددی را در مقابل خود نهاده و به آنها مراجعه می‌کرد و یادداشت بر می‌داشت.

خدمت ایشان عرض کردم روی تاریخ خراسان کار می‌کنم و در نظر دارم تا در نجف اشرف اقامت دارم روزی چند ساعت در این کتابخانه به مطالعه و تحقیق ادامه دهم، پـــس از مذاکراتی که درباره برنامه‌های خود با معظم له صحبت کردم او به یکی از کارمندان کتابخانه‌فرمودند:

این آقای عطاردی مرد کار است، در کنار میز من میزی برای ایشـــان بگذارید، و هر کتابی را که خواست در اختیارش قرار دهید و مساعدت کنید، در این هنگام میزی برای من نزدیک آن استاد بزرگوار و محقق عظیم‌الشأن نهادند و ما مشغول مطالعه و تحقیق روی موضوع مورد نظر شدیم.

من در کتابخانه امیرالمومنین منابع فراوانی برای کار خود یافتم و راهنمایی‌های لازم را از مرحوم امینی دریافت نمودم، او مرا در کارها بسیار تشویق می‌کرد و با تشویق و ارشاد ایشان چند کتاب تألیف و ترجمه کردم که در بخش تألیفات این جانب در همین نوشته خواهد آمد.

ســـفر علمی این حقیر از نجف اشرف آغاز گردید، در این شهر با علماء و اهل تحقیق که در آن ایام تعدادشانٍ در این شهر مقدس قابل توجه بود آشنا شدم، معمولاً کتابخانه‌ها محل رفت و آمد اهل علم و ادب هستند و در آن محیط سخن از کتاب و مطالعه و تحقیق می‌شود، من از محیط نجف اشرف و کتابخانه امیرالمؤمنین بسیار استفاده کردم.

آشنایی بامراجع شیعه در نجف اشرف

در دهه ۱۳۴۰، فقها و مراجع بزرگ شیعه در نجف اشرف عبارت بودند از آقایان حاج سید محسن حکیم، حاج سید ابوالقاسم خویی و حاج سید محمود شاهرودی که از مشاهیر بی‌شمار بودند، و حوزه درس و بحث داشتند، من هنگام مسافرت به نجف اشرف چند نسخه از مسند حضرت عبدالعظیم حسنی را با خود بردم.

هنگامی که به زیارت مراجـــع بزرگ رفتم نسخه‌ای از این کتاب را هم به آقایان هدیه نمودم، از این رو مورد عنایت و توجه قرار گرفتم، در این میان حضرت آقای حکیم و همچنین حضرت آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی رضوان‌الله علیهما اجازه روایتی به این جانب مرحمت فرمودند.

ادامه دارد

زبانزد/ گیتا کلانکی



گور جدا خانه جدا

* گنج و مار و گل و خار و غم و شادی به همند.
* گندم از گندم بروید جو ز جو.
* گندم اگر لاغر بشود باز هم اسمش گندم است.
* گندمت چون آرد شد در آسیا لنگر مکن.
* گندم خوردیم از بهشت بیرونمان کردند.
* گندم را رها کن تا گندت را رها کنم!
* گندم، گلِ گندم، گلِ گندم، کور خود هستم و بینای مردم!
* گندم نبری به خانه چون جو می‌کاری.
* گندم نتوان درود چو جو کاری.
* گندم همه جا و نام گندم جا به جا.
* گنده بغل را چه سود عنبر و لادن.
* گنه را عذر شوید جامه را آب.
* گنهکار پشیمان را نبخشیدن ستم باشد.
* گنه کرد در بلخ آهنگری
به شوشتر زدند گردن مسگری!
* گنه کرده را پند پیش آورم
چو دیگر کند بند پیش آورم
* گنه کنند گاوان، کدخدا دهد تاوان!
* گواه عاشقِ صادق در آستین باشد.
* گور بابایَ هر چی خره!
* گور جدا، خانه جدا.
* گور را پهلوی گور می گذارند برای آبادی.
* گورم کجا بود تا کفنم باشد؟
* گورش مادّهٔ تاریخ شده است.
* گوساله که بزرگ بشود می‌شود گاو
* گوساله به روزگار گاوی گردد.
* گوساله به گاو می‌رود، دختر به مادر.
گوساله به نردبان،اشتر به قفس!
* گوسفند به پای خودش، بز به پای خودش.
* گوسفند به صحرا کردم که چیزی بخورد، چیزی بیامد و گوسفند بخورد.
* گوســـفند به فکر جان است و قصاب به فکر دنبه!
* گوسفند را برای کشتن فربه کنند.
* گوسفند را در آغل می‌شمارند.
* گوسفند کشته از پوست کندن دردش نمی‌آید.
* گوســـفند که از گلّه، جدا شد نصیب گرگ می‌شود.
* گوسفند که بی‌شبان بماند گرگان قصد گلّه کنند.
* گوسفند یک شـــقّه‌اش حرام نمی‌شود یک شقّه‌اش حلال.
* گوش اگر گوش تو و ناله اگر نالهٔ ماست
آنچه البته به جایی نرسد فریاد است
* گوش باشد گوشواره بسیار است.
* گوشت بُز هر قدر چرب‌تر باشد چرب‌تر از دُنبه‌نیست.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه اول مهرماه ۱۳۵۴ (برابر ۱۶ رمضان ۱۳۹۵، ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۵) نقل شده است.

میلیاردها ریال وام پرداخت میشود

شرکت سرمایه گذاری ملی ایران با ده میلیارد ریال سرمایه اولیه شروع بکار میکند و در مدت ۳ سال سرمایه آن به ۲۰ میلیارد ریال افزایش می یابد.

سهامداران عمده این شرکت که برای خرید سهام واحدهای تولیدی کشور به مردم وام می پردازد بانک مرکزی، بانک ملی، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، بانک توسعه کشاورزی، بیمه مرکزی و بیمه ایران هستند.

شرکت سرمایه گذاری ملی ایران پس از تشکیل به مردم در تأمین منابع مالی برای فعالیت‌های اقتصادی ـ از جمله گسترش مالکیت صنعتی ـ کمک می کند و وام در اختیار کارگران، کشاورزان، فرهنگیان، افراد ارتشی و کارمندان و کارکنان دولتی قرار میدهد.

هزاران کامیون در خاک ترکیه برای ورود به ایران نوبت گرفته‌اند

وزیر بازرگانی و اقتصاد دانمارک که برای بازدید از سومین نمایشگاه بین المللی تهران و انجام مذاکرات بازرگانی با مقامات ایران بتهران آمده است دیشب در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد برای ایجاد تسهیلات در کار حمل ونقل صد هزار خانه پیش ساخته از طریق ترکیه به ایران در سمیناری که در ماه آینده با حضور هوشنگ انصاری وزیر امور اقتصادی و دارائی ایران در این کشور تشکیل میشود، شرکت خواهد کرد.

در حال حاضر چندین هزار کامیون که انواع کالاهای تجاری را از راه ترکیه به ایران حمل می کنند، به سبب کثرت ترافیک و نبود امکانات، در خاک ترکیه منتظر نوبت برای ورود به ایران هستند.

راه‌بندان بزرگ در تهران

همچنانکه پیش‌بینی شده بود، ترافیک پایتخت امروز، در آغاز سال تحصیلی ۵۴ـ۵۵ و همزمان با تغییر ساعات کار بانک‌ها و ادارات به اوج پریشانی خود رسید. در تعداد زیادی از خیابان‌ها حرکت کاملا متوقف شد و مردم مسیری را که تا دیروز نیم ساعته طی می کردند امروز دو ساعته پیمودند.

امروز حدود دو و نیم میلیون دانش آموز، دانشجو، کارمند دولت و بخش خصوصی و پیشه‌ور بهنگام عزیمت به مدارس، موسسات آموزش عالی و محل کار خود با راه‌بندان بیسابقه‌ای مواجه شدند، و بهمین جهت کار مدارس، دانشگاهها، ادارات و مغازه‌ها از یک تا دو ساعت دیرتر از حد معمول آغاز شد.

قطار تهران ـ مشهد با ۸ مسافر

تعداد مسافرین تهران ـ مشهد به نحو محسوسی کاهش یافته و قطار تهران ـ مشهد، دیروز بعدازظهر فقط هشت نفر مسافر داشت و بهمین علت از تهران بسوی مشهد حرکت نکرد.

دیروز قطار مسافربری که قرار بود ساعت ۷ و ۳۵ دقیقه بعدازظهر از تهران به‌سوی مشهد حرکت کند بعلت اینکه فقط دارای هشت نفر مسافر بود و همچنین از مشهد نیز اطلاع داده بودند که برای مراجعت با همین قطار در صبح روز بعد نیز کسی بلیط مسافرت از مشهد به تهران نخریده، حرکت خود را به تعویق انداخت و از مسافرین خواسته شد که با بلیط‌های دیروز، امروز بعدازظهر بسوی مشهد حرکت کنند.

بهای عمده‌فروشی کالا پائین آمد

شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در شهریور ماه گذشته نسبت به ماه قبل ۳/۱ درصد پائین آمد. این شاخص نسبت به شهریور و اسفند سال ۵۳ به ترتیب ۱/۵ درصد و ۳/۴ درصد کاهش نشان می دهد.

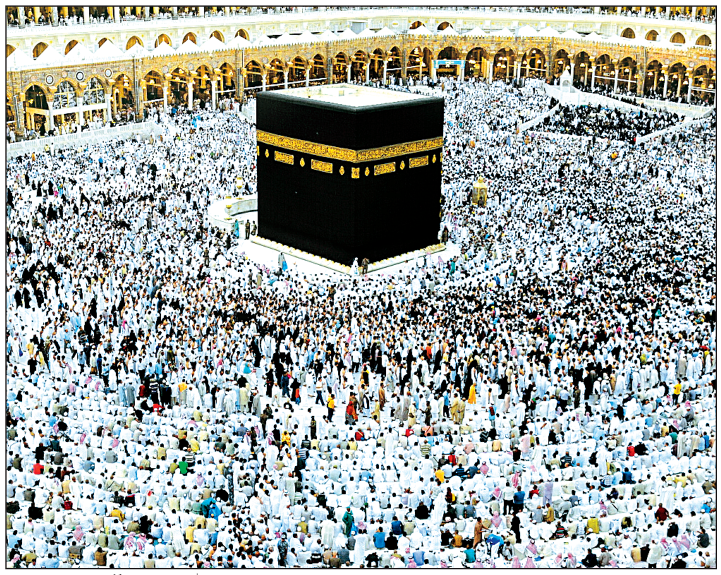
این شاخص پس از حذف نوسانات فصلی ۳/۹ درصد پائین‌تر از شاخص ماه قبل قرار دارد.

همسر یک ثروتمند تهرانی، در هتل هیلتون کلفتی میکند!

همسر یک مرد ثروتمند خانه شوهرش را ترک کرده و در هتل هیلتون بعنوان پیشخدمت استخدام شد.

شوهر این زن که صاحب یک کارخانه بزرگ موزائیک‌سازی است و میلیون‌ها ریال سرمایه دارد، در دادسرای تهران شکایتی تسلیم دائره شکایات کرد و از مسئولان قضائی خواست تا همسر فراری‌اش را به خانه باز گردانند.

قاب امروز



طواف بیت الله الحرام در آستانه عید قربان

سرایه

گه احرام، روز عید قربان
سخن می گفت با خود کعبه، زینسان
که من، مرآت نور ذوالجلالم
عروس پرده بزم وصالم
مرا دست خلیل الله برافراشت
خداوندم عزیز و نامور داشت
نباشد هیچ اندر خطه خاک
مکانی همچو من، فرخنده و پاک
مرا زین حال، بس نام‌آوری هاست
به گردون بلندم، برتری هاست
بدو خندید دل آهسته، کای دوست
ز نیکان، خود پسندیدن نه نیکوست
چنان رانی سخن، زین توده گل
که گویی فارغی از کعبه دل
تو را چیزی برون از آب و گل نیست
مبارک کعبه‌ای مانند دل نیست
تو را گر ساخت ابراهیم آذر
مرا بفراشت دست حی داور
تو را گر آب و رنگ از خال و سنگ است
مرا از پرتو جان، آب و رنگ است
تو را گر بنده‌ای بنهاد بنیاد
مرا معمار هستی، کرد آباد
تو جسم تیره‌ای، ما تابناکیم
تو از خاکی و ما از جان پاکیم
تو را گر غرق در پیرایه کردند
مرا با عقل و جان، همسایه کردند
درینجا رمز، رمز عشق بازی است
جز این نقشی، هر نقشی مجازی است
درین گرداب، قربان هاست ما را
به خون آلوده، پیکان هاست ما را
تو خون کشتگان دل ندیدی
ازین دریا، به جز ساحل ندیدی
چه محرابی است از دل با صفاتر
چه قندیلی است از جان روشناتر
خوش آن کس، کز سر صدق و نیازی
کند در سجدگاه دل، نمازی

پروین اعتصامی

۳۹۶۰ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

تئاتر	مادر موزه‌های ایران		عشوه / خوش پوش		شهری در فارس / اعمال حسنه		تعجب زنانه / ساز زن، خنیاگر	قوم آتیلا
ت								
نوعی قطع کتاب						تکرار حرف سی‌ام / عایدی		
		فوق دیپلم / حرف صدا دار						
گل سرخ / نیز			آشکار / بالا پوش بلند					سبزی پیچیده
ق				ماشین جنگی / خداوند				
شهر گلاب / ماشین خاکبرداری					الگو			
					عاشورا			
بی طاقت		لایه محافظ دندان	ریاضی‌دان سوئیسی	گرانمایه				
عهد / مهربان								
م								
اثر نیما یوشیج / کال								

ملی پوش دوچرخه سواری	اثری از خواجه نصیرالدین	نیرنگ / زمین آذری	خ	خاک سفالگری / بالا رفتن	ر	جوان / حق دلالی	ب	امداد رسانی
ح	م	ی	د	ع	س	ک	ر	ی
نام درختی است	ع	ر	ع	ر	محلی در مکه / اخگر	م	ن	ا
عیش مطلوب	ی	بیدار / لوله گوارشی	ه	و	ش	ی	ا	ر
ک	ا	م	زنگ / پسوند شباهت	ج	ر	س	مقابل نسیه	ی
د	ر	ر	و	مربع مشت زنی / صفحه نمایش	ر	ی	ن	گ
راه خروج / روزها	ا	ی	ا	م	بردباری . سنگینی	و	ق	ر
پ	ل	مولف تاریخ اجتماعی / پایتخت لسوتو	ر	ا	و	ن	د	ی
معبر رودخانه / مادر عرب	ا	م	روز آینده	ن				
شفا دهنده	ش	ا	ف	ی				
تنگدستی	ع	س	ر	ت				
زبان مردم پاکستان / واحدی در وزن	ا	ر	د	و				
خ	ر	و	ا	ر				

حل ۳۹۵۹

امروز در تاریخ

جنگ ایران و روم بر سر آبخازیا و اخراج رومیان از قفقاز

۲۳ سپتامبر سال ۵۴۲ میلادی و در زمان پادشاهی خسرو انوشیروان، ارتش ایران شهر بندری سوخامی (تسوخامی) در آبخازیا را از رومیان پس گرفت. رومی ها که نام این شهر (پایتخت کنونی آبخازیا) را به سباستوپولیس تغییر داده بودند پیش از عقب نشینی از شهر، بسیاری از ساختمان ها و از جمله ارگ شهر را ویران کردند. ارگ ویران شده شهر که بعدا بر اثر پیشروی دریا به زیر آب فرو رفت اخیرا توسط باستانشناسان شناسایی شده است. دولت ایران پس از اخراج رومیان، به جای مرمت عمارات خراب شده و در معرض خطر توفان دریایی، محله های تازه‌ای ساخت و بر شهر اضافه کرد. از جمعیت فعلی این شهر کمتر از پنج درصد شان گرجی هستند و مابقی آبخیزستانی، روس، ارمنی و .... ارتش ایران مرکب از هنگهای سوار زرهپوش (سربازان دارای روپوش فلزی و کلاه خود آهنی) در این عملیات رومیان را از بندر باطوم (پترا) نیز بیرون راندند بگونه‌ای که دیگر، رومی در قفقاز باقی نماند.

ده هزار تومان دستمزد ماهانه، شرط نایب السلطنه شدن ایران!

مجلس شورا یکم مهر ماه ۱۲۸۹ خورشیدی با اکثریت آراء ناصرالملک را که مقیم لندن بود به عنوان نایب السلطنه ایران انتخاب کرد. ناصرالملک برای قبول این مسئولیت، درخواست هر ماه ده هزار تومان حقوق کرده بود و گفته بود که چون از سیاست و اوضاع جهان آگاه است و سواد بیشتری دارد باید دو برابر عضدالملک که فاقد این اطلاعات بود دریافت دارد و دولت اجبارا قبول کرد و ناصرالملک با دریافت قول دولت رهسپار تهران شد. عضدالملک نخستین نایب السلطنه سلطان احمد شاه که ایلخان قاجار بود بر اثر بیماری در گذشته بود. نایب السلطنه تا رسیدن احمد شاه به سن قانونی وظایف سلطنت را انجام می داد.

کشف سیاره «نپتون»

بیست و سوم سپتامبر سال ۱۸۴۶ دانشمند آلمانی «یوهان گفرید گال» سیاره «نپتون» را که دورترین فاصله را از خورشید دارد کشف کرد. نپتون که سطح آن از انواع گاز و بخار پوشانده شده هر ۱۶۵ سال یک بار خورشید را دور می زند و دارای هشت قمر است. روزهای نپتون ۱۶ ساعت و هفت دقیقه است.

www.iranianshistoryonthisday.com

سودوکو ۱۴۴۷

۴	۸				۹			
	۲	۳				۷	۱	
		۱	۳	۶				۸
		۴		۷		۳		
۳				۴	۲	۹		
	۹	۷				۶	۵	
			۶				۳	۲
		۲						

۱	۴	۳	۷	۵	۲	۹	۶	۸
۹	۶	۸	۱	۴	۳	۷	۵	۲
۷	۵	۲	۹	۶	۸	۱	۴	۳
۳	۱	۴	۲	۸	۷	۵	۹	۶
۵	۷	۹	۳	۱	۶	۲	۸	۴
۲	۸	۶	۴	۹	۵	۳	۱	۷
۶	۳	۱	۵	۲	۴	۸	۷	۹
۴	۹	۷	۸	۳	۱	۶	۲	۵
۸	۲	۵	۶	۷	۹	۴	۳	۱

حل ۱۴۴۶